

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

عربی زبان قرآن (۱)

رشته‌های ریاضی و فیزیک – علوم تجربی – ادبیات و علوم انسانی – فنی و حرفه‌ای و کارشناسی

کتاب معلم
(راهنمای تدریس)

پایه دهم
دوره دوم متوسطه

۱۳۹۵



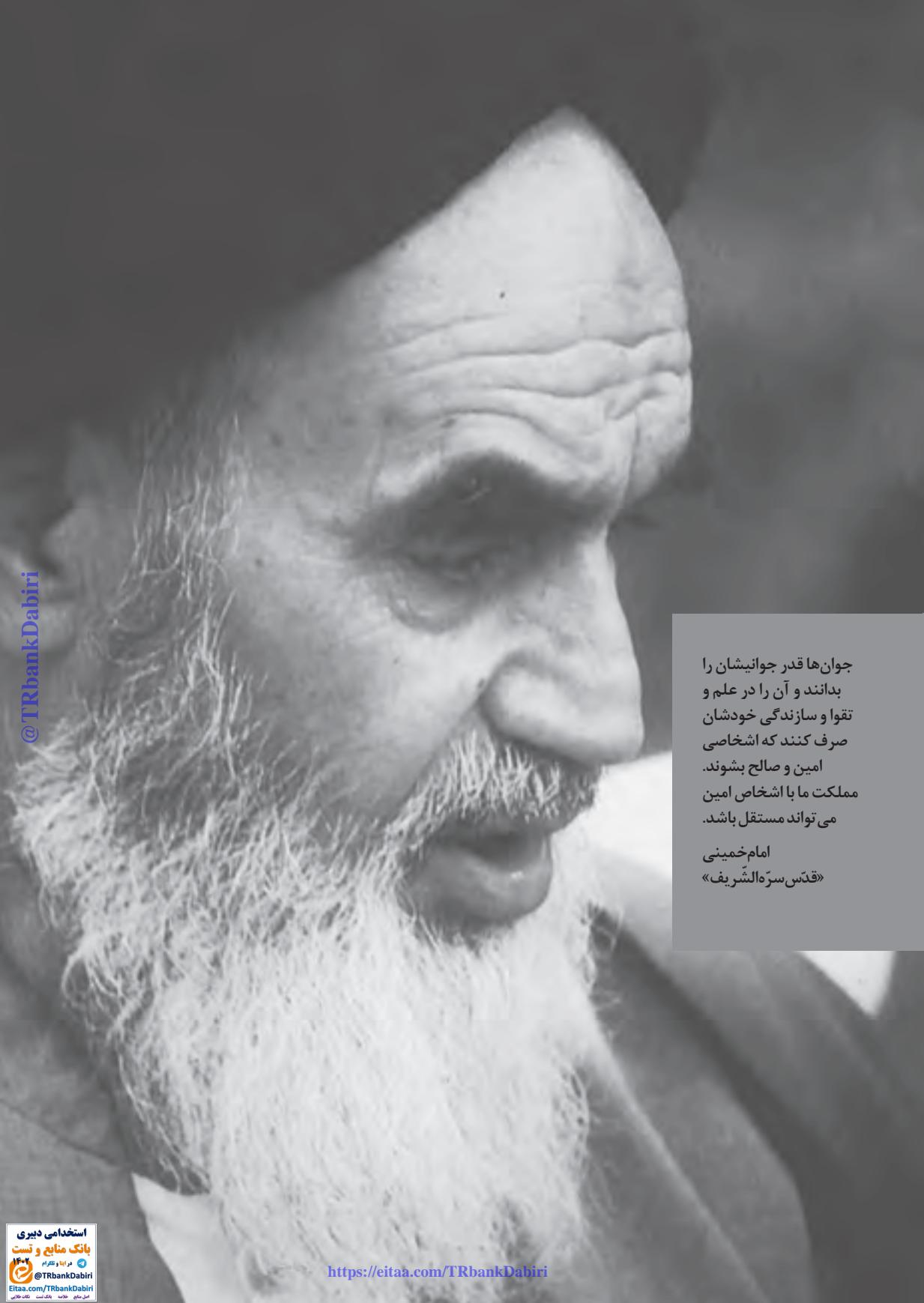
وزارت آموزش و پژوهش

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

نام کتاب:	کتاب معلم عربی زبان قرآن (۱) پایه دهم دوره دوم متوسطه - ۱۱۰۳۶۹
پدیدآورندۀ:	سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف:	دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری
شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف:	محی‌الدین بهرام محمدیان، حبیب تقاوی، علی چراغی، حسن حیدری، سید‌محمد دلبری، سید‌مهدی سیف (اعضای شورای برنامه‌ریزی)
مدیریت آماده‌سازی هنری:	عادل اشکوس، ایاز عجاجی، فاطمه یوسف‌نژاد (اعضای گروه تألیف)
شناسه افزوده آماده‌سازی:	اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی
نشانی سازمان:	لیدا نیک‌روش (مدیر امور فنی و چاپ) - جواد صفری (مدیرهنری) - شهرزاد قنبری (صفحه‌آرا)
نیازمندی:	سید‌هفاطمه طباطبائی، مهلا مرتضوی، وجیهه برادران سادات، سیما‌لطفى، سپیده ملک‌ایزدی، مریم دهقان‌زاده، راحله‌زادفتح‌اله (امور آماده‌سازی)
نامه انتشار:	تهران : خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پژوهش (شهید موسوی)
نامه انتشار:	تلفن: ۰۲۱-۱۱۶۱-۸۸۸۳۱، دورنگار: ۰۲۱-۸۸۳۰۹۲۶۶، کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹
نامه انتشار:	ویگاه: www.irtextbook.ir و www.chap.sch.ir
ناشر:	شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران: کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروپخت) تلفن: ۰۲۱-۵۱۶۱-۴۴۹۸۵۱۶۰، دورنگار: ۰۲۱-۳۷۵۱۵-۱۳۹
چاپخانه:	شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»
سال انتشار و نوبت چاپ:	چاپ اول ۱۳۹۵

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۰۵-۲۶۲۳-۱

ISBN: 978-964-05-2623-1



جوان‌ها قدر جوانیشان را
بدانند و آن را در علم و
تفوّق و سازندگی خودشان
صرف کنند که اشخاصی
امین و صالح بشوند.
ملکت ما با اشخاص امین
می‌تواند مستقل باشد.

امام خمینی
«قدس‌سرهالشّریف»

الفهیس

مقدمه

۱	بخش اول: اهداف کلی برنامه درسی عربی و شبکه مفهومی
۵	بخش دوم: روش‌ها و منابع یاددهی - یادگیری
۱۳	بخش سوم: طرح درس
۲۱	بخش چهارم: بارم‌بندی و نمونه سؤال امتحانی
۳۹	بخش پنجم: نمونه سؤال امتحان نوبت اول و دوم عربی زبان قرآن (۱)
۴۸	بخش ششم: نمونه سؤال امتحان نوبت اول و دوم عربی (۱) رشته ادبیات و علوم انسانی
۵۷	بخش هفتم: توضیحات مشترک در تدریس عربی زبان قرآن پایه دهم همه درس‌های کتاب
۱۱۹	بخش هشتم: محتوای کتاب‌های عربی زبان قرآن درسی پایه دهم و چگونگی آموزش درس‌ها
۱۲۰	الدَّرْسُ الْأَوَّلُ
۱۳۴	الدَّرْسُ الثَّالِثُ
۱۴۷	الدَّرْسُ الثَّالِثُ
۱۶۷	الدَّرْسُ الرَّابِعُ
۱۷۵	الدَّرْسُ الْخَامِسُ
۱۸۴	الدَّرْسُ السَّادُسُ (عربی زبان قرآن)
۱۹۶	الدَّرْسُ السَّادُسُ (علوم انسانی)
۲۰۴	الدَّرْسُ السَّابِعُ (عربی زبان قرآن) الدَّرْسُ الثَّاَمِنُ (عربی علوم انسانی)
۲۱۳	الدَّرْسُ السَّابِعُ (عربی علوم انسانی)
۲۲۲	الدَّرْسُ الثَّامِنُ (عربی زبان قرآن)
۲۲۸	پاسخ پرسش‌های دیبران
۲۳۰	چهل حدیث با ترجمه شعری از حضرت علی علیہ السلام
۲۳۸	معرفی منابع
۲۴۵	طرح پشت جلد

مقدمه

برنامه‌ریزان درسی به هنگام تدوین برنامه‌های شان تلاش می‌کنند تا رویکرد تألیف کتاب جدید و نیز روش‌های تدریس مورد انتظار خود را تبیین کنند؛ اما گاهی نتایج ارزشیابی از برنامه‌های درسی مختلف، نشان‌دهندهٔ فاصلهٔ میان برنامهٔ قصدشده و برنامهٔ اجرا شده است. یکی از اسنادی که در این باره می‌تواند تا حدودی فاصلهٔ میان نظر و عمل تربیتی را در نظام آموزشی بکاهد کتاب «راهنمای معلم» است.

در نظام آموزشی ایران، معلمان برای تدریس عموماً به کتاب درسی متکی هستند و به پیروی از محتوای عرضه شده قناعت می‌کنند و کمتر دربارهٔ شیوه‌های تدریس و یادگیری و امکان تعديل محتوای کتاب درسی و مطابقت آن با نیازهای دانش‌آموزان می‌اندیشند. گاهی حتی برخی به کتابی که خودشان در دورهٔ دانش‌آموزی خوانده‌اند یا کتابی که قبلاً تدریس داشته‌اند وفادار می‌مانند. برای برخی معلمان بسیار سخت است که شیوهٔ تدریس خود را تغییر دهند. این گروه اندک، هرچه را قبلاً آموخته‌اند درست می‌دانند و حاضر به دست برداشتن از شیوه‌های منسخ نیستند. هنوز دبیرانی هستند که درس عربی را فقط صرف فعل ماضی، مضارع، امر و نهی و صرف ضمایر و اسماء اشاره و ... می‌دانند. برای این گروه، مهارت‌های شنیدن، خواندن و سخن گفتن بی معناست؛ زیرا در گذشته، خودشان نیز اینگونه آموزش دیده‌اند. با تغییر رویکرد کتاب‌های درسی عربی به صورت «پرورش مهارت‌های چهارگانهٔ زبانی به منظور فهم بهتر قرآن و متون دینی و زبان و ادبیات فارسی» بسیاری از دبیران تاکنون در دورهٔ اول متوسطه در پی دانش‌افزایی خویش برآمده‌اند.

برخی دبیران فرصت انتخاب و تنظیم فعالانهٔ محتوا را ندارند و به شکل طبیعی به افزایش ظرفیت‌های حرفة‌ای خود برای مداخلهٔ به‌هنگام و تأثیرگذار نیازی حس نمی‌کنند. آگاهی از رویکرد و شیوه‌های تدریس کتاب نونگاشت، لازم است. تدریس بدون اطلاع داشتن از اهداف کتاب درسی، موفق نیست.

فلسفه آموزش عربی در ایران چیست؟

در اصل شانزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اینگونه آمده است:

«از آنجا که زبان قرآن و علوم و معارف اسلامی عربی است و ادبیات فارسی کاملاً با آن آمیخته است؛ این زبان باید پس از دوره ابتدایی تا پایان دوره متواتر در همه کلاس‌ها و در همه رشته‌ها تدریس شود».

در «برنامه درسی ملی» در مورد قلمرو حوزه درس عربی چنین آمده است:

«...آشنایی با زبان عربی و مشخصاً مهارت‌های چهارگانه زبانی، یعنی خواندن، گوش کردن، نوشت و سخن گفتن در این حوزه به میزانی است که دانش‌آموز را در درک معنای آیات قرآن کریم، کلام معصومین و متون دینی و فرهنگ اسلامی کمک کند و در تقویت زبان فارسی او مؤثر باشد».

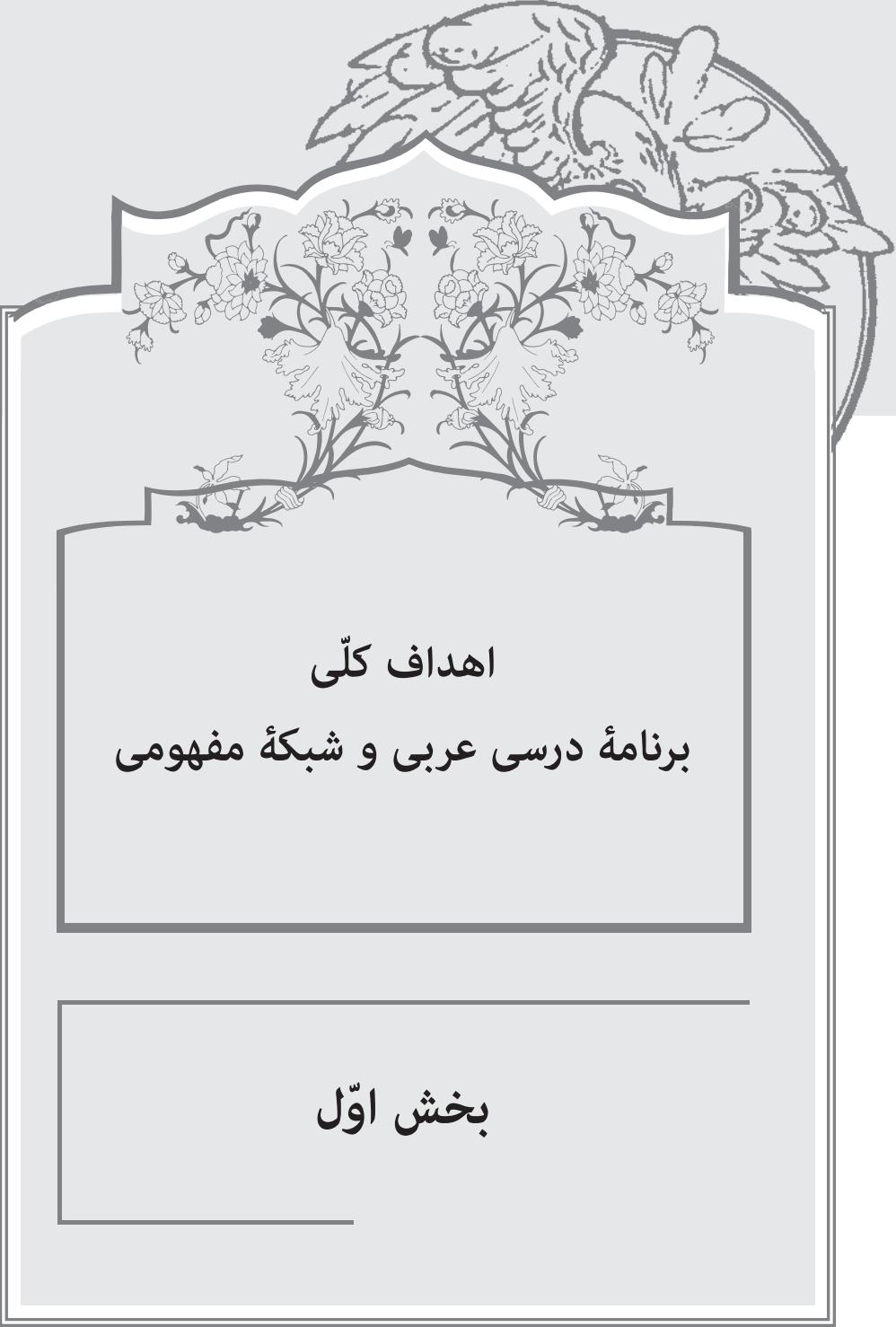
در « برنامه درسی عربی » نیز درباره رویکرد و شیوه نگارش کتاب درسی آموزش زبان عربی چنین آمده است:

۱. رویکرد «پرورش مهارت‌های زبانی برای فهم عبارات و متون اسلامی و کمک به فهم بهتر زبان و ادبیات فارسی» و حاکمیت‌بخشی درک مطلب، کاربرد واژگان و متن محوری به جای قاعده محوری.

۲. کاستن از حجم قواعد و چشم‌پوشی از قواعدی که امکان نادیده گرفتن آنها در این فرایند آسیبی به رویکرد فهم عبارت و متن وارد نمی‌سازد؛ در عوض توجه بیشتر به متن و واژگان پرکاربرد و کلیدی.

شاپیستگی مورد نظر برنامه درسی عربی از دانش‌آموزان:

برنامه درسی زبان عربی انتظار دارد دانش‌آموزان بتوانند در پایان دوره اول متواتر به فهم عبارات کوتاه و ساده به کار رفته در متون دینی و ادبی و در پایان دوره دوم متواتر به فهم ساختارها و متونی با گستردگی بیشتر نسبت به دوره اول متواتر دست یابند. دانش‌آموز در دوره اول متواتر حدود ۸۲۰ واژه پرکاربرد زبان عربی را یاد می‌گیرد. با احتساب جمع‌های مکسر، تعداد واژگان حدود ۸۵۰ واژه است. این واژه‌ها علاوه بر اینکه در زبان عربی پرسامد هستند در متون دینی و ادبی ما نیز کاربرد فراوان دارند. کلمات به کار رفته در کتاب‌های عربی هفتم تا دهم، پرکاربردترین واژگان زبان عربی است که در قرآن، حدیث، روایات و زبان و ادبیات فارسی بسیار به کار رفته‌اند. در کتاب عربی زبان قرآن (۱) حدود ۳۵۰ کلمه پرکاربرد به کار رفته است و افزون بر آن، نزدیک به ۸۵۰ واژه کتاب‌های عربی پیشین نیز در کتاب دهم تکرار شده‌اند؛ پس در واقع هدف این کتاب، آموزش حدود ۱۲۰۰ واژه پرسامد زبان عربی است. حدود ۵۵۰ واژه از ۸۵۰ واژه سه کتاب دوره اول متواتر کاربرد قرآنی دارند. در دوره دوم متواتر نیز چنین است.



اهداف کلی

برنامه درسی عربی و شبکه مفهومی

بخش اول



شبکه مفهومی کتاب‌های عربی دوره اول متوجه

عبارات اهداف در این جدول به صورت مفاهیم و مهارت‌های است و با عنایت به ساختار شبکه‌ای نوشته شده است.

دهم	نهم	هشتم	هفتم	پایه	نحو
آموزش حدود ۳۵۰ واژه و اصطلاح پرکاربرد و ساده‌و تکرار واژگان پایه هفتم و واژگان عربی دوره اول متوجه (در مجموع حدود ۱۲۰۰ کلمه پرکاربرد)	آموزش حدود ۲۰۰ واژه و اصطلاح پرکاربرد و ساده‌و تکرار واژگان پایه هفتم (در هشتم (با جمع‌های مکسر در مجموع ۸۵۰ کلمه)	آموزش حدود ۲۰۰ واژه و اصطلاح پرکاربرد و ساده‌و تکرار واژگان پایه هفتم (در مجموع حدود ۶۰۰ کلمه)	کلمه و اصطلاح پرکاربرد و ساده	آموزش حدود ۴۰۰ کلمه و اصطلاح پرکاربرد و ساده	واژگان ^۱

۱- کلماتی مانند کاتِب، مکتوب، مکتب و مکاتَبَه که یک مدخل واژگانی مشترک دارند؛ در شمارش واژگان چند واژه محسوب می‌شوند، مگر اینکه داشت آموز قواعد آنها را فرا گرفته باشد. همچنین کلماتی مانند (و، قَبْلَ بِ فی، مِن، لَا و ...) که بسیار ساده‌اند؛ نیز محسوب می‌شوند. در گزینش واژگان، کلمات پریسامد مذکور است. از به کارگیری واژگان کم‌کاربرد پرهیز می‌گردد. واژه‌های استفاده شده در دروس مختلف یک پایه و نیز در پایه‌های بعد تکرار می‌گردند تا به تدریج ملکه ذهن دانش‌آموز شود.

۲- واژگان مشترک در هر دو زبان به عنوان واژگان جدید محسوب نمی‌شوند؛ مانند: کتاب، دفتر، قلم، مدرسه، معلم. اما واژگانی مانند «عامل» که در هر دو زبان به کار می‌رود؛ ولی معنای متفاوت از هم دارد و در کتاب درسی به معنای «کارگر» می‌آید به عنوان واژگان جدید است.

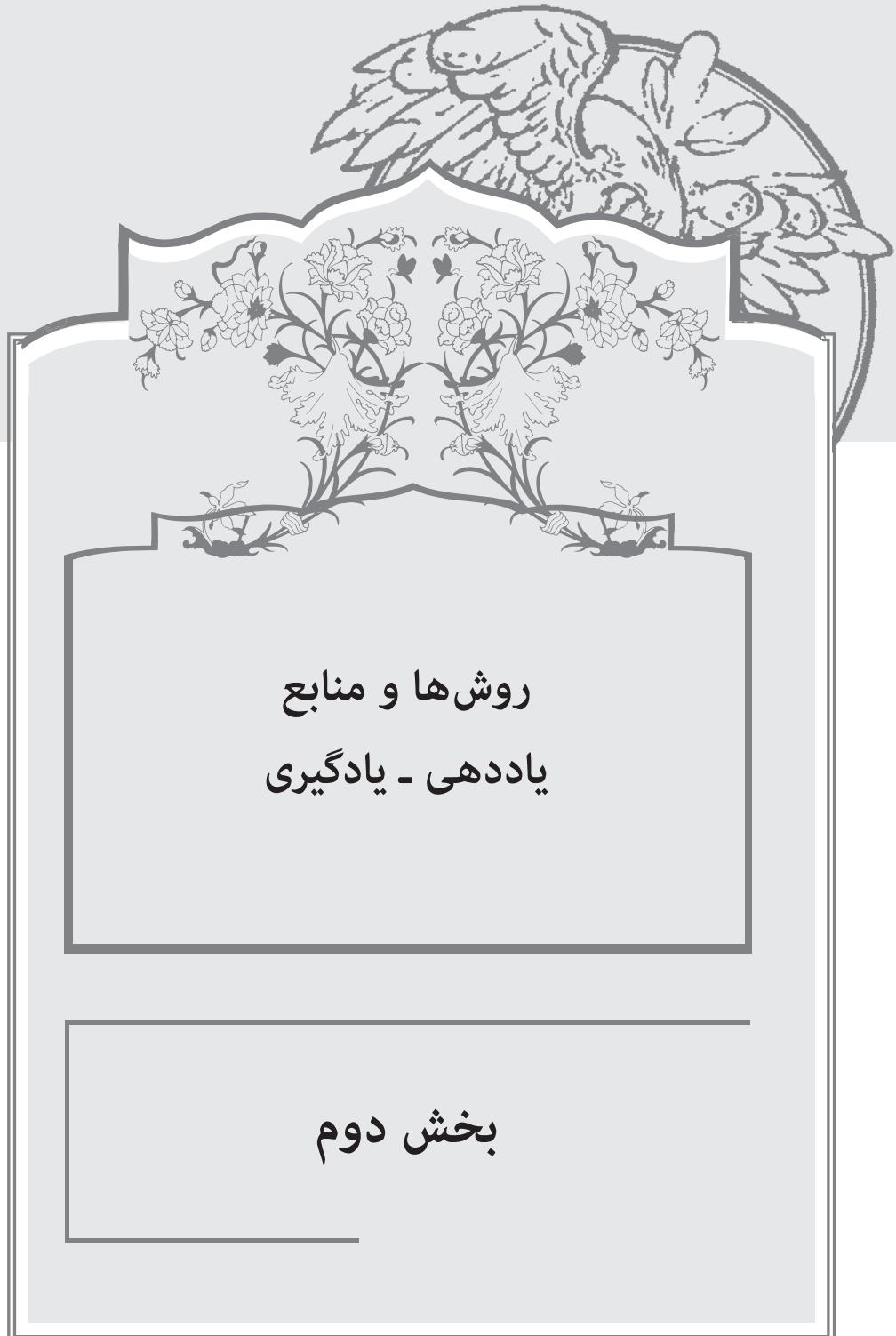
۳- در گزینش واژگان به پریسامد بودن آن در قرآن، متون معارف اسلامی و زبان و ادبیات فارسی توجه لازم می‌گردد.

<p>- نام عربی صیغه برای رشته‌های علوم انسانی و علوم و معارف اسلامی ذکر نمی‌شود. (در سایر رشته‌ها نام صیغه ذکر نمی‌شود).</p> <p>- تکمیل مبحث اعداد که قبل از تا ۱۲ خوانده شده و اعداد اصلی تا صد و ترتیبی تا بیستم ادامه می‌یابند.</p> <p>- فعل هایی که معادل ماضی اول شخص مفرد آنها بیش از سه حرف است به همراه مصدرهایشان. (ثلاثی مزید) در رشته‌های علوم انسانی و علوم و معارف اسلامی نام ثلاثی مزید و مجرد ذکر نمی‌شود، ولی در سایر رشته‌ها خیر.</p> <p>- جمله اسمیه (تشخیص مبتدا و خبر) و جمله فعلیه (تشخیص فعل، فاعل و مفعول) معانی حروف جر و تشخیص جار و مجرور در رشته انسانی و معارف ذکر مرفوع، منصوب، مجرور و مجزوم در اعراب کلمات از اهداف است ولی در سایر رشته‌ها نیست.</p> <p>- نون و قایه</p> <p>- مشتقات (اسم فاعل، اسم مفعول و اسم مبالغه)</p>	<p>- فعل امر</p> <p>- فعل نهی^۱</p> <p>- معادل ماضی استمراری</p> <p>- ترکیب اضافی و وصفی^۲</p> <p>- ساعت‌خوانی</p> <p>- وزن و حروف اصلی</p>	<p>- فعل مضارع^۳</p> <p>- بقیه ادوات استفهام^۴ (لماذ، متن، گیف)</p> <p>- اعداد ترتیبی یکم تا دوازدهم^۵</p> <p>- فعل مستقبل^۶</p> <p>- ادوات استفهام^۷</p> <p>- اسم از نظر عدد و جنس^۸</p> <p>- اعداد اصلی یک تا دوازده^۹</p>	<p>- اسم اشاره^{۱۰}</p> <p>- فعل ماضی^{۱۱}</p> <p>- ادوات استفهام^{۱۲}</p> <p>- ترجمة داشتن (عندی...).</p>
--	---	--	--

ساختار
زبان

- ۱- اسم اشاره به نزدیک و دور همراه مشار الیه آن. اسم اشاره مثنی دور تدریس نمی‌شود.
- ۲- هدف تها شناخت فعل ماضی است و ساخت آن مذکور نیست.
- ۳- ۳- هل، این، مُن، ما، گم (بقیه کلمات پرسشی در پایه هشتم تدریس من گردید).
- ۴- مفرد، مثنی و جمع مذکور سالم، جمع مؤنث سالم، جمع مکث. در بحث جنس تنها به تاء تأثیث اشاره می‌شود.
- ۵- بدون توجه به قواعد عدد و محدود و در حد واژگان جدید. آموزش اعداد اصلی و ترتیبی تنها در قالب واژه‌های جدید است. در شیوه تألیف، تدریس و ارزشیابی اعداد اصلی و ترتیبی از پاره‌ای قواعد که تجربه نشان داده است یادگیری را دچار اشکال جدی می‌نماید صرف نظر می‌شود؛ مانند ذکر واژگوی‌های محدود ۳ تا ۱۰ یا ۱۳ تا ۱۹ و عده‌های اصلی صرفاً به صورت معروف (مذکور) در تصریف و به دنبال آن در ارزشیابی می‌آید.
- ۶- هدف شناخت فعل مضارع است و ساخت آن مذکور نیست.
- ۷- کلمه پرسشی گم در پایه هفتم در کار بحث اعداد یک تا دوازده تدریس شده است.
- ۸- بدون توجه به قواعد عدد و محدود و در حد واژگان جدید
- ۹- در امر و نهی فقط صیغه‌های مخاطب تدریس می‌گردد.
- ۱۰- در حد فهم معنا و بدون رویکرد قاعده‌ای. برای فهم ترکیبات مخلوط مانند « أخي العزيز»؛ ساخت ترکیب‌ها مذکور نیست.

<p>ساخت ترکیب‌ها مد نظر نیست در رشته‌های علوم انسانی و علوم و معارف اسلامی نام اعراب کلمات، یعنی مرفوع، منصوب، مجرور و مجزوم ذکر می‌شود ولی در سایر رشته‌ها خیر.</p> <p>- آیات کلام الله مجید؛</p> <p>- احادیث معصومین؛</p> <p>- یک شعر عربی؛</p> <p>- داستان کوتاه؛</p> <p>- ضرب المثل؛</p> <p>- آداب و مهارت‌های زندگی؛</p> <p>- در مراکز زیارتی و دیدنی؛</p> <p>- ضرب المثل؛</p> <p>- سبک زندگی و آداب و مهارت‌های زندگی؛</p> <p>- متن علمی؛</p> <p>- متن اجتماعی؛</p> <p>- متن ادبی.</p>	<p>- آیات کلام الله مجید؛</p> <p>- احادیث معصومین؛</p> <p>- یک شعر عربی؛</p> <p>- داستان کوتاه؛</p> <p>- ضرب المثل؛</p> <p>- آداب و مهارت‌های زندگی؛</p> <p>- در مراکز زیارتی و دیدنی؛</p> <p>- ضرب المثل؛</p> <p>- سبک زندگی و آداب و مهارت‌های زندگی؛</p> <p>- متن علمی؛</p> <p>- متن اجتماعی؛</p> <p>- متن ادبی.</p>	<p>- آیات کلام الله مجید؛</p> <p>- احادیث معصومین؛</p> <p>- داستان کوتاه؛</p> <p>- رنگ‌های اصلی؛</p> <p>- روزهای هفت‌هه؛</p> <p>- ارزش‌ها و فرهنگ جامعه.</p>	<p>- آیات کلام الله مجید؛</p> <p>- احادیث معصومین؛</p> <p>- داستان کوتاه؛</p> <p>- رنگ‌های اصلی؛</p> <p>- روزهای هفت‌هه؛</p> <p>- ارزش‌ها و فرهنگ جامعه.</p>	<p>متون و عبارات فعلی.</p>
<p>- آشنایی با همدیگر؛</p> <p>- در فروگاه؛</p> <p>- گفت‌وگو با راننده در شهر زیارتی؛</p> <p>- در هتل.</p>	<p>- نحوه درخواست؛</p> <p>- بدان(اوقات شبانه روز، ماه و...);</p> <p>- احترام به قوانین جامعه مانند راهنمایی و رانندگی؛</p> <p>- در سفر زیارتی.</p>	<p>- معرفی افراد به همدیگر؛</p> <p>- وعده‌های غذایی؛</p> <p>- پرسش از زمان و پاسخ بدان(اوقات شبانه روز، ماه و...);</p> <p>- پرسش از علت چیزی و پاسخ بدان؛</p> <p>- پرسش از چگونگی کاری یا چیزی؛</p> <p>- مشاغل و پرسش از شغل.</p>	<p>- سلام و احوالپرسی؛</p> <p>- آشنایی با همدیگر؛</p> <p>- خدا حافظی؛</p> <p>- تعارفات؛</p> <p>- در شهرهای زیارتی؛</p> <p>- در بازار؛</p> <p>- پرسش از جای چیزی یا کسی.</p> <p>- آدرس پرسیدن؛</p> <p>- پرسش از ماهیت چیزی و نحوه پاسخ بدان؛</p> <p>- پرسش از کیستی و پاسخ به آن و معرفی خود؛</p> <p>- پرسش از رنگ.</p>	<p>مهارت سخن‌گفتن</p>



اصول یاددهی- یادگیری

- راهبردهای یاددهی- یادگیری باید بتواند بستر شایسته را برای برآوردن اهداف برنامه درسی و تربیتی در راستای شکوفایی فطرت توحیدی و دستیابی به مراتبی از «حیات طیبیه» فراهم کند. برای اجرای این مهم افزون بر اصول ناظر بر برنامه‌های درسی و تربیتی، اصول حاکم بر انتخاب راهبردهای یاددهی- یادگیری به شرح زیرخواهد بود:
- ۱ امکان درک و تفسیر پدیده‌ها؛ وقایع و روابط را در موقعیت‌های واقعی زندگی تدارک ببیند، (بند ۹ برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران) طوری که شرایط را برای درک و تصمیم‌گیری در مورد مسائلی که دانش‌آموزان در موقعیت‌های مختلف با آن مواجه می‌شوند با رعایت نظام معیار اسلامی فراهم کند.
 - ۲ انگیزه دانش‌آموزان را از طریق کاوشگری در تلاش مداوم برای یافتن پاسخ پرسش‌هایی درباره پدیده‌ها، وقایع و روابط آنها شکوفا و تقویت کند.
 - ۳ امکان درک و تفسیر قوانین کلی حاکم بر هستی و رابطه‌های علت و معلولی یا وابستگی پدیده‌ها را همراه با افزایش بصیرت در دانش‌آموزان فراهم کند.
 - ۴ فرصت‌هایی را تدارک ببیند که شایستگی‌های کسب شده در فواصل زمانی توسعه دانش‌آموز مرور و تصمیماتی برای تعديل، بازنگری یا ادامه مسیر یادگیری توسط او اخذ شود.
 - ۵ فرصت لازم برای پیوند نظر و عمل، تلفیق دانش و تجربیات پیشین با یادگیری‌های جدید را به صورت یکپارچه و معنادار به منظور تحقیق ظرفیت‌های وجودی دانش‌آموزان و توسعه شایستگی‌ها فراهم کند.
 - ۶ با بهره‌مندی فزون‌تر از روش‌های فعال، خلاق و تعالی‌بخش و با سازماندهی نوآورانه و خلاق فرایند جمع‌آوری و انباشت حقایق، زمینه ساختن علم و معرفت را فراهم نماید.
 - ۷ صرفاً به انتقال دانش محدود نشده است، بلکه زمینه تولید علم از سوی دانش‌آموزان را با تأکید بر مشارکت آذان در مفهوم، تدارک ببیند.

۸ زمینه تعامل مؤثر دانشآموزان را با معلم، همسالان و انواع محیط‌های یادگیری فراهم کند.

۹ زمینه بهره‌گیری هوشمندانه از فناوری‌های نوین آموزشی را فراهم نماید و استفاده از آنها را با نگاه تقویتی و تکمیلی یا توانمندسازی نه نگاه جایگزینی و واگذاری دنبال کند.

اصول یاددهی - یادگیری در درس عربی پایه دهم به گونه‌ای سامان داده می‌شود که:

۱ آموزش به صورت فعال و با مشارکت گروهی دانشآموزان اجرا شود.

۲ چگونه آموختن و چگونه اندیشیدن و چگونه به حل مسئله پرداختن به دانشآموز، آموزش داده شود.

۳ معلم برای اطمینان یافتن نسبت به اعتبار فرایند یاددهی - یادگیری افرون بر ارزشیابی دانشآموزان نسبت به ارزشیابی از فعالیت‌های خود مبادرت ورزد.

۴ آموزش زبان عربی با هدف پرورش مهارت‌های زبانی صورت می‌گیرد. در این میان، نقش ترجمه و فهم عبارات و متون برجسته می‌گردد. در کتاب عربی دهم هدف این است که دانشآموز درست بخواند و معنای فارسی عبارات عربی را بفهمد.

۵ تذکر مهم: در جدول وسعت و توالی، هرجا سخن از قواعد آمده است؛ قاعده محضور مورد نظر نیست، بلکه هدف این است که با مطالعه آن نکته فهم زبان حاصل گردد.

۶ در شیوه‌های نوین آموزش عربی به مهارت خواندن، شنیدن و فهمیدن توجه بیشتر می‌شود.

۷ سنجش مهارت‌های زبانی بر این مبنای صورت می‌گیرد:

روان‌خوانی، ترجمه عبارات از عربی به فارسی، یادگیری عبارات و مصطلحات پریسامد و مهم زبان عربی برای تقویت مهارت سخن‌گفتن (به صورت پرسش و پاسخ میان دبیر و دانشآموز یا در میان دانشآموزان) در مورد مهارت نوشتن از آنجا که الفبای فارسی و عربی تقریباً یک است، ارجاع به وجوده تمایز و اختلافات املایی کفايت می‌کند.^۱

۱- مثلاً کلمه آیه در فارسی آیه یا آیت نوشته می‌شود، و مُناجاة: مناجات؛ تربیت: تربیة؛ علی: علی؛ استوا: استوا و ...

شیوه‌های و فعالیت‌های مناسب یاددهی - یادگیری

شیوه‌های مناسب یاددهی - یادگیری با توجه به اهداف و رویکردهای برنامه انتخاب و به کار گرفته می‌شود. در این راهنما تنها به اصول کلی شیوه‌های یاددهی - یادگیری اشاره می‌شود.

اصول کلی شیوه‌های یاددهی - یادگیری عبارت است از:

■ **قرائت:** در درس عربی روخوانی جایگاه خاصی دارد؛ از این رو، معلم باید از توانایی درست خوانی و روان خوانی برخوردار باشد تا بتواند متناسب با رویکرد اهداف و اصول برنامه آموزش دهد. تلفظ صحیح حروف «ث، ح، ذ، ص، ض، ط، ظ، ع، ق، و» آموزش داده می‌شود. حرف «ک» در عربی و فارسی نیز تا حدودی فرق دارد. با توجه به اینکه در نماز خواندن تلفظ درست مخارج حروف اهمیت دارد، لذا دبیر عربی به این بخش توجه دارد.^۱

■ **ترجمه:** نظر به جایگاه ارزشمند ترجمه در آموزش زبان عربی شایسته است از الگوها و شیوه‌هایی کارساز برای آموزش ترجمه بهره گرفته شود. گاهی استفاده از زبان فارسی در تفهیم فنون ترجمه کارآمد است؛ مانند تطبیق انواع فعل در دو زبان، به همین منظور بخش فن ترجمه به منظور آموزش مفاهیم بنیادین فنون ترجمه در کتب درسی آمده است. در همین کتاب منابع تخصصی زبان و ادبیات عربی معروفی شده‌اند.

■ **قواعد:** قواعد کاربردی به عنوان اصلی اساسی مورد توجه برنامه‌ریزان، مؤلفان و معلمان قرار می‌گیرد. در یادگیری هر زبانی آموزش قواعد لازم است. در کتاب‌های درسی ایران به این نکته کمتر توجه شده است که آنچه یک دانش‌آموز عرب در زمینه قواعد نیاز دارد با نیاز یک دانش‌آموز ایرانی فرق دارد. توجه به قواعد کاربردی و یافتن شاهد از متن مورد تأکید است. در این باره شایسته و بایسته است که:

۱ از تأکید بر حفظ قواعد پرهیز گردد؛ در آموزش عربی طرح چنین سؤالی در

۱- در کتاب معلم متون و عبارات با تلفظ صحیح قرائت می‌شوند.

امتحان نادرست است: (ماضی استمراری را تعریف کنید). سؤال درست این است که ترجمه‌های این عبارت خواسته شود: (کانَ أَخِي يُسَاعِدُ زُمَلَاءَهُ أَيَّامَ الْمَدْرَسَةِ). وقتی که دانشآموز بتواند این جمله را ترجمه کند معناش این است که معادل ماضی استمراری را در عربی شناخته است.

۲ الگوی دانشآموز محور انتخاب گردد؛ تدریس متکلم وحده در آموزش زبان نادرست است.

۳ بر روش‌های اکتشافی و پرسش و پاسخ در این بخش در یادگیری تأکید شود؛ آنچه را دانشآموز با راهنمایی معلم دریابد و خودش پی‌ببرد سپس تمرین کند، برایش ملکه ذهن می‌شود.

۴ به آموخته‌های پیشین دانشآموزان توجه گردد. دبیری که از ۸۵۰ کلمه دوره اول متوسطه بی‌اطلاع است و نمی‌داند که فراغیر قبلًاً چه قواعدی را خوانده است در تدریس با دشواری رو به رو می‌شود.

۵ قواعد عربی به دستور زبان فارسی پیوند بخورد و آموزش قواعد برای فهم بهتر بومی‌سازی شود؛ برای نمونه، وقتی می‌خواهیم فعل مجھول (گُتب و یُكْتب) را آموزش دهیم، بدیهی است که نخست باید فعل مجھول فارسی (نوشته شد و نوشته می‌شود) را تفهیم کرد.

۶ به امثال و حکم در این حیطه استشهاد شود؛ زیرا از زیباترین سخنان در هر ادبیاتی هستند و در زبان عربی زیباترین شاهد از قرآن و حدیث است.

۷ پاره‌ای از مباحث دستوری در دریافت معنا تأثیر چندانی ندارند؛ لذا برخی قواعد حذف می‌شود. مانند بحث غیر منصرف که برای دانشآموز ایرانی به ویژه در رشته ریاضی و تجربی و فنی سودی ندارد و تنها موجب طرّاحی سؤالات معمامگونه و پیچیده می‌شود.

۸ قواعد باید خدمتگزار فهم عبارات و متون باشند؛ زیرا رویکرد کتاب‌های جدید عربی بر پایه مهارت‌های چهارگانه زبانی و متن محور است؛ قاعده باید به این مهم کمک کند.

■ تمرین‌ها: در هر درس، تمرینات مناسبی طراحی شده است. در طرح تمرین به اصل مهم تثبیت آموخته‌ها توجه شده است. پاسخ به تمرینات هر درس نشانگر میزان موقّقیت معلم و دانش‌آموز در فرایند یاددهی- یادگیری است؛ لذا انتخاب روش‌های فعال و مشارکتی در تمرینات، گریزناپذیر است. معلم در این بخش نقش راهنمایی را ایفا می‌نماید.

ارتباط افقی برنامه با سایر حوزه‌های یادگیری

در میان دروس دوره دوم متوسطه درس عربی زبان قرآن با دروس زیر پیوند یا همانندی بیشتری دارد:

۱ دین و زندگی

۲ زبان و ادبیات فارسی

۳ زبان انگلیسی

ارتباط این دروس با درس زبان عربی از نوع نظری یا عملی است که به آنها اشاره می‌شود.

۱ دین و زندگی: از برنامه درسی دین و زندگی و قرآن دوره دستان و دوره اوّل متوسطه انتظار می‌رود:

■ توانایی لازم را برای درست‌خوانی و روان‌خوانی طی آموزش قرآن در دوره ابتدایی و دوره اوّل متوسطه ایجاد کند.

■ در زمینه ترجمه و درک و فهم آیات قرآن کریم دقّت شود آنجا که دریافت معنا وابسته به یادگیری ساختارهای زبانی جمله و نیز ذخیره واژگانی است، بستر این موضوع پیش از درس دین و زندگی و قرآن در درس زبان عربی فراهم شده باشد؛ به عنوان نمونه می‌توان به انواع فعل اشاره کرد.

■ به هنگام استشهاد به آیات، احادیث و روایات به آموخته‌های درس عربی دانش‌آموزان توجّه شود.

■ در محدوده قواعد صرفی و نحوی و فنون ترجمه که مربوط به درس عربی است،

دخلات نشود و درس آموزش قرآن وظيفة اصلی و مقدس قرائت صحیح را بر عهده گیرد. وظيفة تدبر در قرآن بر عهده درس دین و زندگی و آموزش زبان بر عهده درس عربی است.

■ در نگارش کتاب‌های نونگاشت به متون موجود در کتب عربی توجه شود که هم‌زمان در کتاب عربی و دین و زندگی، قرآن یا ادبیات تکرار نشود. متن تکراری نشان‌دهنده ناهماهنگی برنامه‌ریزان است.

۲ زبان و ادبیات فارسی: از برنامه درسی زبان و ادبیات فارسی انتظار می‌رود:

■ برجایگاه مهم یادگیری زبان عربی به عنوان زبان دین و فرهنگ اسلامی طی متونی در کتاب درسی تأکید کند و لزوم یادگیری زبان عربی را در جهت فهم عمیق‌تر و مؤثرتر زبان و ادب فارسی یادآور شود.

■ در بیان پیوند میان دو زبان و اهتمام ایرانیان به زبان و ادبیات عربی نمونه‌هایی از اشعار ملّمع شاعران و شاهکارهای ادبی نشنویسان ایرانی به زبان عربی را در محتوای آموزشی بگنجاند.

■ از آنجا که عربی، انگلیسی و فارسی سه زبان هستند؛ همکاری میان این سه گروه لازم است. شباهت گروه درسی عربی به دو گروه زبان و ادبیات فارسی و گروه انگلیسی از این نظر که آموزش زبان است بیشتر از دیگر گروه‌های درسی است.

۳ زبان انگلیسی: از برنامه درسی زبان انگلیسی انتظار می‌رود در بخش گرامر به کتب دستور زبان فارسی و بخش قواعد عربی مراجعه کند تا در صورت امکان در تقدّم و تأخّر برخی نکات اقدام کند؛ مثلاً بحث معلوم و مجھول یا جمله شرطی، ترکیب اضافی و وصفی، ضمایر مفعولی و بسیاری از بحث‌های دیگر در هر سه زبان عربی، فارسی و انگلیسی مشترک است. همچنین توجه به متونی که در هر سه کتاب آمده است. شایسته است متون این کتاب‌ها تکراری نباشد. همچنین از آنجا که عربی، انگلیسی و فارسی سه زبان هستند؛ همکاری و تبادل تجربیات به لحاظ همانندی گروهی میان این سه گروه لازم است. این سه گروه می‌توانند تجربه‌های سودمند خود را در زمینهٔ شیوه‌های نوین و کارآمد در اختیار هم‌دیگر بگذارند.

توصیه‌های اجرایی برنامه

شیوه‌های گسترش و تقویت برنامه درسی

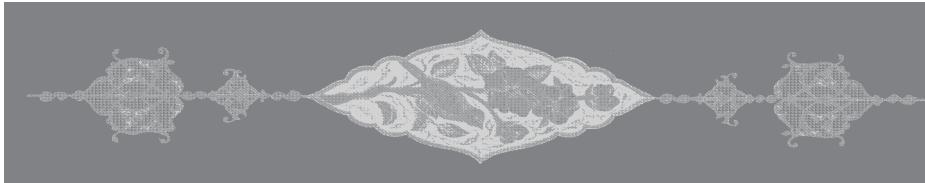
- ۱ استفاده از بسته آموزشی: بسته آموزشی متون و برنامه‌های آموزشی‌ای است که برای برآوردن اهداف برنامه درسی یک درس تولید و در قالب‌های گوناگونی عرضه می‌شود؛ شامل کتاب درسی، راهنمای تدریس معلم، نرم‌افزار بر فراز آسمان، کتاب‌کار، کتاب‌گویا، اعلان، فلش‌کارت، پاورپوینت، فیلم، اینفوگراف، وسایل کمک آموزشی، وبلاگ و وبگاه.
- ۲ آگاه‌سازی اولیای دانش‌آموزان: انجمن اولیا و مربیان در این زمینه می‌توانند نقش مهمی داشته باشد.
- ۳ انجمن‌های علمی معلمان: تشکیل انجمن‌های علمی نقشی مهم در تحقق اهداف برنامه ایفا می‌کند. دبیران به عنوان افراد آشنا با مسائل آموزشی می‌توانند با تشکیل انجمن‌های علمی به عنوان بازوی اجرایی برنامه در سطح کشور ایفای نقش نمایند.
- ۴ دبیرخانه راهبری کشوری درس عربی و پایگاه کیفیت‌بخشی فرایند آموزش عربی: دبیرخانه و پایگاه به دلیل ارتباط با گروه‌های آموزشی می‌توانند به عنوان دو بازوی اجرایی برنامه درسی عمل نمایند.
- ۵ وبگاه گروه درسی عربی: گروه عربی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی با به روزرسانی و توانمندسازی وبگاه خود می‌تواند با کلیه دست‌اندرکاران آموزش، دانش‌آموزان و اولیای آنان در ارتباط باشد. وبگاه عربی دفتر همه و بلاغ‌های موفق دبیران عربی و نیز گروه‌های آموزشی و نیز وبگاه‌های تخصصی حوزه زبان و ادبیات عربی را لینک می‌کند. با مراجعه به وبگاه گروه می‌توان از وبلاگ‌های موفق معلمان مطلع شد. نشانی وبگاه گروه عربی: <http://arabic-dept.talif.sch.ir>
- ۶ جشنواره کتاب رشد: این جشنواره می‌تواند کتاب‌هایی را به معلمان، دانش‌آموزان و اولیای آنان معرفی کند که برای تحقق اهداف برنامه، مؤثر باشد.
- ۷ نقد و بررسی کتاب‌های درسی: نقد و بررسی کتب درسی در قالب نشست تخصصی با حضور استادان، مؤلفان، معلمان، کارشناسان و دیگر صاحب نظران برای شناخت بهتر محتوا و مسائل آموزشی توصیه می‌شود.



به نام خدا

طرح درس روزانه پیشنهادی - کتاب مشترک عربی زبان قرآن (۱) پایه دهم

نام مدیر:	تاریخ:	نام دبیر:		
تئییه کنندگان:	مدّت:	صفحه:	موضوع درس:	درس
۷۵ دقیقه	۷۵ دقیقه	... تا ...	المواعظ العددية	دوم
الف - بخش نظری: اهداف				
۱- صفحه ورود به درس ۲- متن درس ۳- واژه‌های جدید ۴- درک مطلب ۵- اعداد			رؤوس مطالب	۱
۱- آشنایی با کلمات جدید و یادآوری کلمات پایه هفتمن، هشتم، نهم و نیز درس اول کتاب دهم: ۲- اعداد اصلی و ترتیبی؛ از یک تا ده و ترتیبی از یکم تا بیستم بدون توجه به قواعد محدود ۳- آشنایی با احادیث عددی.			اهداف کلی	۲
دانش آموز در پایان این درس باید بتواند: ۱- واژه‌های جدید درس را از عربی به فارسی ترجمه کند؛ ۲- متن درس را درست بخواند و بفهمد و ترجمه کند؛ ۳- عده‌های یک تا صد را بشناسد و درست ترجمه کند.			هدف‌های رفتاری	۳



<p>۱- با مفهوم عدد اصلی و عدد ترتیبی در فارسی و عربی آشنا باشد؛</p> <p>۲- توانایی قرائت عبارات سادهٔ عربی را داشته باشد.</p>	رفتار ورودی	۴
<p>نتایج ارزشیابی زیر نقطهٔ شروع آموزش را مشخص می‌کند.</p> <p>۱- عددهای یک تا دوازده را که در دورهٔ متوسطهٔ اول آموخته است از حفظ بگوید.</p> <p>۲- عددهای یکم تا دوازدهم را که در دورهٔ متوسطهٔ اول یاد گرفته است از حفظ بگوید.</p>	ارزشیابی تشخیصی	۵
<p>در صورت پاسخ به این سؤالات، فراغیران آمادهٔ یادگیری مطالب جدید خواهند بود.</p>	نتیجه	

■ نوشتن طرح درس به منظور ساماندهی به روش تدریس و استفاده از تجربیات دیگران است.

■ شایان ذکر است بیشتر دبیران توانا پس از چند سال تدریس عملأً طرح درس را در ذهن خود دارند.

■ در طرح درس باید به ارزشیابی مستمر و دریافت بازخورد از یادگیری دانشآموز که در چنین آموزشی روی می‌دهد توجه شود.



ب - فرایند آموزش:

مراحل تدریس و تنظیم محتوا (۷۵ دقیقه از ۹۰ دقیقه)

زمان	شرح	مراحل تدریس
۳	<p>۱- سلام و احوالپرسی</p> <p>۲- حضور و غیاب</p> <p>۳- قبل از شروع تدریس معلم باید روش‌های مربوط به یادداشت و یادگیری مورد نظر خودش را مشخص کند.</p>	معارفه ۱
۵	<p>اهمیت آموختن عدد را در هر زبانی برای دانشآموز شرح می‌دهیم.</p> <p>۱- اشاره به کتاب گران سنگ و پر حجم «المواعظ العددية» نوشته علامه عاملی^۱ که احادیث دارای عدد را آورده است.</p> <p>۲- اشاره به نقش عدد در سفرها موقع خرید، در هتل هنگام تحويل گرفتن کلید اتاق که باید شماره را گفت، و اینکه هر کس می‌خواهد زبانی را بیاموزد عده‌ها را حتماً می‌گیرد؛ چون از مهم‌ترین مباحث هر زبانی است.</p>	ایجاد انگیزه ۲
۲	<p>در ادامه پرسش و پاسخ‌های بالا می‌گوییم:</p> <p>دانشآموزان گرامی، در این درس با این موضوعات آشنا می‌شویم.</p> <p>سخنان پیامبر اسلام ﷺ که در برگیرنده عدد است برای نشان دادن پرسامدی مبحث عدد.</p> <p>مبحث عدد در زبان عربی.</p>	معرفی درس ۶ و بیان اهداف ۳

۴۵	<p>درس در سه جلسه تدریس می‌شود:</p> <p>جلسه نخست: ترجمه متن درس توسط دانشآموز با توجه به المُعجم و نیز در صورت نیاز المعجم پایان کتاب و حل درک مطلب؛ از کتاب گویا برای روان‌خوانی کلمات معجم و متن درس کمک می‌گیریم. دانشآموزان متن درس را قرائت و به کمک واژه‌نامه و زیر نظر ما ترجمه می‌کنند.</p> <p>جلسه دوم: قرائت و توضیح بخش «اعلموا» و «فَنِ التَّرْجِمَةُ» و تمرین بخش «جوار».</p> <p>بخش «اعلموا» را دانشآموزی خوش‌صدا و دارای صدای رسا می‌خواند و درباره آن سؤال می‌کنیم؛ دانشآموزان مناسب را شناسایی می‌کنیم تا هر جلسه یکی از آنها قرائت کند.^۱</p> <p>جلسه سوم: حل تمرینات و ارائه گزارش دانشآموزانی که بخش «بپوهش» را انجام داده‌اند.</p>	شروع تدریس و ارائه درس	۴
۵	<p>با استفاده از قلم رنگی از دانشآموزان می‌خواهیم خلاصه قواعد درس را رنگی کنند.</p> <p>از یکی از دانشآموزان می‌خواهیم که درس را در چند جمله کوتاه خلاصه کند. در صورتی که درست خلاصه نکرد ما درس را خلاصه می‌کنیم.</p>	خلاصه درس و نتیجه‌گیری	۵
۱۰	<p>این موارد را از دانشآموز می‌خواهیم:</p> <ol style="list-style-type: none"> ۱- عده‌های اصلی از یک تا بیست و پنج را بشمارد. ۲- عده‌های ترتیبی یکم تا بیستم را بشمارد. 	ارزشیابی بعد از تدریس	۶
-	حل داوطلبانه تمرینات درس به منظور آمادگی بهتر در جلسه آینده.	تکلیف	۷
۳	<p>تهیّه روزنامه دیواری یا ویلاگ و نوشتن چند حدیث عددی بنا به تشخیص دیر و در صورت داشتن فرصت؛</p> <p>یافتن «داستان»، «آیا می‌دانید که» و «ابتسمات» به زبان عربی؛</p> <p>یافتن ویلاگ، وبگاه، نرم‌افزار آموزشی، پاورپوینت و تصاویر آموزشی مناسب.</p>	معرفی فعالیت‌های خلاقانه	۸
۷۵	زمان تقریبی		

۱- برای قرائت متن درس و بخش مکالمه باید همه دانشآموزان فعال باشند؛ حتی اگر خوش‌صدا نباشند.

جدول زمان‌بندی سالانه پیشنهادی کتاب عربی زبان قرآن (۱) پایه دهم

فَعَالِيَّت	دَرْس	تَارِيخ	جَلْسَة	هَفْتَه	مَاه	
معارفه و تدریس احتمالی درس اول، دیدن کلیپ سرود «أَنْظُرْ لِتَلْكَ الشَّجَرَة» و قرائت و ترجمة آن	۱		۱	اول	مهر	
حل تمرینات دوره‌ای درس اول (در عربی زبان قرآن رشته ادبیات و علوم انسانی نام صیغه عربی)	۱		۲	دوم		
ادامه حل تمرینات دوره‌ای	۱		۳	سوم		
آزمون کتبی کوتاه یا ادامه تدریس درس اول؛ گزارش نتیجه بخش «تحقيق» دانش آموزان و نهادن آن در تابلوی اعلانات یا ویلاگ مدرسه در صورت داشتن زمان مناسب	۱		۴	چهارم	آبان	
قرائت و ترجمة متن درس و حل درک مطلب	۲		۵	اول		
قرائت بخش «إِلْعَمْوَا» و «قَنْ الْتَّرْجِمَةِ» توسيط دانش آموزی خوش صدا همراه توضیح و پرسش معلم؛ تمرین بخش «جِوارَ»؛	۲		۶	دوم		
حل تمرینات درس؛ گزارش نتیجه بخش «تحقيق» دانش آموزان و نهادن آن در تابلوی اعلانات یا ویلاگ مدرسه در صورت داشتن زمان مناسب	۲		۷	سوم		
قرائت و ترجمة متن و حل درک مطلب و دیدن کلیپ باران ماهی، مَطَّرُ السَّمَكِ یا fishrainning	۳		۸	چهارم	آذر	
قرائت بخش «إِلْعَمْوَا» توسيط دانش آموزی خوش صدا همراه توضیح و پرسش معلم؛ تمرین بخش «جِوارَ»؛	۳		۹	اول		
حل تمرینات درس؛ گزارش نتیجه بخش «تحقيق» دانش آموزان و نهادن آن در تابلوی اعلانات یا ویلاگ مدرسه در صورت داشتن زمان مناسب	۳		۱۰	دوم		
قرائت و ترجمة متن و حل درک مطلب و دعوت به لزوم همدلی و همبستگی میان ادیان، مذاهب و قومیت‌ها با توجه به رهنماهدهای دین و آموزه‌های تاریخ	۴		۱۱	سوم		
قرائت بخش «إِلْعَمْوَا» توسيط دانش آموزی خوش صدا همراه توضیح و پرسش معلم؛ تمرین بخش «جِوارَ»؛	۴		۱۲	چهارم	دی	
حل تمرینات درس؛ گزارش نتیجه بخش «تحقيق» دانش آموزان و نهادن آن در تابلوی اعلانات یا ویلاگ مدرسه در صورت داشتن زمان مناسب	۴		۱۳	اول		
برگزاری امتحانات نوبت اول		امتحانات	۱۴	دوم		
ادامه برگزاری امتحانات نوبت اول		امتحانات	۱۵	سوم		
قرائت و ترجمة متن و حل درک مطلب	۵		۱۶	چهارم		

قرائت بخش «اعلموا» و «فن الترجمة» توسط دانشآموزی خوش صدا همراه توضیح و پرسش معلم؛ تمرين بخش «چوار»:	۰		۱۷	اول	بهمن
حل تمرينات درس؛ گزارش نتیجه بخش «تحقيق» دانشآموزان و نهادن آن در تابلوی اعلانات یا ویلاغ مدرسه در صورت داشتن زمان مناسب	۰		۱۸	دوم	بهمن
قرائت و ترجمه متن و حل درک مطلب	۶		۱۹	سوم	بهمن
قرائت بخش «اعلموا» و «فن الترجمة» توسط دانشآموزی خوش صدا همراه توضیح و پرسش معلم؛ تمرين بخش «چوار»:	۶		۲۰	چهارم	بهمن
حل تمرينات درس؛ گزارش نتیجه بخش «تحقيق» دانشآموزان و نهادن آن در تابلوی اعلانات یا ویلاغ مدرسه در صورت داشتن زمان مناسب	۶		۲۱	اول	اسفند
قرائت و ترجمه متن و حل درک مطلب	۷		۲۲	دوم	اسفند
قرائت بخش «اعلموا» توسط دانشآموزی خوش صدا همراه توضیح و پرسش معلم؛ تمرين بخش «چوار»:	۷		۲۳	سوم	اسفند
حل تمرينات درس؛ گزارش نتیجه بخش «تحقيق» دانشآموزان و نهادن آن در تابلوی اعلانات یا ویلاغ مدرسه در صورت داشتن زمان مناسب	۷		۲۴	چهارم	اسفند
تعطیلات نوروز	---		۲۵	اول	فروردین
تعطیلات نوروز	---		۲۶	دوم	فروردین
قرائت و ترجمه متن و حل درک مطلب	۸		۲۷	سوم	فروردین
قرائت بخش «اعلموا» توسط دانشآموزی خوش صدا همراه توضیح و پرسش معلم؛ تمرين بخش «چوار»:	۸		۲۸	چهارم	فروردین
حل تمرينات درس؛ گزارش نتیجه بخش «تحقيق» دانشآموزان و نهادن آن در تابلوی اعلانات یا ویلاغ مدرسه در صورت داشتن زمان مناسب	۸		۲۹	اول	اردیبهشت
رفع اشکال از نیمه اول کتاب تا پایان درس چهارم	دوره		۳۰	دوم	اردیبهشت
رفع اشکال از نیمه دوم کتاب درس پنجم تا آخر کتاب	شفاهی		۳۱	سوم	اردیبهشت
حل نمونه سؤال امتحان پایان سال	امتحان		۳۲	چهارم	اردیبهشت

کتاب درسی مشترک عربی زبان قرآن (۱) پایه دهم را در ۲۴ جلسه آموزشی متعارف به راحتی می‌توان تدریس کرد. بدون احتساب دو هفته امتحان نوبت اول و دو هفته تعطیل نوروزی ظاهراً ۲۸ جلسه وجود دارد. اما برخلاف تصور این گونه نیست؛ زیرا ماههای مهر تا بهمن ۳۰ روزه و فروردین و اردیبهشت ۳۱ روزه‌اند و این ۱۶ روز نیز دو هفتۀ آموزشی هستند. پس ۳۰ هفتۀ آموزشی داریم که ۶ جلسه را برای تعطیلات رسمی و ناگهانی به شمار می‌آوریم. دبیر می‌تواند حلّ برخی از تمرینات را نیز در شرایط استثنایی بر عهده دانش آموز بگذارد.

کتاب عربی زبان قرآن پایه دهم رشته‌های ریاضی، تجربی، فنی و کارداش ظاهراً ۱۲۰ صفحه است. اما در اصل ۹۰ صفحه است. حلّ تمرینات ۱۶ صفحه آنوار القرآن اختیاری و در صورت داشتن زمان است. هشت صفحه ورودی^۱ هشت درس کتاب نیز در اصل برای ایجاد انگیزه است و وقت‌گیر نیست. هشت صفحه پژوهش نیز در صورت برخورداری از زمان کافی است زیرا هدف خواندن و ترجمه درست است.

کتاب عربی زبان قرآن (۱) رشته‌ادبیات و علوم انسانی نیز ظاهراً ۱۰۹ صفحه است. در این کتاب نیز هشت صفحه ورودی و شش صفحه پژوهش وجود دارد؛ لذا کتاب در اصل ۹۵ صفحه است. در این کتاب نیز حلّ بسیاری از تمرینات کتاب سریع انجام می‌شود.

بسیاری از آیات و احادیث هر دو کتاب قبلًا در سه کتاب عربی دوره اول متوجه آمدند.

۱- تأثیر تصویرخوانی (تصاویر پیش‌درآمد دروس) در شروع هر درس در کتاب‌های نویگاشت چیست؟ تصاویر پیش‌درآمد دروس هشتگانه کتاب از لحاظ روانی دانش آموز را آماده ورود به درس می‌کند. تصویر و آیه یا حدیث آغازین دروس ذهنیت دانش آموز را ساماندهی می‌کند و موجب می‌شود که فراغیر احساس خوشابیندی نسبت به درس جدید داشته باشد.

بارم‌بندی و نمونه سؤال امتحانی

بخش چهارم

بارم‌بندی امتحان کتبی عربی زبان قرآن (۱) کتاب مشترک پایه دهم نوبت اول^۱

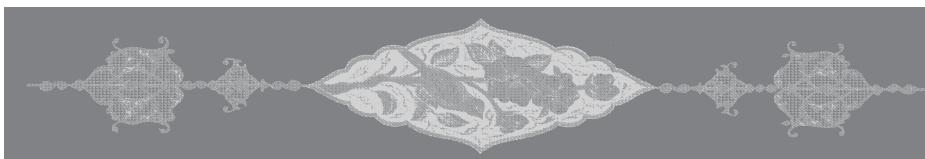
رشته‌های ریاضی و فیزیک، علوم تجربی (از درس اول تا پایان درس چهارم)

فتنی و حرفه‌ای و کارداش (درس اول و دوم)^۲

جمع	نمره	موضوع	نمره	مهارت‌های زبانی
	۰/۵	نوشتن معنای کلمه از عربی به فارسی در جمله، (زیر کلمات خط کشیده می‌شود).	۱	الف: مهارت واژه‌شناسی
۲	۰/۵	متراff و متضاد (همانند تمرینات کتاب)	۲	
	۰/۵	تشخیص کلمه ناهمانگ از نظر معنا در میان چهار کلمه (دو مورد)	۳	
	۰/۵	نوشتن مفرد یا جمع اسم (در حد اسامی موجود در کتاب‌های هفتم تا دهم)	۴	ب: مهارت ترجمه به فارسی
	۵	ترجمه جمله‌های عربی به فارسی از متن، تمرین، <i>اعلموا</i> ، فن الترجمة و ...	۵	
۷	۰/۵	انتخاب گزینه درست در ترجمه جمله عربی به فارسی (دو جمله)	۶	
	۱/۵	تکمیل ترجمه ناقص	۷	

۱- توضیحات پاورقی بارم‌بندی نوبت دوم در نوبت اول نیز مصدق دارند؛ لذا پیش از طرح سؤال به پاورقی بارم‌بندی نوبت دوم مراجعه کنید.

۲- در رشته‌های فتنی و حرفه‌ای و کارداش که هفته‌ای یک ساعت برنامه درسی عربی دارند، امتحان از دو درس است. این بارم‌بندی مربوط به امتحان عربی ۱/۱ خرداد این رشته‌ها نیز است.



۷/۵ نمره	۳	ترجمه فعلهای ماضی ساده، ماضی استمراری، ماضی منفی، مضارع منفی، امر، نهی، مستقبل یا مصدر در جمله‌ای کوتاه	۸	ج: مهارت شناخت و کاربرد قواعد
	۲	«تشخیص فعل ماضی، مضارع، امر، نهی، نفی، مستقبل یا مصدر مناسب برای جای خالی در جمله» یا «تشخیص نوع فعل» یا «تشخیص کلمه ناهماهنگ از نظر نوع میان چند کلمه»	۹	
	۱	کاربرد عده‌های اصلی و ترتیبی	۱۰	
	.۵	ساعت‌خوانی	۱۱	
	۱	تشخیص ضمیر و اسم اشاره مناسب برای جای خالی در جمله با توجه به قرائت و در قالب سؤال چند گزینه‌ای یا شناخت آنها مانند تمرین هفتم درس اول	۱۲	
۲ نمره	۱	سؤال جو کردندی از مفهوم واژگان «وصل کردن کلمات ستون اول به توضیحات ستون دوم» (چهار مورد) یا ارائه پنج کلمه که یکی اضافه است و چهار جمله دارای جای خالی که باید جای خالی با کلمه مناسب کامل شود. یا پر کردن جاهای خالی با گزینه‌های مناسب (سؤال دو گزینه‌ای)	۱۳	د: مهارت درک و فهم
	۱	درک مطلب (ارائه متن و طراحی چهار سؤال با چهار کلمه پرسشی خوانده شده) یا (ارائه چهار جمله و تعیین درست و نادرست آنها بر اساس مفهوم هر جمله یا بر اساس متن ارائه شده در برگه امتحانی)	۱۴	
۱/۵ نمره	.۵	پاسخ کوتاه به جمله‌های پرسشی	۱۵	ه: مهارت مکالمه
	۱	طرح سؤال از الحوارات مانند جمله‌سازی با کلمات پراکنده حداکثر شش تگه از عبارت‌های کتاب، پر کردن جای خالی با کلمات ارائه شده، دو گزینه‌ای و	۱۶	

بارم‌بندی امتحان کتبی عربی زبان قرآن (۱) کتاب مشترک پایه دهم نوبت دوم
رشته‌های ریاضی و فیزیک، علوم تجربی، فنی و حرفه‌ای و کارداشی^۱

مهارت‌های زبانی	شماره	موضوع	نحو	جمع
الف: مهارت واژه شناسی	۱	نوشتن معنای کلمه از عربی به فارسی در جمله، (زیر کلمات خط کشیده می‌شود).	۰/۵	۲
	۲	تعیین کلمات متراծ و متضاد (همانند تمرينات کتاب)	۰/۵	
	۳	تشخیص کلمه ناهماهنگ از نظر معنا در میان چهار کلمه ^۲ (دو مورد)	۰/۵	
ب: مهارت ترجمه به فارسی	۴	نوشتن مفرد یا جمع اسم ^۳ (در حد اسامهای موجود در کتاب‌های هفتم تا دهم)	۰/۵	
	۵	ترجمه جملات کتاب از عربی به فارسی از متن، تمرین، <u>اعلموا</u> ، <u>فن</u> ...	۵	۷
	۶	انتخاب گزینه درست در ترجمه جمله عربی به فارسی (دو جمله)	۰/۵	
	۷	تکمیل ترجمه ناقص	۱/۵	

- توضیحات پاورپوینت بارم‌بندی نوبت دوم در نوبت اول نیز مصدق دارند.
- این بارم‌بندی در رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کارداشی که هفته‌ای یک ساعت عربی دارند، مربوط به عربی ۱/۲ در خرداد پایه یازدهم است.
- باید مراقب بود؛ زیرا طرح سؤال در این مورد دشوار است. نباید انتخاب گزینه درس‌آفرین باشد و دانش‌آموز در انتخاب دو گزینه آشفته و سرگردان شود؛ مثال: نافذة، چدار، باب، صدر.
- پاسخ: ← نافذة مؤنث است بقیه مذكر؛
- پاسخ: ← «پنجه و در و دیوار» در یک گروه‌اند و «سینه» از اعضای بدن است و با سه کلمه دیگر فرق دارد. دهبه، استرچعا، یعمالون، فَّتَح. پاسخ: ← ذهن مؤنث و بقیه مذكرند. یعکلولن مضارع و بقیه ماضی‌اند. سوم شخص مفرد ماضی استرجع بیش از سه حرف است و بقیه فقط سه حرف است؛ از سوی دیگر اصلًا این سؤال از قواعد است نه از معنا.
- هرچند در بارم‌بندی این سؤال نیم نمره‌ای در بخش ترجمه آمده است؛ اما در اصل مربوط به قواعد است.
- در هر امتحانی یک نمره از بخش آنوار القرآن طرح شود.

نمره	۱/۵	ترجمة فعلهای ماضی ساده، ماضی استمراری، ماضی منفی، مضارع منفی، امر، نهی، مستقبل یا مصدر در جمله‌ای کوتاه. ^۱ (دست کم یکی از فعل‌ها نون و قایه داشته باشد.)	۸	ج: مهارت شناخت و کاربرد قواعد
	۱/۵	تشخیص فعل ماضی، مضارع، امر، نهی و مصدر مناسب برای جای خالی در جمله، یا تشخیص نوع فعل، یا تشخیص کلمه ناهمانگ از نظر معنا میان چند کلمه ^۲	۹	
	۰/۵	کاربرد عده‌های اصلی و ترتیبی یا ساعت‌خوانی	۱۰	
	۱/۵	تشخیص «فاعل و مفعول»، «مبتدا و خبر»، «جاز و مجرور»، مضارف الیه و صفت در جمله: (عَيْنُ الْمَحَلِ الْأَعْرَابِيِّ لِكُلِّ كَمِيمٍ أَتَى تَحْتَهَا حَطٌّ). ^۳	۱۱	
	۰/۵	ترجمة فعل ماضی و مضارع مجھول و تشخیص آنها از فعل معلوم، و یا کاربرد فعل مجھول در قالب پرسش چندگزینه‌ای	۱۲	
	۰/۵	معانی و کاربرد حروف جر در قالب پرسش چند گزینه‌ای	۱۳	
	۱/۵	تشخیص و ترجمه اسم فاعل، اسم مفعول و اسم مبالغه	۱۴	
نمره	۱	سوال جوکردنی از مفهوم واژگان «وصل کردن کلمات ستون اول به توضیحات ستون دوم» (چهار مورد)	۱۵	د: مهارت درک و فهم
	۱	یا ارائه پنج کلمه که یکی اضافه است و چهار جمله دارای جای خالی که باید جای خالی با کلمه مناسب کامل شود.	۱۶	
نمره	۰/۵	یا پر کردن جاهای خالی با گزینه‌های مناسب (سوال دو گزینه‌ای)	۱۷	ه: مهارت مکالمه
	۱	درک مطلب (ارائه متن و طراحی چهار سوال با چهار کلمه پرسشی خوانده شده)، یا (ارائه چهار جمله و تعیین درست و نادرست آنها بر اساس مفهوم هر جمله یا بر اساس متن ارائه شده در برگه امتحانی)	۱۸	
	۱/۵	پاسخ کوتاه یک یا دو کلمه‌ای به جمله‌های پرسشی ^۴		
نمره	۰/۵	طرح سوال از الحوارات (مانند جمله‌ای با کلمات پراکنده حداقل شش تکه از عبارت‌های کتاب)، پر کردن جای خالی با کلمات ارائه شده، دو گزینه‌ای و ...)		
	۱	طرح سوال از عبارت‌های کتاب، پر کردن جای خالی با کلمات ارائه شده، دو گزینه‌ای و ...)		

۱- مانند: الْوَلَادُ اتَّهُوا. یا الْوَلَادُ اتَّهُوا. هُوَ اتَّهُة. اُنَّ اتَّهُة.

۲- از هر دو فعل ثالثی مجزد و مزید. (بدون ذکر اصطلاحات مجزد و مفعول)

۳- مظور از «عَيْنُ الْمَحَلِ الْأَعْرَابِيِّ» در کتاب «عربی زبان قرآن» فقط تعیین نقش کلمه در جمله است؛ مانند مبتدا، خبر، فعل، مفعول، مضارف الیه، صفت و ... هریک از این نقش‌ها علامت‌هایی در انتهای خودشان دارند که اعراب نامیده می‌شوند؛ مانند ^۱، ^۲، ^۳، ^۴، ^۵، ^۶، ^۷، ^۸، ^۹ و در - وَنْ ، الف در - اِنْ ، یاء در - يَنْ و - يَنَّ و یادگیری این علامت‌های اعرابی از اهداف این کتاب نیست.

۴- پیشنهاد می‌شود سوال با توجه به تصویر طراحی شود؛ مثلاً با توجه به تصویر میزی که یکی روی آن قرار دارد، سؤال شود: «ماذا علی الْمَنْذِدَةِ؟» و پاسخ‌های «حقیقت»، «الحقيقة»، «علی المضدة حقیقت»، «الحقيقة علی المضدة». همه را درست می‌گوییم؛ زیرا در همه این پاسخ‌ها داشتم آموز متوجه سوال شده و پاسخ‌های کوتاه یا بلند او همگی اشاره به موقوفیت او دارند.

تذکرات: (برای طراحی سؤال در نوبت اول و دوم و میان نوبت)

- ۱ سؤالات امتحان، آزمون سراسری و مسابقات باید کاملاً حرکت‌گذاری شوند.
- ۲ در طراحی سؤال امتحان نوبت اول طراح مجاز است تا یک نمره در بارم‌بندی تغییراتی اجرا نماید؛ ولی در نوبت دوم بارم‌بندی باید دقیقاً رعایت شود.
- ۳ بار اصلی سؤالات امتحانی ترجمه از عربی به فارسی و کاربرد واژگان است که باید تنوع داشته باشد.
- ۴ در بسیاری از موارد سؤالات بخش‌های مختلف با هم تلفیق می‌شوند و تفکیک مهارت‌های زبانی امکان ندارد؛ مثلاً در بخش مهارت ترجمه، امکان دارد در یک جمله چند مفهوم مختلف هم‌زمان بیاید.
- ۵ فونت‌های زیر برای تایپ سؤالات امتحان عربی مناسب‌اند:

Traditional Arabic, B Badr (عثمان طه)، KGQPC Uthman Taha NaskhT,

Adobe Arabic Simplified Arabic

- ۶ طرح سؤال امتحان نوبت اول (دی ماه) و دوم (خرداد ماه) از ۲۰ نمره است.
- ۷ معمولاً برای امتحان میان نوبت بارم‌بندی تعیین نمی‌شود. می‌توان ۵ نمره امتحان را از مهارت‌های شفاهی زبان در نظر گرفت. در مقالمه مشابه این سؤالات مطرح می‌شود.

مِنْ أَيْنَ أَنْتُ؟ كِمْ عُمْرُكَ؟ كِيفْ حَالُكَ؟ أَيْنَ بَيْتِكَ؟ أَيْ فَاكِهَةٌ تُحِبُّ؟ مَتَى تَرْجِعُ إِلَى بَيْتِكَ؟ كِمْ السَّاعَةُ؟ مَا هُوَ لَوْنُ الْبَابِ؟ لَمَذَا تَدْرُسُ؟ مَاذَا تَأْكُلُ لِلْغَدَاءِ؟ هَلْ أَنْتَ نَشِيطٌ؟ أَدْفَتَرُ عَلَى الْمُنْضَدِدِ أَمْ كَتَابٌ؟ لِمَنْ تَلِكَ الْحَقِيقَيْةُ؟

- ۸ در بخش قواعد شیوه طرح سؤال فقط بر مبنای تشخیص فعل ماضی، مضارع، امر و نهی در جمله و تعیین فعل مناسب برای جای خالی و نیز ترجمه از عربی به فارسی است؛ مثال:

يا أخي ... إلى بيتك. (ازْجِعْ □ إِرْجِعوا □)	أَكْتُبْ فِي الْفَرَاغِ فَعَلًا مُنَاسِبًا. ترجم الكلمة التي تحتها خط.
يا إخوتي، إرجعوا إلى بيوتكم.	

- ۹ سؤالات چند گزینه‌ای باید فقط دو گزینه داشته باشد. (جز بخش کلمات

- ناهمانگ که چهار کلمه داده می‌شود).
- ۱۰ ترجمه جمله یا کلمه از فارسی به عربی در هیچ آزمون یا مسابقه‌ای طراحی نشود.
- ۱۱ طرح سؤال از فعل‌هایی مانند «تَعَلَّمُوا» که می‌توانند ماضی یا امر باشند باید در جمله و همراه قرائن مناسب باشد.
- ۱۲ در تشخیص و ترجمه فعل‌های ماضی ساده، ماضی استمراری، ماضی منفی، مضارع منفی و مستقبل و نیز مصدر در جمله باید فقط موارد صحیح و سالم طراحی شود و اگر از غیر صحیح و سالم سؤالی طرح شد نباید تغییراتی مانند اعلال به حذف داشته باشد.
- ۱۳ آموزش و ارزشیابی مطابقت عدد و محدود و ویژگی‌های محدود و مطابقت موصوف و صفت مطلقاً از اهداف کتاب درسی نیست. حفظ عده‌های اصلی یک تا صد و عده‌های ترتیبی یکم تا بیستم از اهداف کتاب است.
- ۱۴ در تشخیص ضمیر و اسم اشاره مناسب برای جای خالی در جمله با توجه به قرائن باید توجه داشت که چنین مواردی از اهداف کتاب درسی نیست: ضمیر منفصل منصوب، مانند *إِيَّاكَ*; تشخیص کاربرد اسم اشاره مثنی مانند *هذانِ* و *هذينِ*، کاربرد هذه و تلك برای اشاره به اسم غیر عاقل.
- ۱۵ در طرح سؤال مکالمه به چند صورت می‌توان عمل کرد: ارائه تصویر و طرح سؤال از تصویر، پر کردن جای خالی در مکالمه و ارائه کلمات با دادن دو کلمه اضافه و
- ۱۶ پر کردن جای خالی در حوارات درس اوّل تا پایان درس چهارم در امتحان باید منطقی باشد. طبیعی است که حفظ متن دشوار است؛ به عنوان مثال پیشنهاد می‌شود متن «حوار» داده شود و چهار جای خالی داشته باشد و هشت کلمه ارائه شود تا دانش‌آموز از آنها در جای خالی استفاده کند. در ترجمه عربی به فارسی نیز نیم نمره از این بخش طراحی می‌گردد.
- ۱۷ در تشخیص فاعل، مفعول، مبتدا و خبر در جمله، نهادن اعراب رفع و نصب از اهداف کتاب نیست.

۱۸ در تشخیص مشتقّات ذکر جامد و مشتق لازم نیست؛ اماً ذکر نوع مشتق لازم است.
۱۹ در اسم فاعل و اسم مفعول مانند ناظِر و مُنتَظِر ذکر اینکه ناظِر اسم فاعل ثالثی مجرد و مُنتَظِر اسم فاعل ثالثی مزید می‌باشد، در کتاب درسی تدریس نشده و از اهداف آموزشی کتاب نیست.

در امتحان نوبت اول عربی ۱/۲ رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کارداش پایه یازدهم
که هفته‌ای یک ساعت درس عربی دارند مورد ۱۳ و ۱۴ حذف و نمره بخش قواعد
بدین‌گونه اصلاح می‌شود:

۲	۸	ترجمه فعل‌های ماضی ساده، ماضی استمراری، ماضی منفی، مضارع منفی، امر، نهی و مستقبل و نیز مصدر در جمله.
۱/۵	۹	تشخیص فعل ماضی، مضارع، امر و نهی و نیز مصدر مناسب برای جای خالی در جمله، یا تشخیص نوع فعل، یا تشخیص کلمه ناهماننگ از نظر معنا میان چند کلمه ^۱ .
۷/۵ نمره	۱۰	کاربرد عددهای اصلی و ترتیبی یا ساعت خوانی
۱	۱۱	تشخیص «فاعل و مفعول»، «مبتدا و خبر»، «جار و مجرور»، مضارع الیه و صفت در جمله: (عَيْنُ الْمَحَلِ الْإِعْرَابِيِّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حَطْفٌ).
۱	۱۲	ترجمه فعل ماضی و مضارع مجهول و تشخیص آنها از فعل معلوم، یا کاربرد فعل مجهول در قالب پرسش چندگزینه‌ای

۱- از هر دو فعل ثلاثی مجرد و مزید. (بدون ذکر اصطلاحات مجرّد و مزید)
 ۲- منظور از «عَيْنَ الْمَحَلَّ الْأَعْرَابِيِّ» در کتاب «عربی زبان قرآن» فقط تعین نقش کلمه در جمله است؛ مانند مبتدا، خبر، فاعل، مفعول، مضارعالیه، صفت و ... هر کی از این نقش‌ها علامت‌هایی در انتهای خودشان دارند که اعراب نامیده‌اند؛ مانند ^۱، ^۲، ^۳، ^۴، ^۵، ^۶، ^۷، ^۸، ^۹، ^{۱۰} و در ...، الف در ...، باء در ... و ... یادگیری این علامت‌های اعرابی از اهداف این کتاب نیست.

بارم‌بندی امتحان شفاهی عربی زبان قرآن (۱) پایه دهم، میان نوبت اول و دوم
رشته‌های ریاضی و فیزیک، علوم تجربی، فنی و حرفه‌ای و کارداش

نمره	موضوع	شماره	مهارت‌ها
۷	روان‌خوانی (بدون درنگ و خطأ، و با تلفظ نسبتاً درست مخارج حروف) و فعالیت‌های مانند حفظ سرود درس اول و اجرای گروهی آن، اجرای نمایشی متن برخی درس‌ها	۱	مهارت‌های خواندن، شنیدن و سخن‌گفتن
۳	مهارت شنیدن و سخن‌گفتن مقالمه ساده در حد کتاب درسی به صورت پاسخ کوتاه به جمله‌های پرسشی (سؤال با جملات دارای ما، ماذ، ما هو، ماهی، یم، من، لمن، این، من آین، ممن، گم، هل، ا، متی، کیف، لماذا، لـ، عم، آی) یا حفظ مشابه مکالمات کتاب درسی و اجرای آن در گروه دو یا چند نفره یا اجرای گروهی مکالماتی متفاوت با مکالمات کتاب درسی در کلاس	۲	
جمع نمره			
۱۰			

تذکرات

- امتحان مستمر اول و دوم شامل دو بخش کتبی (از ۱۰ نمره) و شفاهی (از ۱۰ نمره) است؛ ولی امتحان نوبت اول و دوم فقط کتبی و از بیست نمره است.
- تلفظ درست مخارج حروف خاص زبان عربی (ث، ح، ذ، ص، ض، ط، ظ، ع، ق، و) دشوار است و از عهدۀ بسیاری از دانش‌آموزان بر نمی‌آید؛ اما باید از دانش‌آموزان خواسته شود حتی‌الامکان مخارج حروف خاص عربی را درست بر زبان آورند و تمرین کنند، زیرا هدف اصلی آموزش عربی مسائل دینی است و قرائت نماز باید با تلفظ درست باشد.
- در پاسخ به جمله‌های پرسشی به پاسخ کوتاه یک یا دو کلمه‌ای بسنده شود؛ مثلاً اگر در پاسخ سؤال «إلى أين تذهب؟» پاسخ دهد: «إلى الفندق»، کاملاً درست است و

نیازی نیست پاسخ دهد: «أَنَا أَذْهَبُ إِلَى الْفُندُقِ.» در بخش مکالمه فهم سؤال نیمی از نمره را دارد؛ مثلاً اگر از دانش آموزی سؤال شد: «أَيْنَ أَنْتَ؟» و پاسخ داد: «أَنَا فِي» و درنگ کرد و نتوانست بگوید: «أَنَا فِي الصَّفَّ.» در واقع نیمی از نمره را گرفته است. چون سؤال را فهمیده است.

۴ یکی از موارد امتحانی این است که از دانش آموز بخواهیم خودش را به زبان عربی در دو دقیقه معرفی کند یا اگر فعالیتی در زمینه نمایش و مکالمه در کلاس داشت می‌توان به عنوان نمره امتحان شفاهی از آن استفاده کرد.

۵ طبیعی است که در یک روز نمی‌توان از همه دانش آموزان آزمون روخوانی و مکالمه به عمل آورد؛ بنابراین آنچه را دانش آموز در طول سال تحصیلی می‌خواند و مجموعه فعالیت‌های شفاهی و مکالمه وی نمره شفاهی‌اش را تشکیل می‌دهد، مبنای نمره‌دهی آخرین و بهترین وضعیت مهارت شفاهی اوست.

۶ رعایت ظرفت‌های صرفی و نحوی در مکالمه در حد دانش آموز نیست مخصوصاً اینکه او باید در پاسخ‌گویی سرعت عمل داشته باشد و فرصت کافی برای فکر کردن ندارد؛ از طرفی آزمون شفاهی اضطراب دارد؛ لذا از دبیر ارجمند درخواست می‌گردد این بخش را با نرمش و مهربانی برگزار کند تا دانش آموز خاطره‌ای خوش از مکالمه داشته، و زمینه مثبتی در ذهن او برای سال‌های آینده وجود داشته باشد.

۷ حفظ عین مکالمات کاری بسیار دشوار است؛ لذا از دانش آموزان نمی‌خواهیم عین عبارت‌ها را حفظ کنند. دانش آموز می‌تواند با ذوق و سلیقه خود و موقعیت موجود تغییراتی در متن ایجاد کند.

**بارم‌بندی امتحان کتبی عربی زبان قرآن (۱) پایه دهم نوبت اول رشته ادبیات و علوم انسانی
(از درس اول تا پایان درس چهارم)**

مهارت‌های زبان	شماره	موضوع	نحوه	جمع
الف: مهارت واژه‌شناسی	۱	نوشتن معنای کلمه از عربی به فارسی در جمله (زیر کلمات خط کشیده می‌شود).	۰/۵	۲
	۲	متراծ و متضاد (همانند تمرینات کتاب)	۰/۵	۳
	۳	تشخیص کلمه ناهماهنگ از نظر معنا در میان چهار کلمه (دو مورد)	۰/۵	
ب: مهارت ترجمه به فارسی	۴	نوشتن مفرد یا جمع اسم (در حد اسام‌های موجود در کتاب‌های هفتم تا دهم)	۰/۵	
	۵	ترجمه جمله‌های عربی به فارسی	۰/۵	۷
	۶	انتخاب گزینه درست در ترجمه جمله عربی به فارسی (دو جمله)	۰/۵	
	۷	تکمیل ترجمه ناقص	۱/۵	



	۳	ترجمه فعل های ماضی ساده، ماضی استمراری، ماضی منفی، مضارع منفی، امر، نهی، و مستقبل و نیز مصدر در جمله	۸	
۷/۵ نمره	۲	«تشخیص فعل ماضی، مضارع، امر و نهی، نفی، مستقبل و مصدر مناسب برای جای خالی در جمله»، یا «تشخیص نوع فعل»، یا «تشخیص کلمه ناهمانگ از نظر نوع در میان چند کلمه» و «ذکر صیغه فعل در حد ۰/۲۵ نمره»	۹	ج: مهارت شناخت و کاربرد قواعد
	۱	کاربرد عده های اصلی و ترتیبی	۱۰	
	۰/۵	ساعت خوانی	۱۱	
	۱	تشخیص ضمیر و اسم اشاره مناسب برای جای خالی در جمله با توجه به قرائت و در قالب سؤال چند گزینه ای یا شناخت آنها	۱۲	
۲ نمره	۱	سوال جوگردانی از مفهوم واژگان «وصل کردن کلمات ستون اول به توضیحات ستون دوم» (چهار مورد) یا ارائه پنج کلمه که یکی اضافه است و چهار جمله دارای جای خالی که باید جای خالی با کلمه مناسب کامل شود. یا پر کردن جاهای خالی با گزینه های مناسب (سوال دو گزینه ای)	۱۳	د: مهارت درک و فهم
	۱	درک مطلب (ارائه متن و طرزی چهار سؤال با چهار کلمه پرسشی خوانده شده) یا (ارائه چهار جمله و تعیین درست و نادرست آنها بر اساس مفهوم هر جمله یا بر اساس متن ارائه شده در برگه امتحانی)	۱۴	
۰/۵ نمره	۰/۵	پاسخ کوتاه به جمله های پرسشی	۱۵	
۱/۵ نمره	۱	طرح سؤال از الحوارات (مانند جمله سازی با کلمات پراکنده حداقل شش تکه از عبارت های کتاب)، پر کردن جای خالی با کلمات ارائه شده، دو گزینه ای و ...)	۱۶	ه: مهارت مقالمه

بازم‌بندی امتحان کتبی عربی پایه دهم نوبت دوم رشته علوم انسانی

مهارت‌های زبانی	شماره	موضوع	نمره	جمع	نمره
الف: مهارت واژه‌شناسی	۱	نوشتن معنای کلمه در جمله از عربی به فارسی (زیر کلمات خط کشیده می‌شود.)	۰/۷۵	۲	متراff و متضاد (همانند تمرینات کتاب)
	۲	تشخیص کلمه ناهماهنگ از نظر معنا در میان چهار کلمه	۰/۲۵	۳	نوشتن مفرد یا جمع اسم (در حد اسامی موجود در کتاب‌های هفتتم تا دهم)
	۴	ترجمه جمله‌های کتاب از عربی به فارسی از متن، تمرین، اعلموا، فن الترجمة و ...	۰/۵	۵	انتخاب گزینه درست در ترجمه جمله عربی به فارسی (دو جمله)
	۶	تکمیل ترجمه ناقص (دارای شش جای خالی)	۱/۵	۷	
ب: مهارت ترجمه به فارسی	۵				
	۶				



	١/٥	ترجمه فعلهایی مانند ماضی ساده، معادل ماضی استمراری، ماضی منفی، مضارع منفی و مستقبل و نیز مصدر در جمله. (یکی از فعلها دارای نون و قایه باشد).	۸	
نمره	١	تشخیص فعل ماضی، مضارع، امر، نهی و مصدر مناسب برای جای خالی در جمله، یا تشخیص نوع فعل یا تشخیص کلمه ناهماهنگ از نظر معنا در میان چند کلمه	۹	ج: مهارت شناخت و کاربرد قواعد
	٠/٥	ذکر صیغه دو فعل در جمله	۱۰	
	٠/٥	کاربرد عدهای اصلی و ترتیبی، یا ساعت خوانی		
	٣	تشخیص فاعل، مفعول، مبتدا، خبر، نایب فاعل، مضاف‌الیه، صفت، جار و مجرور در جمله و ذکر نام اعراب آنها	۱۱	
	٠/٥	ترجمه فعل ماضی و مضارع مجھول و تشخیص آنها از فعل معلوم، یا کاربرد فعل مجھول در قالب پرسش چندگزینه‌ای	۱۲	
	٠/٥	کاربرد درست حروف جر؛ تشخیص گزینه صحیح در اسم مجرور به حرف جر ^۱	۱۳	
نمره	۱	سؤال جوگردانی از مفهوم واژگان «وصل کردن کلمات ستون اول به توضیحات ستون دوم» (چهار مورد)، یا ارائه پنج کلمه که یکی اضافه است و چهار جمله دارای جای خالی که باید جای خالی با کلمه مناسب کامل شود. یا پر کردن جاهای خالی با گزینه‌های مناسب (سؤال دو گزینه‌ای)	۱۴	د: مهارت درک و فهم
	۱	درک مطلب (ارائه متن و طراحی چهار سؤال با چهار کلمه پرسشی خوانده شده)، یا (ارائه چهار جمله و تعیین درست و نادرست آنها بر اساس مفهوم هر جمله یا بر اساس متن ارائه شده در برگه امتحانی)	۱۵	
نمره	٠/٥	پاسخ کوتاه یک یا دو کلمه‌ای به جمله‌های پرسشی	۱۶	ه: مهارت مکالمه
	١	طرح سؤال از الحوارات (مانند جمله‌سازی با کلمات پراکنده حداقل شش تگه از عبارت‌های کتاب)، پر کردن جای خالی با کلمات ارائه شده، دو گزینه‌ای و ...)	۱۷	

۱- مثال: صُّعْ فِي الْقَرَاعِ كَلِمَةً مُنَاسِيَةً. الْعَالِمُ بِلَا عَمَلٍ گَرَبَّرٌ بلا ئَنْمَرٌ. السَّجَرُ □ الشَّجَرُ □

تذکرات: (برای طراحی سؤال در امتحان میان نوبت دوم و پایانی)

- ۱ در طراحی سؤال امتحان نوبت اول طراح مجاز است تا یک نمره در بارم‌بندی تغییراتی اجرا نماید، ولی در نوبت دوم باید بارم‌بندی دقیقاً رعایت گردد.
- ۲ بار اصلی سؤالات امتحانی ترجمه از عربی به فارسی و کاربرد واژگان است که باید تنوع داشته باشد.

۳ در بسیاری از موارد سؤالات بخش‌های مختلف با هم تلفیق می‌شوند و تفکیک مهارت‌های زبانی امکان ندارد؛ مثلاً در بخش مهارت ترجمه، امکان دارد در یک جمله چند مفهوم مختلف هم‌زمان بیاید.

۴ فونت‌های زیر برای تایپ سؤالات امتحان عربی مناسب هستند:

Simplified Arabic, Traditional Arabic, B Badr, KFGQPC Uthman Taha NaskhT, Adibe Arabic

۵ نمره امتحان مستمر دوم شامل دو بخش کتبی و شفاهی است. ۵۵ نمره پرسش‌ها و فعالیت‌های کلاسی، امتحانات کتبی، هفت نمره روش‌دانی درست و سه نمره مقالمه است.

۶ در بخش قواعد شیوه طرح سؤال فقط بر مبنای تشخیص فعل ماضی، مضارع، امر و نهی در جمله و تعیین فعل مناسب برای جای خالی و نیز ترجمه از عربی به فارسی است؛

مثال: أكْتُبْ فِي الْفَرَاغِ فِعْلًا مُنَاسِبًا. يا أخي ... إلى بيتك. (أرجِعْ □ إِرْجِعُوا □)

تَرْجِمِ الْكَلِمَةَ الَّتِي تَحْتَهَا حَطٌ. يا إِخْوَتِي، إِرْجِعُوا إِلَى بُيُوتِكُمْ.

۷ سؤالات چندگزینه‌ای باید فقط دو گزینه داشته باشد. (جز بخش کلمات نامه‌منگ که چهار کلمه داده می‌شود).

۸ طرح سؤال از معنای کلمات باید در جمله باشد، (زیر دو کلمه خط کشیده می‌شود).

۹ ترجمۀ جمله یا کلمه از فارسی به عربی در هیچ آزمون، یا مسابقه‌ای طراحی نشود.

۱۰ طرح سؤال از فعل‌هایی مانند «تَعَلَّمُوا» که می‌توانند ماضی، یا امر باشند باید در جمله و همراه با قرائئن مناسب باشد.

۱۱ در تشخیص و ترجمهٔ فعل‌های ماضی ساده، ماضی استمراری، ماضی منفی، مضارع منفی و مستقبل و نیز مصدر در جمله باید فقط موارد صحیح و سالم طرّاحی شود و اگر از غیر صحیح و سالم سؤالی طرح شد، نباید تغییراتی مانند اعلال حذف داشته باشد.

۱۲ مطابقت عدد و محدود و ویژگی‌های محدود، مطلقاً از اهداف کتاب درسی نیست؛ اما حفظ اعداد از اهداف است.

۱۳ در تشخیص ضمیر و اسم اشاره مناسب برای جای خالی در جمله با توجه به قرائئن باید توجه داشت که چنین مواردی از اهداف کتاب درسی نیست: ضمیر منفصل منصوب مانند *إِيَّاكَ*; تشخیص کاربرد اسم اشاره مثنی مانند *هذانِ* و *هذينِ*، کاربرد هذه و تلك برای اشاره به اسم غیر عاقل.

۱۴ در تشخیص فاعل، مفعول، مبتدا و خبر در جمله، ذکر نام اعراب آنها کافی است و نهادن اعراب رفع و نصب از اهداف کتاب نیست؛ مثلاً در جاء سعیدُ. سعیدُ فاعل و مرفوع است؛ اما اینکه جمله « جاء سعید» داده شود و اعراب سعید خواسته شود از اهداف نیست.

۱۵ در طرح سؤال مکالمه به چند صورت می‌توان عمل کرد:

طرح سؤال از تصویر ارائه شده

پر کردن جای خالی در مکالمه و ارائه کلمات با دادن دو کلمه اضافه ساختن جمله از کلمات پراکنده از جملات حوارات کتاب

بازم‌بندی امتحان شفاهی عربی زبان قرآن (۱) پایه دهم، میان نوبت اول و دوم رشته ادبیات و علوم انسانی

نمره	موضوع	شماره	مهارت‌ها
۷	روان‌خوانی (بدون درنگ و خطأ، و با تلفظ نسبتاً درست مخارج حروف) و فعالیت‌هایی مانند حفظ سرود درس اول و اجرای گروهی آن، اجرای نمایشی متن برخی درس‌ها	۱	مهارت‌های خواندن، شنیدن و سخن‌گفتن
۳	مهارت شنیدن و سخن‌گفتن مکالمه ساده در حد کتاب درسی به صورت پاسخ کوتاه به جمله‌های پرسشی (سؤال با جملات دارای ما، ماذا، ما هو، ماهی، يه، من، لمن، أين، منْ أين، مِنْ، كَمْ، هَلْ، أَ، متى، كيف، لم اذا، لِمَ، عَمَّ، أي) یا حفظ مشابه مکالمات کتاب درسی و اجرای آن در گروه دو یا چند نفره یا اجرای گروهی مکالماتی متفاوت با مکالمات کتاب درسی در کلاس	۲	
۱۰	جمع نمره		

تذکرات

- امتحان مستمر اول و دوم شامل دو بخش کتبی (از ۱۰ نمره) و شفاهی (از ۱۰ نمره) است؛ ولی امتحان نوبت اول و دوم فقط کتبی و از بیست نمره است.
- هر چند تلفظ درست مخارج حروف خاص زبان عربی (ث، ح، ذ، ص، ض، ط، ظ، ع، ق، و) دشوار است و از عهدۀ بسیاری از دانش‌آموزان بر نمی‌آید؛ اما باید از دانش‌آموزان خواسته شود حتی‌الامکان مخارج حروف خاص عربی را درست بر زبان آورند و تمرین کنند، زیرا هدف اصلی آموزش عربی مسائل دینی است و قرائت نماز باید با تلفظ درست باشد.

۳ در پاسخ به جمله‌های پرسشی به پاسخ کوتاه یک یا دو کلمه‌ای بسنده شود؛ مثلاً اگر در پاسخ سؤال «إِلَى أَيْنَ تَذَهَّبُ؟» پاسخ دهد: «إِلَى الْفَنْدُقِ»، کاملاً درست است و نیازی نیست پاسخ دهد: «أَنَا أَذَهَبُ إِلَى الْفَنْدُقِ». در بخش مکالمه فهم سؤال نیمی از نمره را دارد؛ مثلاً اگر از دانش‌آموزی سؤال شد: «أَيْنَ أَنْتَ؟» و پاسخ داد: «أَنَا فِي ...». و درنگ کرد و نتوانست بگوید: «أَنَا فِي الصَّفِّ». در واقع نیمی از نمره را گرفته است. چون سؤال را فهمیده است.

۴ یکی از موارد امتحانی این است که از دانش‌آموز بخواهیم خودش را به زبان عربی در دو دقیقه معرفی کند یا اگر فعالیتی در زمینه نمایش و مکالمه در کلاس داشت می‌توان به عنوان نمره امتحان شفاهی از آن استفاده کرد.

۵ طبیعی است که در یک روز نمی‌توان از همه دانش‌آموزان آزمون روخوانی و مکالمه به عمل آورد؛ بنابراین آنچه را دانش‌آموز در طول سال تحصیلی می‌خواند و مجموعه فعالیت‌های شفاهی و مکالمه وی نمره شفاهی‌اش را تشکیل می‌دهد، مبنای نمره‌دهی آخرین و بهترین وضعیت مهارت شفاهی اوست.

۶ رعایت ظرفات‌های صرفی و نحوی در مکالمه در حد دانش‌آموز نیست مخصوصاً اینکه او باید در پاسخ‌گویی سرعت عمل داشته باشد و فرصت کافی برای فکر کردن ندارد؛ از طرفی آزمون شفاهی اضطراب دارد؛ لذا از دبیر ارجمند درخواست می‌گردد این بخش را با نرمش و مهربانی برگزار کند تا دانش‌آموز خاطره‌ای خوش از مکالمه داشته، و زمینه مثبتی در ذهن او برای سال‌های آینده وجود داشته باشد.

۷ حفظ عین مکالمات کاری بسیار دشوار است؛ لذا از دانش‌آموزان نمی‌خواهیم عین عبارت‌ها را حفظ کنند. دانش‌آموز می‌تواند با ذوق و سلیقه خود و موقعیت موجود تغییراتی در متن ایجاد کند.

نمونه سؤال امتحان

نوبت اول و دوم عربی زبان قرآن (۱)

كتاب مشترك همه رشته‌ها جز ادبیات و علوم انسانی

استفاده از نمونه سؤالات كتاب معلم در كتاب‌های غير آموزش و پرورش منع قانونی دارد.

بخش پنجم

بِاسْمِهِ تَعَالَى، إِمْتِحَانُ الْلُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ لِلصَّفَّ الْعَاشِرِ، الْفَصْلُ (الثَّالِمُ) الْأَوَّلُ، مِنْ أَرْبَعَةِ دُرُوسٍ، الْأَوْقَتُ: ٧٠ دَقِيقَةً،
الْأَسْمُ الْأَوَّلُ وَ الْأَسْمُ الْعَائِدُ: آتَارِيخ: / ١٠ الْمِنْطَقَةُ:

رِدِيف	پرسش	الْمُدَرِّسُ:
		الْأَسْمُ الْأَوَّلُ وَ الْأَسْمُ الْعَائِدُ:

رِدِيف	پرسش	بَارِم
الف. مهارت واژه‌شناسی (دو نمره)		
١	تَرْجِيمُ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ. اُنْظُرْ لِتِلْكَ الشَّجَرَهِ ذَاتِ الْخُصُونِ التَّضَرُّهِ كَيْفَ نَمَتْ مِنْ حَبَّهُ وَ كَيْفَ صَارَتْ شَجَرَه	٠/٥
٢	اُكْتُبْ فِي الْفَرَاغِ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُتَرَادِفَتَيْنِ وَ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُتَضَادَتَيْنِ. رَخِيَّصَه / رَاسِب / نُور / غَالِيَه / يَسَار / ضِياء ≠ ب = الف.....	٠/٥
٣	عَيْنُ الْكَلِمَهُ الْغَرَبِيهُ فِي الْمَعْنَى. الف. نَعَجَه □ بَقَرَه □ كَلْب □ حَبَل □ ب. نِيَام □ مُحِيط □ بَحْر □ نَهَر □	٠/٥
٤	اُكْتُبْ مُفَرَّداً وَ جَمِيعَ الْكَلِمَتَيْنِ. رِيج: يَنَابِيع:	٠/٥

رِدِيف	پرسش	ب. مهارت ترجمه به فارسی (هفت نمره)
١ ١. هُلَا يَعْدِرُ عَلَى شَيْءٍ؟ ٢. هُوَ لَقَدْ أَرْسَلَنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسْلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاؤُوهُمْ بِالْبَيْنَاتِ هُوَ ٣. هُوَ اجْعَلَ لِي لِسَانًا صِدِيقًا فِي الْآخِرِينَ هُوَ ٤. هُمَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَهِ فَلَمْ يَعْلَمُوا أَمْثَالَهُ هُوَ ٥. إِنَّ طَعَامَ الْوَاحِدِ يَكْفِي الْإِلَاتَيْنِ. ٦. طَوْلُ قَامَهِ الرَّزَاقَهِ سِئَهُ أَمْتَارٍ. ٧. أَمْمَكُنْ أَنْ تَرَى مَطَرَ السَّمَكِ؟! ٨. مَنْ رَأَى مِنْكُمْ أَحَدًا يَدْعُو إِلَى التَّفْرِيقَهِ فَهُوَ عَمِيلُ الْعَدُوِّ.	٠/٢٥ ٠/٧٥ ٠/٥ ٠/٥ ٠/٧٥ ٠/٧٥

		انتَخِبِ التَّرْجِمَةَ الصَّحِيحةَ.
٠/٥	٦	١. هُوَ عِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَهْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هُونَاً وَ إِذَا خَاطَبُهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا هـ الف. و بندگان [خدای] بخشاینده کسانی اند که روی زمین با آرامش گام بر می دارند و هرگاه نادان ها ایشان را خطاب کنند، سخن آرام (سلام) گویند. □
٠/٥	٦	ب. و بنده های [خدای] بخشیده بر زمین با آرامش گام بر می دارند و هرگاه دشنام دهنگان ایشان را خطاب کنند، سخن نیک (سلام) گویند. □
	٧	٢. هُوَ لَا تَيَأسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيَأسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ هـ الف. و از مهر خدا نالمید نشدن؛ زیرا جز مردم کافر کسی از مهر خدا نالمید نشد. □ ب. و از مهر خدا نالمید نشود؛ زیرا جز گروه کافران کسی از مهر خدا نالمید نمی شود. □
١/٥	٧	كُلُّ الْفَرَاغَاتِ فِي التَّرْجِمَةِ الْفَارِسِيَّةِ. ١. لَقَدْ كَانَتْ رِسَالَةُ إِلِّيَّالِ إِسْلَامٍ عَلَى مَرْعِ الْعُصُورِ قَائِمَةً عَلَى أَسَاسِ الْمُنْتَقِيِّ وَاجْتِنَابِ الْإِسَاءَةِ. رسالت اسلام در بر اساس منطق و دوری کردن از بوده است. ٢. الْضَّيَافَةُ ثَلَاثَةُ أَيَّامٍ فَمَا زَادَ فَهُوَ صَدَقَةٌ، وَ عَلَى الضَّيْفِ أَنْ يَتَحَوَّلَ بَعْدَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ سه روز است و هرچه فزوود گردد صدقه است و بر لازم است که پس از سه روز تغییر کند. ٣. هُرَبَّنَا وَ لَا تُحَمِّلُنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ هـ پروردگارا، و آنچه طاقت ش را بر ما تحميل مکن. ٤. هُوَ اَعْفُ عَنَّا وَ اَغْفِرْ لَنَا وَ اَرْحَمْنَا هـ و از ما درگذر، و ما را و به ما رحم کن.
		ج. مهارت شناخت و کاربرد قواعد (هفت و نیم نمره)
٣	٨	تَرْجِيمُ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حَطُّ: ١. كَبِيتُ درسي. ٢. مَا رَجَعْنَا إِلَى بَيْتِنَا. ٣. لَا يَمْلُكُ شَيْئًا. ٤. سَاعَيْسُلُ مَلَابِسِي. ٥. الْأَعْتِصَامُ بِحَبْلِ اللَّهِ. ٦. أَفْتَرَتُمْ مِنَ الْبَيْرِ. ٧. أَخْرَجْ قَلْمَكَ. ٨. لَا تَلْعَبُوا فِي الشَّارِعِ. ٩. سُوقَ نَنْجُوحُ فِي امْتِحَانَاتِنَا. ١٠. يَسْتَغْفِرُ اللَّهُ. ١١. كَانُوا يَظْلِمُونَ. ١٢. رَجَاء، اِنْتَهِوا.
١	٩	عَيْنِ الْفِعْلِ الْمُنْاسِبِ لِلْفَرَاغِ. ١. هُوَفَاضِرٌ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَ لِدَنِيَّكَ هـ ٢. إِلَهِي قَدْ رَجَائِي عَنِ الْحَلْقِي وَ أَنْتَ رَجَائِي. ٣. كَانَ صَدِيقِي وَاللَّدُهُ لِلرَّجُوعِ إِلَى الْبَيْتِ. ٤. أَنَا وَ زَمِيلِي رَسَائِلٌ عَبْرِ الْإِنْتِرِنِتِ.

٠/٥	<p>عَيْنِ نَوْعَ الْفِعْلِ فِي كُلِّ عِبَارَةٍ.</p> <p>١. هُوَ اصْبِرُ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَ اهْجُرُهُمْ» ٢. هُلَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ؟</p>	١٠
٠/٥	<p>عَيْنِ الْكَلِمَةِ الَّتِي يَخْتَلِفُ نَوْعُهَا فِي كُلِّ مَجْمُوعَةٍ.</p> <p>١. أَجْلِسُ <input type="checkbox"/> إِسْمَاعِيلُ <input type="checkbox"/> تَحْرَجُ <input type="checkbox"/> أُدْخُلُ <input type="checkbox"/> ٢. إِكْتَسَابُ <input type="checkbox"/> يُجَالِسُ <input type="checkbox"/> تَعْلَمُ <input type="checkbox"/> إِخْرَاجُ <input type="checkbox"/></p>	١١
٠/٥	<p>ضُحْ في الْفَرَاغِ الْأَوَّلِ عَدَدًا تَرَبِيبًا وَ في الْفَرَاغِ الثَّانِي عَدَدًا أَصْلِيًّا.</p> <p>١. الْفَصْلُ الـ في السَّنَةِ الإِبْرَاهِيَّةِ فَصْلُ الْخَرِيفِ. ٢. مِنْهُ تَقْسِيمٌ عَلَى خَمْسَةٍ يُسَاوِي</p>	١٢
٠/٥	<p>أَكْتُبُ الْحُرُوفَ بِالْأَرْقَامِ كَالْمِثَالِ.</p> <p>الْمِثَال: عَشَرَةٌ في ثَلَاثَةٍ يُسَاوِي ثَلَاثِينَ. ١. تِسْعَوْنَ نَاقْصٌ عَشَرَةٌ يُسَاوِي ثَمَانِينَ. ٢. إِثْنَانِ وَ ثَمَانُونَ تَقْسِيمٌ عَلَى اثْنَيْنِ يُسَاوِي واحِدًا وَ أَرْبَعِينَ.</p>	١٣
٠/٥	<p>أَرْسُمْ عَقَارِبَ السَّاعَةِ.</p> <p>١. الْخَامِسَةُ وَ الرُّبْعُ  ٢. التَّامِنَةُ وَ التَّصْفُ </p>	١٤

	صُحْ هَذِهِ الْجُمَلَ وَ التَّرَاكِيبَ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ. (اثْنَانِ زَائِدَتِهِنَّ فَائِرَاتُ / هَذِنِ الْذَّلِيلَانِ / تَلْكِ الْبَطَارِيَّةُ / هُمْ صَالِحُونَ / هُوَ عَنْدُهُ / هَاتَانِ الزُّجَاجَتَانِ	١٥								
١	<table border="1" style="width: 100%; border-collapse: collapse;"> <tr> <td style="width: 25%;">جمع مذكر سالم</td> <td style="width: 25%;">مثنى مذكر</td> <td style="width: 25%;">جمع مؤنث سالم</td> <td style="width: 25%;">مفرد مؤنث</td> </tr> <tr> <td> </td> <td> </td> <td> </td> <td> </td> </tr> </table>	جمع مذكر سالم	مثنى مذكر	جمع مؤنث سالم	مفرد مؤنث					١
جمع مذكر سالم	مثنى مذكر	جمع مؤنث سالم	مفرد مؤنث							
د. مهارت درك و فهم (دو نمره)										
	صُحْ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدِ الْمُنَاسِبِ. «كَلْمَتَانِ زَائِدَتِهِنَّ مِنَ الْأَحْجَارِ الْجَمِيلَةِ الْعَالِيَّةِ ذَاتِ اللَّوْنِ الْأَبْيَضِ.	١٦								
١	<p>○ جَذْوُهَا مُسْتَعْرَةٌ، فِيهَا ضِياءٌ وَ بِهَا حَرَادَةٌ مُمْتَشَّةٌ.</p> <p>○ كَوْكَبٌ يَدْوِرُ حَوْلَ الْأَرْضِ؛ ضِيَّوْهُ مِنْ الشَّمْسِ.</p> <p>○ بُخَارٌ مُتَرَاكِمٌ فِي السَّمَاءِ يَنْزُلُ مِنْهُ الْمَطَرُ.</p>	<p>١. الشَّرَرَةُ</p> <p>٢. الْعَيْمُ</p> <p>٣. الْشَّمْسُ</p> <p>٤. الْقَمَرُ</p> <p>٥. الْدُّرَرُ</p> <p>٦. الْأَنْعَمُ</p>								
	عَيْنِ الْجُمَلَةِ الصَّحِيحَةِ وَ غَيْرِ الصَّحِيحَةِ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَ الْوَاقِعِ.	١٧								
١	<p>١. الْمِهْرَاجَانُ اخْتِفَالُ عَامٍ بِمُنْسَابَةٍ جَمِيلَةٍ، كَمِهْرَاجَانُ الْأَزْهَارِ وَ مِهْرَاجَانُ الْأَقْلَامِ.</p> <p>٢. الْثَّلْجُ نَوْعٌ مِنْ أَنْوَاعِ نُزُولِ الْمَاءِ مِنَ السَّمَاءِ يَنْزُلُ عَلَى الْجِبَالِ فَقَطَ.</p> <p>٣. يَحْتَفِلُ الْإِيرَانِيُّونَ أَوْلَ يَوْمٍ مِنْ أَيَّامِ السَّنَةِ الشَّمْسِيَّةِ الْإِيرَانِيَّةِ.</p> <p>٤. تَعِيشُ الْأَسْمَاكُ فِي التَّهِيرِ وَ الْبَحْرِ وَ لَهَا أَنْوَاعٌ مُخْتَلِفَةٌ.</p>	١٧								
هـ . مهارت مكالمه (١/٥ نمره)										
٠/٥	أَجِبْ عَنِ الْأَسْئِلَةِ التَّالِيَّةِ. (أَجِبْ: يَاسِخُ بِهِ)	١٨								
	١. مَا اسْمُك؟ .. ٢. أَيْنَ مَدْرَسَتُك؟ ..	١								
	رَتِّبِ الْكَلِمَاتِ وَ اكْتُبْ سُؤَالًا وَ جَوابًا.	١٩								
١	<p>١. عَامًاً / كَمْ / عُمْرُكَ / عُمْرِي / سِيَّةَ عَشَرَ / . / ؟</p> <p>٢. بِطَاقَاتِ الدُّخُولِ / بِطَاقَتَهُ بِيَدِهِ / عِنْدَكُمْ / نَعَمْ / هَلْ / كُلُّ وَاحِدٍ مِنَا / . / ؟</p>	١								

بِاسْمِهِ تَعَالَى، إِمْتِحَانُ الْلُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ لِلصَّفَّ الْعَاشِرِ، الْفَصْلُ (الثَّالِثُ)، الْأَوْقُتُ: ٧٠ دَقِيقَةً، أَنَارَيْخُ: / / الْمِنْطَقَةُ: الْمُدَرِّسُ: الْإِلَاسْمُ الْأُولُّ وَ الْإِلَاسْمُ الْعَائِلُ:		
رِدِيف	بَارِم	پرسش
الف. مهارت واژه شناسی (دو نمره)		
١	٠/٥	ترجم الكلمات التي تحتها خط. أنظر إلى الشجرة ذات العصون التضرر كيف نمت من حبة و كيف صارت شجرة
٢	٠/٥	أكتب في الفراغ الكلمتين المترادفتين والكلمتين المتضادتين. سلم / حزبين / إستطاع / غيم / قير / حرب ≠ ب: = الف:
٣	٠/٥	عين الكلمة العربية في المعنى. الف. غراب <input type="checkbox"/> بط <input type="checkbox"/> بوم <input type="checkbox"/> نضر <input type="checkbox"/> ب. هاتف <input type="checkbox"/> جذوة <input type="checkbox"/> مسجل <input type="checkbox"/> صباح
٤	٠/٥	أكتب مفرد أو جمع الكلمتين. الف: مؤعد: ب: جيوش: ب. مهارت ترجمة به فارسي (هفت نمره)
ب . مهارت ترجمة به فارسي (هفت نمره)		
٥	٠/٢٥	ترجم هذه الجمل. ١. (وَ خُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا) ٢. (لَيْرِيدُ أَنْ يُخْرِجُكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ)
٠	١	٣. إنَّ اللَّهَ أَمْرَتِي بِمُدَارَاهِ النَّاسِ كَمَا أَمْرَتِي بِإِقَامَةِ الْفَرَائِصِ.
٤	٠/٥	٤. لِكُلِّ ذَنْبٍ تَوْبَةٌ إِلَّا سُوءُ الْحُلُقِ.
٥	٠/٥	٥. ساميحيني؛ أنت على الحق.
٦	٠/٧٥	٦. مَصَ الزَّمَانُ وَ قَلْبِي يَقُولُ إِنَّكَ آتَيْتِي.
٧	١	٧. كَانَ فِي قَدِيمِ الزَّمَانِ مَلِكٌ عَادِلٌ يُسَمَّى بِذِي الْقَرَبَى قَدْ أَعْطَاهُ اللَّهُ الْقُوَّةَ.

		إِنْتَخِبِ التَّرْجِمَةَ الصَّحِيحةَ.	
٠/٥	٦	<p>١. سَمْعُ الدُّلُفِينَ يَفْوُقُ سَمْعَ الْإِنْسَانِ عَشْرَ مَرَاتٍ وَ وزْنُهُ يَلْغُصُ ضَعْفَيِ وزْنِ الْإِنْسَانِ تَقْرِيباً.</p> <p>الف. شَنْوَاهِي دَلْفِينٌ دَه بَرَابِر شَنْوَاهِي إِنْسَانٌ وَ وزْنُه تَقْرِيباً دَه بَرَابِر وزْنِ إِنْسَانٌ اسْتَ.</p> <p>ب. دَلْفِينٌ دَه بَرَابِر إِنْسَانٌ مَى شَنْوَدَ وَ وزْنُه تَقْرِيباً بَرَابِر بَايْكِ إِنْسَانٌ اسْتَ.</p> <p>٢. حَاوَلَ الْعُلَمَاءُ مَعْرِفَةَ سِرِّ تِلْكَ الظَّاهِرَةِ؛ فَأَرْسَلُوا فَرِيقاً لِزِيَارَةِ الْمَكَانِ وَ التَّعْرِفِ عَلَى الْأَسْمَاكِ.</p> <p>الف. دَانِشْمَنْدَان سَعَى مَى كَنْنَد رَاز آن رَا آشْكَار كَنْنَد؛ پَس گَروْهِي رَا بَرَاي بازْدِيد آن مَكَان وَ پَژوهِش درِبَارَه مَاهِيَهَا ارسَال مَى كَنْنَد.</p> <p>ب. دَانِشْمَنْدَان بَرَاي شَناخت رَاز آن پَدِيدَه تَلاشَ كَرْدَنَد وَ تِيمِي رَا بَرَاي دِيدَن مَكَان وَ شَناختَنْ مَاهِيَان فَرِستَادَنَد.</p>	
١/٥	٧	<p>إِنْتَخِبِ الصَّحِيحَ فِي التَّرْجِمَةِ الْفَارِسِيَّةِ.</p> <p>﴿لَيَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخِرُونَ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَى أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ﴾</p> <p>ا) كَسَانِي كَه ايَمان آورَهَا يَدِيد، بَایِد مرَدَمانِي مرَدَمانِي [ديگر] رَا رِيشَخَند كَنْنَد، شَایِد آنها خَوب <input type="checkbox"/> بَهْتر از خَودَشَان <input type="checkbox"/> باشَنَد؛</p> <p>﴿وَ لَا تَأْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَ لَا تَنَابِرُوا بِالْأَلْقَابِ﴾</p> <p>و از (خَودَتَان <input type="checkbox"/> دِيَگَران <input type="checkbox"/> عَيْب نَگِيرِيد، و به هَمَدِيَگَر (لَقَب <input type="checkbox"/> لَقَبَهَاي <input type="checkbox"/> زَشت نَدَهِيد.</p> <p>﴿فَاقْسَطُّفُرُوا لِدُنُوبِهِمْ﴾ پَس بَرَاي گَناهَانْشَان (آمِرَّش خَواستَند <input type="checkbox"/> آمِرَّش مَى خَواهَنَد <input type="checkbox"/>).</p>	
		ج. مهارت شناخت و کاربرد قواعد (هفت و نیم نمره)	
١/٥	٨	<p>تَرْجِيمُ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطُّ:</p> <p>١. لا <u>تَقْتَرِبِي</u> التَّارِ. ٢. أَنْتِلُنِي يا سائِقُ.</p> <p>٣. ما <u>انتَفَعْتُ</u> بِهِ. ٤. سَيْنَكَسِرُ الرُّجَاجُ.</p> <p>٥. إِسْتُرْجَاعُ الْبَضَائِعِ. ٦. كَانُوا <u>يَدْكُبُونَ</u>.</p>	

	عَيْنِ الْجَوَابِ الصَّحِيحَ.	
٠/٥	<input type="checkbox"/> نَسَامَح <input type="checkbox"/> سَمَحَ <input type="checkbox"/> سَاقَحَ <input type="checkbox"/> يُبَادِلُ <input type="checkbox"/> يُبَدِّلُ <input type="checkbox"/> يُنَادِلُ	١. الْمَاضِي مِنْ «يُسَامِحُ» : ٢. الْمُضَارِعُ مِنْ «بَدَّلَ» :
٠/٥		عَيْنِ نَوْعِ الْفِعْلِ فِي كُلِّ عِبَارَةٍ. ١. هُوَشْهُرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُتْرَلَ فِي الْقُرْآنِ ٢. هُوَيُخَلِّقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ
٠/٥		عَيْنِ الْكَلِمَةِ الَّتِي يَخْتَلِفُ نَوْعُهَا فِي كُلِّ مَجْمُوعَةٍ. ١. مُجَالَسَةٌ <input type="checkbox"/> إِنْتَهُوا <input type="checkbox"/> تَعْلَمَي ٢. حَارَبَ <input type="checkbox"/> تُخَلَّصُ <input type="checkbox"/> تُحسِّنُ
٠/٥		ضُغْطٌ فِي الْفِرَاغِ الْأَوَّلِ عَدَدًا تَرَبِّيًّا وَ فِي الْفِرَاغِ الثَّانِي عَدَدًا أَصْلِيًّا. ١. الْيَوْمُ الـ..... مِنْ أَيَّامِ الْأَسْبُوعِ يَوْمُ الْخَمِيسِ. ٢. تِسْعَونَ نَاقِصٌ عَشَرَةٌ يُساوِي
١/٥		عَيْنِ الْمَحَلِ الْإِعْرَابِيِّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حَاطُ. ١. هُوَيُضَرِّبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ ٢. رَكَاهُ الْعِلْمُ نَسْرَهُ. هُوَ اجْعَلَ لِي لِسَانٌ صِدْقٌ فِي الْآخِرِينَ
١		عَيْنِ الْفِعْلِ الْمَجْهُولِ، لَمْ تَرْجِمْ ذَلِكَ الْفِعْلَ إِلَى الْفَارِسِيَّةِ. ١. هُبَا أَلَيْهَا النَّاسُ ضَرِبَ مَثَلٌ فَأَسْتَمِعُوا لَهُ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا دُبَابًا ٢. هُمْ قَلَّا يَنْظُرُونَ إِلَى الْأَبْلِيلِ كَيْفَ حَلِيقُتُهُ
١/٥		عَيْنِ اسْمِ الْفَاعِلِ وَ اسْمِ الْمَفْعُولِ وَ اسْمِ الْمُبَالَغَةِ، ثُمَّ تَرْجِمُهَا. ١. سَيِّدُ الْقَوْمِ خَادِمُهُمْ فِي السَّعْرَةِ. ٢. مَنْ حَرَبَ الْمُجَرَّبَ حَلَّتْ بِهِ التَّدَامَةُ.

د. مهارت درك و فهم (دو نمره)		
١	<p>صُعْبٌ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدِ الْمُنَاسِبَ. «كَلِمَتَانِ زَايِدَتَانِ»</p> <p><input type="radio"/> اِبْتِيَاعُ الصَّدِيقِ عَنْ صَدِيقِهِ أَوِ الزَّوْجِ عَنْ زَوْجِهِ.</p> <p><input type="radio"/> هُوَ الَّذِي لَهُ حَرَكَاتٌ جَمِيلَةٌ وَ كَلَامٌ جَمِيلٌ.</p> <p><input type="radio"/> زِينَةٌ مِنَ الدَّهَرِ أَوِ الْفِضَّةِ فِي يَدِ الْمَرْأَةِ.</p> <p><input type="radio"/> شَرْفٌ وَ عَظَمَةٌ وَ عِزَّةُ النَّفَسِ.</p> <p>١. الرَّبُّ</p> <p>٢. الْكَرَامَةُ</p> <p>٣. الْوَكْرُ</p> <p>٤. الْهَجْرُ</p> <p>٥. الْمَلِيجُ</p> <p>٦. الْسُّوَارُ</p>	١٦
١	<p>عَيْنِ الْجُمَلَةِ الصَّحِيحَةِ وَ غَيْرِ الصَّحِيحَةِ حَسْبَ الْحَقِيقَةِ وَ الْوَاقِعِ.</p> <p>..... ١. عِنْدَمَا يَنْقَطِعُ تَيَارُ الْكَهْرَبَاءِ فِي الظَّلَامِ، يَغْرُقُ كُلُّ مَكَانٍ فِي الظَّلَامِ.</p> <p>..... ٢. الْأَطْلَاؤُوْسُ مِنَ الطَّيُورِ الْمَائِيَّةِ تَعِيشُ فَوْقَ جِبَالٍ تَلْجِيَّةً.</p> <p>..... ٣. الْمَوْسُوعَةُ مُعَجَّمٌ صَغِيرٌ جِدًا يَجْمِعُ قَلِيلًا مِنَ الْعُلُومِ.</p> <p>..... ٤. الْلَّاْشِاطِيُّ مِنْطَقَةٌ بَرِيَّةٌ بِحَوَارِ الْبِحَارِ وَ الْمُحِيطَاتِ.</p>	١٧
هـ . مهارت مكالمه (١/٥ نمره)		
٠/٥	<p>أَجِبْ عَنِ السَّؤَالَيْنِ التَّالِيَيْنِ. (أَجِبْ: پاسخ بدھ)</p> <p>..... ١. مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟</p> <p>..... ٢. كَيْفَ حَالُكَ؟</p>	١٨
١	<p>رَتِّبِ الْكَلِمَاتِ وَ اَكْتُبْ سُؤَالًا وَ جَوابًا.</p> <p>١. السَّادِسَةُ / سَاعَةٌ / مِنَ / دَوَامِكَ / مَا هِيَ / . / ؟</p> <p>..... ٢. تَدْهِبُونَ / مَرْقِدِ سَلَمَانَ / إِلَى الْمَدَائِنِ / لِزِيَارَةِ / لَمْ / . / ؟</p>	١٩



نمونه سؤال امتحان

نوبت اول و دوم عربی (۱)

رشته ادبیات و علوم انسانی

استفاده از نمونه سؤالات کتاب معلم در کتاب‌های غیر آموزش و پرورش منع قانونی دارد.

بخش ششم

بياناته: أسماءه تعانى، امتحان اللغة العربية لصف العاشر، العلوم الإنسانية، الفصل (الثامن) الأول، من أربعة دروس، الوقت: ٧٠ دقيقة، المدرس: آلان الأول والاسم العائلى: تاريخ: ١٠ المنطقه:

رديف	پرسش	بارم
الف . مهارت واژه شناسی (دو نمره)		
١	ترجم الكلمات التي تحتها خط . انظر إلى الليل فمن أوجَد فيه قمرة و زانه بإنجِيم كالذرَر المُنتشرة	٠/٥
٢	أكتب في الفراغ الكلمتين المترادفتين والكلمتين المتضادتين ≠ =	٠/٥
٣	أكتب مفردة أو جمع الكلمتين . هاتف: نعاج:	٠/٥
٤	عن الكلمة العربية في المعنى . الف . مُستوفف ب . مُسَجْل ملعب سوداء متحف مجفف حنفيَّة بطارية	٠/٥
ب . مهارت ترجمه به فارسي (هفت نمره)		
٥	ترجم هذه الجمل . ١ . هُقالَ اللَّهُ لَا تَتَخَذُوا إِلَيْنِ اثْتَيْنِ إِنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ	٠/٧٥
٦	انظر إلى هذه الصور حتى تصدق ظاهرة مطر السمك	٠/٧٥
٧	همانون في المئنة من موجودات العالم حشرات	٠/٥
٨	لديّ جوال تقرع بطاريّته خلال نصف يوم	٠/٧٥
٩	مثل المؤمن كمثل العطار إن جالسته تفَعَك	٠/٧٥
١٠	سمعت سمية صوت ممكِف الهواء من إحدى الحجرات	٠/٧٥
١١	رسالة الإسلام على مر العصور قائمة على أساس المنيق و اختيار الإساءة	٠/٧٥

٠/٥	إنتَخِبِ التَّرْجِمَةَ الصَّحِيحةَ. ١. ﴿فَاسْتَغْفِرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ﴾ <input type="checkbox"/> الف. پس برای گناهان آمرزش می خواهند و چه کسی به جز خدا می بخشاید؟ <input type="checkbox"/> ب. پس برای گناهانشان آمرزش خواستند و چه کسی جز خداوند می آمرزد؟ ٢. ﴿وَ اصِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَ اهْجُرُهُمْ﴾ <input type="checkbox"/> الف. و بر آنچه می گویند شکیابی کن و از آنها دوری گیریں. <input type="checkbox"/> ب. و بر هرچه می گویند صبر می کنم و از ایشان دوری می کنم.	٦
-----	---	---

١/٥	كُمُلُ الْفَرَاغَاتِ فِي التَّرْجِمَةِ الْفَارِسِيَّةِ. يُؤْكِدُ الْقُرآنُ عَلَىٰ حُرْيَّةِ الْعِقِيدَةِ، ﴿لَا إِكْرَاهٌ فِي الدِّينِ﴾ لا يجُوزُ الإِصرَارُ عَلَىٰ نِقَاطِ الْخَلَافِ وَ عَلَىٰ الْعُدُوانِ؛ لَأَنَّهُ لَا يَتَنَعَّفُ بِهِ أَحَدٌ؛ وَ عَلَىٰ كُلِّ النَّاسِ أَنْ يَتَعَايَشُوا مَعَ بَعْضِهِمْ تَعَايُشًا سِلْمِيًّا، مَعَ اِتِّفَاقٍ كُلِّ مِنْهُمْ بِعَقَائِدِهِ؛ لَأَنَّهُ ﴿كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدِيهِمْ فَرِحُونَ﴾ الْإِلَادُ الْإِسْلَامِيَّةُ مَجْمُوعَةٌ مِنَ الشُّعُوبِ الْكَثِيرَةِ، تَخْتَلِفُ فِي لُغَاتِهَا وَ أَلْوَانِهَا.	٧
-----	---	---

٣	ج. مهارت شناخت و کاربرد قواعد (هفت و نیم نمره) تَرْجِيمُ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حَطَّ. ١. قَرَأْتُ قَصِيَّةً. ٢. مَا وَجَدْتُمْ شَيْئًا. ٣. لَا أَعْرِفُ الرَّائِرَةَ. ٤. سَيَشْرُبُ شَايًا.	٨
---	---	---

٩	٥. مُجَالِسَةُ الْعُلَمَاءِ. ٦. دَافَعْتُمْ عَنْ وَطَنِنَا. ٧. أَخْرَجْ كِتَابَكَ. ٨. لَا تَنْزِلُوا هُنَاكَ.	٨
---	--	---

١١	٩. سَوْفَ أَغْسِلُ مَلَابِسِي. ١٠. التَّقَطَّنَا صُورَةً. ١١. كَانُوا يَكْتُبُونَ. ١٢. يُساعِدُنَ الآخَرِينَ.	٨
----	--	---

	عَيْنُ الْفِعْلِ الْمُنَاسِبَ لِلْقِرَاءَةِ.	
١	<p>١. فَتَدَخَّلَ الْمُدِيرُ وَ نَصَّخَنَا وَ نَدَمَنَا عَلَى عَمَلِنَا الْفَبِيجِ.</p> <p>٢. آلِرْمَلَاءُ مَعَ بَعْضٍ فِي بِدَايَةِ السَّنَةِ الدُّرَاسِيَّةِ.</p> <p>٣. نَدِمَ أَخِي الصَّغِيرِ مِنْ عَمَلِهِ السَّيِّئِ وَ أَنَا هُ.</p> <p>٤. تَعَاشَرُوا كَالْإِخْوَانِ وَ كَالْأَجَانِبِ مَعَ بَعْضٍ.</p>	٩
٠/٥	<p>عَيْنُ تَوْعِيْنِ الْفِعْلِ وَ صِيَغَتِهِ فِي الْعِبَارَةِ.</p> <p>هُوَ لَقَدْ أَرْسَلَنَا مُوسَى بِآيَاتِنَاهُ</p>	١٠
٠/٥	<p>عَيْنُ الْكَلِمَةِ الَّتِي يَخْتِلِفُ تَوْعُهَا فِي كُلِّ مَجْمُوعَةٍ.</p> <p>١. حَرَكَ <input type="checkbox"/> تَحَاجَبَ <input type="checkbox"/> تَعَجَّبَ <input type="checkbox"/></p> <p>٢. تَعَايِشَ <input type="checkbox"/> مُمَارَسَةً <input type="checkbox"/> إِشْتَغَلَ <input type="checkbox"/></p>	١١
٠/٥	<p>ضَعْ فِي الْقِرَاءَةِ الْأَوَّلِ عَدَدًا تَرْتِيبِيًّا وَ فِي الْقِرَاءَةِ الثَّانِي عَدَدًا أَصْلِيًّا.</p> <p>١. قَامَتْ أَخْتِي مِنَ النَّوْمِ فِي السَّاعَةِ الْخَامِسَةِ وَ ذَهَبَتْ إِلَى الْمَدْرَسَةِ بَعْدَ سَاعَتَيْنِ فِي ال..... .</p> <p>٢. خَمْسَةُ وَ سَبْعَوْنَ زَائِدُ خَمْسَةُ وَ عِشْرِينَ يُسَاوِي</p>	١٢
٠/٥	<p>أَكْتُبِ الْحُرُوفَ بِالْأَرْقَامِ.</p> <p>١. سِتَّةُ وَ ثَلَاثُونَ: ٢. كَمَانِيَّةُ وَ تِسْعُونَ:</p>	١٣
٠/٥	<p>أُرْسِمْ عَقَارِبَ السَّاعَةِ.</p> <p>١. الْثَّانِيَّةُ عَشْرَةً إِلَى رُبْعًا</p> <p>٢. الْأَرْبَاعَةُ وَ النَّصْفُ</p>	١٤

	<p>ضعْ هذِهِ الْجُمَلَ وَ التَّرَاكِيبَ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ. (إثنانِ زائِدانِ) أنتِ روحي / أنتِ صَابِراتُ / هذانِ الْحَاسِوبَانِ / تلَكَ الْبِطَاقَةُ / هُمْ فَائِزُونَ / هاتانِ الْمَرَأَتَانِ</p>					
١	<table border="1" style="margin-left: auto; margin-right: auto;"> <tr> <td style="padding: 5px;">جمع مؤنث سالم</td> <td style="padding: 5px;">مفرد مؤنث</td> <td style="padding: 5px;">جمع مذكر سالم</td> <td style="padding: 5px;">مثنى مذكر</td> </tr> </table>	جمع مؤنث سالم	مفرد مؤنث	جمع مذكر سالم	مثنى مذكر	١٥
جمع مؤنث سالم	مفرد مؤنث	جمع مذكر سالم	مثنى مذكر			
د. مهارت درك و فهم (دو نمره)						
١	<p>ضعِ في الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبَ. «كَلِمَتَانِ زائِدانِ»</p> <p><input type="radio"/> إِسْمٌ إِشَارَةٌ لِغَيْرِ الْقَرِيبِ.</p> <p><input type="radio"/> أَكْبَرُ مِنَ الْبَحْرِ كَثِيرًا.</p> <p><input type="radio"/> لَيْسَ فِي دَاخِلِهِ شَيْءٌ.</p> <p><input type="radio"/> قِطْعَةٌ مِنَ الْأَرْضِ.</p>	١٦				
١	<p>.....</p> <p>.....</p> <p>.....</p> <p>.....</p>	١٧				
هـ . مهارت مكالمه (١٥ نمره)						
٠/٥	<p>أَحِبُّ عَنِ الْأَسْيَلَةِ التَّالِيَةِ. (أَحِبُّ: پاسخ بده)</p> <p>١. ما اسْمُ مَدْرَسَتِك؟ ٢. مِنْ أَينَ أَنْتَ؟</p>	١٨				
١	<p>رَتِّبِ الْكَلِمَاتِ وَ اكْتُبْ سُؤَالًا وَ جَوابًا.</p> <p>١. الْكَرِيمُ / مَا / حُسَيْنُ / اسْمُك / إِسْمِي / . / ؟</p> <p>٢. إِنَّهُ / شَعْبٌ / مِضِيَافٌ / وَجَدْتَ / الشَّعْبُ الْإِيْرَانِيُّ / كَيْفَ / . / ؟</p>	١٩				

بِإِسْمِهِ تَعَاهَى، إِمْتِحَانُ الْلُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ لِلصَّفْ الْعَاشِرِ، الْعُلُومُ الْإِنْسَانِيَّةُ، الْفَصْلُ (الثَّرِم) الثَّانِي، الْوَقْتُ: ٧٠ دَقِيقَةً،
الْتَّارِيخ: / ٣ /

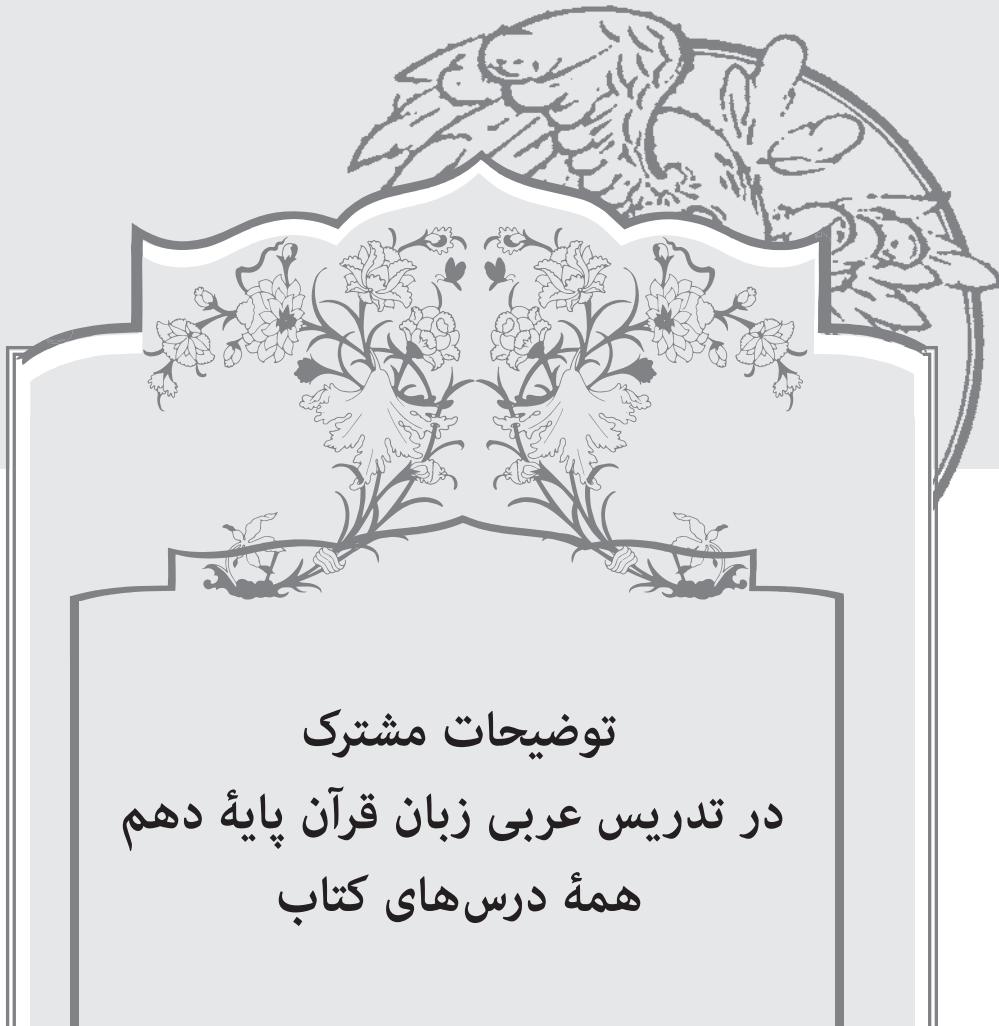
المنطقة:	المدرس:	الاسم الأول والاسم العائلي:	برام	رديف
الف . مهارت واژه شناسی (دو نمره)				
١	ترجم الكلمات التي تحتها خط.	و اظْرُ إِلَى الْمُرْءَ و قُلْ مَنْ شَوَّ فِيهِ بَصَرَهُ مَنْ ذَا الَّذِي جَهَّزَ بِقُوَّةٍ مُّفْتَكِرَهُ	٠/٧٥	
اكتب في الفراغ الكلمتين المترادفاتين والكلمتين المتضادتين.				
٢	ضياء / سنوياً / ساحل / ظلام / فجأة / شاطئ ≠ =	٠/٥	
٣	عَيْنُ الْكَلِمَةِ الْعَرَبِيَّةِ فِي الْمَعْنَى. أَحْمَرَ <input type="checkbox"/> أَحْسَنَ <input type="checkbox"/> أَصْفَرَ <input type="checkbox"/>	٠/٢٥	
٤	اكتب جمع كلمة آنوب: مفرد كلمة عباد:	٠/٥	
ب . مهارت ترجمة به فارسي (هفت نمره)				
ترجم هذه الجمل.				
١	١. هُنَكِبْ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ	٠/٥	
٢	٢. حُسْنُ الْأَدَبِ يَسْرُ قُبْحَ النَّسَبِ.	٠/٥	
٣	٣. الْمُؤْمِنُ قَلِيلُ الْكَلَامِ كَثِيرُ الْعَمَلِ.	٠/٥	
٤	٤. الْسَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ.	٠/٥	
٥	٥. الْصَّدِيقُ الْحَقِيقِيُّ يُعْرَفُ عِنْدَ الصُّعَابِ.	٠/٥	
٦	٦. يُنْقَلُ التَّفْطُ مِنَ الْبَرِّ إِلَى مِنَابِعِ التَّصْدِيرِ.	٠/٧٥	
٧	٧. سوق تبريز المُسَقَّفُ مَكَانٌ واسِعٌ لِبَيْعِ السَّجَاجِيدِ.	٠/٧٥	
٨	٨. تَسْتَطِعُ الْعَرِباءُ أَنْ تُدِيرَ عَيْنِيهَا فِي كُلِّ اتِّجَاهٍ دونَ أَنْ تُحرِكَ رَأْسَهَا.	١	

		إنتخبِ الترجمة الصحيحة.	
٠/٥	٦	<p>١. كان أخي الصغير يقُوم بِتلوينِ رسْمِهِ الجميلِ.</p> <p>الف. برادرم كوچك است و نقاشی زیبایی را رنگ آمیزی می کند. <input type="checkbox"/></p> <p>ب. برادر کوچکم به رنگ آمیزی نقاشی زیبایی اقدام می کرد. <input type="checkbox"/></p> <p>٢. المرافق العامة هي الأماكن التي تمثلُها الدولة، و يتَّفَقُ بها الناس جميعاً.</p> <p>الف. تأسیسات همگانی مکان هایی هستند که ملک دولت هستند و سود آن به مردم می رسد. <input type="checkbox"/></p> <p>ب. تأسیسات عمومی جاهایی اند که دولت مالک آن است و مردم همگی از آن سود می برند. <input type="checkbox"/></p>	
١/٥	٧	<p>١. ﴿وَ إِذَا قِرَئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَ أَنْصِتوا لَعَلَّهُمْ تُرْحَمُونَ﴾</p> <p>و هرگاه قرآن به آن گوش کنید و خاموش باشید؛ امید است</p> <p>٢. يُصنَعُ مِنْهُ الْمَطَاطُ وَ مُبِدَّاتُ الْحَسَرَاتِ وَ مَوَادُ التَّجَمِيلِ وَ مَعْجُونُ الْأَسْنَانِ وَ السَّمَادُ الْكِيَمِيَاوِيُّ وَ غَيْرُهَا. از آن پلاستیک، حشره کش، مواد آرایشی کود شیمیایی و غیره</p>	
	ج	مهارات شناخت و کاربرد قواعد (هفت و نیم نمره)	
١/٥	٨	<p>ترجم الكلمات التي تحتها خط:</p> <p>١. <u>﴿إِرْجِعِي إِلَى رَبِّكُ﴾</u> ٢. <u>﴿سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا﴾</u> ٣. لا <u>تَبْعِدِي</u> مِنَّا.</p> <p>٤. لا <u>يَأْمُرُنِي</u> أَبْدًا. ٥. احتراف <u>الغابة</u>. ٦. كانوا <u>يَغْسِلُونَ مَلَابِسَهُمْ</u>.</p>	
٠/٥	٩	<p>عَيْنِ الأجواب الصَّحيحة.</p> <p>١. الْمَاضِي مِنْ «يَسْتَغْرِقُ» :</p> <p><input type="checkbox"/> أَغْرِقَ <input type="checkbox"/> غَرَقَ <input type="checkbox"/> اسْتَغْرَقَ <input type="checkbox"/> تَعْلِيقَ</p> <p>٢. الْمَصْدُرُ مِنْ «أَغْلَقَ» :</p> <p><input type="checkbox"/> اِغْلَاقٌ <input type="checkbox"/> إِغْلَاقٌ</p>	

١	<p>أُكْتُبْ نَوْعُ الْفِعْلِ وَ صِيغَتُهُ فِي كُلِّ عِبَارَةٍ.</p> <p>٢. الْأَطْفَالُ لَا يُشْرِكُونَ وَ حَدَّهُمْ.</p>			١٠
٠/٥	<p>صَعْنَى فِي الْقَرَاغِ عَدَاداً مُنَاسِباً.</p> <p>١. فِي الِاصْطِفَافِ الصَّابِحِيِّ وَ قَفَنَا فِي صُفُوفٍ.</p> <p>٢. الْأَنَادِيْدُ مِنْ نَوَافِذِ الْمَدْرَسَةِ مَفْتوحَةٌ.</p>			١١
١/٥	<p>أَعْرِبِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حَطْ.</p> <p>الْكُتُبُ بَسَاتِينُ الْعُلَمَاءِ.</p> <p>الْعِلْمُ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ.</p>			١٢
٠/٥	<p>عَيْنِ الْفِعْلِ الْمَجْهُولَ وَ نَائِبِ الْفَاعِلِ. «فِعْلٌ وَاحِدٌ»</p> <p>فُلُوقَاتُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتَلُونَ وَ يُقْتَلُونَ.</p>			١٣
٢	<p>صَعْنَى فِي الْقَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً.</p> <p>١. لَمْ يَعْرِفْ بِسِيمَاهِمْ.</p> <p>٢. رُبْعُ سُكَانِ الْعَالَمِ مِنَ</p> <p>٣. آفَهُ التَّسْيَانُ.</p> <p>٤. الْمَرْءَ بِالْعِلْمِ وَ الْأَدَبِ.</p> <p>٥. الْأَدَهُرُ يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ.</p> <p>٦. الْعَالَمُ بِلَا عَمَلٍ كَ بِلَا ثَمَرٍ.</p> <p>٧. الْمُعَلَّمُونَ فِي مِهْرَاجَانِ الْمَدْرَسَةِ.</p> <p>٨. نَزَلَ مِنْ طَائِرَاتِهِمُ الْحَرَبِيَّةِ.</p>			١٤

د. مهارت درك و فهم (دو نمره)

		ضع في الدائرة العدد المناسب. «لِمَتَانِ زَادَتَانِ»	
١		<input type="radio"/> من الأحجار الجميلة الغالية ذات اللون الأبيض. <input type="radio"/> كوكب يدور حول الأرض؛ ضياؤه من الشمس. <input type="radio"/> بخار مُتراكم في السماء ينزل منه المطر. <input type="radio"/> من الملابس النسائية ذات الألوان المختلفة.	١. الشّرارة ٢. القمر ٣. الأنعم ٤. الغيم ٥. الدرر ٦. الفستان
١	✓	عين الجملة الصحيحة وغير الصحيحة حسب الحقيقة والواقع. ١. عندما ينقطع تيار الكهرباء في الليل، يغرق كل مكان في الظلام. ٢. الطاوس من الطيور المائية تعيش فوق جبال تلجية. ٣. الموسوعة معجم صغير جداً يجمع قليلاً من العلوم. ٤. الشاطئ منطقة بحرية بحوار البحار والمحيطات.	١٦
		هـ. مهارت مكالمه (١٥ نمره)	
٠/٥		أجب عن الأسئلة التالية. (أجب: پاسخ بدء) ١. من أين أنت؟ ٢. كيف حالك؟	١٧
١		رتب الكلمات وابتسب سؤالاً وجواباً. ١. السادسة / ساعة / من / دوامك / ما هي / . ? ٢. تذهبون / مرقد سلمان / إلى المدائن / لزيارة / لم / . ?	١٨



توضیحات مشترک در تدریس عربی زبان قرآن پایه دهم همه درس‌های کتاب

بخش هفتم

در مقدمه کتاب عربی زبان قرآن پایه دهم، بخشی به نام «سخنی با معلم» آمده است. تجربه نشان می‌دهد که با وجود اینکه کتاب معلم به تعداد مورد نیاز چاپ می‌شود و پرونجانی (فایل) کتاب معلم نیز در «سایت گروه عربی دفتر تألیف» بارگذاری می‌شود، هنوز بخشی از دبیران اظهار بی‌اطلاعی می‌کنند؛ لذا در مقدمه، مهم‌ترین توصیه‌ها درج شده است.

مطالعه کتاب معلم اطلاعات سودمندی را در اختیار دبیر می‌گذارد؛ شایسته است دبیر عربی پایه دهم این کتاب را با صبر و حوصله مطالعه کند. بسیاری از ابهامات با مطالعه کتاب برطرف می‌گردند.

بخشی تحت عنوان «دانش افزایی برای دبیر» پیش‌بینی شده است تا به پرسش‌های احتمالی معلم و دانش‌آموزان پاسخ دهد. همچنین کتاب معلم منبعی برای رفع اختلاف دبیران بر سر پاره‌ای مطالب صرفی، نحوی، واژگانی، بلاغی و غیره است.

کتاب عربی پایه دهم، چهارمین کتاب عربی متوسطه است. شورای تألیف، گروهی شامل استادان متخصص دانشگاه و معلمان مجرّب بوده است. این کتاب همچون سه کتاب دورهٔ متوسطه اول پیش از چاپ، چندین بار به نقد و بررسی نهاده و تدریس آزمایشی شده است تا اشکالات برطرف و نقاط قوت آن نیز هرچه بیشتر تقویت گردد؛ در بررسی کتاب درسی، افراد بسیاری سهیم هستند؛ نماینده‌گانی از معلمان دورهٔ اول و دوم متوسطه (به ویژه دوم متوسطه)، متخصصان تعلیم و تربیت اسلامی، پایگاه کیفیت‌بخشی به فرایند آموزش عربی و دبیرخانهٔ کشوری راهبری درس عربی، گروه‌های آموزشی، کارشناسانی از حوزه و دانشگاه و

شیوه کتاب، متن محوری است. متن محوری به معنای نفی قواعد نیست. برخی به محض شنیدن اصطلاح متن محوری دچار تصوّری نادرست می‌شوند. در کتاب‌های نونگاشت عربی قواعد در خدمت فهم متن هستند. انتظار می‌رود دانش‌آموز بتواند در پایان دوره دوم متوسطه متون ساده عربی را درست بخواند و معنای آنها را بفهمد. در این کتاب حدود ۳۵۰ واژه جدید به کار رفته؛ اما حدود ۸۲۰ کلمه عربی هفتم و هشتم نیز تکرار

شده است؛ پس در واقع هدف این کتاب آموزش حدود ۱۲۰۰ واژه پر بسامد زبان عربی است. این کار تا پایان پایه دوازدهم تکرار خواهد شد. دانش‌آموز هر سال که به پایه بالاتر می‌رود باید معنای کلمات قبلی را بداند. از امتیازات این کتاب همین است که واژگان سال‌های قبل و درس‌های قبل دوباره در کتاب تکرار می‌شوند.

در نگارش کتاب به تجربیات موفق کتاب‌های عربی پیشین توجه شده است و جا دارد از همه نویسندهای کتاب‌های درسی عربی پیشین تشگر گردد. در تألیف کتاب به تجارب موفق کتب قبلی توجه و تجربه‌های ناموفق کnar نهاده شده است.

بسیاری از عبارت‌های کتاب درسی دهم تکرار عبارات کتاب‌های عربی دوره اول متواتر است. دبیری که تاکنون سابقه تدریس در دوره اول متواتر را نداشته است احتمال دارد از دشواری کتاب نگران شود؛ اماً دبیری که سابقه تدریس در دوره اول متواتر را دارد با دیدن این عبارت‌ها به یاد سه کتاب قبلی می‌افتد. هدف از این کار، تکرار و تمرین است. البته جملات ارزشی مانند آیات و احادیث و امثال تکرار شده‌اند. در صورت لزوم می‌تواند این موضوع در کلاس درس نیز به دانش‌آموزان گوشزد شود.

کلمات به کار رفته در این کتاب، پرکاربردترین واژگان زبان عربی است که در قرآن، حدیث و روایات و نیز در زبان و ادبیات فارسی بسیار به کار رفته‌اند.

تصاویر، عبارات و متنون کتاب افزون بر هدف آموزشی و زیباسازی کتاب، ابعاد تربیتی و فرهنگی نیز دارند. در حوزه تصویر سلیقه‌ها گوناگون بود؛ اماً همه بالاتفاق نظر دادند که نقاشی استفاده نشود. گاهی تصویری را که کارشناسی مجرّب بسیار می‌پسندید و ما را تشویق می‌کرد که شبیه آن را در کتاب بیشتر بیاوریم، کارشناس دیگر کاملاً رد می‌کرد. در این راه نظر کارشناس حوزه هنری و رعایت ارزش‌های ایرانی - اسلامی برای ما اولویت داشت.

از آنجا که دانش‌آموز در دوره اول متواتر کلمات بسیاری را آموخته و تاحدوی با ساختار زبان عربی آشنا شده؛ لذا در پایه دهم متن‌ها طولانی‌تر شده است. اکنون دانش‌آموز با ۸۵۰ واژه پرکاربرد و نیز بسیاری از ساختارهای زبان عربی آشنا شده است.

بنا به درخواست دبیرخانه راهبری کشوری درس عربی، پایگاه کیفیت بخشی فرایند آموزش عربی دوره اول متوسطه، گروه‌های آموزشی، دبیران و دانشآموزان و به استناد برنامه درسی ملی دوباره مکالمه در کتاب گنجانده شده؛ زیرا مکالمه بسته است مناسب برای آموزش هر نوع زبان و در ضمن به درس عربی جذبیت و تحرک می‌بخشد و آن را زبانی پویا و کاربردی نشان می‌دهد؛ اما مکالمه همچنان هدف اصلی آموزش عربی نیست. بسیاری افراد و کارشناسان به آموزش عربی در سال‌های گذشته این انتقاد را وارد کرده‌اند که چرا دانش آموخته ایرانی قادر به بیان چند جمله ساده نیست و تنها مباحث صرفی و نحوی و تجزیه و ترکیب می‌داند. کتاب حاضر تاحدودی این ضعف را از بین برده است؛ بنابراین، شایسته است که معلم خود را در زمینه مکالمه تقویت کند. گروه عربی نیز در نظر دارد با تهیه و معرفی منابع مناسب، یاری‌رسان همکاران باشد. این کتاب مکمل سه کتاب پیشین است. کتاب‌های سال‌های آینده نیز هر یک به نوبه خود مکمل کتاب پیش از خود خواهند بود. از همکاران درخواست می‌گردد که با شیوه نوین نگاشت کتاب درسی هماهنگ شوند.

معلمان گرامی می‌توانند از طریق شبکه‌های اجتماعی و این وبگاه با گروه عربی دفتر تألیف در تماس باشند.

<http://arabic-dept.talif.sch.ir>

مجله رشد قرآن و معارف اسلامی

شما می‌توانید مقالات علمی، پژوهشی و آموزشی خود را برای چاپ در مجله رشد معارف ارسال کنید.

برای کسب اطلاعات بیشتر لطفاً به صفحه اول آخرین مجله رشد معارف مراجعه کنید.

در حال حاضر، مقالات عربی به صورت ویژه‌نامه درون مجله معارف قرار دارد.

همچنین اگر شما وبلگی فعال دارید می‌توانید درخواست کنید تا در سایت گروه عربی لینک شود.

مهم‌ترین توصیه‌ها درباره شیوه تدریس و ارزشیابی کتاب: دبیر عربی برای تدریس این کتاب شایسته است:

۱ کتاب‌های عربی پایه‌های هفتم تا نهم را تدریس یا به دقت مطالعه و بررسی کرده باشد؛ دبیری که بدون اطلاع یافتن از محتوای کتاب‌های متوسطه اول تدریس کند، بی‌شك ناموفق است.

۲ دوره آموزشی توجیهی ضمن خدمت این کتاب را گذراندہ باشد؛ این دوره برای همه دبیران کشور برگزار می‌گردد، علاوه بر آن کارشناسان گروه عربی دفتر تألیف در همایش‌های دبیران عربی سراسر کشور حضور خواهند یافت؛ تا از نزدیک پاسخگوی دبیران باشند. (امکان دارد این دوره غیر حضوری برگزار گردد).

۳ کتاب معلم (راهنمای تدریس و ارزشیابی) را با دقت کافی مطالعه کرده باشد. شورای تأليف کتاب‌های درسی عربی، شامل گروهی از استادان دانشگاه و معلمان هستند؛ اعضای شورا در تأليف کتاب حاضر از تجربیات کتاب‌های عربی پیشین بهره گرفته‌اند و جadarد که از زحمات پیشینیان قدردانی گردد.

رویکرد برنامه درسی عربی براساس برنامه درسی ملی این است: «پروش مهارت‌های زبانی به منظور تقویت فهم قرآن و متون دینی و کمک به زبان و ادبیات فارسی» این کتاب با توجه به مصوبات اسناد بالادستی «قانون اساسی»، «برنامه درسی ملی» و «راهنمای برنامه درسی» نوشته شده است.

برنامه درسی ملی، مهم‌ترین سند برای تأليف کتاب‌های درسی است؛ راهنمای برنامه درسی عربی نیز نقشه راه برای تأليف تمام کتاب‌های درسی عربی است.

در نگارش کتاب به تجربیات و الگوهای موفق و مناسب کتاب‌های عربی و کتاب‌های آموزش زبان دیگر کشورها توجه شده است.

کلمات به کاررفته در کتاب‌های عربی هفتم تا دهم، پرکاربردترین واژگان زبان عربی است که در قرآن، حدیث، روایات و زبان و ادبیات فارسی بسیار به کار رفته‌اند.

در این کتاب ۳۶۳ کلمه پرکاربرد به کار رفته است و افزون بر آن نزدیک به ۸۵۰ واژه کتاب‌های عربی هفتم، هشتم و نهم نیز در کتاب دهم تکرار شده‌اند؛ پس در واقع هدف، آموزش حدود ۱۲۰۰ واژه پربسامد زبان عربی است.

۵۰۲ واژه از ۸۰۰ واژه سه کتاب دوره اول متوسطه کاربرد قرآنی داشتند. در سه کتاب دوره دوم متوسطه نیز چنین خواهد شد.

تصاویر، عبارات و متون کتاب به ابعاد تربیتی و فرهنگی توجّه دارند. مکالمه هدف اصلی این کتاب نیست. هدف اصلی، فهم متن به ویژه فهم قرآن کریم و نیز متون دینی همانند احادیث، دعاها و متون ادب فارسی آمیخته با واژگان عربی است.

مهم‌ترین تأکیدات درباره شیوه تدریس و ارزشیابی کتاب: رعایت این تأکیدات در آزمون سراسری و مسابقات علمی، امتحان نوبت اول و دوم و کتاب‌های کمک آموزشی الزامی است. این نوشته برای سازمان سنجش به منزله بخششانه رسمی است. شایسته است دبیرخانه درس عربی و گروه‌های آموزشی سؤالات آزمون سراسری را نقد و بررسی کنند و در صورت وجود اشکال، مراتب را به سازمان سنجش اطلاع دهند.

۱ کتاب عربی پایه دهم در هشت درس تنظیم شده است؛ هر درس را می‌توان در سه جلسه آموزشی تدریس کرد. سال تحصیلی حدود ۳۰ جلسه آموزشی دارد. از مهر تا اسفند با حذف دو هفته امتحانات دی ماه ۲۲ جلسه است. دو هفته دوم فروردین و نیز ماه اردیبهشت نیز ۶ جلسه است. از طرفی ماه‌های مهر تا بهمن ۳۰ روزه و دو ماه فروردین و اردیبهشت نیز ۳۱ روزه‌اند؛ لذا ۱۲ روز، یعنی ۲ جلسه دیگر افزوده می‌شود. به عبارت ساده‌تر وقتی که به تقویم نگاه می‌کیم، می‌بینیم که یکی از روزهای هفته، پنج بار تکرار شده است. خلاصه کلام تعداد جلسات سال تحصیلی بر مبنای زنگ‌های متعارف ۹۰ دقیقه‌ای ۳۰ جلسه است. کتاب بر مبنای ۲۴ جلسه است.

۲ دانش‌آموز پایه دهم در کتاب‌های عربی پایه‌های هفتم تا نهم با این ساختارها آشنا شده است:

فعل‌های ماضی، مضارع، امر، نهی (امر و نهی تنها در صیغه‌های مخاطب)، نفی،

مستقبل، معادل ماضی استمراری، تركیب اضافی و وصفی برای ترجمۀ صفت مؤخّر در تركیب‌هایی مانند «أَخْوَكُنَّ الصَّغِيرُ»، اسم اشاره، کلمات پرسشی (متى، كيف، أين، لماذا، ما هو، ما هي، مازا، من، لمن، هل و أ)

هدف از آموزش تركیب وصفی و اضافی در عربی پایه نهم این بوده که دانشآموز بتواند تركیب‌هایی مانند «أَخِي الْعَزِيزُ» را داخل جمله (نه بیرون از جمله) ترجمه کند. در کتاب دهم نیز تركیبی مانند «سيارهُ أخِي الصَّغِيرَهُ» آموزش داده شده تا آموزش کامل شود. برای اینکه از معماّسازی جلوگیری شود تأکید می‌گردد که معنای تركیب در جمله خواسته شود؛ مثلًا ترجمۀ «سيارهُ أخِي الصَّغِيرَهُ» و «سيارهُ أخِي الصَّغِيرَهُ» برای دانشآموز ناممکن و خلاف اهداف کتاب است؛ زیرا هم خارج از اهداف است و هم اینکه بیرون از جمله داده شده است. متأسفانه کسانی که در پی دشوارسازی ارزشیابی‌اند، بی‌آنکه بدانند با طرح چنین سؤالاتی هدف اصلی آموزش زبان را تحت الشعاع قرار می‌دهند.

در بخش وزن و حروف اصلی نیز با چند وزن معروف آشنا شده است.

در ساعت‌خوانی فقط ساعت کامل، ربع و نیم آموزش داده شده است؛ مثلًا «چهار و بیست و پنج دقیقه» آموزش داده نشده است. (در پایه هفتم عده‌های اصلی ۱ تا ۱۲)

در پایه هشتم عده‌های ترتیبی یکم تا دوازدهم و در پایه نهم نیز ساعت‌خوانی)

٣ هرچند درس اول دوره آموخته‌های پیشین است، اماً به مصدق «الدرس حرف و التکرار أَلْفُ» در سایر درس‌ها نیز این مرور انجام شده است تا کم کم دانشآموز مطالب را بیاموزد. مطالب دو کتاب عربی مشترک و عربی علوم انسانی یکسان هستند. قسمت متفاوت این است که در کتاب انسانی نام صیغه‌ها طبق دستور زبان عربی ذکر شده است. در سه کتاب هفتم، هشتم و نهم و نیز در کتاب عربی مشترک نام صیغه‌ها آموزش داده نشده است؛ همین‌که آموزش فعل و ضمیر در کتاب بومی‌سازی شده است، یادگیری به بهترین شکل انجام شده و مطلوب نیز همین است. در رشتۀ انسانی و معارف بنابر تخصصی بودن درس عربی نام صیغه‌افعال آموزش داده شده است.

۴ در درس دوم، عددها آموزش داده می‌شوند. در دوره اول متوسطه عددهای اصلی و ترتیبی تا ۱۲ آموزش داده شده‌اند. در این کتاب، عددهای اصلی از یک تا صد و عددهای ترتیبی از یکم تا بیستم آموزش داده خواهد شد. مباحث مطابقت عدد و محدود و ویژگی‌های محدود جزء اهداف آموزشی کتاب نیست. در متون و عبارات کتاب این مطابقت‌ها وجود دارد و دانش‌آموز با دقّت در آنها می‌تواند این ظرفات‌ها را کشف کند، اما ارزشیابی از آنها مدد نظر نیست. شاید گفته شود یک تا صد زیاد است، اما این‌طور نیست. سیزده تا نوزده همان سه تا نه است که جزء عَشَر افزوده شده است. (خمسة و خمسة عشر) و عقود سی تا نود نیز با عددهای سه تا نه بسیار همانندی دارد. (خمسة و خمسون).

۵ دانش‌آموزان در دوره اول متوسطه با هر دو فعل مجرّد و مزید در کتاب درسی درون متن و عبارت آشنا شده‌اند؛ هرچند در تمرینات فقط با صرف فعل‌های ثلاثی مجرّد صحیح و سالم رو به رو شده‌اند، فعل‌های مزید و حتّی فعل‌های مهموز، مضاعف و معتل نیز در کتاب به کار رفته است؛ مانند آمن، ایتَسَمَ، أَتَى، أَجَابَ، أَحَبَّ، اِحْرَقَ، اِشْتَرَى، أَصَابَ، أَعْطَى، تَخَرَّجَ، حَاوَلَ، حَذَرَ، زَادَ و ... در درس سوم و چهارم بدون ذکر اصطلاحات ثلاثی مجرّد و مزید این فعل‌ها بازآموزی شده‌اند. دانش‌آموز قبلًا با شناسه‌های فعل‌های ثلاثی مجرّد آشنا شده است. در واقع هدف آموزشی این دو درس این است که با استفاده از آموخته‌های سه سال اول با فعل‌هایی آشنا شود که «ماضی سوم شخص مفرد» آنها بیش از سه حرف است. نیازی به ذکر اصطلاحات ثلاثی مجرّد و مزید نیست و تشخیص ثلاثی مجرّد و مزید و ذکر نوع باب آن از اهداف آموزشی نیست. فعل‌های معتل، مهموز، مضاعف و هرگونه فعلی که تغییرات پیچیده صرفی دارد از اهداف کتاب نیست؛ مثلاً در کتاب فعل استفاده به کار رفته و فعل استفعل نیز آموزش داده شده است؛ اما نباید از فعل استفاده سؤال دهیم؛ ولی اگر معنای استفاده اشکالی ندارد؛ چون تغییراتی در مقایسه با استفاده ندارد. منظور از تغییرات

پیچیده مواردی مانند حذف حرف علّه، ادغام و فکّ ادغام، املای همزه و هرگونه قاعده‌ای است که مربوط به فعل‌های غیر صحیح و سالم است. اینکه دانش‌آموز بتواند تشخیص دهد که فعل تَخْرُجُ، ثُلَاثِي مجرّد و فعل تُخْرِجُ، ثُلَاثِي مزید است، کمکی به او در فهم متن نمی‌کند و تنها راه برای معما‌سازی در ارزشیابی‌ها باز می‌شود. با توجه به زمان محدود به جای اینکه وقت معلم صرف تشخیص مزید از مجرّد شود، بهتر است صرف معنای افعال شود. در اینجا برتری آموزشی این است که دانش‌آموز معنا را یاد بگیرد و بهتر است دبیر گرامی وقتیش را در این زمینه صرف کند.

فرق کتاب مشترک عربی زبان قرآن (۱) و عربی زبان قرآن تخصّصی رشته ادبیات و علوم انسانی در این است که در عربی تخصّصی معانی باب‌ها نیز ذکر شده است. باید توجه داشت که این معانی واقعاً آن‌طور که گروهی تصوّر می‌کنند قطعی و غالب نیستند بلکه از معروف‌ترین و پرکاربردترین آنها هستند. به‌همین دلیل در کتاب مشترک عربی زبان قرآن (۱) ذکر نشده‌اند. معمولاً معنای تعدیه (تبديل فعل لازم به متعددی) را برای باب إفعال ذکر می‌کنند؛ ولی مثال‌های بسیاری هستند که این‌گونه نیستند. این درحالی است که معنای باب إفعال قاعده‌مندتر از سایر ابواب است؛ مثلاً در باب استفعال اغلب معنای درخواست وجود ندارد.

أَلْحَ: رستگار شد، أَسْرَعَ: شتافت، أَسْلَمَ: مسلمان شد

أَصْبَحَ: شد، أَكْبَرَ: بزرگی یافت، أَبَاعَ: برای فروش نهاد

در بخش واژه‌نامه (جز درس اول و دوم) مضارع و مصدر فعل‌های ماضی ثلثی مزید مدام تکرار شده است و این تکرار تا انتهای کتاب ادامه دارد تا دانش‌آموز کم‌کم این فعل‌ها را بشناسد؛ اما مصدر فعل‌هایی مانند دَلَّ، سَارَ، رَجَأَ، رَضَيَ و ... چون قیاسی نیستند، نیامده‌اند. در عربی پایهٔ یازدهم و دوازدهم این تکرار در المجمع صورت نمی‌گیرد.

۶ در درس پنجم جمله اسمیّه و فعلیّه تدریس می‌شود. هدف شناخت اجزای جمله یعنی فعل، فاعل، مفعول به، مبتدا و خبر است؛ اما قرار دادن اعراب کلمات هدف

نیست. هدف این است که دانشآموز با کمک شناخت اجزای جمله بتواند معنای عبارات را بهتر بفهمد. دانشآموز قرار نیست که به زبان عربی سخنرانی کند، مقاله بنویسد، یا شعر بگوید. دانستن این ظرفات‌های زبانی برای معلم عربی، طلبه حوزه علمیه، دانشجوی الهیات و افراد علاقه‌مند به زبان عربی لازم است، ولی در رشته‌های ریاضی، تجربی و فنی نیازی به این مهارت زبانی نیست؛ زیرا درس عربی در این رشته‌ها اختصاصی نیست. اگر دانشآموزی کنجکاوی کرد و علاقه‌مند به دانستن دلیل و اطلاعاتی در این زمینه بود، می‌توان برای همان دانشآموز توضیحات لازم را ارائه کرد. فرق کتاب مشترک عربی زبان قرآن (۱) و عربی زبان قرآن (۱) تخصصی این است که در کتاب تخصصی فقط گفتن محل الإعرابی کافی نیست. دانشآموز باید اعراب رفع، نصب، جرم و جزم را هم ذکر کند؛ مثلاً در کتاب مشترک عربی زبان قرآن (۱) در جمله (سکوتُ اللسانِ سلامةُ الإنسانِ). کافی است دانشآموز بگوید سلامةُ خبر است، ولی در عربی زبان قرآن (۱) تخصصی باید بگوید سلامةُ خبر و مرفوع به ضمه است.

۷ در درس ششم فعل مجهول (**الفعلُ المجهولُ فاعِلُهُ**) تدریس می‌شود؛ هدف این است که دانشآموز جمله‌های دارای فعل مجهول را درست معنا کند؛ تبدیل جمله دارای فعل معلوم به مجهول و برعکس نیز هدف نیست. مبحث نایب فاعل و اینکه مرفوع است و تطابق نایب فاعل و فعل مجهول جزء اهداف آموزشی عربی مشترک زبان قرآن (۱) نیست. دانشآموز باید با دیدن عبارتی مانند: **تُعْرَفُ الْأَشْيَاءُ بِأَصْدِادِهَا**. آن را درست ترجمه کند و بداند که **تُعْرَفُ** مجهول است و **تَعْرِفُ** معلوم است.

فرق کتاب مشترک عربی زبان قرآن (۱) و عربی زبان قرآن (۱) تخصصی این است که در کتاب تخصصی باید نایب فاعل و انواع آن را نیز تشخیص دهد.

۸ در درس هفتم معانی حروف جر آموزش داده می‌شود. دانشآموز باید حروف جر و جار و مجرور را در جمله تشخیص دهد؛ اما نیازی به دانستن علائم اعرابی جر نیست؛ ولی در عربی رشته‌های انسانی و معارف تشخیص این علائم لازم است.

۹ در درس هشتم مهم‌ترین وزن‌های اسم‌های مشتق تدریس می‌گردد. ساخت مشتق‌ات مدنظر نیست. فقط شناخت نوع آنها و دانستن معنایشان مطلوب است. تشخیص جامد از مشتق در کتاب آموزش داده نشده و در آزمون‌ها طرح نمی‌شود. تشخیص مواردی مانند اینکه استخدام جامد است و حسن مشتق، دانش‌آموزان را سردرگم می‌کند.

۱۰ در تدریس واژگان جدید می‌توان از کتاب گویا استفاده کرد.

۱۱ در طراحی سؤال درک مطلب در آزمون سراسری و آزمون‌های مدرسه از متون کتاب استفاده می‌شود؛ درصورتی که متنی غیر از کتاب درسی طرح می‌شود، باید واژه‌ای خارج از واژگان انتهای کتاب نداشته باشد و یا اینکه ترجمۀ فارسی آنها ارائه شود. طرح سؤال درک مطلب کار بسیار سختی است. شاید در نگاه اول، کاری بسیار ساده باشد. طرح درک مطلب در واقع نوعی سهل و ممتنع است. طراحی متنی که واژگان و ساختار آن بر اساس آموخته‌های دانش‌آموز باشد و قابلیت طرح سؤال با کلماتی مانند مت، کیف، هل، آ، این، ماذ، لمن، مَن، مِمَن، بِمَ و ... داشته باشد کاری دشوار است. البته پاسخ دادن برای دانش‌آموز آسان است.

۱۲ صورت سؤال به زبان عربی است؛ اما شایسته نیست واژگانی در آن باشد که دانش‌آموز نخوانده باشد.

۱۳ مضارع و مصدر فعل‌های ثلاثی مزید چون قیاسی‌اند و برخی فعل‌های ثلاثی مجرد که مصدرشان در کتاب درسی و یا در زبان فارسی به کار رفته، در واژه‌نامه کتاب آورده شده است؛ اما طرح سؤال امتحانی، یا آزمون سراسری از آنها هدف نیست.

۱۴ نیازی به ارائه جزوء مکمل قواعد به دانش‌آموز نیست. هرچه لازم بوده در کتاب آمده است، یا در سال‌های بعد خواهد آمد. متأسفانه به محض اینکه در مدرسه‌ای یک ساعت اضافه بر سازمان به برخی دبیران داده می‌شود، سراغ قواعد می‌روند؛ آن هم قواعد سال‌های بعد، یا قواعدی که برای دانش‌آموز کاربردی ندارد. به جای این کار می‌توان سراغ هدف اصلی هر زبانی که همان مهارت شفاهی (شنیدن، خواندن و

سخن گفتن) است رفت. چیزی که در زندگی آینده می‌تواند برای فرآگیر سودمند واقع شود. دانش‌آموز در آغاز راه یادگیری زبان عربی است. شایسته است معلم به مطالب کتاب بسنده کند و مطالب اضافه در قواعد آموزش ندهد؛ زیرا آنچه را دانش‌آموز باید بیاموزد؛ به تدریج فرا خواهد گرفت.

۱۵ پژوهش‌های انتهای هر درس، نمایش، سرود، ترجمه تصویری و داستان‌نویسی کار عملی در درس عربی محسوب می‌شود. مدرسه‌هایی که وقت اضافه دارند، یا دانش‌آموزان خاص ثبت نام کرده‌اند، می‌توانند به عنوان فوق برنامه در چنین زمینه‌هایی دانش‌آموز را فعال کنند. نمره این بخش را در نوبت اول یا مستمر می‌توان تأثیر داد.

۱۶ تحلیل صرفی و اعراب و قرار دادن اعراب از اهداف کتاب درسی نیست.

۱۷ در هر آزمونی متادف و متضاد در محدوده تمرینات سه کتاب متوسطه اول و کتاب حاضر است.

۱۸ آموزش فعل و ضمیر در کتاب‌های متوسطه اول بومی‌سازی شده و بر اساس دستور زبان فارسی و به شکل (من، تو، او، ما، شما، ایشان) است. سبک پیشین اینگونه بود: (هو، هُمَا، هُمٰ، هِيَ، هُنَّ، أَنْتَ، أَنْتُمَا، أَنْتُمٰ، أَنْتِ، أَنْتُنَّ، أَنْتُنُّ، أَنَا، نَحْنُ)

شیوه نوین در تدریس آزمایشی کاملاً موقّق بود و دانش‌آموزان درس را بهتر آموختند. در سه سال اول متوسطه این شیوه بهتر پاسخ داده است و در پژوهش‌هایی که انجام شده است تأثیرات مثبت این شیوه اثبات شد؛ لذا در سه سال دوم نیز همین روند ادامه یافته است. در اصل، مهم این است که دانش‌آموز خوب یاد بگیرد و هر شیوه‌ای که او را سریع‌تر و بهتر به مقصد می‌رساند پسندیده‌تر است. برخی همکاران صرفاً بر اساس تعلق خاطری که به شیوه سنتی دارند ترجیح می‌دهند خلاف جهت حرکت کنند و شیوه‌ای را که خود در زمان دانش‌آموزی و دانشجویی خوانده‌اند ادامه دهند. اینان بی‌آنکه بدانند دانش‌آموز را دچار دردسر می‌کنند. تا پایان دوره دوم دبیرستان شیوه

کتاب همین است و تغییری صورت نمی‌گیرد؛ لذا با این کار دانشآموز دچار دوگانگی می‌شود.

۱۹ هدف از دو بخش «بدانیم» و «فن ترجمه» کمک به فهم متن و عبارت است. دانشآموز این دو بخش را می‌آموزد تا به کمکشان درست بخواند، بشنود، بفهمد و ترجمه کند. در واقع قواعد در خدمت فهم عبارت و متن است.

۲۰ تبدیل «مذکور به مؤنث» یا «مخاطب به غیر مخاطب» یا «جمع به غیر جمع» و موارد مشابه از اهداف این کتاب نیست و چنین سؤالاتی در آزمون‌ها نمی‌آید؛ مثال: این جمله را به مضارع تبدیل کنید:

نَادِيْتُكَ وَ لِكَيْكَ مَا سَمِعْتَ صَوْتِي.

این جمله را با توجه به کلمات داده شده بازنویسی کنید:

یا زُمَلَائِي، إِذْهَبُوا إِلَى صُفُوفِكُمْ.
یا زَمِيلَاتِي،

۲۱ در امتحان معنای کلمات در جمله خواسته می‌شود. این شیوه مبنای منطقی دارد. معنای بسیاری از واژه‌ها در جمله بهتر آشکار می‌شود. افزون بر این، چنین کاری موجب تلطیف امتحان می‌گردد؛ همچنین این کار موجب می‌شود که امتحان به نوعی آموزش نیز تبدیل شود. اصولاً هدف از امتحان کمک به آموزش است و نوعی آموزش را نیز در بر دارد.

۲۲ روخانی‌های دانشآموز و فعالیت‌های او در بخش مکالمه در طول سال نمره شفاهی دانشآموز را تشکیل می‌دهد که در امتحان نوبت اول و مستمر تأثیر داده می‌شود.

۲۳ در کتاب جای کافی برای نوشتن ترجمه و حل تمرین در نظر گرفته شده تا به دفتر تمرین نیازی نباشد؛ اما متن دروس جای کافی ندارد، می‌توان برای متون کتاب یک ورق در کتاب نهاد. از آنجا که الفبای ما عربی است؛ لذا نباید عربی را مانند درس انگلیسی

دید. در انگلیسی نوشتن لازم است؛ زیرا الفبای آن فرق دارد و باید یادگیرنده آن را بیاموزد، ولی در عربی این‌گونه نیست.

۲۴ از همکاران ارجمند درخواست داریم تا با رویکرد دفتر تألیف همگام شوند؛ زیرا دانشآموزان با این شیوه از متوسطه اول به متوسطه دوم آمده‌اند و کتاب‌های عربی عمومی پایه‌های یازدهم و دوازدهم نیز ادامه و مکمل روش این کتاب خواهند بود. عدم هماهنگی با کتاب درسی فقط موجب آشفته کردن ذهن دانشآموز است و هیچ سودی ندارد.

۲۵ از دانشآموز بخواهیم بخش «سخنی با دانشآموز» را بخواند.

۲۶ می‌توان از دانشآموزان خواست تا داستان‌های کوتاه ترجمه کنند؛ سرود و نمایش اجرا کنند؛ عبارات ساده و کوتاه مانند سخنان حکمت‌آمیز و ابتسamas و مطالب علمی کوتاه ترجمه کنند. فضا برای کارهای شاد مناسب است، ولی قاعده‌زدگی تدریس عربی همگان را جذب دستور زبان کرده است. واقعیت این است که آموزش قواعد در هر زبانی کاری ساده است، ولی تدریس متن محور کاری دشوار است. ارزشیابی از مطالب صرفی و نحوی آسان است ولی ارزشیابی از قرائت و مکالمه بسیار سخت است.

۲۷ سیاست تألیف در تمامی بخش‌های کتاب مبنی بر ساده‌سازی و جذابیت است؛ لذا بزرگ‌ترین مسئولیت معلم این است که با هنرمندی، کتاب را به ساده‌ترین روش به دانشآموز تدریس کند. هنر معلم، علاقه‌مند کردن دانشآموز به درس عربی است؛ باید در امتحانات از طراحی سوالات معماً‌گونه خودداری کرد. آزمون‌های مدارس خاص و آزمون‌های طراحی شده توسط مؤسسات خصوصی زمینه انحراف از مسیر آموزش را فراهم می‌سازند. اگر تدریس درس عربی و سایر دروس ساده باشد و پیچیدگی نداشته باشد؛ برخی سودجویان متضرر می‌گردند. آشفتگی وضعیت آموزش و سختی تمرینات و سوالات امتحانی زمینه را برای بهره‌برداری برخی سودجویان فراهم و دانشآموزان را نیز از درس عربی گریزان می‌سازد.

۲۸ کار عملی در کتاب عربی، تهیه انواع کاردستی نیست؛ بلکه کارهایی مانند پژوهش، مکالمه، نمایش، سرود، ترجمه تصویری و داستاننویسی است؛ یعنی دانشآموز آموخته‌هایش را در قالب سخن‌گفتن یا نوشتن به نمایش بگذارد. این کار در مدارسی قابل اجراست که درس عربی دارای ساعت اضافه باشد، یا ثبت نام دانشآموزان گزینش شده باشد.

۲۹ این کتاب افزون بر اینکه مکمل سه کتاب پیشین است؛ پشتیبان ثبتی و اژگان و ساختار آموزش داده شده در پایه هفتم، هشتم و نهم نیز است. کتابهای سالهای آینده نیز هریک به نوبه خود مکمل کتاب پیش از خود هستند. به همین دلیل و اژگان پایه‌های هفتم تا نهم دوباره در انتهای کتاب درسی به همراه اژگان پایه دهم آورده شده‌اند.

۳۰ از طرح سؤالاتی در زمینه «ترجمه فارسی به عربی» خودداری شود؛ زیرا از اهداف آموزشی عربی پایه‌های هفتم، هشتم، نهم و دهم نیست. دانشآموز باید بتواند جمله عربی را بخواند و ترجمه کند و البته قدرت تشخیص درست از نادرست را نیز داشته باشد. در این دو پایه از او «ساختن جمله عربی» خواسته نمی‌شود.

(در بخش مکالمه، یعنی پاسخگویی به کلمات پرسشی این استثناء وجود دارد؛ زیرا در مکالمه باید بتواند پاسخ کوتاه دهد که انتظار در حدّ یک یا دو کلمه ساده است و نظر به لزوم سرعت عمل در پاسخ‌دهی به سؤال شفاهی، رعایت ظرافت‌های دشوار و فنّی زبان فعلًا لازم نیست).

۳۱ در پاسخگویی به جمله استفهامی باید به پاسخ کوتاه بسنده شود. پاسخ کامل مدنظر نیست. هرچند اگر دانشآموز پاسخ بلند دهد بهتر است. برای نمونه، در پاسخ به چنین سؤالی «لِمَاذَا تَدْرُسُ؟» پاسخ «لِلنَّجَاحِ فِي الْحَيَاةِ.» کافی است و نمره کامل تعلق می‌گیرد. به عبارت دیگر لازم نیست چنین پاسخ داده شود: «أَنَا أَدْرُسُ لِلنَّجَاحِ فِي الْحَيَاةِ.» از آنجا که در رویکرد برنامه درسی عربی، پرورش مهارت‌های زبانی آمده و سخن‌گفتن نیز یکی از این موارد است؛ لذا بخش «اسماء و حروف استفهام» استثنای شده است.

پیشنهاد می‌شود دبیر برای امتحان مکالمه یک آلبوم عکس در پوشن (کاور) تهیه کند و در آن تصاویر لازم را در اندازه‌های بزرگ داشته باشد یا درصورتی که در مدرسه هوشمند تدریس می‌کند، پوشن (کاور) تصاویر مورد نیازش را از قبل تهیه کند. همچنین می‌توان بخشی از نمره مکالمه را به معروفی دانشآموز از خودش اختصاص داد که دانشآموز بتواند در یک دقیقه خودش را به زبان عربی معروفی کند. همچنین نمره شفاهی دانشآموزانی که داوطلب اجرای سرود، یا نمایش، یا مکالمه گروهی در کلاس می‌شوند را می‌توان از همین مورد منظور کرد.

۳۲ هدف در آزمون شفاهی روخوانی، درست خواندن است. بدیهی است برگزاری آزمون شفاهی در یک روز امکان‌پذیر نیست. بنابراین، هرچه را دانشآموز در طول سال تحصیلی می‌خواند و مجموعه فعالیت‌های شفاهی او، نمره شفاهی‌اش را تشکیل می‌دهد. دانشآموز در آغاز در مهارت خواندن و شنیدن نیاز به تکرار و تمرین دارد و به تدریج این مهارت تقویت می‌گردد. لذا ملاک نمره‌دهی، بهترین و آخرین وضعیت دانشآموز است.

۳۳ تجربه نشان داده است بیشتر کتاب‌های کار زمینه انحراف از مسیر صحیح آموزش و دور افتادن از اهداف آموزشی و آسیب رساندن به روند آموزش را فراهم می‌کنند. نداشتن کتاب کار از داشتن کتاب کاری نامناسب بهتر است. اگر معلمی کتاب کار تهیه کرد تأکید می‌کنیم که کلاس درس جای پرداختن به آن نیست و حل تمرینات آن در منزل باید صورت بگیرد. زمان اختصاص یافته به درس عربی (دو ساعت در هفته) برای تدریس این کتاب و حل تمرین‌های آن است؛ لذا اگر وقت اضافی داشت می‌تواند تمرینات کتاب کار را نیز حل کند در غیر این صورت، کتاب درسی نباید لطمه ببیند. گروه‌های آموزشی در این زمینه باید نقش فعال و ارشادی داشته باشند.

۳۴ ما ایمان داریم که کار اصلی را معلم انجام می‌دهد؛ لذا از همکاران ارجمند درخواست می‌کنیم تا با سیاست دفتر تألیف همگام شوند؛ زیرا به تدریج همه کتاب‌های سال‌های آینده نیز ادامه و مکمل این کتاب خواهند بود.

۳۵ روخوانی در کتاب‌های عربی اهمیت ویژه‌ای دارد. دانش‌آموز باید بتواند درست بخواند تا درست ترجمه کند. از آنجا که یکی از مهارت‌های چهارگانه زبانی «خواندن» است؛ لذا این بخش باید تقویت گردد. دانش‌آموزی می‌تواند معنای عبارت را بفهمد که درست بخواند. آهنگ بیانِ جمله‌های خبری، تعجبی، پرسشی و امری با هم فرق دارد. روان‌خوانی اوج هنر دانش‌آموز در درس عربی است که در سایهٔ تسلط نسبی او به زبان به‌دست می‌آید.

۳۶ شروع هر درس مانند کتاب عربی نهم مانند دو کتاب پیشین با واژگان جدید آن است. هدف از این کار ساده‌سازی آموزش است. هدف این نیست که دانش‌آموز قبل از شروع درس این واژه‌ها را حفظ کند. حفظ واژه‌ها باید در طی خواندن متون و عبارات اتفاق بیفتند.

۳۷ مبنای گزینش آیات، احادیث و امثال به کار رفته در کتاب چند مورد بوده است: سادگی الفاظ، سادگی ساختار و مطابقت آن با آموزش کتاب درسی، کاربری بر اساس نیازهای روز، تناسب با سطح درک و فهم دانش‌آموز نوجوان. دانش‌آموز باید بتواند در زندگی به هنگام نیاز به امثال و حکم خوانده شده استشهاد کند؛ مثلاً دربارهٔ «پرحرفی» به این حدیث شریف از پیامبر اسلام ﷺ استشهاد کند: **السُّكُوتُ ذَهَبٌ وَ الْكَلَامُ فِضَّةٌ**. این هدف تا پایان کتاب درسی از اهداف اصلی کتاب است؛ اما نباید با اکراه و اجبار دانش‌آموزان را وادار به حفظ این عبارات نمود؛ بلکه شایسته است با تغییر نگرش، ایجاد علاقه و با هنر معلمی دانش‌آموزان را علاقه‌مند نمود تا این عبارات را حفظ کنند و در هنگام لزوم از آنها استفاده نمایند. سخنان بزرگان و امثال و حکم به‌گونه‌ای هستند که سرشت پاک مایل است آنها را بیاموزد و به آنها استشهاد کند.

۳۸ در گزینش تصاویر این اصول رعایت شده است: برنامهٔ درسی ملی، مسائل فرهنگی و تربیتی، دوری از تنش آفرینی، توجه به امور مهمی مانند ارزش‌های دینی، احترام به محیط زیست، میهن‌دوستی، به روز بودن تصاویر، ایجاد جذابیت در کتاب، شاد بودن موضوعات، علمی بودن آنها، زیبایی تصاویر با توجه به سن جوانی دانش‌آموزان و

۳۹ بخش أنوار القرآن برای کار در منزل است و اگر دبیر وقت کافی داشته باشد می‌تواند در کلاس نیز کار کند. در هر دو حالت از این بخش سؤال امتحان طرح خواهد شد. در بخش أنوار القرآن که فقط در کتاب عربی زبان قرآن آمده است تنها معنای کلماتی مدنظر است که زیرخطدار، یا دو گزینه‌ای هستند. به عبارت دیگر فقط معنای کلماتی مطلوب است که در انتهای کتاب در بخش المعجم آمده‌اند.

۴۰ دانش‌آموزان بسیاری از آموخته‌ها را بعد از دانش‌آموختگی از یاد خواهند برد، ولی خاطرات تلخ و شیرین ماندگارند. آنچه در تدریس بسیار مهم است برخوردهای درست، دلسوزانه و عالمانه است.

اگر تمایل دارید از نظریات شما آگاه شویم؛ می‌توانید از طریق وبگاه گروه عربی پیغام بگذارید.

www.arabic-dept.sch.ir نشانی وبگاه گروه عربی:

الگوی پیشنهادی جهت تدریس قسمت‌های نه‌گانه هر درس

کتاب عربی دهم هشت درس دارد و هر درس از نه بخش تشکیل شده که برای هر یک روشنی مناسب با اهداف کتاب و برنامه درسی پیشنهاد شده تا دبیر بهتر بتواند به اهداف آموزشی برسد. بی‌گمان دبیران محترم نیز روش‌هایی برای خود دارند، ولی این روش‌ها باید از وحدت روش برخوردار باشند. هدف کتاب معلم که پل ارتباط بین مؤلف و معلم است؛ تعیین چارچوبی است که هم اهداف برنامه درسی ملی محوریت داشته باشد و هم معلم بتواند در آن، توانمندی‌های فردی خود را به نمایش بگذارد.

ساختار درس‌ها در کل کتاب درسی عربی زبان قرآن پایه دهم

قسمت‌های نه‌گانه هر درس در عربی زبان قرآن و هشت‌گانه در عربی رشته علوم انسانی صفحه آغازین درس ۱

- ۱ متن درس
- ۲ واژگان
- ۳ درک مطلب
- ۴ قواعد درس تحت عنوان «اعلموا» (در برخی درس‌ها نیز بخش فن ترجمه وجود دارد).
- ۵ مکالمه
- ۶ تمرین
- ۷ آنوار القرآن؛ فقط در کتاب مشترک عربی زبان قرآن (۱)
- ۸ پژوهش (البحث العلمي) در برخی درس‌ها

تحليل قسمت‌های نه‌گانه هر درس

هدف کتاب از قسمت‌های نامبرده، بررسی دقیق ابعاد مختلف محتوا، معروفی قواعد، ارائه توضیحات جهت رفع ابهامات و پیشنهاد روش‌هایی است که معلم به یاری آن بتواند با تسلط و آگاهی بیشتر به امر تدریس بپردازد. کتاب در این قسمت، معلم را با مراحل مختلف تدریس، مهارت‌های مورد نظر و چگونگی اجرای آن آشنا می‌کند و الگویی را برای تدریس تمام دروس و بخش‌ها در اختیارش قرار می‌دهد؛ تا آموزش را برای وی تسهیل نماید.

- ۱ صفحه آغازین : یک صفحه مستقل مزین به آیه‌ای از کلام الله مجید یا حدیثی از بزرگان دین همراه با تصویری زیبا برای ورود به درس به لحاظ روانی دانش‌آموز را برای ورود به درس آماده می‌سازد.
- ۲ متنون : در بخش قرائت و ترجمه متن نیز باید سهم مشارکت معلم و دانش‌آموز مشخص شود و اینکه هر یک از معلم و دانش‌آموز چه وظیفه‌ای دارد.
- ۳ مرحله اول (شنیدن): اولین وظیفه بر عهده معلم است که با روان‌خوانی، مهارت شنیداری دانش‌آموزان را تقویت کند.

در این بخش استفاده از کتاب گویا دوباره تأکید می‌گردد. اگر وقت معلم کم است از دانشآموزان بخواهد در منزل کتاب گویا را گوش دهند.

■ مرحله دوم (خواندن): دانشآموزان براساس روشی که معلم پیشنهاد می‌دهد؛ به قرائت می‌پردازند تا مهارت گفتاری تقویت گردد. هر بار که یک دانشآموز قرائت می‌کند معلم به او نمره روخوانی می‌دهد.

■ مرحله سوم (ترجمه مقدماتی): دانشآموزان با کمک گرفتن از ترجمه و اژگان ابتدای درس و درصورت لزوم و اژگان انتهای کتاب، به ترجمه هر عبارت می‌پردازند و توانمندی خود را در ترجمه می‌آزمایند؛ تا نقاط ضعف و قوّت آنان مشخص شود و مهارت درک و فهم آنها ارتقا یابد.

چند روش در اینجا وجود دارد:

از دانشآموزی می‌خواهیم یک یا دو سطر را ترجمه کند؛ سپس ما بر ترجمه او نظارت می‌کنیم؛ یک دانشآموز را مأمور می‌کنیم که اگر اشکالی در ترجمه هم‌کلاسی اش وجود داشت آن را اصلاح کند، یا اینکه می‌گوییم همه دانشآموزان هنگام ترجمه دانشآموز اول باید آماده باشند و معلم تصادفاً از یکی از دانشآموزان اشکالات احتمالی ترجمه را بپرسد. هر یک از این شیوه‌ها در جای خود مفید هستند.

گاهی درصورت کمبود وقت معلم می‌تواند خودش بخواند و خودش نیز ترجمه کند. روشی که در وهله نخست به نظر می‌آید نامناسب است و دانشآموز فعال نیست، ولی از روی ناچاری و به دلیل تعطیلی‌های اضطراری، یا هر علت دیگری پیش آمده است. در این روش، معلم باید هرچند لحظه یک بار ترجمه برخی قسمت‌ها را از یک دانشآموز بپرسد. در این شیوه تدریس سریع‌تر انجام می‌شود.

در مدارسی که امکانات خوبی دارند، می‌شود ترجمه متن درس را در برگه‌ای نوشته و از دانشآموزان بخواهیم در گروه‌های چند نفره ترجمه ناقص را کامل کنند. این روش فوق العاده سریع انجام می‌شود، ولی لازمه آن زحمت برای دبیر و کادر مدرسه برای تکثیر کاربرگ است.

■ مرحله چهارم (ترجمه نهایی): معلم در ادامه روش مقدماتی به عنوان راهنمای، خطاهای ترجمه را اصلاح می‌کند و ترجمه نهایی را ارائه می‌دهد. درواقع مرحله مقدماتی و نهایی بدون فاصله هستند.

■ مرحله پنجم (پیام درس): در این مرحله معلم از دانش آموزان می‌خواهد تا پیام درس را بگویند. برای پیوند میان ادبیات فارسی و عربی می‌توان از آنان خواست تا پیام درس را با جمله‌ای نغز در زبان فارسی بیان کنند، یا برای پیوند میان درس قرآن و معارف اسلامی می‌توان از آنان خواست تا اگر آیه یا حدیثی در این مورد می‌دانند، ذکر کنند.

خلاصه مراحل ترجمه

مراحل ترجمه	هدف	نقش دانشآموز	نقش معلم
مرحله اول	تقویت مهارت شنیدن	شنیدن	روان خوانی
مرحله دوم	تقویت مهارت خواندن	خواندن	نظرارت و راهنمایی
مرحله سوم	تقویت مهارت ترجمه	ترجمه عبارات (مقدماتی)	ترجمه عبارات و راهنمایی
مرحله چهارم	تقویت مهارت درک و فهم	ترجمه عبارات (نهایی)	تصحیح و تکمیل
مرحله پنجم	تقویت مهارت کاربرد (بیان مصداقی از کاربرد عبارت یا پیام درس)	مصدقایابی	تصحیح و تکمیل

۳ واژگان: دلیل آوردن واژگان به همراه معنا، پس از متن درس این است که دانش آموز با راحتی و سرعت بیشتری در فرایند ترجمه فعال باشد؛ معلم دانش آموز را در ترجمه مشارکت می‌دهد تا توانایی ترجمه را در او بپروراند و این امر در راستای فعالیت و مشارکت دانش آموز در فرایند یادگیری قرار دارد. این بخش تقریباً در پنج دقیقه تدریس می‌شود. هدف این نیست که در همان ابتدا دانش آموز همه کلمات جدید را یاد بگیرد؛ بلکه هدف این است که با آنها آشنا شود. برخی همکاران در دوره اول متوسطه چنین

پنداشته‌اند که هدف این است که همان اوّل کار از دانش‌آموز بخواهیم تا در عرض چند دقیقه معنای لغت‌ها را حفظ کند؛ این کار بی‌گمان نادرست و غیرمنطقی است و بیم آن می‌رود که این تصوّر نادرست در دوره دوم متواته نیز راه یابد. تعداد کلمات هر درس از دروس عربی دهم از عربی نهم بیشتر است. روش نادرست، دانش‌آموز را خسته می‌کند. بیشتر بودن تعداد کلمات طبیعی است. از طرفی مهارت دانش‌آموز نیز بیشتر شده است. می‌توان در صورت داشتن زمان مناسب واژه‌پژوهی کرد؛ مثلاً ارتباط کلمات را از نظر مراعات نظیر، متضاد، یا مترادف و هم‌خانواده برخی کلمات دید. از دانش‌آموز می‌پرسیم متضاد یا مترادف فلان کلمه چیست؟ کدام کلمات در المعجم با هم ارتباط معنایی دارند؟

در طرّاحی سؤال امتحان از بخش واژه‌شناسی می‌توان از تشخیص کلمهٔ ناهمانگ، مترادف و متضاد^۱ و کاربرد واژگان استفاده کرد.

۱- دربارهٔ ترادف در زبان عربی از دیرباز میان دانشمندان اختلاف وجود داشته است؛ برخی برای اسب و شمشیر و مانند آن اسم‌های بسیاری را برشمرده‌اند و برخی از میان آنها تنها یکی را اسم و بقیه را صفت دانسته‌اند.

«سیبویه» می‌گوید: در کلام عرب گاهی دو لفظ گوناگون برای دو معنای مختلف و گاهی دو لفظ مختلف برای یک معنا می‌آورند که برای مورد اخیر فعل «ذَكَرٌ» و «انْطَلِقُ» را مثال می‌زند. از دیدگاه «سیوط» دلیل اصلی پیدایش مترادف در یک زبان این است که دو طایفه برای یک معنا دو واژه را به کار بردند. سپس آنگاه که طایفه‌ها یکی شدند، این دو کلمه مترادف گشته‌اند. اما اوقات این سکیت معتقد است که برخی واژه‌ها با اینکه تقریب معنایی دارند؛ اما حالت‌های دقیق خودشان را بیان می‌کنند؛ مثلاً در مورد فعل «گریدن»:

العُشُّ: الأَسْنَانُ لَا بِالشَّفَتَيْنِ / النَّهَشُ: الْأَخْذُ بِالْفَمِ / النَّهَشُ: الْعَصُّ السَّرِيعُ / العَجَمُ: الْعَصُّ بِالْأَسْنَانِ لِتَنْظَرَ أَهْلُبُ هُوَمٌ حَوَارٌ؛ مثال: عَجَّفَتُ الْعُودَةِ. یا در مورد لانه:

العُشُّ: الَّذِي يَجْمُعُ الطَّائِرُ مِنَ الْعِيَادِنِ وَغَيْرُهَا فَيَبْيَضُ فِيهِ. الوَكْرُ: فِي الْجَبَلِ / الْوُكْنَةُ: مَوَاقِعُ الطَّيْرِ حِيشَما وَقَعَ. و دربارهٔ جدا کردن واژه‌ها از هم و ارائه شیوه درست به کارگیری آن دربارهٔ فرق «راکب» و «فارس» می‌گوید: «یُقال: مَرْ بِنَا رَاكِبٌ، إِذَا كَانَ عَلَى بَعْيرٍ، وَ الرَّكِبُ أَصْحَابُ الْإِبْلِ. أَمَّا إِذَا كَانَ عَلَى حَمَارٍ أَوْ بَغْلٍ أَوْ فَرِسٍ يُقال: مَرْ بِنَا فَارِسٌ عَلَى حَمَارٍ أَوْ بَغْلٍ أَوْ...»

اما ابومنصور ثعالبی در کتاب «فقه اللغة» به معنای دقیق کلمات اشاره می‌کند و از به کار بردن هر کلام به جای دیگری برحدزد می‌دارد؛ مثلاً در مورد خواب و ترتیب آن چنین می‌گوید:

أَوْ النَّوْمُ: النَّعَاسُ / الْكَرَى: هُوَ أَنْ يَكُونُ الإِنْسَانُ بَيْنَ النَّائِمِ وَالْيَقَاظِنَ / الرُّقَادُ: هُوَ اللَّوْمُ الطَّوِيلُ. و گاهی اوصاف یک اسم به عنوان مترادف به کار می‌رود که در اصل حالت‌های گوناگون آن اسم است.

مراحل آموزش واژگان

۱ دبیر می‌تواند در آغاز از کتاب گویا استفاده کند. دانشآموزان تلفظ درست درس را گوش می‌کنند.

۲ سپس معلم می‌خواند و دانشآموزان تکرار می‌کنند. این قرائت می‌تواند به تشخیص معلم به همراه او و شامل گروهی از دانشآموزان باشد یا به صورت انفرادی.

۴ قسمت سوم: قواعد

■ تصاویر: تصاویر زیبای کتاب دربرگیرنده پیام‌های گوناگونی است و در راستای تقویت هویت ایرانی- اسلامی و با دقّت فراوان گزینش شده‌اند.

■ رسالت مهم تصاویر

- پیام‌های ارزشی این تصاویر موجب تقویت هویت اسلامی- ایرانی می‌شود.

- به روز و واقعی بودن تصاویر، کتاب را جذاب‌تر می‌کند.

- جذابیت این تصاویر، انتقال مفاهیم درس را تسريع و تسهیل می‌کند.
شاعر گران‌مایه ایرانی مولوی در این باره می‌فرمایند:

آنچه یک دیدن کند ادراک آن سال‌ها نتوان نمودن با بیان

تذگر بسیار مهم: در کتاب‌های عربی هفتمن تا دهم برای آموزش فعل‌های ماضی و مضارع بومی‌سازی انجام شده است. دانشآموز ایرانی با شش صیغهٔ فارسی آشناست.

او می‌داند اول شخص مفرد، دوم شخص مفرد و ... یعنی چه؛ حتّی در درس انگلیسی نیز همین‌طور می‌خواند. در برخی کشورها مانند مغرب (مراکش) و لبنان نیز در آموزش فعل‌ها تغییراتی را انجام داده‌اند. در آموزش فعل نیز در ایران بومی‌سازی صورت گرفته است.

این شیوه در مدارس توسّط دبیران در تدریس آزمایشی موقّق بوده است و بسیاری از دبیران از آن استقبال کرده‌اند و یادگیری عربی را برای دانشآموزان تسهیل کرده است. او می‌خواند که:

«أنا أذهب»؛ يعني «من می‌روم»؛

«أنت تذهب و أنتِ تذهبين»؛ يعني «تو می‌رومی»؛

«هو يذهب و هي تذهب»؛ يعني «او می‌روم»؛

«نحن نذهب»؛ يعني «ما می‌رویم»؛ «أنتم تذهبون، أنتن تذهبن و أنتما تذهبان»؛ يعني «شما می‌روید»؛ و «هم يذهبون، هن يذهبن، هما يذهبان و هما تذهبان»؛ يعني «آنها می‌روند». با این شیوه، بسیار منطقی‌تر و بهتر درس را می‌آموزد. شاید دبیری که سال‌ها به شیوه‌ای دیگر تدریس کرده و خودش نیز به همین‌گونه آموزش دیده است، شیوهٔ جدید برایش سخت باشد. از دیرباز گفته‌اند: «العادة كالطبيعة الثانوية»؛ اماً از آنجا که کتاب‌های جدید با این شیوه پیش می‌رود، شایسته است دبیران نیز با آن هماهنگ باشند. روش جدید در یادگیری آسان‌تر است. هدف از بین بردن شیوهٔ صرف فعل به سبک فعل، فعل، فعلوا، فعلت، فعلنا، فعلت و ... نیست. هدف این است که دانش‌آموز یاد بگیرد و هر شیوه‌ای تأثیرگذارتر است همان برتری دارد.

اجرا: نخست روحانی تو سط دانش‌آموزان به منظور تقویت مهارت شنیداری و گفتاری انجام می‌گیرد. آنگاه ترجمۀ هر جمله بیان می‌شود که بهتر است معلم در این مرحله، نقش ارشادی داشته باشد تا بتواند با ظرافت، پیوندی قوی بین سه قسمت واژگان، متن و قواعد ایجاد کند.

«اعلموا» و «فن الترجمة»

در این قسمت، ساختار و چارچوب قواعد هر درس بیان شده است. باید توجه کرد که توضیحات این دو بخش تا پایان کتاب برای فهم بهتر عبارت و متن است. هدف این است که دانش‌آموز بتواند از این اطلاعات در فهم معنای جمله بهره ببرد؛ لذا حفظ مطالب این بخش الزامی نیست و نیازی نیز به گسترش آن نیست.

حفظ مطالب بخش «اعلموا» و «فن الترجمة» الزامی نیست؛ همچنین نیازی به گسترش مطالب و ارائهٔ جزوء مکمل نیست.

اجرا: معلم در این قسمت دانشآموزان را در قرائت، توضیح مثالها و شرح تصاویر به مشارکت می‌گیرد. نویسنده‌گان تأکید دارند که معلم باید قواعد را به عنوان ابزاری برای رسیدن به مهارت ترجمه و درک و فهم در نظر بگیرد، نه هدف و علت. نامگذاری این بخش به «بدانیم» و «فن ترجمه» در واقع کمنگ کردن نقش قواعد و پرنگ کردن جایگاه ترجمه و درک و فهم است؛ لذا معلم محترم نیز باید در بیان قواعد به آنچه در کتاب آمده است بسند کند و از بیان توضیحات خارج از کتاب و جزوی دادن، خودداری کند.

در این قسمت دانشآموزان مشارکت بیشتری دارند خودشان می‌خوانند و خودشان هم به سوالات آن پاسخ می‌دهند و معلم می‌تواند نقش راهنمای و مصحح را داشته باشد.

تمارین

هدف اصلی در این قسمت، تثبیت یادگیری در سه حوزه واژگان، قواعد و ترجمه است و در راستای اصل تلطیف آموزش عربی، سعی شده است دانشآموز از حل آنها لذت ببرد. حل تمرین‌ها بر عهده دانشآموز است و معلم نظارت می‌کند.

جای کافی برای حل تمارین، پیش‌بینی شده است؛ تا نوشتن دوباره تمارین وقت زیادی را از دانشآموز نگیرد. با توجه به اینکه نوشتن عبارات عربی با رعایت اعراب برای دانشآموز دشوار است و شاید اشتباهات اعرابی او در نوشته‌هایش به قرائت او نیز منتقل شود؛ لذا بهتر است حل تمرینات در کتاب صورت بگیرد تا چشم دانشآموز به املاء و اعراب صحیح در کتاب درسی عادت کند و مشکلی در قرائت او نیز پدید نیاید. همانند کتاب راهنمای معلم عربی هفتم، هشتم و نهم در کتاب راهنمای معلم عربی دهم نیز نمونه سؤال استاندارد و بارمبنده قرار داده شده است تا در زمینه ارزشیابی ارائه طریق نماید.

قالب کلی تمارین

ردیف	تمرین	قالب و الگوها
۱	واژه	۱- معنای واژه
		۲- واژگان متزادف و متضاد و ناهمانگ
		۳- شناخت و کاربرد واژگان در جمله
		۴- وصل کردن واژه‌های مرتبط در دو ستون
		۵- جدول کلمات متقطع رمزدار
۲	ترجمه	ترجمه جملات عربی به فارسی شامل: آیه، حدیث، جمله‌های معمولی
		شناخت و کاربرد قواعد، شامل:
		شناخت فعل امر، فعل نهی، معادل فعل ماضی استمراری، ترکیب اضافی و وصفی، وزن و حروف اصلی، ساعت‌خوانی، اسم اشاره به نزدیک و دور، کلمات پرسشی، نفی ماضی و مضارع، مستقبل
		اعداد، فعل مجهول، مشتقّات (اسم فاعل، اسم مفعول، اسم مبالغه)، نون وقایه، جمله‌asmieh (مبتدا و خبر)، جمله‌ فعلیه (فعل، فاعل و مفعول‌به)، جار و مجرور
		۱- پاسخ به سوالات عربی
۳	قواعد	۲- انتخاب گزینه مناسب برای پاسخ به پرسش‌های بخش درک مطلب
		ایجاد روحیه پژوهشی در دانش‌آموزان
۴	درک مطلب	۱- پاسخ به سوالات عربی
		۲- انتخاب گزینه مناسب برای پاسخ به پرسش‌های بخش درک مطلب
۵	پژوهش	ایجاد روحیه پژوهشی در دانش‌آموزان
		ایجاد روحیه پژوهشی در دانش‌آموزان

این بخش در ارزشیابی‌ها، معیاری برای طراحی سوالات امتحانی است و شایسته است معلم از الگوها و قالب‌های موجود بهره ببرد و از طرح سوالاتی مانند ترجمه فارسی به عربی و ساختن صیغه‌های مختلف فعل خودداری کند.

ساختار آموزشی کتاب عربی دهم عبارت است از: اعداد یک تا صد، ترجمة فعل مجهول، مشتقّات (اسم فاعل، اسم مفعول، اسم مبالغه)، نون وقايه، جملة اسمیّه (مبتدأ و خبر)، جملة فعلیّه (فعل، فاعل و مفعول^{۱۴})، جار و مجرور.

در جملة اسمیّه و فعلیّه اعراب کلمات داده شده است تا دانشآموز با دقّت در آنها بتواند اعراب رفع و نصب و جر را کشف کند. اما نهادن اعراب کلمات و یا تصحیح غلطها هدف کتاب نیست. دانشآموز علاقهمند، این نکات را کشف خواهد کرد.

أنوار القرآن در کتاب مشترک عربی زبان قرآن (۱): بخش أنوار القرآن بر عهده دانشآموز و تکلیف منزل است. او در خانه این تمرين را باید بخواند و پاسخ دهد. برای پاسخ آن می‌تواند به کتاب قرآن مجید مراجعه کند. این بخش ساده و بر اساس واژگان خوانده شده است؛ بنابراین پاسخ آن دشوار نیست. درصورتی که دبیر تشخیص دهد می‌تواند آن را در کلاس پاسخ دهد.

پژوهش: پژوهش‌های کتاب در حدّ توان دانشآموز انتخاب شده است. پژوهش در درس عربی و انگلیسی بسیار سخت است؛ چون زبان آن فارسی نیست؛ لذا برخورد معلم در اینجا باید مطابق واقعیت باشد. نمی‌توان از دانشآموز توقع داشت مانند دانشجوی رشته زبان و ادبیات عرب باشد.



واژه‌شناسی

برای دبیر (نه برای دانش‌آموز)

اطلاعات ارائه شده در این قسمت در انتهای هر درس از کتاب معلم نیز بیان شده است. این بخش برای طرح در کلاس درس نیست. صرفاً اطلاعاتی برای دبیر است که البته اگر دانش‌آموزی سؤالی پرسید می‌تواند پاسخ آن را برای آن دانش‌آموز مطرح کند. هدف سهولت دسترسی معلم به پرسش‌های احتمالی دانش‌آموزان است. کلمات این بخش مربوط به سه کتاب پیشین است که در کتاب دهم نیز تکرار شده‌اند.

۱ همزه «اسم» در **﴿إِقْرَأْ يَاسِمْ رَبِّكَ﴾** و **﴿يَا سَمِّيَ تَعَالَى﴾** همزه وصل است که نوشته می‌شود، ولی خوانده نمی‌شود. در **﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾** به دلیل رسم الخط قرآن نوشته نمی‌شود.

۲ جمع **إِبْن** به دو صورت **أَبْنَاء** و **بَنُونَ** (**بنینَ**) درست است. همزه کلمه **إِبْن** همزه وصل است و اصل آن «بنو» است. کلمه بنین که در درس آمده است ملحق به جمع مذکور را مذکور سالم است. ملحق به جمع مذکور سالم کلماتی هستند که اعراب جمع مذکور را می‌گیرند؛ اما شرایط آن را ندارند و معروف‌ترین آنها عبارت‌اند از کلماتی که معنای جمع دارند؛ مانند «أُولُو» و «عَالَمُونَ» و «أَعْدَادُ عَقُودٍ» مانند «عِشْرُونَ» تا «تِسْعَونَ» و کلماتی نظیر «بَنُونَ» و «أَرْضُونَ» و «سِنُونَ» که ملحق به جمع محسوب می‌شوند.

۳ **تِلمِيد**: به معنای دانش‌آموز دبستان است. واژه **سُريانی** معرب به معنای شاگردی است که پیشه‌ای می‌آموزد. **تِلمِيد** احتمالاً از **تِلمُود** گرفته شده است. (خود کلمه شاگرد نیز در فارسی شاهگرد بوده است؛ یعنی خدمتگزاری که گرد شاه است). جمع آن افزون بر **تِلمِيد**، **تِلامِدَة** نیز هست. در فارسی مصدر **«تَلَمُذٌ»** را از آن ساخته‌ایم که در عربی به کار نمی‌رود. **تِلمِيد** تقریباً هم معنای طالب است. اما **طالِب** دانش‌آموز دبیرستانی و یا دانشجو است؛

مثال:

طالب ثانوي: دانش آموز دبیرستانی و طالب جامعي: دانشجو.^۱

تَلَمِّدَ لِفْلَانٍ أَوْ عِنْدَهُ صَارَ تَلَمِّيذًا لَهُ.

۴ مصدر درس يدرس مى شود: دراسة و درس. درس الثوب: جامه را کهنه کرد. وجه تسمية درس همین است که آن قدر باید خواند که گویی مانند جامه‌ای کهنه شود.

۵ فرق عام و سنة: معمولاً این دو متادف گرفته می‌شوند. در قرآن کلمات «عام» و «سنة» به دفعات به چشم می‌خورد. در حالی که در فرهنگ‌های لغت عربی و فارسی هر دو را متادف و یا با تعاریفی نزدیک به هم ذکر کرده‌اند؛ از جمله المنجد عام (عَوَمَ) را این‌گونه تعریف کرده است: أربعَةٌ فَصُولٌ، سَنَةٌ كَامِلَةٌ مَتَوَالِيَّةٌ وَ در تعریف سنه (سنا- سنو) آورده‌اند: «اثنا عشر شهرًا» و «٣٦٥ يوماً»؛ یعنی «سنه» همان سال خورشیدی است.

گفته می‌شود: (عام الفيل)، (عام الحزن)، (عام الوفود)، (عام فتح مكة)، ولی گفته نمی‌شود: (سنة الفيل)، (سنة الحزن) و (سنة فتح مكة). امروزه (عام ۲۰۱۴) و (سنة ۲۰۱۴) هر دو گفته می‌شود؛ اما در متون کهن (سنة) گفته می‌شد و (عام) برای حوادث بوده است.

امروزه اصطلاح العام الدراسي کاربرد بیشتری از السنة الدراسية دارد.^۲

۱- تلميذ: دانش آموز دبستانی، شاگرد / الجمع: تلاميذه و تلاميذ
الشَّلَمِيدُ: خادم الأَسْتَاذَ مِنْ أَهْلِ الْعِلْمِ أَوْ الْفَنِّ أَوْ الْحَرْفَةِ، طَالِبُ الْعِلْمِ، وَ خَصَّهُ أَهْلُ الْعَصْرِ بِالْطَّالِبِ الصَّغِيرِ فِي الْمَراحلِ الْدَّرَاسِيَّةِ
الأولى، تلميذ في مدرسة ابتدائية، طبيبي يتعلم ضئلاً أو حرفًا
۲- عام: (اسم) الجمع: أعوام / العام : السنة / رأس العام : أوله
عام الخُرُون : العام العاشر منبعثة النبي (ص) و هو العام الذي توقي فيه أحب الناس إلى الرسول و آثرهم عنده ؛ زوجته خديجة ، و عمها أبوطالب

عام الفيل: العام الذي هجم فيه الأحباش بأفياهم على الكعبة ، و فيه كانت ولادة النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
سنة: (اسم) الجمع: سنوات و سِنُونَ

السنة: فترة من الزمن مُدَدَّتها اثنا عشر شهراً

السنة: الأرض المحدبة

السنة البسيطة: عدد أيامها ۳۶۵ يوماً ، / السنة الدراسية أو السنة المدرسية : مدة الدراسة و تمتدة عادةً من أوائل الخريف حتى أوائل الصيف
من العام الثاني / السنة الميلادية : السنة التي يبدأ عددها عام ولد المسيح / رأس السنة : أول يوم منها

۶ جمع **بِنَتٍ** می‌شود «بنات» که «جمع مؤنث سالم» است؛ در مبادی العربية «ملحق به جمع مؤنث سالم» گرفته شده، البته در این مورد اختلاف هست. «بنات» ملحق به جمع مؤنث سالم است.^۱ (مبادی العربية، جلد ۴، صفحه ۸۸، فائدہ ۱۵۱)

۷ جمع **شَجَرَةٍ**، **أَشْجَارٍ** و جمع **شَجَرَةٍ**، **شَجَرَاتٍ** است.

۸ **طَالِبٌ** چند معنا دارد: خواستار، جوینده، دانش آموز دبیرستانی، دانشجو. کلمه تلمیذ نیز به معنای دانش آموز است.

۹ همزه آغاز **إِمْرَأَةٌ** همزه وصل است و زمانی که «الـ» می‌گیرد واجب است حذف شود. **الْمَرْأَةُ** به صورت **الامْرَأَةُ** غلط است. این نکته درباره کلمه **إِمْرَأً** نیز صدق می‌کند. معادل **إِمْرَأَةُ** در گویش حجازی **حُرْمَةٌ** و جمع آن **حَرِيمٌ** است.

۱۰ در عربی فصیح چهار حرف **گ چ پ ژ** وجود ندارد؛ اما در عربی عامیانه سه حرف **گ چ ژ** وجود دارد.^۲

۱۱ حرف **ك** در کلماتی مانند **ذلِكَ** و **تِلْكَ** بدون سرکش است؛ اما در زبان فارسی معمولاً چنین نیست.

۱۲ کلمه **إِمْرِيَّةٌ** به معنای مرد، یا انسان است و سه حالت اعرابی دارد: **إِمْرُؤُ** (مرفوع)، **إِمْرَأً** (منصوب)، **إِمْرِيٌّ** (مجرور). همزه آن وجوداً هنگام معرفه شدن حذف می‌شود و **الْمَرْءُ** می‌شود. از جنس خودش جمع ندارد. رجال به معنای مردان از جنس خودش نیست.

۱- دیده شده که برخی همکاران به تقلید از کتاب های غیراستاندار نوع جمع کلماتی مانند **أَخْواتٍ**، **بَنَاتٍ**، **سَمَاوَاتٍ**، **بَنِينٍ**، **ظُلُمَاتٍ** و ... را از دانش آموز می خواهند که مطلقاً کار درستی نیست.

۲- در گویش عامیانه اطراف خلیج فارس و جنوب عربستان سعودی حرف قاف را گاف تلفظ می‌کنند؛ مثال: **قُمْ**: برخیز (گوم) **أَقْوَلُكَ**: به تو میگوییم (**أَكْلُ لَكَ**، **أَكْلِ لَكُ**) لا **أَقْدِي**: نمی توانم (ما **أَكْلَذَرُ** قذر: دیگ (گیدر). همین قاف را در شام (سوریه، لبنان، اردن و فلسطین) و مصر همزه تلفظ می‌کنند؛ مثال: **عِنْدَكَ وَرَتَهُ وَأَلَمْ**? یعنی: **عِنْدَكَ وَرَقَّةٌ وَّ قَلَّمٌ**? در عراق گاهی حرف **ك** را **ج** تلفظ می‌کنند؛ مثال: **إِلْجَى** یعنی **صَبِحَتْ كَنْ** که در اصل **إِحْكِ** و معادل فصیح آن **تَكَلْمُ** یا **كَلْمُ** میباشد. **وَيْنُ چِنْتُ؟** یعنی **كَجا بُودِي؟** که در اصل **أَيْنُ كُنْتُ؟** است.

در مصر حرف **ج** را **گ** تلفظ می‌کنند. جمله **قَلْبِي مَكْبُرُونَ** در گویش مصری **أَلْبِي مَكْبُرُونَ**. گفته می‌شود. در گویش شامي (سوری-لبنانی) حرف **ج** را **ڙ** تلفظ می‌کنند؛ مثال: **جَمْلَهُ إِي رَا كَه** در گویش حجازی و عراقي **جِيبْ جَوَازْكَ**. تلفظ می‌کنند و به معنای **گذرنامه‌ات را بیاور**. می‌باشد؛ در گویش شامي **ژَبِيْبْ ڙَوَازْكَ**. تلفظ می‌کنند. معادل فصیح این جمله **أَخْضُرْ جَوَازْكَ**. است.

۱۳ حرف «ل» کاربردهای بسیاری دارد. آنچه دانش‌آموز باید بداند دو مورد است: یکی اینکه «ل» به معنای «برای» است و دیگری اینکه «ل» برای بیان مالکیت است.

در زبان عربی در ترجمه کلمه فارسی «دارم» گفته می‌شود: «عِنْدِي، لِي، لَدَيْ» و هر سه با «لَيْسَ» و «ما» منفی می‌شوند؛ یعنی «ندارم» می‌شود: «لَيْسَ عِنْدِي، لَيْسَ لِي، لَيْسَ لَدَيْ». «ما عِنْدِي» نیز درست است. «كَانَ لِي، كَانَ عِنْدِي، كَانَ لَدَيْ» نیز معادل «داشتم» در فارسی می‌شود.

۱۴ فرق «ورد» با «وردة» این است که «وردة» دارای تاء وحدت است. «ورد» اسم جنس و واحد آن «وردة» است و تاء آخر آن تاء وحدت است. «وردة»، یعنی «یک گُل». کلمه «ورد» می‌تواند به معنای «گُل‌ها» نیز باشد. «شَجَرَة» نیز اسم جنس به معنای درخت و واحد آن «شَجَرَة» به معنای «یک درخت» است. کلماتی مانند نَجْمَة، زَيْتُونَة، بُرْتُقَالَة، رُمَانَة و وَرَقَة نیز تاء وحدت دارند. ۱۵ «نَافِذَة» و «شُبَابَك» هر دو به معنای «پنجره» و جمعشان «نَوَافِذ» و «شَبَابِيك» است.

۱۶ کلمه «خَيْر» در «خَيْرٌ مِنْ» اسم تفضیل و در اصل «أَخْيَر» بوده و همزه آن افتاده است؛ مانند «شَرّ» که مخفف «أَشَرّ» است. جمع خَيْر، خِيَار و أَخِيَار است. ۱۷ «گَنْز» برگرفته از واژه فارسی «گنج» است که از آن فعل «گَنَّز - يَكْنِزُ» و مشتقّاتی بسیار ساخته شده است.

۱۸ «مَعَ» به معنای «با» است و «بِ» نیز به همین معناست؛ برای اینکه اشتباه نشود، بهتر است بگوییم: «مَعَ»، یعنی «همراه با» و «بِ»، یعنی «به وسیله»؛ مثال: أنا أَذَهَبُ مَعَ صَدِيقِي. أنا أَذَهَبُ بِسَيَارَتِي. ۱۹ جمع «مَكْتَبَة»، «مَكَتَبَات» و «مَكَاتِب» است. «مَكَاتِب» به معنای «دفتر کار» است که جمع آن نیز «مَكَاتِب» می‌شود.

۲۰ «وَاقِفٌ: اِيْسَتَادَهُ» با «قَائِمٌ: اِيْسَتَادَهُ» فرق دارد. واقف به معنای توقف کننده و قائم برپا خیزنده است.

۲۱ «بُسْتَان» مُعَرَّب کلمه فارسی «بوستان» است. از آنجا که در کلمه «بوستان» التقای ساکنین شده؛ لذا واو حذف شده؛ بستان جای پر درخت است و ترکیب «بو+ستان» به معنای جای پر از بوی خوش و متراffد با باغ است.

۲۲ «مُدَرِّسٌ» و «مُعَلِّمٌ» متراffد هستند؛ اما امروزه واژه معلم برای مدیر کاروان زیارتی نیز کاربرد دارد و گاهی احتراماً نیز به افراد اطلاق می‌شود.

۲۳ جالِس و قاعِد به یک معنا هستند. در زبان گفتاری از قاعِد استفاده می‌شود. (قاعِد هم فصیح است و هم عامیانه؛ اما جالِس فقط فصیح است).

۲۴ فرق «هَلْ» و «أَ» در کتاب تدریس نشده است؛ زیرا دانستن آن ضرورت ندارد.

فرق هَلْ با أَ :

الف- هَلْ در جمله دارای فعل منفی نمی‌آید.

مثالاً سؤال نمی‌شود: هل لا تسمِعُ؟ یا هل ما سَمِعَتَ؟ بلکه سؤال می‌شود:

أَلا تسمِعُ؟ یا أَما سَمِعَتَ؟

اما حرف استفهام أَ بر سر فعل مثبت و منفی هر دو می‌آید. أَ جاءَ المعلمُ؟
اما جاءَ المعلمُ؟

۲۵ «جاءَ» و «أَتَى» هر دو متراffد‌اند. (جاءَ- يَجِيءُ- مَجيئاً) ؛ (أَتَى- يَأتِي- إِتِيَانَاً)

فعل امر از «جاءَ يَجِيءُ» به صورت «جِئْ» کاربرد محاوره ندارد؛ بلکه «تعالَ» به معنای «بِيَا» می‌باشد.

ضمناً «جاءَ بِ» و «أَتَى بِ» به معنای «آورد» است؛ مثال: جِئْ بِالْكِتَابِ. کتاب را بیاور.

۲۶ «جزاء» از اضداد است دو معنای کیفر و پاداش هر دو را دارد.

۲۷ «جُنْدِيٌّ» برگرفته از واژه فارسی «گُندی» است.

۲۸ «رُّمَان» اسم جنس به معنای انار است و واحد آن رُّمَانة و جمع آن رُّمَانات. (ضمناً رُّمَانة به معنای نارنجک نیز هست).

۲۹ «سائق» راننده است که در عربستان سعودی سُوّاق نیز گفته می‌شود.

۳۰ «حَقِيقَة» سه معنا دارد: کیف، ساک و چمدان. در گویش عامیانه عربی «شَنْطَة، شَنْتَة، جَنْطَة» گفته می‌شود که همان «چَنْتَه» در فارسی است. در کتاب‌های درسی پیشین کلمه «مَحْفَظَة» می‌آمد؛ امروزه در عربی کاربرد حقيقة بیشتر است؛ مثلاً حقيقة الظَّهْر: کوله پشتی، حقيقة مَدَرَسَيَّة: کیف مدرسه، حقائب الزُّواج: چمدان‌های زائران؛ اما «مَحْفَظَة» کیف پول است که «جُزْدَان» نیز گفته می‌شود.

۳۱ «رُبّ» به معنای «چه بسا» حرف جرّ است و فقط بر سر نکره می‌آید؛ اما اگر با «ما» بیاید و «رُبّما» شود؛ بر سر معرفه نیز می‌آید؛ مانند: «رُبّما میثم واقِفٌ». و در آیه **﴿رُبَّمَا يَوْدُ الدِّينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ﴾** «سوره الحجر آیه ۲» به تخفیف باء آمده است.

۳۲ «لِسان» دو معنا دارد: یکی «زبان» مانند «زبان عربی» و یکی «زبان»^۱ یعنی همان «عضو گوشی درون دهان».

۳۳ أَنْتِ: تلفظ آن شبیه «أَنْتِي» است. در مکاتبات عربی گاهی آن را اشتباهًا أَنْتِی می‌نویسند.

۳۴ جَوَال: به معنای تلفن همراه است. مَخْمُول و خَلِيَوْيَّ نیز گفته می‌شود. جمع آن جَوَالات است.

۳۵ سَماء: به معنای آسمان، مؤثث و جمع آن سَماءات است؛ اما اگر به معنای «سقف» باشد؛ مذکور می‌شود. در قرآن به دو صورت مذکور و مؤثث

۱- امروزه به جای «اللُّسَانُ الْفَارِسِيُّ» گفته می‌شود «اللُّغَةُ الْفَارِسِيَّةُ». کلمه «لغة» از ریشه یونانی logo گرفته شده است که در کلماتی مانند مونولوگ و دیالوگ نیز به کار می‌رود. (مونو، یعنی یک و دیا یعنی دو) کلمات فیلسوف، جغرافی، موسیقی نیز ریشه در زبان لاتین دارند. (فلیوسوفیا، زتوگرافی، موزیکا).

آمده است. **﴿السَّمَاءُ مُنْفَطِرٌ بِهِ﴾** مزمل / ۱۸؛ **﴿إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ﴾** انفطار / ۱ کلمه سُمیّة که اسم دختر است؛ مصّغر سماء و به معنای آسمان کوچک است.

سَيِّد: جمع آن «садَة» و «أَسْيَاد» و جمع الجمع آن «سَادَات» است؛ اما جمع «سَيِّدَة» به معنای خانم «سَيِّدَات» است.

لِمَنْ: معادل واژه **whose** در انگلیسی و برای پرسش از مالکیت است.

در محاوره عربستان سعودی امروزه به جای آن «حق مین» و در عراق «مال من» گفته می‌شود.

مَنْ: اسم استفهام به معنای «چه کسی»، یا «چه کسانی» است که گاهی اسم موصول و به معنای «کسی که» می‌آید، یا از ادوات شرط و به معنای «هر کس» می‌شود. بعد از آن مفرد مذکور می‌آید؛ مثلاً هنگامی که کسی در می‌زند و نمی‌دانیم مذکور است یا مؤنث؛ سؤال می‌شود: «مَنْ هُوَ؟»، یا «مَنْ يَطْرُقُ الْبَابَ؟»^۱

سَيِّف، صَارِم، صَمْصَام نیز معنای شمشیر دارند. سَيِّف معروف‌تر از بقیه است.

أُسْتَاذُ مُعَرَّبٌ استاد است. استاد از ریشه **إِسْتَاد** است؛ زیرا در کلاس در برابر شاگردان می‌ایستد.

همان طور که **إِسْتَوَاء** را **أُسْتُوا** تلفظ کردند؛ **إِسْتَاد** را **أُسْتَاد** خوانده‌اند.

جمع استاد در فارسی اساتید و در عربی **أَسَايِدَة** است.

أُمْ: به معنای مادر و جمع آن **أُمَّهَات** و **أُمَّات** است. **﴿وَإِذْ أَنْثَمْ أَجِنَّةً فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ﴾** (نجم / ۳۲) و آنگاه که شما جنین‌هایی در شکم‌های مادرانتان بودید.

«أُمَّات» برای حیوانات و اشیاء نیز به کار می‌رود؛ مانند **أُمَّاتُ الْحَيَوانَاتِ** و **أُمَّاتُ الْكُتُبِ**.

۱- در گویش حجازی «من» را «مين» تلفظ می‌کنند؛ مثلاً در مکالمه تلفنی آن کس که گوشی تلفن را برمی‌دارد خطاب به فرد پشت خط می‌گوید: «مین معايی؟»؛ یعنی «چه کسی با من است؟» (من يتكلّم معی؟)

۴۱ مُداراة: در فارسی حرف ة از انتهای آن حذف شده است؛ مانند «مُداواة» که آن نیز مداوا شده است.

(داری ، یُدّاری ، مُداراً)

۴۲ منضَدة: امروزه واژه «طاولَة» نیز به جای آن به کار می‌رود که معرب ایتالیایی است. جمع آن «مَنَاضِد» است.

۴۳ یَسَار: با کلمه «شِمال» متراծ است. در قرآن کریم «أصحاب يَمِين» در برابر «أصحاب شِمال» آمده است. گاهی «أَيْسَر» و «يُسْرَى» نیز به کار می‌رود.

۴۴ يَمِين: به معنای «راست» و به صورت‌های «أَيْمَن» و «يُمْنَى» نیز به کار رفته است.

جالب است بدانید «يَنِيمِين» یک اسم عربی است مرگب از «بِن: پسر + يَامِين: راست»؛ یعنی پسری که همچون دست راست پدر و مادرش است.

۴۵ «نِسَاء» جمعی است که مفرد از جنس خودش ندارد. «إِمْرَأَة» نیز مفردی است که جمع از جنس خودش ندارد. دو کلمه نِسْوَة و نِسْوان نیز به معنای «زنان» هستند.

۴۶ «أَفْضَل» در صورتی که با «مِنْ» باید به معنای «بهتر» است. أَنْتَ أَفْضَل مِنْهُ. تو از او بهتر هستی.

اگر دو طرف مقایسه مؤنث باشند باز هم وزن افعال به کار می‌رود نه فعلی؛ مثال:

فاطمة أَفْضَل مِنْ زهراء.

۴۷ بَقَرَة: معمولاً بقرة را گاو ماده معنا می‌کنند؛ اما در اصل «بَقَر» اسم جنس به معنای «گاو» است و واحدش «بَقَرَة» است که بیشتر به معنای «گاو ماده» کاربرد دارد. جمع «بَقَر»، أَبْقَار یا أَبْقُر است. «بَقَرَات» جمع بَقَرَة است. «ثُور» گاو نر است.

۴۸ سَفِينَة: به معنای «کشتی» جمع آن «سُفْنٌ و سَفَائِنٌ» است. امروزه به آن «بَاخِرَة» نیز گفته می‌شود. «مَرْكَب، جَارِيَة و فُلْك» نیز به معنای «کشتی» به کار رفته است.^۱

۴۹ قَوْقَ: ظرف مکان و دائم الاضافه به معنای «بالای» است. با «عَلَى» فرق دارد.

«عَلَى» آن است که مثلاً کتابی روی میزی و با آن مُماس باشد؛ ولی در «فَوْقَ» هم می‌تواند مُماس باشد و هم می‌تواند بر فراز آن شاء باشد.

۵۰ يَد: دست یا کف دست، مؤنث است.

لام الفعل آن محذوف و در اصل «يَدَو» بوده است. مثنای آن «يَدَانِ» است.

جمع آن «أَيْدِي» و جمع الجمع آن «أَيَادِي» است. «الْأَيَادِي» بیشتر به معنای «نعمت‌ها» است.

۵۱ تَحْتَ: ظرف دائم الاضافه است و گاهی مضاف الیه آن حذف می‌شود. (جاءَ مِنْ تَحْتُ).

۵۲ أَب: پدر. جمع آن آباء است. گاهی به جای «يا أَبِي» به صورت «يا أَبَتِ» می‌شود.

«أَب» از اسماء خمسه است که در حالتِ رفع أبو در حالت نصب أبا و در حالت جرّ أبي می‌گردد.

اصل این کلمه «أَبُو» است که واو آن بنابر تحفیف حذف شده است. **۵۳ كَيْف:** چطور، چگونه.

برای استفهام حقیقی به کار می‌رود. **كَيْفَ ناصِرٌ؟** و برای استفهام غیر حقیقی به کار می‌رود؟ **كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللهِ هُنَّ**

۱- أَسْطَول (يونانی معرب) نیز به معنای ناوگان است. أَسْطَول حرفی: ناوگان جنگی

هرگاه بعد از آن اسم باشد، آن اسم مبتدا و مرفوع است؛ مثال: گیف اسماعیل؟ و اگر بعد از آن فعل باشد؛ حال است؛ مثال: گیف جاء ناصر؟

۵۴ جمع چدار، جُدر و جُدران است. حائط نیز به معنای چدار است. در فارسی کلمه حیاط جمع حائط است که به معنای جدیدی به کار می‌رود. البته تلفظ درست حیاط، حیاط بر وزن چیال است.

۵۵ در گویش‌های محلی عربی تعداد ضمیرها کمتر است. مثُنی در عامیانه وجود ندارد و در بسیاری از گویش‌ها به جای ضمیر جمع مؤنث، ضمیر جمع مذکور به کار می‌رود.^۱

۵۶ «تعالی» در «الله تعالی» فعل ماضی در معنای تنزیه است؛ مثلاً «پاسمه تعالی» یعنی: «به نام او که نامش بلند مرتبه باد».

۵۷ «سَأَلَ» فقط به معنای «سؤال کرد» نیست؛ بلکه به معنای «درخواست کرد» نیز هست.

گاهی به نادرست در ترجمه فارسی به عربی حرف جرّ مِنْ می‌آورند؛ مثلاً «از تو می‌پرسم» را «أسأَلْ مِنْكَ» ترجمه می‌کنند؛ در حالی که «أسأَلُكَ» درست است و حرف جرّ مِنْ زائد است.

در انگلیسی نیز چنین است؛ مثلاً I ask you. یعنی: از تو می‌پرسم. یا از تو درخواست می‌کنم.

۵۸ فعل «سمح» کلمه‌ای پر کاربرد است. اسمح لی: به من اجازه بد. مسموح: مجاز. لو سمحت: اگر اجازه می‌دادید.

۵۹ «أخذ» سه معنا دارد: گرفت، برداشت و بُرد؛ مثال:

خذني مَعَكَ: مرا با خودت ببر. خُذْ بِيَدِي: دستم را بگیر.
خذ حقیقتَكَ: کیفت را بردار.

۱- در گویش شامی بر عکس است و اصلاً ضمیر جمع مذکور وجود ندارد و هُنْ و هُنْ بجهای هُمْ و هُمْ به کار می‌رود. مثال: أين يَشْكُمْ؟ وَيْنْ يَشْكُنْ؟

۶۰ سِروال» معرب کلمه فارسی «شلوار» است.

«بَنْطَلُون» نیز به معنای «شلوار» است که معرب ایتالیایی است؛ اما از آنجا که «سِروال» ریشه قرآنی دارد؛ در کتاب عربی ترجیح داده شد واژه «سِروال» باید. البته در قرآن سَراپِیل آمده که جمع سِربال است.

سوره ابراهیم آیه ۵۰: ﴿سَرَابِيلُهُمْ مِّنْ قَطْرَانٍ وَتَعْشَى وُجُوهُهُمُ النَّارُ﴾ جامه هایشان از قطران (روغن تند بدبوی قابل اشتعال) است و آتش چهره هایشان را فرو پوشانده است.

۶۱ جمع «سوق»، «أسواق» است؛ اما «سوق» به معنای «راندن» و «راندگی کردن» است.

کلمه سُوق به معنای بازار را برخی به نادرست سَوق sawq تلفظ می کنند. همین خطأ در مورد حِينَ hina و عِيد id نیز صورت می گیرد. در حالی که اگر با فتحه خوانده شود (حَيْنَ) معنای مرگ، بلا، آزمایش و اندوه می دهد.

۶۲ «إذا: هرگاه، اگر» در قرآن إذا به معنای هرگاه است؛ ولی در گفت و گوهای روزمره عربی إذا به معنای اگر است.

۶۳ حرف «ط» ویژه کلمات دارای ریشه عربی است^۱؛ به همین دلیل نام تهران، توپ، استهبان، تالش و ... را به جای ط با ت نوشتند.

۱- نوشته کلماتی مانند تهران، توپ، استهبان، تپش، اناق، بلیت، تپانچه، تایر، تهماسب، تهمورث و ... باط درست نیست.

تایر انگلیسی و بلیت فرانسه و اناق ترکی است و سایر کلمات فارسی است و هیچ یک ریشه عربی ندارند؛ لذا باید با «ط» نوشته شوند.

همه زیان های جهان با هم داد و ستد و اژگانی داشته اند و دارند و خواهند داشت؛ حتی زیان های مرده نیز داد و ستد و اژگانی داشته اند.

تشخیص ریشه عربی یا فارسی کلمات هرچند برای کسی که دو زبان پیشنهاد نیست کار دشواری است؛ ولی راه های ساده ای هم وجود دارد که دانستن آنها جالب است.

از میان سی و دو حرف الفبای فارسی برخی حروف تنها ویژه واژه های عربی هستند.

حرف (ث)

هر واژه ای که دارای «ث» است بی گمان عربی است و ریشه فارسی ندارد؛ جز «کومرث»: مرد دانا یا گاو مرد، «ڭەمۈرث»: دارنده سگ نر قوی و واژگان لاتین مانند بلوتوث یا نام هایی مانند ادوارد ثورنابیک و ... که بسی آشکار است نام های لاتین هستند نه عربی یا فارسی.

حرف (ج)

هر واژه ای که دارای حرف «ح» است، بی گمان عربی است و ریشه فارسی ندارد؛ غیر از کلمه حوله که درست آن هوله است و به گمان نزدیک به بقین ریشه فارسی ترکی دارد و به معنای «پُرْزَدَار» است. (خواه یا هو؛ پُرْزَ+ له یا لی یا لوه؛ پسوند اتصاف) عرب به هوله «حوله» می گوید؛ میشخه در سعودی، خاولی یا خاولیه و بشکر در عراق؛ بشکر یا فوطة در سوریه. شاید هوله تلفظ ترکی استانبولی خُوله باشد؛ یعنی پارچه دارای خواب. در این صورت «خُوْ» khow فارسی است.

حرف (ذ)



۶۴ آلهة: جمع إله است. در رسم الخط اویلیه قرآن حروف کشیده واو و الف و یاء مایش داده نمی شد. بعدها این سه حرف افزوده شد. برخی کلمات بنابر شهرت با همان رسم الخط قدیمی نوشته می شوند و حرف الف در آنها نوشته نمی شود؛ مانند: هذا، رحمن، إله، ذلك

۶۵ بقی: ماند. به معنای «جاماند» نیز هست.

أَحُدُ الْحَجَّاجَ بَقِيَ فِي أَحُدٍ. یکی از حاجی‌ها در احد جا مانده است.

هرچند در فارسی کهن تلفظ این حرف مانند تلفظ عربی آن وجود داشته، امروزه ایرانیان این حرف را ذال تلفظ نمی کنند بلکه زاء تلفظ می نمایند. بیش از ۹۵٪ واژه‌های دارای ذال ریشه عربی دارند؛ مگر واژه‌هایی مانند گذر، گذراندن، گذشت، پذیرش، پذیرفت، آذین، گبید (امروزه گبید خوانده می شود). دانست (که امروزه دانست تلفظ می شود؛ اما کردها، لکها، تالشی‌ها و برخی دیگر از اقوام ایرانی دانست را زانست تلفظ می کنند).

ترجمه فعل «می دانم» به چند زبان ایرانی:
تالشی: (زُنْمَه) (zonom) کردی: (آزانم، زانم یا دازانم) لکی: (مَازَنْمَه)
حرف (ص)

هر کلمه‌ای که صاد دارد بی شک عربی است؛ مگر عدد صد که شاید غلط نوشته شده است؛ تا با انگشت شست و سد روی وردخانه اشتباہ نشو.

صدلی نیز عربی شده چندل است؛ اما عرب به صدلی می گوید گُرسی، مَقْعَد و در گویش محلی عراق و سوریه اسْگَمَلی. صابون هم در اصل واژه‌ای فارسی و درست آن سایپون است و این واژه از فارسی به بیشتر زبان‌های جهان رفته مثلاً soap در انگلیسی همان سایپون است ما سایپون را به صورت معرب صابون با صاد می نویسیم. اصفهان نیز معرب آسپَهانه، اسپهان یا سپاهان است.

بدون استثنای تنها ویژه واژه‌های دارای ریشه عربی است و در فارسی چنین مخارجی از حروف وجود ندارد. به ویژه ضاد تا جایی که عرب‌ها به الناطقین بالضاد معروف‌اند؛ زیرا این مخرج ویژه عرب است نه همه مردمان نژاد سامی.
حرف (ط)

جنجالی ترین حرف در املای کلمات است. مخرج طاء تنها ویژه واژه‌های عربی است و در فارسی ط نداریم و واژه‌هایی که با ط نوشته می شوند یا عربی‌اند، یا اگر عربی نیستند غلط املایی هستند.
حرف (ق)

در مرتبه دوم حروف جنجالی است. قاف اغلب ویژه واژه‌های عربی است. واژه‌های عربی، دارای ریشه اغلب سه حرفی و دارای وزن و هم خانواده‌اند؛ مانند: قاسم، تقسیم، مقسم، انقسام، قسم، قسمت، اقسام، مقسوم، قسام، مقسم و تشیخیش واژه عربی‌اصل دارای قاف کار ساده‌ای است؛ اما دیگر کلمات قاف‌دار یا مغولی؛ مثال: قره قروت؛ کشک سیاه، قره قوبونلو؛ صاحبان گوشنده سیاه، قره گوزلو؛ دارنده چشم سیاه یا درشت، قرول آلا؛ ماهی طلایی

کلماتی مانند قلدر نیز به اختصار قوی مغولی‌اند. کلمه قوری نیز روسی است. قوری، کتری، سماور، استکان همه واژه‌های روسی‌اند و در زمان قاجاریه وارد ایران شدند. کلماتی مانند قند، قهرمان و قباد؛ معرب «کند، کهرمان و گواه» هستند. کلمه کندو با کند (قند) هم ریشه است. عرب شهر کرمانشان با کرمانشاه را در گذشته قرمانسان یا گَرْمَسِین تلفظ می کرده است. ما امروزه کرمانشاه (کرمانشان) را قرمانان یا

قرَمَسِین تلفظ نمی کنیم؛ اما کواذ را قباد می گوییم و این تأشیر زبان عربی بر فارسی است.

حروف چهارگانه (گ، چ، ب، ظ) نیز در عربی فمیصح، یعنی نوشتاری وجود ندارد و هر کلمه‌ای که دارای یکی از این چهار حرف است؛ حتیماً عربی نیست و به احتمال بیشتر ریشه فارسی دارد؛ مانند منیزه، مزگان، زاله، پرونده، گیو، گودزرن، منوجه، پریجهه و ...

کاهی نیز امکان دارد از دیگر زبان‌ها باشد؛ مانند: پینگ پونگ که چین است. چپاول، چکمه و چاخان ترکی است.

پارتی party کلمه‌ای انگلیسی است و آپارتمان و ایجاد فرانسوی است.

شاید این سوال به ذهن مبتادر شود که سایر حروف مانند الف ب ت چ در ز س ش ف ک ل م ن و ه ی چ چگونه است؟ پاسخ این است که اینها حروف مشترک در سراسر زبان‌های جهان هستند. هرچند برخی اقوام بعضی حروف را ندارند و به گونه دیگر ادا

می کنند؛ مانند حرف «ر» که در فرانسه «غ» گفته می شود.

- ٦٦ حدود جمع حد است. هرچند جمع است ولی می‌شود آن را «مرز» ترجمه کرد.
- ٦٧ لَبِسَ، يَلْبَسُ، لُبْسًا التَّوْبَ: جامه را پوشید. (امکان دارد با این فعل اشتباه شود: لَبِسَ، يَلْبَسُ، لَبْسًا عَلَيْهِ الْأَمْرُ: کار را بر او درهم و برهم و با مشتبه کردنش به چیز دیگری پوشانیده ساخت). ﴿لَا تَلِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ﴾ حق را با باطل درهم می‌آمیزید.

بقره / ٤٢

- ٦٨ حرف نفی «ما» فقط بر سر ماضی نمی‌آید؛ بر سر مضارع نیز می‌آید؛ مثال:
- ﴿مَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَى﴾ وَ مَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَى﴿ نجم / ٣﴾ وَ مَا عَلِمْنَاهُ الشُّعْرَ وَ مَا يَنْبَغِي لَهُ﴿ ياسين / ٦٩﴾ وَ مَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبْشِرِينَ وَ مُنذِرِينَ﴿ انعام / ٤٨﴾
- ولی غالباً نفی بعد از آن تکرار می‌شود، یا بعدش استدراک، یا استثنا می‌آید.

- ٦٩ از آنجا که زیر حرف سین در «نَسِيَّ» کسره وجود دارد، برخی آن را نادرست تلفظ می‌کنند. در «هِيَ» و کلمات مشابه نیز گاهی چنین چیزی رخ می‌دهد. علت این خطا این است که در زبان فارسی اگر زیر حرفی کسره باشد و بعد از آن یاء کشیده بیاید، آن کسره، تلفظ می‌گردد؛ ولی در عربی چنین نیست. ضمناً کلمه «نَسِيَّ» علاوه بر معنای «فراموش کرد» به معنای «جا گذاشت» نیز می‌باشد؛ مثال:
- نَسِيَّتُ حَقِيقَتِي فِي الطَّائِرَةِ. كِيفَمْ رَا در هواپیما جا گذاشت.

- ٧٠ با نام رنگ‌ها در زبان عربی آشنا شوید: بَنْفَسَجِي: بنفس، گُحْلِي: سُرمه‌ای، بُنْيٰ: قهوه‌ای، وَرَدِي: صورتی، رَمَادِي: خاکستری، رَصَاصِي: نوک مدادی، أَحْمَر غامِق: زرشکی، لَازَوْرَدِي: لاجوردی، أَرْجُواني: ارغوانی، لَوْن غامِق: رنگ تیره، لَوْن فاتح: رنگ روشن، حُمْصِي: کرم (نخودی)

- ٧١ أَحد: چند معنا دارد. یک، یکتا، یکی از، بی مانند.
- جمع آن آحاد است. اصل آن وَحد بوده است که واو به همزه بَدَل شده است.
- گاهی بر مؤنث نیز دلالت دارد. ﴿لَسْتُنَّ كَاحِدٌ مِنَ النِّسَاءِ﴾ خطاب به

زنان پیامبر اسلام (مانند کسی از زنان نیستید. مؤنث آن إِحْدَى است. إِحْدَى و عِشْرُونَ . إِحْدَى عَشْرَةَ

۷۲ سَمَك: اسم جنس، به معنای ماهی و واحد آن سَمَكَة است. جمع سَمَكَ اسماک است و جمع سَمَكَات سَمَكَات. جمع سَمَكَ به صورت سِماک و سُموک نیز درست است. امّا اسماک معروف‌تر و رایج است.

۷۳ حرف «فَ» چند معنا دارد:

حرف عطف است برای ترتیب متصل: ﴿خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ﴾ تو را آفرید و راست و بی‌عیب کرد.

ترتیب ذکری است. ﴿وَ نَادَى نُوحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي﴾ و نوح پروردگارش را ندا داد و گفت: پروردگارا، پسرم از خانواده من است.

۷۴ أَعْطَى (داد، بخشید) يُعطی، إِعْطَاء، فعل امر آن أَعْطِ است.

إِعْطَاء، إِيتَاء، مَنْح و هِبَة متراծ هستند.

أَعْطَى در عامیانه و گاهی در فصیح به صورت أَنْطَى به کار می‌رود. (أنطيناك = أعطیناک)

۷۵ أيضاً به معنای همچنین مصدر از فعل «آض، یئیض» و مفعول مطلق است.

آض: صار (از افعال ناقصه) مثال: أَضَ سَوَادُ شَعَرِهِ بِيَاضًا؛ يعني سیاهی مویش سفید شد.^۱

۷۶ نَجَحَ، يعني «موفق شد، قبول شد، پیروز شد». «نَاجِح»، يعني «قبول، موفق، پیروز»؛ امّا «فائز» که از «فازَ» گرفته شده به معنای «بَرْنَدَه» یا «رسْتَگَار» است؛ گاهی برخی دانش‌آموزان معنای نَجَحَ را با قِيلَ اشتباه می‌گیرند. قِيلَ، يعني قبول کرد، پذیرفت.

۱- در گویش عامیانه حجازی «گمان» مخفف «گما ان» و در گویش عراقی واژه فارسی «هم» به کار می‌رود.

۷۷ «قرآن» مصدر از «قرأ، يقرأ» است. «قرآن»، «قراءة» و «قرأ» هر سه مصدرهای «قرأ» هستند. «قرآن» به معنای «خواندن» است که به تدریج اسم خاص برای کتاب دینی مسلمانان شده است. قرآن عَلَم بالغلبه است؛ با وجود این در قواعد عربی معمولاً آن را معرفه به ال می‌دانند.

۷۸ «قاموس» که نام کتاب «فیروزآبادی» است در اصل به معنای «دریای ژرف و بزرگ» است؛ اما امروزه به معنای «المعجم» و متراffد با آن می‌آید.

۷۹ جمع «اسم» در عربی «أسماء» است، ولی در فارسی «اسامی» به کار می‌رود.

۸۰ «گُرسیّ»، یعنی «صندلی» و تقریباً با «مَقَعَد» متراffد است. گُرسیّ صندلی متحرک و مقعد ثابت است؛ مانند صندلی هواپیما؛ اما این نکته بسیاری اوقات رعایت نمی‌شود. جمع گُرسیّ، گُراسیّ بر وزن مفاعِل و غیر منصرف است؛ لذا تنوین نمی‌گیرد.

۸۱ طَرَقُ الْبَابَ، دَقَّ الْبَابَ و قَرَعَ الْبَابَ هر سه به معنای «در زد» است.

۸۲ «تُفّاح» به معنای «سیب» است و «تُفّاخَة» واحد آن به معنای «یک سیب» است. مثنای آن «تُفّاخَاتِنِ» و جمع «تُفّاحَات» است؛ هر چند طبق قاعده باید «تفافیح» به کار رود؛ اما آنچه به کار می‌رود «تُفّاحَات» است.

۸۳ «جَنَّة» به معنای «باغ، باغ بهشت» است که با «جنین» و «جِنْ» هم خانواده است. سه حرف اصلی «ج، ن، ن» بر پوشیدگی دلالت دارد. وجه تسمیه «جِنْ» در فرهنگ عرب این است که موجودی ناپیدا و نادیدنی و پوشیده از چشمان است. جمع «جَنَّة»، «جِنَان» و «جَنَّات» است. جَنَّة باگی است که از سایه درختان بسیار، زمین را پوشانده شده است.

۸۴ «دَجَحَ» به معنای «مُوْقَق شد، پیروز شد، قبول شد» است. «الناجح في الامتحان»، یعنی «قبول در امتحان» و در مقابل آن «الرَّاسِبُ في الامتحان»، یعنی «مردود در امتحان»

۸۵ چهار کلمه «مِهْنَة»، «عَمَل»، «حِرْفَة» و «شُغْل» تقریباً هم معنا هستند؛ مثال: ما هوَ عَمَلُك؟ ، ما هيَ مِهْنَتُك؟، ما هيَ حِرْفَتُك؟ ، ما هوَ شُغْلُك؟

۸۶ «حُلْوَانِيٌّ» به معنای «شیرینی فروش» است که در فارسی «قنداد

می‌گوییم.^۱

۸۷ «خُبْز» نان و واحد آن «خُبْرَة» است. «رَغِيف» نیز نان است.^۲

۸۸ «سَ» و «سَوْفَ» دو حرف استقبال هستند که بر سر فعل مضارع می‌آیند. مشهور است که «سَ» برای آینده نزدیک و «سَوْفَ» برای آینده دور است؛ اما این نکته قطعی نیست. ترجمۀ آیه ﴿كَلَا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ثُمَّ كَلَا سَوْفَ تَعْلَمُونَ﴾ این است: نه چنین است، به زودی آگاه می‌شوید.^۳ سپس نه چنین است. به زودی آگاه می‌شوید. در قرآن ﴿ثُمَّ كَلَا سَيَعْلَمُونَ﴾ نیز آمده است. سوف تعلمون را می‌توان به دو صورت معنا کرد: به زودی می‌دانید، خواهید دانست.

۸۹ وجه تسمیه «شُرطَة» چیست؟ اوّلین کسی که نام شرطة را بر دستگاه امنیّتی نهاد خلیفۀ اموی عبدالملک بن مروان بود. در روزگار وی برای نخستین بار در نظام حکومتی دستگاه امنیّتی شرطة بنیان نهاده شد و مأموران امنیّتی را با گذاشتن نواری پارچه‌ای که در عربی به آن «شَرِيطَة» می‌گویند از عامّه مردم متمایز می‌کردند و به دلیل همین نوار پارچه‌ای به آنها شرطة گفتند. ضمناً

۱. هرچند قنداد بر وزن فعال است؛ اما عربی نیست. در زبان عربی واژه «قند» نیز وجود ندارد و کسانی که سفر عتبات و سوریه و عربستان رفته‌اند می‌دانند عرب‌ها چای را با قند نمی‌نوشند. اصولاً حتی واژه «قند» نیز بی دلیل معرب شده است. اصل کلمه «قند»، «گند» است. مانند: کندو در کندوی عسل و احتمال دارد نام شهر آورامی زبان گندوله در نزدیکی میان‌راهن در استان کرمانشاه و نیز واژه candy در انگلیسی به معنای آب نبات از کند گرفته شده باشد.

احتمالاً واژه Candida در انگلیسی نیز از همین ریشه باشد. بدین جهت که جامه‌ای به سفیدی قند می‌پوشیده‌اند. «حلوانِ» یا «حلویِ» هر خودنی‌ای است که با شکر یا عسل ساخته شود. «حُلْوَانِيٌّ» از این ریشه است.

۲. در عامیانه «جُبْز» و گاهی «جِبْز» و در گویش مصری «عَيْش» گفته می‌شود. گونه‌ای نان که شبیه نان ساندویچی است در عراق و سوریه «صَمَّونَ» و در عربستان «صَامَوْلَى» گفته می‌شود.

۳. ترجمۀ فولادون: باز هم نه چنین است، زودا که بدانید. ترجمۀ مجتبوی: باز چنین نیست [که می‌پنداشد]، به زودی خواهید دانست.

ترجمۀ مشکینی: آری چنین نیست، به زودی (در روز جزا) خواهید دانست.

ترجمۀ بهرام پور: باز چنین نیست. [که می‌پنداشد] به زودی خواهید دانست.

شُرطیّ به معنای یک پلیس و شُرطه به معنای مرکز پلیس است.^۱

۹۰ واژه «عین» معانی بسیار دارد؛ مانند چشم، چشمها، خورشید، پرتو خورشید، ساکنان شهر، اهل خانه، ارزنده، نفیس، عزت، پرچم، دیده‌بان، جاسوس، رئیس لشکر، پیشو رو سپاه، بزرگ قوم، سرور، آقا، برگزیده چیزی، گروه، ثروت، چشم زخم، انسان، مانند، ذات هر چیزی، نگهبان و ... اماً امروزه دو معنای چشم و چشمها غلبه دارد.

۹۱ فرهنگستان زبان عربی برای ورزش‌های مختلف معادل‌های عربی برگزیده است؛ مثال:

گَرْهُ الْقَدْم: فوتیال / كُرْهُ السَّلَة: بِسْكِتِبَال / الْكُرْهُ الطَّائِرَة (كرة الطائرة): والیبال / كُرْهُ الماء: واترپلو / كُرْهُ الْيَد: هندبال و ...

۹۲ کلمه «مُمَرْض» اسم فاعل از فعل «مَرَضَ» است. «مَرَضَ» دو معنای متضاد با هم دارد. «مَرَضَهُ»، یعنی «او را بیمار کرد.»، «از او پرستاری کرد.» گاهی فعل تفعیل معنای عکس می‌دهد؛ مانند دو کلمه افراط و تفریط که تفریط عکس معنای افراط است.

۹۳ کلمه «موظَّف» از ریشه «وظيفة» است. وظيفة، یعنی استخدام. موظَّف، یعنی استخدام شده (مستخدم) در زبان فارسی کلمه مستخدم را مستخدم به کسر دال تلفظ می‌کنیم.

۹۴ «مُهَنْدِس» از ریشه «هَنَدَسَة» است. هَنَدَسَة از کلمه فارسی «آندازه» گرفته و معرب شده است. (المُنْجَدِ ذیل کلمه هندسه)

۹۵ کلمه «عَقْل» در لغت به معنای «بِسْتَن» و هم‌خانواده با «عِقال» است. عَقَلُ البَعِيرَ، یعنی زانوی شتر را بست. عَقَلٌ عَقْلًا. گویی که عقل آدمی را مقید می‌کند که برخی کارها را انجام ندهد.^۲

۹۶ «ابْنُ آدم» در فارسی به صورت جمع «بنی آدم» به کار می‌رود. «آدم» نیز کلمه‌ای عربی و غیر منصرف است.

۱- إنَّ أَوَّلَ مَنْ أَطلَقَ اسْمَ الشَّرْطَة عَلَى الْجَهَازِ الْأَمْنِي هُوَ الْخَلِيفَةُ الْأَمْوَي عَبْدُ الْمُلْكِ بْنُ مَرْوَانٍ حِيثُ تَمَّ فِي عَهْدِ إِنْشَاءِ الْجَهَازِ الْأَمْنِي (الشُّرْطَة) لأَوَّلِ مَرَةٍ فِي نَظَامِ الدُّولَةِ وَقَدْ تَقَرَّرَ تَميِيزُ رِجَالِ الْأَمْنِ عنْ عَامَّةِ النَّاسِ بِوُضُعِ عَلَامَةٍ خَاصَّةٍ مِنْ شَرِيطِ الْقَمَاشِ فَوقَ ثُوبِ رِجَلِ الْأَمْنِ (وَمِنْ تَمَّ تَسْمِيَتِهِمْ بِرِجَالِ الشَّرْطَةِ لِجُوْدَهَا الْشَّرِيطَةِ فِي الْقَمَاشِ).

۲- عِقالِ رِيسِمَانِيِّ استَ كَهْ با آن ساقِ شَتَرَ را مِي‌بَنَدَنَدْ. (زانوبند شتر) و همچنین رشته‌ای پشمی، یا ابریشمی است که روی کوفیه (چیبه) بر سر می‌بَنَدَنَدْ و در عامیانه عِکَال می‌کویند.

۱۰۱

- ۹۷ «أُسرة» و «عائلة» متزادف و جمع آنها «أُسر» و «عوائل» است.
- ۹۸ در گویش عامیانه به جای «حمل - يحمل» از «شال - يشيل» استفاده می‌شود.
- ۹۹ هرچند «شال - يشيل» عامیانه است، ولی در فرهنگ لغت جزء کلمات صحیح آمده است؛ مثال: به جای «احمل الحقيقة». در گویش حجازی گفته می‌شود: «شيل الشنطة».
- ۱۰۰ در زبان فارسی «خطایا» به معنای «اشتباهات» است، ولی در فرهنگ لغت عربی «گناهان» معنا شده است.
- ۱۰۱ در گویش عامیانه به جای «شاهد - يشاهد» از «شاف - يشوف» استفاده می‌شود.
- ۱۰۲ هرچند «شاف - يشوف» عامیانه است، ولی در فرهنگ لغت آمده است؛ مثال: به جای «أنظر ماذا يفعل» در گویش حجازی گفته می‌شود: «شوف إيش يسوّي».
- ۱۰۳ طعام و غذاء هر دو به معنای خوراک هستند، ولی در زبان فارسی کلمه غذاء بیشتر به کار می‌رود که به صورت غذا خوانده و نوشته می‌شود.
- ۱۰۴ «فرس» به معنای اسب نر و ماده و جمع آن أفراس و فروس است.
- ۱۰۵ «قادِم»، «مقِيل»، «مستَقبل» و «آتِي (آتِي)» متزادف و به معنای آینده هستند؛ مثال: الشهر القادم يعني ماه آینده.^۱
- ۱۰۶ «كَذَبٌ» مفتوح العين است. اما در برخی از فرهنگ‌های لغت به صورت «كَذِبٌ» به کار رفته است و اغلب نیز كَذَب به کار می‌رود. در کتاب درسی شکل درست آن به کار رفته است.
- ۱۰۷ جمع «نَفْسٌ»، «أَنْفُسٌ» و «نُفُوسٌ» و جمع «نَفْسٌ»، «أَنفَاسٌ» است.
- ۱۰۸ جمع «دَوَاء» می‌شود «أدوية». اما «أدوية» در فارسی به معنای «ادويه جات» است و با کاربرد عربی آن فرق دارد. در زبان عربی معادل ادویه جات «بهارات» است. در واقع کلمات عربی بسیاری در زبان فارسی به کار می‌رود که در خود زبان عربی معنای دیگری دارند:

۱- در گویش عامیانه عربی «جای» به کار می‌رود؛ مثلاً در گویش حجازی «الشهر الجایي»، يعني «الشهر القادِم». جای از جاء گرفته شده است.

مثال:

اخت: خواهر (در فارسی صمیمی)، عُنْق: گردن (در فارسی اخمو)، ملّت: آین (در فارسی معادل شَعْب)، نبات: گیاه (در فارسی گونه‌ای شیرینی) کلمات بسیاری نیز در فارسی دارای ریشه‌های عربی هستند بدون اینکه در عربی کاربردی داشته باشند؛ مثال:

روابط عمومی: العلاقات العامةً	اطلاع ثانوي: إشعار آخر	بين الملل: الدُّولَيِّ
عَگَاس: مُصَوّر	حياط خلوت: الفِناءُ الْخَلْفِي	حياط: ساحة
نظامي: عَسْكُريٌّ	علاقة: هِوَايَة	عكس العمل: رَدُّ الْفَعْل
استخدام: تَوْظِيف	شرایط: ظُرُوف	ظرف: وِعاء، إناء
عوارض واردات: رُسُومُ الْاِسْتِيرَاد	صرف: إِسْتِهْلَاك	غيرقابل جبران: لَا يُعَوَّضُ
مستقيم: عَالَى طول	مستقيماً: مُبَاشِرَةً	

۱۰۷ «جیران» جمع «جار» و واژه‌ای عربی است و با نام دخترانه «جیران» فرق دارد. جیران ترکی و به معنای آهو است.

۱۰۸ حبیب، خَلِيل و صَدِيق به معنای دوست هستند. امروزه واژه صَدِيق به معنای دوست (رفیق) به کار می‌رود. واژه حبیب نیز جنبه عاطفی دارد. خَلِيل لقب حضرت ابراهیم عليه السلام است.

۱۰۹ «دَمْع» به معنای «اشک» و جمع آن «دُمْوع» و «أَدْمُع» است. هرچند «دَمْع» و «عَبْرَة» متادف اند؛ اما «عَبْرَة» اشکی است که در چشم مانده و نریخته است. جمع «عَبْرَة» نیز «عَبَرات» است.

۱۱۰ «زمیل» به این معانی به کار می‌رود: هم شاگردی، همکار، هم دوره‌ای نام «صفورا» هم ریشه با «عصفور» و به معنای «گنجشک» است. عصفور عربی و صفورا عربی است.

۱۱۱ «زَرَافَة» در عربی بدون تشدید راء است، ولی در فارسی «زَرَافَه» گفته می‌شود. زَرَافَه به صورت زُرَافَه نیز صحیح است. نام پارسی آن شتر گاوپلنگ بوده است.

۱۱۲ **یَمِّينٌ، مَيْمَنَةٌ وَ يُمْنَى** به معنای «راست» هستند.^۱

۱۱۳ **«موَسَى»** یا **«موشَى»** ترکیب (مو: آب + شا: درخت) است. آسیه همسر فرعون زمانی که چشمش به سبد زیبای روی رود نیل می‌افتد فریاد می‌زند «مو شا مو شا»، یعنی «آب درخت آب درخت» و سربازان متوجه می‌شوند و سبد زیبای شناور روی آب را که ظاهراً به شاخه آویزان درختی گیر کرده بود از آب در می‌آورند. نام موسی برگرفته از فریاد آسیه (موشا) است.

۱۱۴ **«حَافِلَةٌ»** در گویش عامیانه حجازی «باص» و در گویش عراقی «مُنْشَأَةٌ» و در گویش مصری «أَتُوبِيسٌ» گفته می‌شود.

۱۱۵ **«صُدَاعٌ»** سردد است. «سرم درد می‌کند». می‌شود: «رَأَسِي يُؤْلِمُنِي». یا «أشعرُ بالصُّدَاعِ». در عربی عامیانه «راسی یوجعني^۲». گفته می‌شود که در عربی فصیح نیز فعل وَجَعَ یوجَعُ کاربرد دارد.

۱۱۶ **«عِنْدَكَ»، «لَكَ» و «لَدَيْكَ»** هر سه به معنای «داری» هستند. در زبان عربی با وجود این همه وسعت مصادر، مصدری معادل «داشتن» وجود ندارد.

۱۱۷ «ما عِنْدَكَ»، «لَيْسَ لَدَيْكَ»، به معنای «نداری» است. «كَانَ عِنْدَكَ»، یعنی «داشتی».

در گویش حجازی و چند کشور دیگر «في» یا «فيه» تقریباً به همین معنا به کار می‌رود.

مثالاً **«فِيْ قُلُوس؟»** یعنی **«هَلْ عِنْدَكَ نُقُودُّ؟»**

۱۱۸ **«سُكَّرٌ»** در عربی به معنای «قند» و «شکر» است.^۳

۱- نام بنیامین (بن+یامین) به معنای «پسر دست راست» ریشه عربی دارد. یامین در بنیامین همان یامین در عربی است.

۲- در گویش جنوب عراق و در گویش همیه‌نان عرب خوزستان و نیز کویت یوجعنی را بوتغعنی تلفظ می‌کنند. در بسیاری از کلمات حرف جیم تبدیل به «ی» می‌شود. شبیه این دگرگونی حتی در زبان‌های اروپایی نیز مشاهده شده است. مانند: یوسف و جوزف و یوزیپ و جوزف/بنیامین و بنجامین/جان و یان و یوهان/جاکوب و یاکوب (یعقوب)

۳- پژوهش درباره بیمار به عامیانه سوال می‌کند: **«فِيهُ شَعْرٌ؟»**، یعنی بیماری قند دارد؟ **سُكَّر** در عربی و sugar در انگلیسی، şeker در ترکی استانبولی, zucchero (ذکر) در ایتالیایی, cukap (ساختر) در روسی، شوگا (شوگ) در ژاپنی, sucker (سُکر) در سوئدی, sucre (سویگخ) در فرانسه, sokeri (سُکری) در فنلاندی, Zucker (سُکر) در هنگانی, suiker (سَاكِر) در نروژی, sheker (شَعْر) در آلمانی, آخاری (sheker) در یونانی, شکر (sheker) در آلبانیایی و ... همگی برگرفته از واژه فارسی شکر است.

- ^{۱۱۹} «مساء» زمان میان ظهر تا مغرب (بعد از ظهر)؛ غروب؛ شبانگاه.
 آئیتُه مَسَاءً أَمِسٍ: دیروز غروب نزد او آدم.
- ^{۱۲۰} «وَصَفَ» افزون بر معنای «وصف کرد» به معنای «تجویز کرد، نسخه نوشت» نیز هست و واژه‌های «وصفة» و «مستوصف» از همین ریشه‌اند.
- ^{۱۲۱} «قافِلة» در زبان عامیانه «حملة» گفته می‌شود. همچنین «مدیر القافلة» را «حملدار» می‌گویند که اصطلاحی عربی- فارسی است. (حملة: دارای ریشه عربی + دار: بن مضارع داشتن، دارای ریشه فارسی)
- ^{۱۲۲} «جلب» یعنی «آورد» و با «أَحْضَرَ» و «جاءَ بِ» متادف است.^۱
- ^{۱۲۳} «حَمَامَة» واحد «حمام» برای مذکور و مؤنث و جمع آن حَمَائِم است.
- ^{۱۲۴} «ضَحِّكَ»، یعنی «خندید» و «ضَحِّكَ بِهِ و مِنْهُ و عَلَيْهِ»؛ یعنی او را ریشخند کرد.
- ^{۱۲۵} «كُرْهَ الْمِنْضَدَة» به صورت «كُرْهَ الطَّاوِلَة» نیز گفته می‌شود.
- ^{۱۲۶} جمع «مجنون»، «مجانین» است. عرب تصوّر می‌کرده کسی که دیوانه است جن در بدن او رفته است، لذا او را «مجنون»، یعنی «جن‌زده» نامیده است. ایرانیان نیز فرد روانی را به گمان اینکه «دیو» در پیکر او جای گرفته است «دیوانه» نام نهاده‌اند.
- ^{۱۲۷} مضارع «يَئِسَ» می‌شود «يَيِّئِسُ» و «يَيِّاسُ»
- ^{۱۲۸} «ما هو الحل؟» یا «مَا الْحَلُّ؟» به یک معناست؛ ولی اولی تأکید دارد.
- ^{۱۲۹} جمع «عُشْ» می‌شود: أعشاش؛ امّا وزن‌های غیر معروف عُشوش، عِشاش و عِشَشَة نیز به کار رفته است. اگر لانه پرنده‌گان در کوه، شکاف دیوار و مانند آن باشد؛ وَكْر و وَكْن و اگر در میان زمین باشد أفحوص و أَدْحِي نامیده می‌شود.
- ^{۱۳۰} «فَرْخ» و «صَوْص» جمع آن «صيصان» متادف‌اند. جمع فَرْخ غیر از فِرَاخ به صورت أَفْرَاخ، أَفْرُخ و فُرُوخ نیز به کار رفته است.

^۱ در گویش عامیانه عربی «جاب» به کار می‌رود. (جاب: آورد - يَجِبْ یا ايجیب: می‌آورد) مثال از گویش حجازی: جَبْ لِي مُويه، یعنی برايم آب بیاور.

۱۳۱ «قِمْح»، «حِنْطَة» و «بُرّ» متراوِفاند.

۱۳۲ «نَهَار» به معنای «روز هنگام» است اما «يَوْم» مطلق روز است؛ مانند: يوم السَّبْت.

كلمة «ناهار» ربطی به «نَهَار» ندارد و فارسی است و نباید بدون الف نوشته شود.

۱۳۳ جمع «مَائِدَة» می‌شود «مَوَائِد». مائدة به معنای سفره‌ای است که غذا رویش وجود دارد؛ اما «سُفَرَة» شاید غذا رویش نباشد.

۱۳۴ «بِمَ» کوتاه شده «بِمَا» است. کلماتی مانند عَمَ، لَمَ، مِمَ در اصل عَنْ ما، لِمَا، مِنْ ما بوده اند که حرف الف در «ما» حذف شده است. هرگاه حرف جر بر سر مای استفهامیه وارد شود؛ الف آن وجوباً حذف می‌شود؛ مثال: **﴿عَمَ يَتَسَاءلُونَ﴾**

۱۳۵ «زَهْر» به معنای «شكوفه» و «گل»؛ اما «وَرَد» به معنای «گل» است.

۱۳۶ «وليٰ» معانی مختلفی دارد: دوست، یار، هم پیمان، مرشد، سرپرست یتیم، باران پس از باران

۱۳۷ «شای» در عربی بر گرفته از واژه فارسی «چای» است.^۱

۱۳۸ «عَشَاء» شام و «عِشاء» شب است. از این واژه **«تَعَشَّى»**: شام خورد - **«تَعَشَّى - تَعَشَّى»** ساخته شده است.

۱۳۹ از کلمه «غَداء» مانند «عَشَاء» فعل ساخته شده است: **«تَغَدَّى»**: ناهار خورد - **«تَغَدَّى - تَغَدَّى»** در مثل عربی «تَغَدَّ تَمَدَّ؛ تَعَشَّ تَمَشَّ»؛ یعنی «ناهار بخور لم بدء؛ شام بخور قدم بزن» این کلمات به کار رفته است.

۱۴۰ «فُرْشَاهَة» علاوه بر «مسواک» به معنای «فرچه» نیز هست. در تداول **فِرْشَاهَة تلفظ می‌شود.**

۱- «چای» نیز از لفظ چینی 茶 (چا) گرفته شده است. واژه tea (تی) نیز در آغاز (تای) بوده که به (تی) تبدیل شده است.

۱۴۱ «فَطُور» و «إِفْطَار» به معنای «صبحانه» اند. در عامیانه عراق «رُيوق» با تبدیل قاف به گاف و در لبنان «تَروِيقَة» با تبدیل قاف به همزه به جای «فَطُور» گفته می‌شود. معمولاً در محاورات روزمره صبحانه را فُطور به ضم فاء تلفظ می‌کنند؛ اما فُطور به معنای صبحانه خوردن است.

۱۴۲ «مِنْشَفَة» و «فوطَة» به معنای حوله (هوله) است.

۱۴۳ «نَعَمْ» در عربی عامیانه حجازی «أَيُوه» گفته می‌شود که برخی مخفف «أَيْ والله» و برخی از ترکی استانبولی «إِوْت» می‌دانند. در عراق نیز «إِي» یا «أَيْ» به همین معناست. نَعَمْ، أَجَلْ و بَلَى متراوفاند.

۱۴۴ «جَمِيل» در محاورات «حِلو» گفته می‌شود که تلفظ فصیح آن «حُلُو» است.

۱۴۵ «كَيْف» برای پرسش از حالت و چگونگی به کار می‌رود. کاربردهای کیف عبارت است از:

کیف برای شرط به کار می‌رود؛ مثال: کیف تفعل أفعُل. هرچه انجام دهی انجام می‌دهم.

کیف برای استفهام حقیقی است؛ مثال: کیف مصطفی؟ یعنی مصطفی چطور است؟ کیف برای استفهام غیر حقیقی و برای تعجب به کار می‌رود؛ مثال: ﴿كَيْف تكُفُرون بالله﴾؛ چگونه به خدا کافر می‌شوید؟

﴿كَيْف فعل رُبُوك﴾؛ کیف جاء أخوك؟ کیف حال است که برخی مفعول مطلق هم گفته‌اند.^۱

۱۴۶ «ذَهَبَ» در محاورات «راح» گفته می‌شود که در لغت‌نامه جزء کلمات فصیح به شمار آمده است.

۱- در لهجه عراقی «إِشْلُون، شُلُون» و در حجازی «كَيْف» (kif) گفته می‌شود؛ مثال: **كَيْف حالك؟** در عراق: **إِشْلَوْنَك؟** (منذر) و **إِشْلَوْنَج؟** (مؤئث) در عربستان: **كَيْفُك؟** (منذر) و **كَيْفَك؟** (مؤئث) در مصر: **إِزْيَاب؟** (منذر) و **إِزْيَاب؟** (مؤئث)

۱۰۷

۱۴۷ «سماء» مذکور و مؤنث است. هرچند طبق قاعده ظاهراً مذکور باید باشد؛ چون همزه ریشه کلمه است. (سماء=سماء)

سماء به معنای سقف، مذکور است؛ مانند: ﴿السَّمَاءُ مُنَفَّطِرٌ بِهِ﴾
سماء به معنای آسمان، مؤنث است؛ مانند: ﴿إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَت﴾ (معجم المذکور و المؤنث، دکتر محمد احمد قاسم، دار العلم للملائين)

۱۴۸ «إِلَهٌ» بدون الف نوشته می شود. در ابتدای نزول قرآن رسم الخطّ عربی دارای حروف کشیده (ا، و، ي) نبود؛ لذا کلماتی مانند رحمٰن، إسماعيل بی الف کشیده بودند. بعدها که برای آسان‌سازی خواندن، الف کشیده اضافه شد؛ بسیاری از کلمات اصلاح شد اما کلمات معروفی مانند هُذا، ذِلَك، إِلَهٌ و رحْمٰن در ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ همچنان با رسم الخطّ قدیم نوشته شد.

۱۴۹ ساعت‌خوانی در عربی فصیح با عده‌های ترتیبی است؛ ولی در عربی عامیانه چنین نیست؛

مثال: «الخَامِسَةُ وَ النِّصْفُ» در زبان عامیانه می شود «خَمْسَهٔ وْ نُصْ»

۱۵۰ برخی اسم‌ها در عربی ریشهٔ عربی دارند. در چنین اسم‌هایی به دنبال حروف اصلی و وزن نباشیم؛ زیرا وزن و حروف اصلی ویژگی منحصر به فرد زبان عربی است. به چند اسم غیرعربی (عربی) دقّت کنید: إسماعيل (سمع الله): آن‌که خدا صدای او را شنید؛ إبراهیم (أب رحیم): پدر مهربان؛ زکریا (ذکر الله): خدا او را یاد کرد؛ حَوَاء (حیاة): زندگی، آدم: خاکی؛ بِنِيامِین (بن+یمن): فرزند دست راست؛ سارا: شاهزاده من؛ سالومه: آشتی؛ یونس: کبوتر؛ إسحاق (یَضْحَك): می‌خنده؛ إسرافیل (إسراف+ئیل): درخشیدن چو آتش؛ أیوب: مراجعه کننده به خدا؛ جبرائیل (جبرا+ئیل): مرد خدا؛ دانیال (دانی+ئیل): خدا داور من است؛ داود: محبوب؛ سلیمان: آشتی؛ میکائیل (می+کا+ئیل = من گیله) کسی که شبیه خدادست، چه کسی مثل خدادست؛ یعقوب: گیرنده پاشنه (چون هنگام تولد پاشنه پای برادر دوقلویش در دست او بود).؛ یوسف (یُضیْفُ):

می افزاید؛ عِزَرائِیل: یاور خدا؛ یوَحَّنَا (یحیی): زنده می‌ماند؛ صَفُورا (عُصْفُور): گنجشک^۱

۱۵۱ تَكَلَّمَ یعنی صحبت کرد. در محاورات عربستان سعودی عموماً گَلَّم به کار می‌رود.^۲

۱۵۲ ترجمة چند شغل

آبدارچی: نادل / آتشنشان: إطفائي / آرایشگر زنان: مَشَاطَةِ الْجَمِيل / آشپز: طَبَاخ / آهنگر: حَدَّاد / انوشوی: گَوَاء / استاد دانشگاه: أَسْتَاذُ الْجَامِعَةِ / افسر: ضَابِط / انباردار: أَمِينُ مُسْتَوَدَع، مَسْؤُلٌ مَخَرَّن / بازرگان: تاجر / بازنشسته: مُتَقَاعِد / بازیگن: لاعب / بازیگر سینما: مُمْثِل / باگبان: بُسْتَانيّ / برقصش: گهربائی / بقال: بَقَال / پارچه فروش: بَرَاز / پاسدار انقلاب اسلامی: حَارِسُ الثَّوْرَةِ الْإِسْلَامِيَّةِ / پرسنار: مُقَرِّض / پزشک پوست: طَبِيبُ الْأَمْرَاضِ الْجَلْدِيَّةِ / پزشک داخلی: طَبِيبُ بَاطِنِي / پزشک زنان: طَبِيبُ نِسَائِي، طَبِيبَةُ نِسَائِيَّة / پزشک کودکان: طَبِيبُ الْأَطْفَال / پزشک گوش و حلق و یعنی: طَبِيبُ الْأَنْفِ وَ الْأَذْنِ وَ الْحَنْجَرَةِ / پزشک: طَبِيب / پستچی: ساعی الْبَرِيد / پیرایشگر (سلمانی): حَلَاق / تایپیست: طَبَاع / تعمیرکار: مُصَلِّح / چشم پزشک: طَبِيبُ الْعَيْنَوْن / حسابدار: مُحَاسِب / خبرنگار: مُرَايِل / خلبان: طَيَّار / خیاط / داروخانه دار: صَيَّالِي / دانشجو: طَالِب جَامِعِي / دربان: بَوَاب / دفتردار: كاتِب / دندانپزشک: طَبِيبُ أَسْنَان / راننده: سَائق (در سعودی: سَوَاق) / راهنمای سفر: دَلِيلُ السَّفَر / رفتگر: گَتَّاس / روزنامه‌نگار: صَحَافِي / روانشناس: عَالِم نَفْسِي، عَالِم نَفْسَانِي / روانکار: طَبِيب نَفْسَانِي، مُحَلِّل نَفْسِي / سبزی فروش: بائِعُ الْخُضْرَوْات / سپاهی (پاسدار): حَارِسُ الثَّوْرَة / سرایدار: أَمِينُ الْعِمَارَةِ / شغل آزاد: مَهْنَةُ حُرَّةٍ شِيرِينی فروش: حَلْوانِي / طلافروش: بائِعُ الدَّهَب، دَهَبِيَّاتِي / عَكَاس: مُصَوَّر / فرش فروش: بائِعُ السَّجَاد / فروشنده: بائِع / قصَاب: جَزَار، لَحَام، قَصَاب / کارگردان: مَخْرِج / کارمند: موَظِّف / کفاش: حَذَاء / لوله‌کش: سَبَاك / مانکن: عَارِضَهُ أَزياء / مجسمه‌ساز: تَحَات / ملوان: بَحَار / مهندس: مُهَنْدِس / مهندس برق: مُهَنْدِس گهربائی / مهندس ساختمان: مُهَنْدِس مِعْمَار / مهندس کشاورزی: مُهَنْدِس زِراعِي / میوه‌فروش: فاكِه‌نی، بائِعُ الفواكه / نانوا: خَبَاز، قَرَآن / تَجَار / نظافتچی: عَاملُ النَّظَافَةِ / نظامی: عَسْكَري / نقاش(هنرمند): رَسَام / نقاش (رنگ کار): صَبَاغ / نگهبان: حَارِس (جمع: حُرَاس) / نوشت افزار فروش: قِرطاسِي / بائِعُ الأَقْلَامِ وَ أدْوَاتِ الْكِتَابَةِ / ورزشکار: رِيَاضِي / هنرپیشه: مُمْثِل، فَقَان

۱- کتاب در دست چاپ انتشارات مدرسه به نام «دانشنامه نامها و واژه‌ها» اطلاعات مناسبی در این باره به شما ارائه می‌دهد.

۲- مثلاً تَكَلَّم در سعودی گَلَّم و در عراق اخْبَجي (اخْكِي) گفته می‌شود.

۱۵۳ قُبْحٌ، زشتی در گفتار، کردار، پندار و چهره است. قَبِحٌ نیز زشت است که در برابر جَمِيل قرار دارد. متضاد قُبْحٌ حُسْنٌ یا جَمَال است.^۱

۱۵۴ فَجَأَةً وَ فُجَاءَةً هُمْ مَعْنَا هُسْتَنْدُ. فَجَأَةً رَا مَيْ تَوَانَ حَالَ دَانْسَتُ. فَاجَأُهُ،
يعنى غافلگیرش کرد.^۲

۱۵۵ لِمَ تَرْكِيبٌ (ل+ما) است که حرف الف کوتاه شده است. هنگامی که حرف جر بر سر مای استفهامیه در آید، الف آن حذف می شود. مثالهای دیگر: عَمَّ (عَنْ+ما)، مِمَّ (مِنْ+ما)، بِمَ (بِ+ما)، فِيمَ (فِي+ما)، إِلَامَ (إِلَى+ما)، عَلَامَ (عَلَى+ما)

۱۵۶ «ما» معانی و کاربردهای زیادی دارد؛ مثال:

﴿مَا عَلِمْنَاهُ الشِّعْرَ﴾: به او شعر نیاموختیم

﴿مَا يَنْبَغِي لَهُ﴾: شایسته او نیست.

﴿مَا هَذَا بَشَرًا﴾: این آدمیزاد نیست.

﴿وَ أَوْصَانِي بِالصَّلَوةِ وَ الزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا﴾: مریم/ ۳۱ در اینجا ما دُمْتُ، یعنی مددت زندگی ام.

ما هذا؟ این چیست؟

﴿مَا عَنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَ مَا عَنِ الدَّلِيلِ بِاقِ﴾ آنچه نزد شماست تمام می شود و آنچه نزد خداست ماندگار است.

﴿إِنْ تَبْدِوا الصَّدَقَاتِ فَنَعَماً هِيَ﴾: یعنی فنعم الشيء هي.

غَسَلْتُهُ غُسْلًا نِعْمًا وَ دَقَّتُهُ دَقًّا نِعْمًا؛ یعنی نِعْمَ الغُسل و نِعْمَ الدَّقّ.

مَرَرْتُ بِمَا مُعْجِبٌ لَكَ؛ یعنی بشيء مُعْجِبٌ لك.

۱- قُبْحٌ: (اسم) الجمع : مَقَابِحُ ، مصدر قَبْحٌ ، القُبْحُ : ضد الحُسْنِ وَ يَكُونُ فِي الْقَوْلِ وَ الْفَعْلِ وَ الصُّورَةِ
فُبْحَانَهُ : دُعَاءً عَلَيْهِ بِالْإِبْغَادِ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ

۲- فَجَأَةً : (ف) ج (أ). (مصدر فَجَأَةً) :- أَتَاهُ فَجَأَةً :- بَعْثَةً، أَيْ مَا يُفَاجِئُ الإِنْسَانَ. :- شَقَ السُّكُونَ فَجَأَةً عَوَاءً ذِئْبٍ.
مَوْتُ الْفَجَاءَةِ : ما يأخذ الإنسان بفترة؛ و هو موت السكتة.

ما أَجْمَلَ الرَّبِيعَ! : بَهَارٌ چه زیباست!

إِنَّمَا أَخْوَكَ ذُو هِمَّةٍ . در اینجا حرف کافه ما اجازه نداده است که إِنْ بتواند کلمه أَخْ
را منصوب کند. إِنْ أَخَاكَ ذُو هِمَّةٍ .

مادامت السماوات و الأرض؛ يعني چندان که آسمانها و زمین بپاید. (از اقسام مای زائدہ مای تأکید به معنای «چندان که» است). **القارعة ما القارعة**؛ يعني قیامت و چه قیامتی! در اینجا ما برای تفحیم به کار رفته است.

لَقَدْ تَرْكِيبٌ لَّا + قَدْ است و بر سر فعل ماضی برای تأکید در معنا به کار می‌رود.^{۱۵۷}

مُشَاهٌ جَمْعُ مَاشِي به معنای پیاده است؛ مانند **فُضَّاهَة** که جمع قاضی است.^{۱۵۸}

المُشَاهٌ به معنای پیاده روی و راه رفتن است. (مشی، يَمْشِي، مَشْيًا و تِمْشَاءً)^۱

نَادِي يعني صدا زد. (نادی، يُنادِي، مُنَادَاه و نِداء) ناداه: او را صدا زد. فعل امر=

نادِ مانند نادِ علیاً مظہر العجائبات. در گویش محلی عراقي «صيّح» معادل «نادِ» است.^{۱۵۹}

هَادِئٌ يعني آرام. مانند **الْمُحِيطُ الْهَادِيُّ**: اقیانوس آرام. حروف اصلی هادی،

(هدء) است و حروف اصلی هادی: راهنمای (هدی) است. **هُدُوء**: آرامش و **بِهْدُوءِ**: به آرامی از همین ریشه است.

مُضَارِعٌ فَقَدَ به دو صورت **يَفْقِدُ** و **يَفْقُدُ** آمده، ولی در المنجد فقط **يَفْقِدُ** ذکر شده است. در فارسی مصدر **فِقدان** بیشتر به کار رفته است. در عربی **فُقدان** نیز گاهی به کار رفته است.^۲

فَمْ يعني دهان و جمع آن **أَفْوَاه** است به اعتبار اینکه اصل **فَمْ** فوه

۱- در سفرهای زیارتی فعل امر «إِمْشِن» توسط مأموران بسیار به کار می‌رود که موجب ناراحتی برخی زائران می‌گردد و تصویر می‌کنند معنای بدی دارد؛ زیرا در گذشته حشره‌کشی به نام «إِمْشِن» وجود داشت.

۲- **فَقَدَ**: (فعل) فَقَدَ يَفْقِدُ ، فَقَدَّا و فَقَدَا و فَقَدَا ، و اسم فاعله فاقِد و اسم مفعوله مفقود فَقَدَ الشَّيْءَ : ضَاعَ مِنْهُ و غَابَ عَنْهُ، فَقَدَ گَلَّ مَالِهِ: حَسْرَةٌ، فَقَدَ حَيَّاتَهُ: قُتلَ ، فَقَدَ حَيَّهُ فَقَدَ مَا كَانَ يَتَمَّمُ بِهِ مِنْ احْتِيَامٍ وَ حُطْوَةٍ عِنْدَ النَّاسِ: ضَغْرَ في عَيْوَنِهِمْ ، ضَيْعَ ، فَقَدَ صَوَابَهُ: جُنَاحٌ فَقَدَ عَقْلَهُ ، فَقَدَ صَبَرَهُ: عِيلَ قَنِطٌ ، يَنْسِي فَقَدَ قَادِرًا عَلَى التَّحْمِلِ، فَقَدَ صَبِيقَهُ: ضَيْعَهُ، أَوْ مَاتَ، فَقَدَ أَعْصَابَهُ: شَارَ و غَضِيبٌ ، مَيْتَحَمِّلُ فِي نَفْسِهِ ، فَقَدَ الْأَمْلِ: بُطِيشٌ و تَسْرُعٌ ، فَقَدَ شَعْوَرَهُ: غُثْيَ عَلَيْهِ

فَقَدَ بَصَرَهُ: أَصْبَحَ بِالْعَمَى ، فَقَدَ ذَاكِرَتِهِ: نَسِيَ ما يَعْرِفُهُ عَنْ نَفْسِهِ وَغَيْرِهِ ، فَقَدَ رُشِدَهُ / فَقَدَ صَوَابَهُ / فَقَدَ عَقْلَهُ: جُنَاحٌ ، تَصَرَّفَ بَطِيشٌ و تَسْرُعٌ ، فَقَدَ شَعْوَرَهُ: غُثْيَ عَلَيْهِ

است. مثنای آن فَمَانِ، فَمَوَانِ و فَمَيَانِ به سه شکل به کار رفته است. اما شکل فَمَانِ بهتر است. اسم منسوب آن فَمِي است که فَمَوي نیز کاربرد دارد. در ترکیب با کلمات معانی دیگری دارد. مثال: فَمُ الْمِعَدَةٌ=باب المعدہ / فَمُ الْجَاجَةٌ=سر شیشه / فَمُ الْقِنِينَةٌ=سر بطری / فَمُ السَّيْفِ=لبه شمشیر^۱ اِجْلِسْ و اُقْعُدْ هر دو به معنای بنشین هستند. جَلْسَ و قَعْدَ هم معنا هستند. اما برخی میان آنها فرق قائل‌اند.^۲

^{۱۶۴} «أَخٌ»، يعني «برادر، دوست» مثال: «رُبَّ أَخٍ لَكَ لَمْ تَلِدْهُ أُمُّكَ»؛ چه بسا برادری که او را مادرت نزاییده است. «إِنَّ أَخَاكَ مَنْ آسَاكَ»؛ برادرت کسی است که با تو همدردی کند. أَخ به معنای مانند نیز به کار رفته است. هذا أخو ذلك؛ يعني این مثل آن است. بصریون می‌گویند أَخْوَة برادران خونی و نسبی و إخوان دوستان است.

^{۱۶۵} «أُخْرُجْ» در گویش عامیانه «اطْلَاعَ بَرِّه» گفته می‌شود.

^{۱۶۶} «إِذْ»، يعني «آنگاه» و ظرف است برای ماضی. ﴿إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيَ اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزُنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَ أَيَّدَهُ بِجُنُودِ لَمْ تَرُوهَا وَ جَعَلَ كَلْمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى وَ كَلْمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَ اللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ التَّوْبَة/۴۰

اگر او [پیامبر] را یاری نکنید قطعاً خدا او را یاری کرد: آنگاه که کسانی که کفر ورزیدند او را [از مگه] بیرون کردند و او نفر دوم از دو تن بود آنگاه که

۱- فَم: (اسم) الجمع : أَفِيمَ و أَفَوَاهُ ، مثني فَمَان و فَمَوَان ، فَمُ ، فَمُ فِي السُّخْنِ أَوِ الْحَيْوَانِ : فُوهَ ، فتحة ظاهرة في وجهه تحتوي على جهازي المضغ والنطق التي بنفسه في فم الذئب : عرض نفسه للخطر دون ترُّ و لا بصيرة

فم السَّيِّءِ : فتحته ، أوله ، فم الوادي / القرية / التَّرْعَةِ ، الفمان : الفم و الأنف ، فَمُ الْقَارُوَةَ : رأسُها

۲- برخی اصرار دارند بین جلوس و قعود فرق بگذارند و می‌گویند: جلوس نشستن از یابین به طرف بالاست. اما قعود از بال به پایین است. به شخص خوابیده می‌گوییم اِجْلِسْ و به شخص ایستاده می‌گوییم أَقْعُدْ. زمان اِجْلِسْ کوتاه و أَقْعُدْ طولانی است.

قَعْدَ الشَّخْصُ : جلس بعد إن كان واقفاً. امرؤزه در گویش عامیانه أَقْعُدْ و در فصیح اِجْلِسْ گفته می‌شود. أَقْعُدْ را در گویش محلی عراق أَكْعُدْ، در کویت إِجْعَدْ و در سوریه غُدْ می‌گویند.

در غار [تُور] بودند، وقتی به همراه خود می‌گفت: «اندوه مدار که خدا با ماست.» پس خدا آرامش خود را بر او فرو فرستاد و او را با سپاهیانی که آنها را نمی‌دید تأیید کرد و کلمهٔ کسانی را که کفر ورزیدند پست‌تر گردانید و کلمهٔ خداست که برتر است و خدا شکست‌ناپذیر و حکیم است.

^{۱۶۷} «جُسْر» در گویش حجازی «کوبری» گفته می‌شود که برگرفته از تُركی است. افزون بر جُسور به صورت أَجْسُر نیز جمع بسته شده است.

^{۱۶۸} «رَجَاء» به صورت «الرَّجَاء» نیز صحیح است و برای خواهش به کار می‌رود. «مِنْ فَضْلِكَ» نیز همین کاربرد را دارد.

^{۱۶۹} «قَبَّلَ، يُقَبِّلُ» و «بَاسَ، يَبُوسُ» متداول‌اند. باس ریشهٔ فارسی دارد.

^{۱۷۰} جمع «جَامِعَةٌ» می‌شود «جَامِعَاتٍ». ^۱

^{۱۷۱} «دَعَا، يَدْعُو، دُعَاءً و دَعْوَةً و دَعْوَى و دَعْوَوْا». دَعَا چندین معنا دارد؛ مثال: دَعَاهُ: او را فراخواند. از او یاری خواست. او را به مهمانی دعوت کرد.
دَعَا لَهُ: برایش دعای خیر کرد.
دَعَا عَلَيْهِ: او را نفرین کرد.

دَعَاهُ بِسَعِيدٍ. او را سعید نامید.

دَعَاهُ أَنْ يَأْتِيَ: او را به آمدن فراخواند.

^{۱۷۲} «شیطان» معادل «اهریمن» در فارسی است. در انگلیسی Satan با تلفظ سیتن گفته می‌شود که به نظر می‌رسد از عربی یا عبری یا سریانی یا... وارد انگلیسی شده باشد.^۲

۱- الجامِعَةُ : مجموعةٌ تعااهد علميةٌ، تُسَمَّى كُلِّيَّاتٍ ، تُدرَسُ فيها الأدَابُ و الفنُونُ و العلومُ.

جامعة شعبية: مجموعةٌ تعااهد تُدرَسُ موادٌ حَرَّةٌ
الجامِعَةُ الْعَرَبِيَّةُ : رابطةٌ تَضُمُّ كُلَّ الْبَلَدَاتِ الْعَرَبِيَّةَ لِدِرَاسَةِ قَصَائِدِهَا وَ مَشَائِكِلِهَا ، وَ بَخْثِهَا ، الْعُصْبَةُ.

۲- شَيْطَانٌ: جمع: شَيَاطِينٌ [شِي ط].
احْرَرُ الشَّيْطَانَ: وَ هُوَ الزَّوْجُ الشَّرِيرُ الَّذِي يَرْمِي بِكَلَّ اللَّهَوْكَلَّ لِيُغَدِّهِ عَنِ الْخَيْرِ وَ طَرِيقِ الْحَقِّ.

يَا لَهُ مِنْ وَلَدٍ شَيْطَانٌ: عِبَارةٌ تَقَالُّ لِكُلِّ ولَدٍ مُشَاكِّسٍ أَوْ مُمْتَنِيٍّ.

شَيْطَانُ الشِّعْرِ: مَنْ مُلِهمُ الشَّاعِرَ الشِّعْرَ، حَسَبَ مَا كَانَ يَعْتَقِدُ فِي الْعُصُورِ الْأُولَى.

رَاكِبُهُ الشَّيْطَانُ: مَنْ عَنِيبَ وَ سَارَعَ إِلَى الْقِيَامِ يَعْمَلُ لَمْ يُرَاعِ تَنَاهِيَّهُ.

^{۱۷۳} «عَرَبَة» به معنای «گاری، چرخ، چهارچرخه» است که از واژه فارسی «ارابه» گرفته شده است؛ به صورت «عَرَبِيَّة» در سوریه و عربستان سعودی و «عَرَبَانَة» در عراق به معنای گاری به کار می‌رود.^۱

^{۱۷۴} «كَهْرَباء» در اصل واژه‌ای فارسی و از ریشه «کاهُرُباء» است. کاهُرُباء همان الکتریسیته است که به عنوان مثال، هنگام شانه کردن موی سر با شانه چوبی ایجاد می‌شده است و کاه را به خود جذب می‌کرده است و آن را کاهُرُباء نامیده‌اند؛ زیرا کاه را می‌ربوده است. همچون آهنُرُباء که آهن را می‌رباید. سپس کاهُرُباء تبدیل به گهُرُباء و سپس کهْرَباء شده است.

^{۱۷۵} «كَيْمِيَاء» به معنای «شیمی» برگرفته از «كَيْمِيَا» در فارسی است. دانشمند ایرانی محمد بن زکریای رازی در جست‌وجوی ماده‌ای بود که به پندار پیشینیان می‌توانست مس را به طلا تبدیل کند. او آزمایش‌های بسیاری انجام داد و چنین چیزی نیافت، اما مجموعه کارهای او باعث شد که دانش شیمی از نام کیمیای او ریشه بگیرد.^۲

^{۱۷۶} «نَفَقَة» به معنای «هزینه» است. «نَفَقَة» از «نَفَقَ» به معنای «تونل» است و کلمات منافق و نفاق نیز از آن مشتق شده‌اند. نفاق مصدر است به معنای منافق بودن، منافق کسی است که در باطن کافر و در ظاهر مسلمان است.

﴿يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ﴾ (آل عمران / ۱۶۷).

طبرسی در وجه تسمیه منافق می‌گوید:

منافق به سوی مؤمن با ایمان خارج می‌شود و به سوی کافر با کفر. و ادامه می‌دهد که علّت این تسمیه آن است که منافق از ایمان به طرف کفر خارج شده است.

۱- العَرَبِيَّةُ : واحِدَةُ الْعَرَبَاتِ ، و هي سُنْنٌ رَوَادُكُ كَانَتْ فِي دِيَلَةِ العَرَبِيَّةِ : مَرْكَبَهُ ذَاثُ عَجَلَتِينِ أو أَكْثَرِ يَجْرِهَا حَيْوَانٌ أو إِنْسَانٌ ، تُنَقَلُ عَلَيْهَا الْأَشْيَاءُ ، جَمِيعُ الْعَرَبَاتِ . وَقَعَ الْعَرَبِيَّةُ أَمَامُ الْحَصَانِ : وَضَعَ الْأَمْرَ فِي غَيْرِ مَحَلِّهِ ، خَالِفُ نَظَامَ الْأَمْرُورِ ، عَكَسَ التَّرْتِيبَ الْعَرَبَةِ الْقَلَابَةِ : عَرَبَةُ لَهَا جَسَمٌ قَابِلٌ لِلْقَلْبِ بِحِيثِ تَعْمَلُ عَلَى تَفْرِيغِ مَحْتَوَيَاتِهَا .

عربه نوم : مقطورة سگه الحديد مزوّدة بوسائل الراحة والتّوالي
۲- در انگلیسی، chimie در فرانسه، química در اسپانیایی، chimia در ایتالیایی، chemia در لهستانی، $\alpha\mu\chi\mu\chi\alpha$ در یونانی که همان کیمیا تلفظ می‌شود و در همه زبان‌های جهان همگی برگرفته از نام کیمیا است.

نَفَقَ نَقْبَى اسْتَ دَرِ زَيْرِ زَمِينَ كَه درب دیگری برای خروج دارد و در این آیه:
 هُلْفَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَبْتَغِي نَفَقًا فِي الْأَرْضِ أَوْ سُلَّمًا فِي السَّمَاءِ...»^{۳۵} انعام /

مراد همان نقب است؛ یعنی اگر بتوانی نقبی در زمین یا نرdbانی بر آسمان بجویی...
 ضمناً «یربوع» مosh صحرايی است که دو لانه می‌سازد یکی به نام نافِقاء که آن را
 پنهان می‌دارد دیگری به نام قاصِعاء که آشکار است؛ چون دشمن در قاصِعاء به آن را
 حمله کند وارد نافِقاء شده و از آن خارج می‌شود؛ این مطلب در صحاح و قاموس و
 اقرب الموارد نقل شده است، طبرسی در علّت تسمیه نافِقاء فرموده که: یربوع از آن
 خارج می‌شود.

نفقه آذوقه‌ای بوده است که در نقبی در جایی مانند کوه می‌گذاشتند تا دست
 دیگری بدان نرسد و هزینه را در عربی نفقه نامیده‌اند که از این ریشه است.
 ۱۷۷ «وَضَعَ» به معنای «گذاشت، قرار داد» است. در گویش عامیانه به جای آن گفته

می‌شود:

«خَلَى» یا «حَطَّ»؛ مثل: «ضَعْهُ هُنَا».
 در عربستان سعودی: «خَلَّي هِينَا».
 در مصر: «حُطْهُ هِينَا».
 در عراق: «خَلَّي إِهْنَا».

۱۷۸ حرف چ در عربی به شکل‌های مختلف معرب می‌شود؛ مثال:
 چاد ← تشداد چین ← الصّین چنگ ← صنج چکش ← شاکوش گچ ← جَص، چَص چای ← شای
 ۱۷۹ «مضطَّر» در اصل بر وزن «مُفْتَعِل» (مضطَّر) است. ریشه سه حرف آن «ضرر»
 است که بر وزن «افتعال» می‌شود ← اِضْتَرَار، سپس حرف ت به ط تبدیل شده است.
 کلماتی که فاء الفعل آنها ص یا ض است چنین ابدالی در آنها صورت می‌گیرد؛

مثال بیشتر:

صَكَ ← إِصْطِكَاك / ضَرَب ← إِضْطِرَاب / ضَرر ← إِضْطِرَار / صَيْد ← إِصْطِيَاد
 صَفَو ← إِصْطِفَاء ضَهَد ← إِضْطِهَاد (اضطَهَدَهُ: او را به سبب مذهب آزار داد.)
 ضَلَع ← إِضْطِلَاع (نیرومند شدن) صَبَر ← إِصْطِبَار (شکیایی) هُوَ أَمْرٌ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَ
 أَصْطِرْ عَلَيْهَا هُوَ صَيْف ← إِصْطِيَاف (گذراندن تابستان)

^{۱۰} می‌گویند «شیر» در عربی نام‌های بسیاری دارد و بیش از صد نام ذکر کرده‌اند؛ اما در واقع این اسم‌ها صفت‌های شیر است. بسیاری از این اسم‌ها نیز کاربرد ندارند؛ مثال‌های معروف عبارت‌اند از: حیدر، غضنفر، پرگام، ضیغم، فِرناس، قَسْوَة، هَيْثَم، لَيْث، عَبَّاس، لَبُوَّة (شیر ماده)^۱

^{۱۱} «ریال» کلمه‌ای به زبان اسپانیایی و پرتغالی (real) است که وارد فارسی و عربی شده است. ریال به معنای «شاهی» است، نام سکه نقره رایج در آن دو کشور و سرزمین‌های وابسته به آنها بود. ریال از زمان حضور اسپانیاییان و پرتغالیان در خلیج فارس وارد دو زبان فارسی و عربی شده است. ریال از واژه لاتینی «رِگالیس» (regalis) به معنای «شاهنشاهی» می‌آید که صفتی از اسم «رکس» (rex) به معنای «شاه» است. واژه انگلیسی «رویال» (royal) هم ریشه با «real» اسپانیایی و پرتغالی است.

سکه نقره با نام ریال در اسپانیا از سال ۱۴۹۷ تا ۱۸۷۰ میلادی ضرب می‌شد. ریال همچنین واحد پول بسیاری از مستعمره‌های اسپانیا بود؛ به عنوان مثال واحد پول بربازیل، «رئال» نام دارد.

^{۱۲} «لا بَأْسَ» اصطلاحی معادل «اشکالی ندارد». است. در گویش سعودی «ما في مُشَكَّلة» گفته می‌شود که در اصل «ما في هِ مُشَكَّلة» بوده است و در گویش عراقي «مَيْخَالْفُ» (ما يُخَالِفُ) گفته می‌شود. خود کلمه «بَأْسَ» به معنای «نیرو، شجاعت، شکنجه و...» است.^۲

۱- أَسْدُ: (اسم) الجمع :آساد و أَسْد و أَسْدُو، حيوان مفترس يشمل الذكر والأُنثى و يطلق على الأنثى أَسْدَة و لَبُوَّة و لَه في العربية أسماء كثيرة أشهرها الليث والضيغم والغضنفر والضرغام.

هذا الشبل من ذاك الأسد : يُشبه الابن أباً في صفاته.

الأسد أحد بروج السماء ، بين السرطان والعذراء

أسد الله : حمزة بن عبد المطلب عليه السلام

بين فَكَّ الأسد : في خطر ، في مأزق، حِصْنُ الأسد : الجزء الأكبر
۲- لا بَأْسَ عَلَيْكَ : لا خَوْفٌ عَلَيْكَ (بَاكِي بر تو نیست). / لا بَأْسَ فِيهِ: سختی و دشواری در آن نیست. / لا بَأْسَ مِنْهُ: مانعی از آن نیست. / لا بَأْسَ بِهِ: خواری و نقصانی در آن نیست؛ عیبی ندارد.

مصدر مِنْ بُؤْسٍ وَبَيْسَ ، زَجْلٌ ذُو بَأْسٍ : قوی شدید، شدید البأس : شجاع

۱۸۳ «مَتْحَفٌ» که در تداول گاهی «مَتْحَفٌ» گفته می‌شود، نیز به معنای موزه است.^۱

۱۸۴ «نُقُود» جمع «نَقْدٌ» و به معنای «پول» یا «پولها» است. در گویش عراقي و سعودي به جاي آن «فُلوس» و در گویش شامي «مَصَارِي» گفته می‌شود.^۲

۱۸۵ «أَحْسَنُ» بر وزن «أَفَعَلُ» اسم تفضيل و غير منصرف است. گاهی أَحسَن به معنای زيباتر صفت مشبهه می‌شود، در اين صورت مؤنث آن حَسْنَاء است که البته باز هم غير منصرف است.

الجمع : أَحَاسِنُ / المؤنث : حُسْنَى و حُسْنَيَاتُ .

مِنْ أَحَاسِنِ النَّاسِ : مِنْ خَيْرِهِمْ

۱۸۶ «بَنَفَسَجِيٌّ» يعني «بنفس» و فارسي معرب است. نام بسياري از گل‌ها در عربي ريشه فارسي دارد؛ مثال بيشر: ترجس، سوسن، مرزنجوش، ياسمن، ورد، بابونج

...

۱۸۷ «جَزَرٌ» ريشه فارسي دارد. اصل آن «گَزَرٌ» است؛ مانند «گَوزٌ» که «جوز» شده «گَزَرٌ» نيز «جَزَرٌ» شده است.

۱۸۸ «حَلِيبٌ» به معنای «شير» است که در گذشته به جاي آن «لَبَنٌ» گفته می‌شد. امروزه «لَبَنٌ» به معنای «ماست» یا «دوغ» شده است، ولی در متون قدیم «لَبَنٌ» به معنای «شير» بوده است.

در عربستان سعودي «زُبادي» و در عراق «رَوْبَة» به معنای «ماست» است.

واژه «أَلْبَانٌ» در عربي معادل «لبنيات» جمع «لَبَنٌ» است.

مولوي شاعر گرانقدر ايراني می‌فرمایيد:

تا نگرييد ابر، کي خندد چمن

تا نگرييد ابر، کي نوشد لبَن

۱- مَتْحَفٌ: (اسم) الجمع : مَتَاحِفٌ (مَتْحَفٌ أو مُتْحَفٌ)

المَتْحَفُ : موضع التُّحْفَـةُ الْفَنِيَّةُ أَوِ الْأَكْرَيَّةُ وَ الْجَمْعُ : مَتَاحِفٌ

مَتْحَفٌ الشَّمْعُ : موضع يضمّ شَمَائِيلَـ من شمع لشخصيات ذات شُهْرَةٌ عَالَمَّةٌ

ـ الْفُلُوسُ عَمَلَةٌ نَقْدِيَّةٌ عَرَبِيَّةٌ مُسْتَعْمَلَةٌ فِي الْأَرْدُنَ وَ الْإِمَارَاتَ وَ الْبَحْرَيْنَ وَ الْعَرَاقَ وَ الْكُوَيْتَ وَ الْيَمَنَ وَ يَخْتَلِفُ سُعْرُهَا بِحَسْبِ الْبَلْدِ.

۱۱۷

۱۸۹ «سَمَاوِيّ» به معنای آسمانی از «سَماء» گرفته شده است. اُزرق سَماوِيّ،
يعنى آبی آسمانی.

۱۹۰ «طازِج» یا «طازِج» از واژه فارسی «تازَگ» گرفته شده است. واژه «تازَگ»
امروزه در فارسی «تازه» گفته می‌شود.

«بَرَنَامَگ» که در عربی نیز که به «بَرَنَامَج» تبدیل شده و در فارسی امروز
«برنامه» تلفظ می‌شود مانند همین واژه است. طازَج صفت برای شیر و نان و
مانند آنهاست؛ مانند: حَلَيب طَارِج، خُبْز طَارِج

۱۹۱ حرف «ف» در کلمه فیتامین گاهی به صورت سه نقطه نوشته می‌شود. (فیتامین)
این حرف ویژه واژگان غربی است؛ مثال بیشتر: کریم دوف، کریم نیقا، (دو
نوع کرم) فیدیو

۱۹۲ پوست میوه و درخت «قِشر» و پوست انسان و حیوان «جلد» و پوست
دست و صورت «بَشَرَة» گفته می‌شود.

۱۹۳ «يوجَد»، يعني «هست، وجود دارد». «مَوْجُودٌ» نیز به همین معناست.
در گویش عامیانه عراقي «أَكُو» و «ماكُو» معادل «يوجَدُ» و «لا يوجَدُ» است. در
عربستان سعودی نیز «في» و «مافي» به همین معناست که در اصل «فيه» و
«ما فيه» است.

۱۹۴ در جمله «يُمْكِنُ مُعَالَجَتُهُ» فاعل فعل مصدر صريح است که مؤول آن
این است «يُمْكِنُ أَن يُعالَجَ» و فاعل فعل يمكن گرچه مؤثر مجازی است؛
ولی کاربرد فعل برای آن در زبان عربی فصيح به صورت مذکور است. مثال‌های
مشابه دیگر عبارت‌اند از:

لأن الله سبحانه وتعالى أمرهم أن يرجعوا في موارد النزاع إلى الله وإلى الرسول ﷺ ،
ولا (يمكن إحالتهم) على شيء غير محفوظ.
ولو قدر أنه لا يستحق العقوبة أو (لا يمكن عقوبته)، فلا بد من بيان بدعته
والتحذير منه.

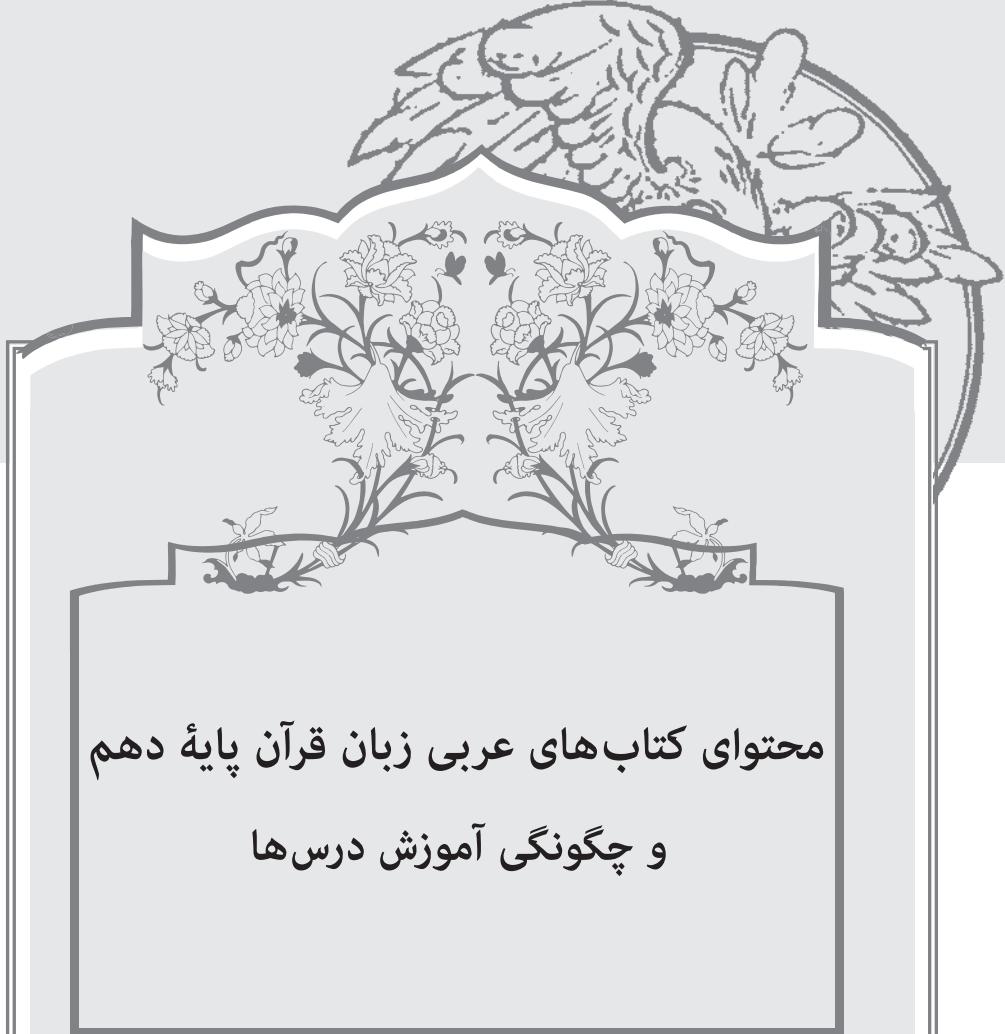
و إنما هذِه الرُّؤيَةُ كَانَتْ فِي الْمَنَامِ، وَفِي الْمَنَامِ (يُكَنْ رُؤيَةُ اللَّهِ تَعَالَى) عَلَى كُلِّ
حَالٍ وَفِي كُلِّ صُورَةٍ.

والآيات الدالة على ذلك كثيرة معروفة (يمكن مراجعتها) في الشرح وغيره ..
 ولئس (يمكن إضافة) مَعْصِيَةٌ إِلَى الصَّحَابَةِ مِثْلَ هَذَا الطَّرِيقِ
 ومكاشفات الأُسْرَارِ (لَا يُمْكِنُ الْعَبَارَةُ عَنْهَا عَلَى التَّحْقِيقِ
 إِذَا صَحَّ عَنْدَكَ أَنَّ الصَّانِعَ لَا (يمكن مَعْرِفَتِهِ) بالتصوير والتركيب والقياس على
 الْخُلُقِ صَحَّ عَنْدَكَ أَنَّهُ خَلَفَ الْمُخْلُوقَاتِ
 الْكَوْنِ وَتَسْفَلَهُ إِذْ (لَا يُمْكِنُ الإِشَارَةُ إِلَيْهِ)
 هَذَا مِبْدأُ الْعَدَدِ الَّذِي لَا عَدْ قَبْلَهُ ثُمَّ الْأَعْدَادُ (يمكن فِيهَا الرِّيَادَةُ)
 كُلُّ نَفْسٍ وَجُوهرُهَا الَّذِي (لَا يُمْكِنُ اسْتِحْالَتِهِ) عَنْهُ
 فَأَفَلَمْ أَنَّ الْمَوْجُودَاتِ (لَا يُمْكِنُ قَسْمَتِهَا) إِلَى دَرَجَاتٍ مُتَقَاوِتَةٍ فِي الْعُقْلِ
 ۱۹۵ «هذا» در «لا تَنْسَ قَوْلَكَ هذا» عطف بیان است یا تأویل به مشتق
 می کنیم (المشار اليه) و آن را صفت به شمار می آوریم.
 ۱۹۶ چرا در آیه ۲۲ سوره اعراف برای الشجرة اسم اشاره تلکما به کار رفته
 است؟

پاسخ: کاف در اسم اشاره تلک حرف خطاب است؛ یعنی برای مشار له
 به کار برده می شود و چون در این آیه مشار له دو نفرند (آدم و حوا) تلکما
 برای درخت اشاره شده است و مشکلی ندارد؛ مثال بیشتر: ﴿قَالَتْ فَذِلِكُنَّ
 الَّذِي لُمْتَنِي فِيهِ﴾ (یوسف / ۳۲) گُن اشاره برای زنان است. (ذلك، تلك، ذلکما،
 تلکما، تلکم، تلکن)

۱۹۷ اگر خبر افعال ناقصه با باز زائد همراه باشد؛ مانند ﴿أَلِيسَ اللَّهُ
 بِأَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ﴾ نوع خبر چیست؟
 الف: شبه جمله ب: مفرد
 پاسخ مفرد است.

۱۹۸ اگر بخواهیم جمله ﴿كَانَ اللَّهُ عَلِيَّاً﴾ را از نظر نوع جمله حساب کنیم،
 چه نوع جمله‌ای است؟ الف: اسمیه ب: فعلیه پاسخ: اختلاف وجود دارد.
 برخی اسمیه می گویند؛ زیرا افعال ناقصه ادوات ربط هستند و دلالت بر حدث
 ندارند و برخی فعلیه می دانند؛ چون با فعل شروع شده است.



محتوای کتاب‌های عربی زبان قرآن پایه دهم
و چگونگی آموزش درس‌ها

بخش هشتم

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

اهداف رفتاری: دانشآموز در پایان این درس باید بتواند:

- ۱ گلچینی از آیات قرآن و سخنان حکیمانه سه سال نخست متوجه را درست بخواند و ترجمه کند.
- ۲ متن شعر عربی معروف الرّصافی را درست بخواند و ترجمه کند.
- ۳ معنای کلمات جدید این درس را از عربی به فارسی ذکر کند.
- ۴ شبیه متن مکالمه درس (*الْتَّعَارُفُ فِي مَطَارِ النَّجَفِ الْأَشْرَقِ*) را در کلاس به همراه هم‌کلاسی‌ها ایش اجرا کند.
- ۵ معنای ضمایر را بداند و کاربرد آنها را در جمله تشخیص دهد.
- ۶ اسم‌های مفرد، مثنی و جمع را در جمله تشخیص دهد.
- ۷ ساختار جمله‌های دارای اسم اشاره به دور و نزدیک را درست تشخیص دهد.
- ۸ با کلمات پرسشی «هل، آ، آین، من، (من هو، من هي)، ما (ما هو، ما هي، ماذا)، گم، لماذا، متى و كيف پرسش و پاسخ انجام دهد (تمرین سادس).
- ۹ فعل‌های ماضی، مضارع، امر، نهی، نفی، مستقبل را در جمله تشخیص دهد و ترجمه کند.
- ۱۰ نام رنگ‌های اصلی را در حالت عمومی (مذکور) بیان کند.
- ۱۱ نام روزهای هفته و فصل‌ها را از حفظ بگوید.
- ۱۲ کلمات متزادف و متضاد را تشخیص دهد.
- ۱۳ کلمات پرکاربرد عربی پایه هفتم، هشتم و نهم را درست ترجمه کند.
- ۱۴ در مهارت ساعت‌خوانی ساعت کامل، ربع و نصف را بیان کند.
- ۱۵ عده‌های اصلی را از یک تا دوازده و ترتیبی را از یکم تا دوازدهم از حفظ بگوید.

متن درس شعری شاد و دارای پیام والا است. شایسته است متن شعر با استفاده از کتاب گویا برای دانشآموزان اجرا گردد. وزن شعر از بحر رَجز است؛ (مُسْتَفْعِلُن مُسْتَفْعِلُن) دانشآموزان می‌توانند آن را در کلاس نیز اجرا کنند. نهانگی (کلیپی) از این شعر در لوح فشرده‌ای که به معلمان داده می‌شود وجود دارد. اگر به هر دلیل دسترسی به لوح امکان نداشت به راحتی می‌توان این کلیپ را در سامانه رشد یا شبکه‌های اجتماعی، یا با جستجو در اینترنت یافت.

همانگی در ترجمه متن درس

أُنْظُرْ لِتِلْكَ الشَّجَرَه/ ذَاتِ الْغُصُونِ الْفِضْرَه:
بِهِ آن درخت دارای شاخه‌های تر و تازه بنگر.
كَيْفَ نَمَتْ مِنْ حَبَّةٍ/ وَ كَيْفَ صَارَتْ شَجَرَه:
چگونه از دانه‌ای روییده و درختی شده است؟
فَابْحَثْ وَ قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي/ يُخْرِجُ مِنْهَا الشَّمَرَه:
جستجو کن و بگو چه کسی میوه را از آن بیرون می‌آورد؟
وَ انْظُرْ إِلَى الشَّمْسِ الَّتِي/ جَذَوْتُهَا مُسْتَعِرَه:
و به خورشیدی که پاره آتش آن فروزان است بنگر.
فِيهَا ضِيَاءً وَ بِهَا/ حَرَارَهُ مُنْتَشِرَه:
در آن نور هست و به کمک آن گرمای پراکنده هست.
مَنْ ذَا الَّذِي أَوْجَدَهَا/ فِي الْجَوْهِ مِثْلِ الشَّرَه:
چه کسی آن را در فضا همچو پاره آتش پدید آورد؟
ذَاكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي/ أَنْعَمَهُ مُنْهَمَرَه: آن همان خدایی است که نعمت‌هایش ریزان است.
ذُو حِكْمَةٍ بِالِّغَهِ/ وَ قُدْرَهٍ مُقْتَدِرَه: دارای دانش (حکمت) کامل و نیروی توانایی است.

أَنْظُرْ إِلَى الْلَّيلِ فَمَنْ أَوْجَدَ فِيهِ قَمَرَهُ:

بَهْ شَبْ بَنْجَرْ؛ چه كسى ماھش را در آن پديد آورده است؟

وَ زَانَهُ بِأَنْجُمٍ گَالْدُرَرِ الْمُنْتَشِرَهُ: و با ستارگانی مانند مرواریدهای پراکنده آراست؟

(زيست داد)

وَ اَنْظُرْ إِلَى الْعَيْمِ فَمَنْ اَنْزَلَ مِنْهُ مَطَرَهُ: و به ابر بنگر؛ چه كسى بارانش را از آن فرو فرستاد؟ (نازل کرد)

فَصَيَّرَ الْأَرْضَ يِهِ بَعْدَ اَغْبِرَارِ حَضَرَهُ: و زمين را پس از تيره رنگي (غبارآسودگي) سرسbiz ساخت؟

وَ اَنْظُرْ إِلَى الْمَرْءِ وَ قُلْ مَنْ شَقَ فِيهِ بَصَرَهُ: و به انسان بنگر و بگو چه كسى بینایي را در او پديد آورده است؟ (شكافت)

مَنْ ذَا الَّذِي جَهَزَهُ بِقُوَّةٍ مُفْتَكِرَهُ: چه كسى او را به نirovi انديشمند مجھز کرد؟
ذاك هوَ اللَّهُ الَّذِي أَنْعَمَهُ مُنْهَمِرَهُ: آن همان خدايی است که نعمت‌هايش ريزان است.

معروف الرّصافي که الرّصافي و حتّى الرّصافي هم گفته شده است.

معروف الرّصافي (۱۲۹۲ - ۱۳۶۵ هـ / ۱۸۷۵ - ۱۹۴۵ م) أكاديمي و شاعر عراقي؛ عمل في حقل التعليم و له عدّة إصدارات شعرية، بُني له في بغداد تمثّل لتمجيده. ولد في بغداد عام ۱۸۷۵ م، من أب كردي النسب وأم تركمانية، ونشأ فيها، درس على علماء بغداد الأعلام، ثمّ انّص بالشيخ العلامة محمود شكري الألوسي و لازمه اثنتي عشرة سنة، و تخرج عليه و كان يرتدي العمامة و زين العلماء و سماه شيخه الألوسي (المعروف الرّصافي) ليكون في الصلاح و الشهرة و السمعة الحسنة، مقبلاً لمعرفة الكرخي. إمتاز أسلوب الرّصافي بمتانة لغته و رصانة أسلوبه، و له آثار كثيرة في النثر والشعر واللغة والأداب أشهرها ديوانه "ديوان الرّصافي" حيث رتب إلى أحد عشر باباً في الكون والدين والمجتمع والفلسفة والوصف وال الحرب والرثاء والتاريخ والسياسة وعام المرأة والمقطوعات الشعرية الجميلة.

هـمـاهـنـگـی در ترـجـمـه چـندـ جـایـ حـوارـ درـسـ اـوـلـ وـ چـندـ تـوضـیـحـ

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ. نیازی به ترجمه ندارد. (درود بر شما. درود و مهر و برکت‌های خدا بر شما باد.)

أَنَا بِخَيْرٍ. خوبیم.

تـركـيـبـ الـجـمـهـوريـهـ الـإـسـلامـيـهـ الـإـيرـانـيـهـ به صـورـتـ جـمـهـوريـهـ إـيرـانـ الـإـسـلامـيـهـ وـ الـجـمـهـوريـهـ الـإـسـلامـيـهـ فيـ إـيرـانـ نـيزـ درـستـ استـ.

مـاـ اـسـمـكـ الـكـريـمـ؟ـ معـادـلـ فـارـسـ آـنـ «ـاسـمـ شـرـيفـ شـماـ چـيـسـتـ؟ـ»ـ استـ.

وازـگـانـ

يـادـگـيرـيـ کـلـمـاتـ جـديـدـ درـ دـلـ مـتنـ وـ عـبارـتـ صـورـتـ مـيـگـيرـدـ. اـزـ پـرسـيـدـنـ معـنـايـ کـلمـهـ درـ آـغاـزـ درـسـ وـ نـيزـ خـارـجـ اـزـ جـملـهـ خـودـدارـيـ کـنـيدـ. اـگـرـ بـراـيـ يـادـگـيرـيـ بـهـترـ وـ سـرـعـتـ درـ کـارـ تـصـمـيمـ دـارـيـدـ کـهـ معـنـايـ کـلمـهـ بـپـرسـيـدـ، اـزـ نـمـرهـ دـادـنـ خـودـدارـيـ کـنـيدـ؛ـ زـيـرـاـ معـنـايـ کـلمـهـ بـاـيـدـ درـ جـملـهـ خـواـستـهـ شـودـ.

سـخـنـانـ حـكـيـمانـهـ

جملـاتـ حـكـيـمانـهـ درـسـ اوـلـ اـزـ اـحادـيـثـ پـيـامـبـرـ اـسـلامـ ﷺـ وـ حـضـرـتـ عـلـيـ عـلـيـهـ الـسـلـامـ استـ. سـعـىـ شـدـهـ اـسـتـ تـاـ فـرـايـنـدـ تـرـجـمـهـ اـيـنـ عـبـارـاتـ تـنـوـعـ دـاشـتـهـ باـشـدـ. سـخـنـانـ حـكـمـتـ آـمـيزـ رـاـ دـانـشـ آـمـوزـانـ مـيـخـوانـدـ وـ تـرـجـمـهـ مـيـکـنـدـ. مـعـلـمـ درـ اـيـنـجاـ نقـشـ رـاهـنـماـ وـ مـصـحـحـ دـارـدـ.

اعـلـمـواـ

درـ کـتـابـ عـربـیـ زـبـانـ قـرـآنـ رـشـتـهـ اـدـبـیـاتـ وـ عـلـومـ اـنسـانـیـ نـامـ صـیـغـهـهـایـ فـعـلـهـاـ مـطـابـقـ دـسـتـورـ زـبـانـ عـربـیـ آـمـدـهـاـنـدـ. اـيـنـ کـارـ درـ کـتـابـ عـربـیـ مشـتـرـکـ زـبـانـ قـرـآنـ اـنـجـامـ نـشـدـهـ استـ. درـ کـتابـ مشـتـرـکـ عـربـیـ زـبـانـ قـرـآنـ صـرـفـ فـعـلـ بـرـ مـبـنـایـ بـومـیـسـازـیـ استـ. درـ کـتابـ عـربـیـ زـبـانـ

قرآن مشترک نیازی نیست که در ارزشیابی، صیغه افعال سؤال شود. حتی شکل فارسی نیز مورد نظر نیست؛ مثلاً در مورد فعل ذهب نیازی نیست؛ دانشآموز پاسخ دهد مفرد مذکور غایب است، یا سوم شخص مفرد.

خلاصه هرچه دانشآموز در عربی هفتم تا نهم خوانده، در تمریناتی متنوع طراحی شده است. هدف از قواعد کمک به ترجمه است.

همانند کتاب درسی عربی هفتم، هشتم و نهم در کتاب دهم نیز هدف تا پایانِ کتاب این است که دانشآموز بتواند درست بخواند و درست ترجمه کند و جمله‌ای را که معلم بر زبان می‌آورد درست بشنود، و از آنجا که یکی از دو هدف آموزش درس عربی کمک به زبان و ادبیات فارسی است باید بتواند در درس فارسی به او کمک کند.

تمرین‌ها

هدف اصلی در این قسمت، تثبیت یادگیری در سه حوزه واژگان، قواعد و ترجمه است و در راستای اصل تسهیل آموزش عربی سعی شده است تا:

تمرین‌درس ساده باشد تا دانشآموز از حل آن لذت ببرد.

شایسته است دبیر ارجمند برگ‌های مخصوص قرائت دانشآموزان داشته باشد و هر بار که کسی عبارتی، یا تمرینی را می‌خواند در آن علامت بزند تا عدالت آموزشی در این باره اجرا شود.

برای حل تمرینات نیازی به دفتر پاک‌نویس نیست. در کتاب درسی جای جواب پیش‌بینی شده است.^۱

این کار موجب می‌شود دانشآموز کمتر خسته شود و فرصت کافی برای مهارت شفاهی زبان داشته باشد.

حل تمرین‌ها بر عهده دانشآموز است و نقش معلم، نظارت و تصحیح است. به منظور صرفه‌جویی در وقت کلاس تمرینات به گونه‌ای طراحی شده است که معلم بتواند در سه جلسه درس اول را به پایان برساند.

^۱ در امتحان شفاهی به راحتی می‌توان از کتابی دست نخورده استفاده کرد. برخی می‌گویند اگر دانشآموز پاسخ را در کتاب بنویسد روز امتحان نمی‌تواند خودآزمایی کند؛ اما چنین نیست با چیزی شبیه یک تکه کاغذ یا خطکش به راحتی می‌توان روی پاسخ‌ها را گرفت.

تمرین اول، دوم و سوم (در هر دو کتاب): در این سه تمرین چند آیه شرife و نیز مهم‌ترین سخنان حکمت‌آمیز عربی پایه‌های هفتم، هشتم و نهم برای تقویت مهارت ترجمه گزینش شده است. جملات این تمرین‌ها را می‌توان در زندگی روزمره به عنوان شاهد مثال برای بسیاری از موقعیت‌ها به کار برد. برای اینکه تمرین وقت کلاس را زیاد نگیرد به صورت پر کردن جای خالی و دو گزینه‌ای مطرح شده است. در تمرین سوم تشخیص نوع فعل نیز خواسته شده است تا گزینی به قواعد سال‌های گذشته نیز باشد.

﴿وَاجْعَلْ لِي لِسانَ صِدقٍ فِي الْأَخْرِينَ﴾ (الشُّعَرَاء / ۸۴) و برای من یاد نیکو در آیندگان قرار بد. یعنی کاری کن که نسل آینده پشت سر من خوب بگوید. احتمال دارد اطراقیان ما به خاطر پاره‌ای ملاحظات پرده‌پوشی کنند؛ آنچه مایه سر بلندی است این است که آیندگان که فارغ از تعلقات و ملاحظات هستند پشت سر ما به نیکی یاد کنند.

﴿وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ﴾ (آل‌مؤمنون / ۵۱)

و کار نیکو (درست) انجام دهید؛ زیرا من به آنچه انجام می‌دهید دانا (آگاه) هستم.

﴿إِرَحْمْ مَنِ فِي الْأَرْضِ يَرْحَمْكَ مَنِ فِي السَّمَاءِ﴾ (رسول الله ﷺ)

به کسی که در زمین است رحم کن تا کسی که در آسمان است به تو رحم کند. در این جمله احتمال دارد دبیر با دیدن فعل مضارع مجزوم یَرَحْمَم بپرسد که دلیل جزم چیست، دلیلش جواب طلب واقع شدن است. این عبارت در متواتر اول آمده بود و دانش‌آموز به سادگی معنا می‌کرد. نیازی به توضیح دلیل جزم فعل نیست و اصلاً نباید وارد این بحث در کلاس شد.

﴿مَنْ زَرَعَ الْعُدُوَانَ حَصَدَ الْخُسْرَانَ﴾. امیر المؤمنین علی علیه السلام دو ترجمه برایش درست است.

هر کس دشمنی کاشت، زیان درو کرد. و هر کس دشمنی بکارد، زیان درو می‌کند. در چنین حالتی می‌توان از دانش‌آموز پرسید کدام ترجمه بهتر است؟ اما تأکید بر اینکه ترجمة ماضی حتماً باید مضارع التزامی باشد ضرورت ندارد. همان‌طور که می‌شود

معنای فعل ماضی را در جمله عربی «مَنْ زَرَعَ الْعُدُوانَ حَصَدَ الْخُسْرَانَ». به صورت زمان حال در نظر گرفت، در جمله فارسی «هرکس دشمنی کاشت؛ زیان درو کرد.» نیز همین کار را می‌توان انجام داد.

حتّی گاهی فعل ماضی محقق الوقوع است؛ مثلاً به کسی می‌گوییم: «زودتر بیا» و او در حالی که هنوز نیامده است می‌گوید: «آمدم.»

﴿در آیه شریفه ﴿... لا تَدْخُلوا مِنْ بَابٍ وَاحِدٍ وَ ادْخُلوا مِنْ أَبْوَابٍ مُّتَفَرِّقةٍ ...﴾ (یوسف / ۶۷) اشاره به جمله حضرت یعقوب پیامبر ﷺ است که به پسرانش می‌گوید از یک در وارد نشوید و از درهای پراکنده وارد شوید. منظورش این بوده که نگهبانان پی نبرند که آنها با هم هستند و امنیت آنان برقرار شود.

﴿أَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَلَا يُبَالِصِينِ فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيَضَهُ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ دانش را بجویید، اگرچه در چین باشد؛ زیرا جستن دانش واجب است. دلیل ذکر نام چین این است که چین در آن زمان نماد دوری بوده است. در زبان عربی در گذشته حرف چ را به صتبیل می‌کردند. امروزه نام‌هایی مانند چاد و چارلی چاپلین را به صورت تشاد و شارلی شابلین می‌نویسن.

﴿إِذَا قَدَرْتَ عَلَى عَدُوكَ، فَاجْعَلِ الْعَفْوَ عَنْهُ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ هرگاه بر دشمنت چیره شدی؛ بخشیدن او را شکرانه قدرت یافتن بر او قرار بده.

﴿قَوْلُ «لَا أَعْلَمُ» نِصْفُ الْعِلْمِ. أمير المؤمنین علیؑ : گفت «نمی‌دانم» نیمی از دانش است.

تمرین چهارم (در هر دو کتاب): در این تمرین، دانش‌آموز فعل را بیرون از جمله ترجمه می‌کند. این تمرین سخت است؛ اما دانش‌آموزی که سه سال فعل آموخته است باید بتواند در سال چهارم انواع فعل را تشخیص دهد. او باید افعال ماضی، مضارع، امر و نهی و ... را از هم تشخیص دهد؛ مثلاً باید بتواند اذهب را از اذهبت تشخیص دهد.

تمرین پنجم (در هر دو کتاب): هدف از این تمرین یادآوری اعداد اصلی و ترتیبی ۱ تا ۱۲، رنگ‌ها، روزهای هفته و نام فصل‌هاست.

تمرین ششم (در هر دو کتاب): هدف تقویت دو مهارت واژه‌شناسی و ترجمه است. طراحی این سؤال در امتحان برای معلم دشوار ولی برای دانش‌آموز پاسخ دادن به آن آسان است. این تمرین به لحاظ فنی بسیار سودمند است. شاید به نظر، طرح آن آسان باشد؛ ولی باید توجه داشت که طراح در گزینش کلمات و ساختار محدودیت دارد.

تمرین هفتم (در هر دو کتاب): هدف تشخیص اسم‌های مفرد مؤنث، مشنی مذکور، مشنی مؤنث، جمع مذکور سالم، جمع مؤنث سالم و جمع مکسر است. این تمرین ناظر به قواعد است. این قاعده در درس اوّل عربی هفتم آموزش داده شده است و در دو کتاب هشتم و نهم نیز تکرار شد. مجدهاً این تمرین در کتاب عربی پایه دهم تکرار شده است تا کم کم ملکه ذهن دانش‌آموز گردد.

تمرین هشتم (در هر دو کتاب): هدف تشخیص وزن و حروف اصلی است که در درس دوم عربی پایه نهم آموزش داده شده است. داشتن وزن و حروف اصلی از ویژگی‌های بارز زبان عربی است. از آنجا که در عربی دهم آموزش مشتقّات (اسم فاعل، اسم مفعول و اسم مبالغه) وجود دارد، این یادآوری به فهم بهتر آن قواعد کمک می‌کند.

تمرین نهم (در هر دو کتاب): هدف این تمرین، تقویت مهارت واژه‌شناسی است. در همه زبان‌ها یادگیری متضاد و متراالف روشی تأثیرگذار در یادگیری زبان است. خوب است بدانید باهظ نیز به معنای گران است و کلمه شمال نیز علاوه بر یسار به معنای چپ است. از طراحی چنین سؤالاتی در امتحان خودداری شود:

متراالف کلمات داده شده را بنویسید: حَزِين، مَسْرُور، رَقَد
متضاد کلمات داده شده را بنویسید: قَبِيح، بِدايَه، رَاسِب
طرح سؤال لازم است بدین گونه باشد:

کلمات متضاد را دو به دو کنار هم بنویسید. (رَاسِب / مَسْمُوح / يَمِين / يَسَار / نَاجِح / ممنوع)

کلمات متراالف را دو به دو کنار هم بنویسید. (وَرَد / رَجَل / امْرَأ / زَهْرَ)
بین کلمات متراالف و متضاد علامت مناسب بگذارید: شِراء ... بَعَيْد والدة ... أَمْ

تمرین دهم (در هر دو کتاب): هدف این تمرین، تقویت مهارت ساعت خوانی است. توجه داشته باشیم که ساعتی مانند ۱۰:۲۵ از اهداف آموزشی کتاب‌های متوسطه اول نبوده است.

ارزشیابی

در ارزشیابی از درس اول باید توجه داشت که همان‌گونه که از نام درس پیداست کل این درس ارزشیابی است و به ارزشیابی دوباره آن نیازی نیست. پس می‌توان از دانش آموزان خواست تا در گروه‌های چندنفره آن را حل کنند، سپس رفع اشکال توسعه معلم انجام شود، یا اینکه در منزل پاسخ دهنده در کلاس رفع اشکال گردد. انتظار نمی‌رود در عرض سه جلسه آموزشی در آغاز مهرماه کل مطالب عربی پایه هفتم، هشتم و نهم به اندازه کافی تکرار و تمرین گردد. در این درس فقط مهم‌ترین مطالب تکرار شده است و به تدریج در درس‌های دوم تا هشتم این تکرار درون متن، عبارات و تمرینات و در سال‌های آینده نیز انجام خواهد شد.

وسایل کمک آموزشی

شایسته است دیران محترم از این وسایل کمک آموزشی در کلاس استفاده کنند: کتاب گویا، نرم‌افزار آموزشی، فیلم، اینفوگراف^۱، پاورپوینت، نماهنگ آموزشی، اسلاید، اعلان، فلش کارت

۱- آموزگاران، خبرنگاران و ... اینفوگرافیک را به عنوان یک توانایی یافته‌اند که در رساندن تندرت و تیزه‌شانه‌تر مقاصدشان به مخاطبان آنها را باری می‌رسانند. اینفوگراف یک جهش دیداری در آموزش است. با تصویرسازی درست، افراد می‌توانند سریع‌تر و با پیشیبانی اطلاعات بهتر تضمین سازی کنند.

اینفوگراف چیست؟ واژه اینفوگراف Infograph کوتاه‌شده Information Graphic است. امروزه اینفوگراف‌ها را بسیار در اطراف خود مشاهده می‌کیم، نقشه‌ها و ارائه اطلاعات علمی، همه به نوعی از اینفوگراف به عنوان یک ابزار کارا استفاده می‌کنند. اینفوگرافیک نمایشگر تصویری اطلاعات و داده‌ها است.

هرم توجه کمتری به نوشته‌ها و متنون دارند و تمایل برای صرف زمان بیشتر بر جنبه‌های بصري وجود دارد. استفاده از گرافیک‌های اطلاع‌رسان باعث می‌شود بیننده با نگاهی کوتاه‌تر حجم قابل توجهی از اطلاعات را که شکل نوشتاری آن ممکن است مقاله بلند بالای را تشکیل دهد، به سادگی از طریق دیدن دریافت کند و حتی آن را به خاطر بسپارد.

آنچه یک دیدن کرد ارادک آن سال‌ها تنوان نمودن با بیان (مولوی) جدول صرف فعل مضارع در حالی که در آن به حروف مضارعه (بَتَّ، بَتَّ، بَتَّ) و ضمایر متصل فاعلی و اعراض اصلی و فرعی رفع اشاره شده است زبان عربی را زبانی دشوار جلوه‌گر می‌سازد.

دانش آموز با دیدن جزوی‌های که قواعد فعل مضارع را مفصلًا آموزش می‌دهد یادگیری زبان عربی را بسیار سخت می‌بیند؛ اماً یک اینفوگراف او را کنچکاو و علاقه‌مند می‌سازد.

در یک اینفوگراف جملاتی مانند «اللَّاعِبُ الْفَائِرُ يَرْقَعُ الْكَأْسَ»، دیده می‌شود که در کنار آن تصویر بازیکنی که جام پیروزی را بالا برده است. دانش آموز با دیدن جمله‌ها و تصاویر با ساختار فعل مضارع آشنا می‌شود.

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

ابحث في الإنِتِرِنِتِ أو المَكِبَّةِ عن نَصٍّ قَصِيرٍ أو جُمِلٍ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ حَوْلَ عَظَمَةِ مَخْلوقاتِ اللَّهِ، ثُمَّ تَرْجِمُهُ إِلَى الْفَارِسِيَّةِ مُسْتَعِينًا بِمُعَجمٍ عَرَبِيٍّ - فَارِسِيٌّ. هدف از این تمرین، تشویق دانشآموز به فعالیت و تحقیق است. نمرة این بخش را می‌توان در امتحان مستمر اول و دوم حساب کرد. اجرای این بخش به داشتن وقت بستگی دارد. اگر دبیری زمان کافی در اختیار نداشت، در انجام دادن و ندادن این قسمت از کتاب درسی مختار است.

تصویر منظره‌ای زیبا و بکر از پُشتِه آرْشْت نزدیک شهرک ولی عصر از توابع شهرستان بدره از استان ایلام است. بسیاری از مردم ایران از زیبایی‌های سایر استان‌ها بی‌خبرند.

دانش‌افزایی برای دبیر (نه برای دانش‌آموز)

۱ اِغْرِيْر بِرِ وزنِ إِفعِلَالِ است. اِغْرِيْرُ الْأَثَاثِ: اِنْتِشَارُ الْعَبْرِ عَلَيْهِ. اِغْرِيْر، يَغْرِيْر، اِغْرِيْرًا: به رنگ تیره در آمد.

اِغْرِيْرُ الْيَوْمِ: گرد و غبار روز بسیار شد.

۲ واژه «تَرْجَمَة» از ریشه فارسی «تَرْ زَبَان» یا «تَرْ زَبَان» است. ترزبان مانند ترددست است، ترزبان که در عربی ترجمان شده و سپس بر وزن فَعْلَة شده است، به کسی گفته شده که چند زبان را به آسانی بر زبان براند. زبان [ز / ز] (اسم) معروف است و به عربی لسان گویند و به ضم اول هم درست است. (برهان قاطع)

۳ ذات، یعنی دارای. جمع ذات، ذَوَاتٌ است؛ ذات مؤنث ذو و مثنای آن ذَوَاتٌ (ذَوَاتَانِ) است؛ ذَوَاتان دائم الاضافه است و بدون نون به کار می‌رود. «لَقِيْتُهُ ذاتَ يَوْمٍ او ذاتَ لَيْلَةً او ذاتَ مَرَّةً»؛ او را یک روز یا یک شب یا آن بار دیدم. در اینجا ذات نایب مفعولٌ فیه است؛ به این صورت (لَقِيْتُهُ لَقِيْتَهُ ذاتَ يَوْمٍ و ذاتَ لَيْلَةً و ذاتَ مَرَّةً). در کتاب المنجد لَقِيَ يَلْقَى دوازده مصدر دارد. (!)

۴ ذاک اسم اشاره به متوسّط، هذا اسم اشاره به نزدیک و ذلک اسم اشاره به دور است.

۵ در قافیه شعر «ذاک هو الله» وقف شده است و به هنگام وقف حرف «ة» را «۵» تلفظ می‌کنند. به دو کلمه الشجره و قمره دقت کنید. اگر الشجره و قمره تلفظ شوند قافیه مختل می‌شود.

۶ قصيدة متن درس اول رائیه است چون ۵ نمی‌تواند جزء قافیه باشد.

۷ در «ذاک هو الله» ذاک مبتدا، هو مبتدای دوم و الله خبر برای مبتدای دوم است. یا هو الله خبر برای ذاک است.

۸ در «كيف نَمَتْ مِنْ حَبَّةٍ» کیف حال است و هي ذوالحال. من حبة متعلق به نَمَتْ است.

۹ ف در قابح فاء نتیجه است.

۱۰ مِثْل در (قُلْ مِنْ ذَا الَّذِي أَوْجَدَهَا فِي الْجَوْ مِثْلُ الشَّرْرَةِ؟) حال است و (ها) ذوالحال. مفعول به قُلْ جمله بعد از خودش است. «مَنْ ذَا» اسم استفهام است. «مَنْ ذَا» و «ماذَا» مانند هم هستند. در جمله‌ای مانند «ماذا لَقيَتْ؟» ذا می‌تواند اسم موصول باشد. «مَنْ ذَا» خبر مقدم و «الَّذِي» مبتدا است. یخُرُجُ: صلة موصول و عائد: هو. می‌توان «مَنْ ذَا» را مبتدا و «الَّذِي» را خبر دانست.

۱۱ وزن شعر مُستَفَعِلُنْ مُسْتَفَعِلُنْ است. (- - U - - - U -) این وزن به صورت مفاعِلن (U - U -) یا مُفتَعِلن (- U -) هم امکان‌پذیر است.

۱۲ در جمله «إِنْ شَاءَ اللَّهُ تُسَافِرُ إِلَى إِيرَانَ» دو وجه جایز است. وجه موجود و اینکه تُسَافِرُ مجاز شود؛ اما چون شاء ماضی است، همین وجه بهتر است.

۱۳ «لسان صدق» در (وَاجْعَلْ لِي لسان صدقٍ فِي الآخِرِينَ) از باب مجاز مُرسَل است. علاقتُه الآلية. اگر برای بیان یک چیز به بخشی از آن اشاره کنیم و منظورمان کل آن چیز باشد یا به عکس، به کلیتی اشاره کنیم و منظورمان جزء باشد، از آرایه بخش‌گویی استفاده کرده‌ایم. بخش‌گویی یکی از آرایه‌های ادبی کهن است و به آن مجاز مُرسَل هم

گفته‌اند؛ مثلاً در جمله «احمدشاه قاجار تاج و تختش را از دست داد»، منظور آن است که سلطنتش را از دست داد. (جزء به کل). یا به عکس: اگر کسی از ما پرسید: «آیا به سفر می‌روی؟» و ما در جوابش بگوییم «باید با خانه هماهنگ کنم»، منظور ما از خانه همان افراد خانه است. (اراده کل به جزء). وقتی می‌گوییم «پدر، نان آور خانه است»، منظورمان از نان، روزی است و نان، در واقع بخشی از آن به شمار می‌آید. یا وقتی می‌گوییم که «هزاران دیده، نگران اöst»، منظورمان هزاران انسان است و «چشم» که بخشی از یک انسان است را برای اشاره به انسان به کار برده‌ایم. در «فکر نانت را بکن، که خربزه آب است» منظور از «نان» کسب‌وکار و روزی و هر چیزی است که اصل است، و «خربزه» به جای هر چیزی که فرعی و یا تفنه است قرار می‌گیرد.

۱۴ ﴿وَاجْعَلْ لِي لِسانَ صَدْقَ فِي الْآخِرِينَ﴾ ابراهیم علیه السلام از خداوند تعالی می‌خواهد تا برای او در آینده فرزندی قرار دهد که یاد نیکوی او باشد؛ یعنی مانند زبان خود او خواسته‌های وی را بیان کند، و خداوند در آخر الزمان کسی را برمی‌انگیزد که به دعوت او به پا خیزد و مردم را به کیش و ملت او یعنی دین توحید دعوت نماید. برخی مفسران گفته‌اند: مراد از (لسان صدق) بعثت خاتم الانبیا ﷺ است و از خود آن حضرت هم روایت شده که فرمود: من دعای پدرم ابراهیم هستم. بعضی دیگر نیز آن را به معنای این دانسته‌اند که خداوند ذکر جمیل و ستایش نیکوی او را تا قیامت باقی بگذارد و خداوند هم دعای او را برآورده کند و اهل ایمان همواره از ابراهیم علیه السلام به عنوان قهرمان توحید یاد می‌کنند.

۱۵ «أَبْدًا» در جمله «إِعْمَلْ لِدُنِيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشَ أَبْدًا». مفعول فیه است.

۱۶ در جمله «إِذَا مَلَكَ الْأَرَادِلَ هَلْكَ الْأَفَاضِلِ». فعل‌های ملک و هلك را می‌توان به دو صورت ماضی و مضارع ترجمه کرد؛ همان‌گونه که در عربی گاهی ماضی به معنای مضارع است، در فارسی نیز این قاعده می‌تواند مصدق داشته باشد. پدر خانواده به پسرش می‌گوید: برو نان بخر. پسر فراموش می‌کند. بار دوم تکرار می‌کند، پسر نمی‌رود. بار سوم پدر با تندي دستور می‌دهد و پسر در حالی که هنوز نرفته است

می‌گوید: رفتم. در اصطلاح می‌گویند ماضی محقق الواقع. در ﴿إِذَا الشَّمْسُ كَوَرَتْ﴾ نیز فعل ماضی است، ولی معنای مستقبل دارد.

۱۷ «لَوْ» در «اطلبوا العلم ولو بالصين». به معنای «اگر» است و فرق آن با «إِنْ» این است که لَوْ برای گذشته است. لَوْ ذَهَبْتَ إِلَى الْحَدِيقَةِ لَوَجَدْتَ. در این جمله وَجَدْتَ معنای ماضی ساده ندارد. اگر به باغ رفته بودی، می‌یافتی.

۱۸ ذات در «من الملابس النسائية ذات الألوان المختلفة» صفت است.

۱۹ سند حدیث «لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَ صَوْمَهُمْ وَ كَثْرَةِ الْحَجَّ وَ طَنَطَتِهِمْ بِاللَّيْلِ وَلِكِنْ انْظُرُوا إِلَى صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ». از پیامبر اسلام ﷺ عيون أخبار الرضا، جلد ۲، صفحه ۵۱، ح ۱۹۷ - امالی(صدقوق) صفحه ۳۰۳

۲۰ سند حدیث «ارحم من في الأرض يرحمك من في السماء» از پیامبر اسلام ﷺ من لايحضره الفقيه، جلد ۴، صفحه ۳۷۹

۲۱ از حضرت علی علیه السلام «اعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَ اعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًّا» (مستدرک الوسائل، جلد ۱، صفحه ۱۴۶) و (من لا يحضره الفقيه، جلد ۳، ۱۵۶)

۲۲ «انظر إلى ما قال و لاتنظر إلى من قال» از امیر المؤمنین علی علیه السلام غرر الحكم و درر الكلم، ح ۵۰۴۸

۲۳ «من زرع العدوان حصد الخسنان» از أمیر المؤمنین علی علیه السلام غرر الحكم و درر الكلم، ۴۶۱

۲۴ درباره حدیث «اطلبوا العلم ولو بالصين» اختلاف نظر وجود دارد. با اندک اندیشه‌ای می‌توان دریافت که حدیث مزبور را به دو گونه می‌توان معنا کرد:

الف) دانش را بجویید حتی اگر لازم باشد تا دورترین نقاط عالم سفر کنید. این معنا فقط حاوی این نکته است که بُعد مسافت و مشقت داشتن نباید مانع از علم آموزی شود.

دانش را بجویید حتی اگر خاستگاه تولید آن چین - که کشوری مشرک است - باشد. متن کامل این حدیث در مصباح الشریعة چنین است: «اطلبوا العلم و لو بالصین و هو علم معرفة النفس و منه معرفة الرب»؛ دانش را بیاموزید، گرچه در چین باشد. این دانش، معرفت نفس است که از او معرفت خداوند حاصل می‌شود. در صدر اسلام، کشور چین به عنوان نمادی از دوری راه مطرح بوده است و تعبیر «لو بالصین» صرفاً بیانگر دوری راه است و نه نمادی از بلاد کفر؛ و مفهوم روایت «اطلبوا العلم ولو بالصین» این است که اسلام برای آموختن علم مشروع و حقیقی چنان اهمیتی قائل است که اگر برای آموختن آن طی مسافتی دوردست نیز لازم باشد، باید برای کسب آن تلاش کرد و دوری راه، چنین تکلیفی را از دوش انسان بر نخواهد داشت. آنچه تفسیر فوق را در مورد «لو بالصین» تأیید می‌کند، روایتی از امام صادق علیه السلام است که می‌فرماید: اطلبوا العلم ولو بخوض اللجج. دانش بیاموزید، اگرچه با رفتن به اعماق دریاها باشد. بدیهی است تعبیر «لو بخوض اللجج» هیچ خصوصیتی جز آنکه بیانگر اهمیت علم آموزی است، ندارد.

۲۵ «الْكَلَامُ كَالدَّوَاءِ. قَلِيلُهُ يَنْفَعُ وَ كَثِيرُهُ قاتِلٌ.» أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ غر الحكم و درر الكلم، ۲۱۸۲،

۲۶ إِذَا قَدَرْتَ عَلَى عَدُوكَ فَاجْعَلِ الْعَفْوَ عَنْهُ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ. نهج البلاغة، حکمت ۱۱

الدَّرْسُ الثَّانِي

اهداف رفتاری: دانشآموز در پایان این درس باید بتواند:

- ١ متن درس را درست قرائت و ترجمه کند.
- ٢ معنای کلمات جدید درس را از عربی به فارسی ذکر کند.
- ٣ پیام متن را درک کند.
- ٤ برخی احادیث ساده درس را حتی الامکان از حفظ بگوید و نمونههایی در عمل کردن به مصادیق آن ذکر کند.
- ٥ عدهای یک تا صد را به صورت تنها و بدون محدود از حفظ بگوید.
- ٦ عدهای ترتیبی یکم تا بیستم را از حفظ بگوید.
- ٧ بداند که گاهی حرف اضافه معنای فعل را تغییر می‌دهد.
- ٨ شیوه متن مکالمه درس (حوارٌ بَيْنَ زَائِرَيْنِ فِي مَطَارِ النَّجَفِ الْأَشْرَفِ) را در کلاس به همراه همکلاسی‌هایش اجرا کند.

فرایند آموزش

متن درس دوم عربی زبان قرآن (۱) درباره المواقع العددية است. سخنان گوهربار پیامبر اسلام ﷺ که دربر گیرنده عدد است متن درس دوم شده است. المواقع العددية نام کتابی ارزشمند نوشته علامه عاملی است که احادیث بسیاری را گردآوری کرده که در آنها عدد به کار رفته است. موضوع قواعد درس دوم با ساختار متن درس سازگار است. اما متن درس دوم عربی تخصصی به نام «إنكمسؤلولون» درباره احترام به وسائل عمومی و محیطزیست است. دیر محترم می‌تواند گزیری کوتاه به این موضوع بزند به‌گونه‌ای که وقت کلاس گرفته نشود.

بلافاصله پس از همه درس‌های کتاب عربی دهم درک مطلب آمده است.

هـمـاهـنـگـي در تـرـجـمـه مـتـن درـس دـوـم اـز كـتـاب عـربـى زـبـان قـرـآن (۱)

الْمَوَاعِظُ الْعَدَدِيَّةُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ
 الظُّلْمُ ثَلَاثَةٌ: ظُلْمٌ لَا يَغْفِرُهُ اللَّهُ، وَ ظُلْمٌ يَغْفِرُهُ، وَ ظُلْمٌ لَا يَتَرَكُهُ. فَأَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي
 لَا يَغْفِرُهُ اللَّهُ فَالشَّرُكُ. قَالَ اللَّهُ: إِنَّ الشُّرُكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌۚ وَ أَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي يَغْفِرُهُ اللَّهُ،
 فَظُلْمُ الْعِبَادِ أَنْفُسَهُمْ فِي مَا بَيْنَ أَيْمَانِهِمْ وَ بَيْنَ أَيْمَانِ رَبِّهِمْ، وَ أَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي لَا يَتَرَكُهُ اللَّهُ، فَظُلْمُ
 الْعِبَادِ بَعْضِهِمْ بَعْضًاً.

ستم سه گونه است: ستمنی که خدا نمی آمرزد و ستمنی که می آمرزد و ستمنی که آن را رها نمی کند. اما ستمنی که خدا آن را نمی آمرزد شرک است. خداوند فرموده است: قطعاً شرک ستمنی بزرگ است. اما ستمنی که آن را خدا می آمرزد ستمن بندگان به خودشان میان خودشان و پورودگارشان است و اما ستمنی که خدا آن را رها نمی کند ستمن بندگان به یکدیگر است.

سَبْعُ يَجْرِي لِلْعَبْدِ أَجْرُهُنَّ وَ هُوَ فِي قَبْرِهِ بَعْدَ مَوْتِهِ: مَنْ عَلِمَ عِلْمًا، أَوْ أَجْرَى نَهْرًا،
 أَوْ حَفَرَ بَرَأً، أَوْ غَرَسَ نَخْلًا، أَوْ بَنَى مَسْجِدًا، أَوْ وَرَثَ مُصَحَّفًا، أَوْ تَرَكَ وَلَدًا يَسْتَغْفِرُ لَهُ
 بَعْدَ مَوْتِهِ.

پاداش هفت [چیز] در حالی که پس از مرگش در گورش است برای بندۀ جاری است: هر کس دانشی را یاد داد، یا جویی را روان کرد، یا چاهی را گند، یا نخلی را کاشت، یا مسجدی ساخت، یا قرآنی به ارث گذاشت، یا فرزندی به جا نهاد که پس از مرگش برایش درخواست آمرزش کرد.

این ترجمه هم درست است: ... هر کس دانشی را یاد دهد یا جویی را روان کند یا چاهی را حفر کند یا نخلی را بکارد یا مسجدی بسازد یا قرآنی به ارث بگذارد یا فرزندی به جا نهاد که پس از مرگش برایش درخواست آمرزش کند.

جَعَلَ اللَّهُ الرَّحْمَةَ مِنَّهُ جُزِءٍ، فَأَمْسَكَ عِنْدَهُ تِسْعَةً وَ تِسْعِينَ جُزْءًا وَ أَنْزَلَ فِي الْأَرْضِ
 جُزْءًا وَاحِدًا، فَمِنْ ذَلِكَ الْجُزْءِ يَتَرَاحَمُ الْخَلْقُ.

خدا مهربانی (رحمت) را صد بخش قرار داد و نود و نه بخش را نزد خود بگفت

و يك بخش را در زمين فرود آورد، از همان بخش آفرييدگان به هم مهرباني میورزند.
 إِنَّ طَعَامَ الْواحِدِ يَكْفِيُ الْاثْنَيْنِ، وَ طَعَامَ الْإِلَاثْتَيْنِ يَكْفِيُ الْثَّلَاثَةَ وَ الْأَرْبَعَةَ، كُلُّوا جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا، فَإِنَّ الْبَرَكَةَ مَعَ الْجَمَاعَةِ.

قطعًا خوراک يك تن برای دو تن بسنده است و خوراک دو تن برای سه تن و چهار تن بس است، همه با هم بخورید و پراکنده نشويد؛ زира برکت با جماعت است.
 إِثْنَانِ حَيْرٌ مِنْ وَاحِدٍ وَ ثَلَاثَةُ حَيْرٌ مِنْ اثْنَيْنِ وَ أَرْبَعَةُ حَيْرٌ مِنْ ثَلَاثَةً؛ فَعَلَيْكُمْ بِالْجَمَاعَةِ.
 دو تن از يك تن بهتر و سه تن از دو تن بهتر و چهار تن از سه تن بهتر است؛ بر شما لازم است در جمع باشيد.

منْ أَخْلَصَ لِلَّهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا، ظَهَرَتْ يَتَابِعُ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ.
 هرکس چهل بامداد برای خدا خالص شد. (پاکی نیت ورزید / خالص شود، پاکی نیت ورزد) چشميهاتی دانش (حکمت) از دلش (قلبش) بر زبانش آشکار شود. (ظاهر شود)
 أَرْبَعَةُ قَلِيلُهَا كَثِيرٌ: الْفَقْرُ وَ الْوَجْعُ وَ الْعَدَاوَةُ وَ النَّارُ.
 چهار چيز اندکش بسيار است: مستمندي (فقر)، درد، دشمني و آتش.
 إِلَعْبَادَةُ عَشَرَةُ أَجْزَاءٍ تِسْعَةُ أَجْزَاءٍ فِي طَلْبِ الْحَلَالِ.
 پرستش (عبادت) ۵۰ بخش است، نه بخش در جستن (طلب) حلال است.
 إِذَا كَانَ اثْنَانِ يَتَنَاجِيَانِ فَلَا تَدْخُلْ بَيْنَهُمَا.
 هرگاه دو تن در گوشی راز میگفتند میانشان داخل نشو.

هماهنگی در ترجمه متن درس دوم عربی تخصصی رشته علوم انسانی

«إِنَّكُمْ مَسْؤُولُونَ» أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قطعاً شما مسئول هستيد.
 كَانَتْ سُمَيَّةُ بِإِنْتِظَارِ وَالدَّتَّهَا لِلرُّجُوعِ إِلَى الْبَيْتِ بَعْدَ اِنْتِهَاءِ الدَّوَامِ الْمَدْرَسِيِّ؛ سُمَيَّه
 پس از پيان ساعت کار مدرسه برای بازگشت به خانه منتظر مادرش بود.
 وَ كَانَتْ حُجُّرَاتُ الْمَدْرَسَةِ مُحْلَّقَةً، وَ مَا بَقِيَ فِي الْمَدْرَسَةِ إِلَّا جَمْعٌ قَلِيلٌ مِنْ زَمِيلَاتِهَا؛
 و کلاس های (اتاق های) مدرسه بسته بود، و کسی جز عدد کمی از هم کلاسی هایش در

مدرسه نبود. و فقط عده کمی از دانشآموزان در مدرسه بودند. توضیح اینکه ترجمه دوم هرچند درست است، ولی باید توجه داشت که هنوز آموزش داده نشده است که این گونه نیز می‌توان ترجمه کرد.)

﴿ وَ كَانَتْ مُدِيرَةُ الْمَدَرَسَةِ وَ بَعْضُ الْمُدَرِّسَاتِ يَنْتَظِرُنَ أَنْ تَقْرُعَ الْمَدَرَسَةُ مِنَ الطَّالِبَاتِ؛ وَ مدیر مدرسه و برخی از معلم‌ها منتظر بودند (انتظار می‌کشیدند) که مدرسه از دانشآموزان خالی گردد.﴾

﴿ عِنْدَئِذٍ سَمِعَتْ سُمِيَّةَ صَوَتَ مُكَيْفٍ الْهَوَاءِ مِنْ إِحْدَى الْحُجُّرَاتِ، وَ شَاهَدَتِ الْمَصَابِيحَ مِنَ النَّوَافِذِ؛ در این هنگام سمیه صدای کولر را از یکی از اتاق‌ها شنید، و چراغ‌ها را از پنجره‌ها دید.﴾

﴿ فَظَنَتْ أَنَّ طَالِبَاتِ صَفٌّ آخَرَ فِي حِصَّةِ تَقْوِيَةٍ، أَوْ يُمَارِسْنَ نَشَاطًا حُرًّا؛ وَ عِنْدَما نَظَرَتْ بِدِقَّةٍ، وَجَدَتِ الْحُجْرَةَ فَارِغَةً؛ گمان کرد که دانشآموزان کلاسی دیگر در کلاس تقویتی‌اند، یا مشغول فعالیت آزادند؛ و آنگاه که با دقیقت نگاه کرد، اتاق را خالی یافت.

﴿ حَاوَلَتْ فَتْحَ الْبَابِ، فَوَجَدَتْهُ مُعْلَقاً فَذَهَبَتْ إِلَى مُدِيرَةِ الْمَدَرَسَةِ، وَ أَخْبَرَتْهَا بِمَا شَاهَدَتْ، فَشَكَرَتْهَا مُدِيرَةُ، وَ طَلَبَتْ مِنْ سُمِيَّةَ إِطْفَاءَ الْمَصَابِيحِ وَ الْمُكَيْفِ؛ سعی کرد در را باز کند، و آن را بسته یافت و در نتیجه به سوی مدیر رفت و او را از آنچه دیده بود باخبر کرد، مدیر از او تشکر کرد و از سمیه درخواست کرد (خواست) چراغ‌ها و کولر را خاموش کند.

﴿ عِنْدَئِذٍ شَاهَدَتِ مُدِيرَةُ طَالِبَاتِ بِاسْمِ فَاطِمَةٍ؛ كَانَتِ الطَّالِبَةُ تَذَهَبُ لِإِغْلَاقِ حَنَفِيَّةِ الْمَاءِ الَّتِي كَانَتْ مَفْتُوحَةً قَلِيلًا؛ در این هنگام مدیر دانشآموزی به نام فاطمه را دید؛ این دانشآموز [داشت] برای بستن شیر آبی که کمی باز بود می‌رفت.

﴿ وَ فِي صَبَاحِ الْيَوْمِ التَّالِي، شَكَرَتْ مُدِيرَةُ الْمَدَرَسَةِ فِي الِاصْطِفَافِ الصَّبَاحِيِّ سُمِيَّةَ وَ فَاطِمَةَ لِاَهْتِمَامِهِمَا بِالْمَرَاقِقِ الْعَامَّةِ؛ وَ در صبح روز بعد، مدیر مدرسه در صفحه‌گاه از سمیه و فاطمه به خاطر توجه آنها به تأسیسات عمومی سپاسگزاری کرد.

﴿ وَ فِي حِصَّةِ الْعُلُومِ الاجْتِمَاعِيَّةِ، قَامَتْ رُقِيَّةَ وَ سَالَتِ الْمَدَرَسَةَ؛ وَ در زنگ دانش اجتماعی سمیه برخاست و از معلم پرسید:

«مَا الْمَقْصُودُ بِالْمَرَافِقِ الْعَامَّةِ الَّتِي تَكَلَّمُتِ الْمُدِيرَةُ عَنْهَا هَذَا الصَّبَاحَ؟»؛ منظور از تأسیسات عمومی‌ای که خانم مدیر امروز صبح درباره‌اش صحبت کرد چیست؟

فَأَجَابَتْ: «الْمَرَافِقُ الْعَامَّةُ هِيَ الْأَمَاكِنُ الَّتِي تَمْتَلِكُهَا الدُّولَةُ، وَ يَنْتَفِعُ بِهَا النَّاسُ جَمِيعًا. إِذَا فَهِمْتَ مَعْنَاهَا، فَادْكُرِي لَنَا أَمْثَلًا لِلْمَرَافِقِ الْعَامَّةِ»؛ وی پاسخ داد: تأسیسات عمومی جاهایی است که دولت مالک آن است، و همه مردم از آن سود می‌برند. اگر (هرگاه) معنایش را فهمیدی برای تأسیسات عمومی مثال‌های ذکر کن.

أَجَابَتْ رُقِيَّةً: «الْمَدَارِسُ وَ الْهَوَافِعُ الْعَامَّةُ وَ الْمُسْتَشَفَاتُ وَ الْمُسْتَوَضَافَاتُ وَ الْمَتَاحِفُ وَ الْمَكَبَاتُ وَ دَوَارَاتُ الْمِيَاهِ وَ الْحَدَائِقُ الْعَامَّةُ وَ الْأَشْجَارُ عَلَى الرَّصِيفِ وَ أَعْمَدَهُ الْكَهْرَبَاءِ ...»؛ رقیه پاسخ داد: مدرسه‌ها، تلفن‌های عمومی، بیمارستان‌ها، درمانگاه‌ها، موزه‌ها، کتابخانه‌ها، سرویس‌های بهداشتی، بوستان‌های عمومی، درختان کنار پیاده‌رو و تیرهای برق

أَجَابَتِ الْمُدَرِّسَةُ: «أَحَسَنْتِ، وَ الْحِفَاظُ عَلَى هَذِهِ الْمَرَافِقِ واجِبٌ عَلَى كُلِّ مُواطِنٍ». خانم مدیر پاسخ داد: آفرین بر تو و نگهداری از این تأسیسات بر هر شهروندی (هم‌میهنی) واجب است.

سَأَلَتِ الطَّالِبَاتُ بِتَعْجِبٍ: «لِمَ وَ كَيْفَ؟! ذَلِكَ واجِبُ الدُّولَةِ»؛ دختران دانش‌آموز (دانش‌آموزان) با شگفتی پرسیدند: چرا و چگونه؟! این (آن) وظیفه دولت است.

قَالَتِ الْمُدَرِّسَةُ: «بَلْ هِيَ مَسْؤُلِيَّةُ مُشَتَّرَكَهُ، فَسُمِّيَّهُ الَّتِي قَامَتْ بِإِطْفَاءِ الْمُكَيَّفِ وَ الْمَصَابِيحِ فِي حُجْرَةِ الْمَدَرَسَةِ؛ خانم معلم گفت: البته که مسئولیتی مشترک است، سمیه که به خاموش کردن کولر و چراغ‌ها در کلاس (اتاق) مدرسه اقدام کرد؛

وَ فَاطِمَةُ الَّتِي أَغْلَقَتْ حَنَفِيَّةَ الْمَاءِ وَ الطَّالِبَةُ الَّتِي تَدْخُلُ مَكَبَّةَ الْمَدَرَسَةِ فَتَحْفَاظُ عَلَى الْهُدُوءِ فِيهَا وَ عَلَى نَظَافَةِ الْكُتُبِ وَ تَرْتِيَهَا؛ وَ فاطمه که شیر آب را بست و دانش‌آموزی که وارد کتابخانه مدرسه می‌شود و آرامش آن و پاکیزگی کتاب‌ها و ترتیب آنها را حفظ می‌کند؛

وَ تِلْكَ الَّتِي تَنْصَحُ مَنْ يَرْمِي النُّفَاهِاتِ فِي عَيْرِ مَكَانِهَا بِكَلَامِ طَيِّبٍ؛ هُؤُلَاءِ يَعْمَلُنَ ِبِوَاجِبَاتِهِنَّ كَمُواطِنَاتٍ يَشْعُرُنَ بِالْمَسْؤُلِيَّةِ»؛ و آن [دانش‌آموزی که] کسی را که زباله را در غیر جای مناسب می‌اندازد با زبانی خوش نصیحت می‌کند؛ اینها مانند شهروندانی

که احساس مسئولیت می‌کنند به وظیفه‌شان عمل می‌کنند.

﴿ قَاتِلْ سُمِّيَّةٌ وَ قَالَتْ: «أَلَيْسَ مِنَ الْمُنَاسِبِ كِتَابَةً لَوَحَةٍ جِدَارِيَّةٍ مَكْتُوبٍ عَلَيْهَا هَذَا الْحَدِيثُ الشَّرِيفُ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ عَلِيِّاً: إِنَّكَمْ مَسْؤُلُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبِقَاعِ وَ الْبَهَائِمِ؛ سَمِّيَّه بِرْخَاصَتْ وَ گَفَتْ: آيَا مَنَاسِب نَيِّسَتْ كَه يَكْ تَابُلوِي دِيَوَارِي نَوْشَتْه شَوْدَ كَه روْ آن اَيْنَ حَدِيثُ شَرِيفُ اَز حَضُورَ عَلِيِّ عَلِيِّاً نَوْشَتْه باَشَدْ: قَطْعًا شَمَا مَسْئُول هَسْتَيِدْ حَتَّىٰ درْ مُورَد زَمِينَهَا وَ چَارِپَایَانْ. »

﴿ قِيلَتِ الْمُدَرَّسَةُ وَ قَالَتْ: «هَذَا الِاقْتِرَاحُ حَسَنٌ، وَ سَتَّعَاوَنْ جَمِيعًا عَلَى الْعَمَلِ بِهَذَا الْحَدِيثِ؛ خَانَم مَعْلُوم پَذِيرَتْ وَ گَفَتْ: اَيْنَ پِيشَنَهَادْ، خَوبَ استْ وَ هَمَگِي بِرَايِ عَملِ به اَيْنَ حَدِيثُ شَرِيفُ هَمِيَارِي مِيْ كَيِّمْ. »

بخش درک مطلب

یک هدف اوَلیَّه دارد که همان‌گونه که از نامش پیداست درک معنای عبارت و متن است، اما همچنان هدف مهم قرائت مدد نظر است. باید دانش‌آموز عبارت‌ها را با صدای بلند بخواند و پاسخ درست و نادرست را مشخص کند. پاسخ‌ها در عربی زبان قرآن به ترتیب عبارت‌اند از: درست، نادرست، درست، نادرست و نادرست. و در کتاب رشتة انسانی به ترتیب عبارت است از: درست، نادرست، درست، نادرست و نادرست.

«اعلموا»

در بخش «اعلموا» مبحث عده‌های اصلی یک تا صد و عده‌های ترتیبی یکم تا بیستم مطرح شده است. بحث تطابق عدد و محدود از اهداف کتاب نیست. مسلّم است که دانستن این ظرایف برای مخاطب عرب ساکن در کشور عربی، یا دانشجوی رشتة زبان و ادبیات عرب لازم و عدم رعایت قواعد عدد و محدود خطایی بزرگ است، ولی برای دانش‌آموز دوره دوم متوجه آموزش اینها مطلوب نیست.

دانش‌آموز کم کم با خواندن عبارات و متون این قواعد را کشف می‌کند و در صورتی که نیاز داشته باشد در پی کشف قاعدة آنها بر می‌آید. در صورت علاقه‌مندی می‌توان منابع سودمندی را در این زمینه در اختیار او نهاد.

عدد مِئَة به صورت مِائَة و مَأْة نیز نوشته می‌شود. در صدر اسلام که الفبای عربی بدون نقطه و علامت بوده برای اینکه مِئَه و منه با هم اشتباه نشود، مِئَه را مِائَه نوشتند و بعد از نهادن نقطه و دیگر نشانه‌ها همچنان این کلمه با الف زائد نوشته شده است. گاهی خمس‌مئَه را خمس مِئَه نوشته‌اند؛ اماً بهتر است که سرهم نوشته شود؛ زیرا امکان دارد خواننده تصوّر کند که خمس مِئَه به معنای پنج تا صد است نه پانصد، یا خمسُ مِئَه (یک چهارم صد) بپنداشد.

هرچند عدد ده را نیز در گروه عقود نوشته‌اند، ولی از آنجا که به لحاظ ساختاری فرق دارد در کتاب درسی این کار صورت نگرفته است.

فَنُ التَّرْجِمَةِ

در اینجا دانش‌آموز می‌آموزد که گاهی حرف اضافه معنای فعل را تغییر می‌دهد. او در درس انگلیسی و فارسی نیز مشابه این مورد را آموخته است؛ مثلاً *put on* یعنی گذاشتن ولی *put on* یعنی پوشیدن. در زبان فارسی معنای آمد و درآمد فرق دارد. مثال‌های درس از آیات قرآن برگزیده شده است تا قاعده درس در زندگی برایش بهتر نمود پیدا کند.

مَكَالِمَه

این بخش دانش‌آموز را با نحوه صحیح گفت‌وگو و اصطلاحات کاربردی و سودمند آشنا می‌کند. تمام مکالمات هدفمند و سودمند است و در زندگی برای یادگیرنده مفید خواهد بود.

تمرين‌ها

تمرينات اين درس نيز مانند درس اول کوتاه و ساده‌اند؛ تا دانش‌آموز با حل تمرين بتواند خود را بيازمايد و آموخته‌هايش را تثبيت کند.

سعی شده است حتی‌الامكان در تمرينات کلمه جديدي به کار نرود. تمرينات باید در کلاس به صورت گروهي پاسخ داده شود تا دانش‌آموز کار گروهي را ياد بگيرد؛ آنگاه دانش‌آموزان پاسخ‌های خود را می‌خوانند و دبیر رفع اشكال می‌کند.

تمرین اول (در هر دو کتاب): هدف کاربرد اعداد در قرآن و حدیث است. جمله شماره ۵ علاوه بر اینکه مربوط به عدد است به قاعده‌ای که در بخش فن ترجمه آمد، نیز اشاره دارد. فراغیر اکنون در این تمرین می‌تواند آموخته خویش را ملکه ذهن کند.

تمرین دوم و سوم (در هر دو کتاب): نظر به اهمیت مبحث عدد این تمرین‌ها طراحی شده است. در اینجا تنوع در طراحی تمرین به کار رفته است.

تمرین چهارم (در عربی مشترک): هدف تمرینی بر اعداد یک تا صد است.

تمرین چهارم (در عربی انسانی): هدف تقویت مهارت شناخت واژگان است.

تمرین پنجم (در هر دو کتاب): هدف ثبیت آموخته‌ها با استفاده از عباراتی در قرآن و حدیث است. این شیوه طراحی تمرین القاگر این هدف است که همانا هدف اصلی یادگیری زبان عربی فهم بهتر قرآن و متون دینی است.

تمرین ششم (در هر دو کتاب): هدف یادآوری آموخته‌های دانش‌آموز در ضمیر و فعل است. این تمرین چند بار دیگر در سه کتاب دوره اول متوسطه نیز طرح شده بود.

تمرین هفتم (در هر دو کتاب): هدف اصلی ایجاد علاقه به درس عربی است. هرچند عبارت‌ها اطلاعات عموم نیز هستند و دانستن آنها خالی از لطف نیست؛ اما هدف اصلی این است که تنوعی در تمرینات کتاب وجود داشته باشد. استفاده از جاذبه تصویر با هدف زیباسازی کتاب انجام شده است. اما در این کار تفاوت اساسی بین دوره اول و دوم متوسطه وجود دارد.

تمرین هشتم (در کتاب مشترک عربی زبان قرآن): هدف تقویت مهارت شناخت عدد و ساعت‌خوانی است. در اصل هدف همان تمرین عدد است. اما به منظور ایجاد تنوع تمرین متفاوت با سایر تمرین‌های است.

تمرین هشتم (در عربی انسانی): هدف تقویت مهارت واژه‌شناسی و درک مطلب است.

تمرین نهم (در عربی انسانی): هدف ثبیت آموخته‌های دانش‌آموزان

تمرین هشتم (در عربی انسانی): هدف تقویت مهارت واژه‌شناسی و درک مطلب است.

أنوار القرآن: آيات برگزیده از معروف‌ترین و کاربردی‌ترین آيات قرآن و دربرگیرندهٔ واژگانی هستند که دانش‌آموز تاکنون در کتاب‌های عربی مشاهده کرده است. از این آيات می‌توان به‌عنوان شاهد مثال استفاده کرد. اجرای این تمرین به‌عنوان کار در منزل است و اگر دبیر تشخیص دهد که وقت کافی دارد و می‌تواند در کلاس حل کند، اختیار اجرای این کار را دارد. این تذکر برای تمام بخش‌های کتاب درسی تحت این عنوان است.

البحث العلمي (پژوهش)

در انتهای هر درس این بخش نهاده شده است و دبیر علاقه‌مند می‌تواند در صورت داشتن زمان کافی دانش‌آموزان را به پژوهش تشویق کند. بدیهی است که در دروسی مانند عربی و انگلیسی نظر به اینکه زبان این درس‌ها فارسی نیست آزادی عمل وجود ندارد.

ارزشیابی

دبیر، جدولی در اختیار دارد و هر بار که دانش‌آموزی جمله‌ای را می‌خواند علامت می‌زند تا همه بخوانند و عدالت آموزشی در پاسخ‌ها رعایت شود. هرچند گاهی دبیر برای آسان‌بودن آموزش از برخی دانش‌آموزان مستعد استفاده می‌کند؛ اماً باید توجّه کرد که زیاده‌روی در این کار موجب ناراحتی سایر دانش‌آموزان و ایجاد حسّ ناخوشایند نسبت به دانش‌آموز فعال می‌شود.

وسائل کمک آموزشی

كتاب گويا، نرم افزار آموزشی، فيلم، اينفوگراف، پاورپوينت، نماهنگ آموزشی، اسلайд، اعلان، فلاش کارت

دانش افزایی برای دبیر (نه برای دانش آموز)

- ۱** اصطلاح «بعض ... بعض» معادل «یکدیگر» در فارسی است؛ مثال:
لماذا يکره الرُّملاء بعضهم بعضًا؟ تناصر الناس بعضهم البعض، أو بعضهم بعضًا.
نصر الناس بعضهم البعض. تعاون المؤمنون بعضهم بعضًا.
- ۲** **أَمْسَكَ :** إِمْسَاكًا [مسك] ٥ : او را گرفت.
أَمْسَكَ به : به آن آویخت یا چنگ زد.
أَمْسَكَ عن الْكَلَام : از سخن باز ایستاد.
أَمْسَكَ عن الطَّعَام : از خوردن غذا خودداری کرد.
- ۳** امر تأکل و تأخذ بدون همزه است. «گُل، خُذ» و امر تأمُر دو حالت دارد:
«مُرْ» و «اوْمُرْ»؛ گاهی «أَوْمُرْ» آمده است مانند **هُوَ أُمْرٌ أَهْلُكَ بِالصَّلَاةِ**.
- ۴** **أَخْلَصَ** معانی بسیاری دارد.
أَخْلَصَ الطَّاعَةَ و في الطاعة : در طاعت اخلاص ورزید و بی ریا شد.
أَخْلَصَهُ اللَّهُ : خداوند او را از هر بدی پاک ساخت.
- ۵** **يَنْبُوع :** فواره، منبع، مخزن، یک دست حروف همشکل و هماندازه (درچاپخانه)
يَنْبُوع جمع آن **يَنَابِيع** : چشمہ آب، جوی پر آب
- ۶** **وَجَعَ** به معنای درد است. **وَجَعَ، يَوْجَعُ وَجَعًا**: بیمار و دردمند شد. **وَجَعَ رَأْسِي**: سرمه درد گرفت. رأسی یوچعنی: سرم درد می‌کند. (رأسی یولمنی).
- ۷** **مِضِيَافِ** بر وزن **مِفْعَالِ** اسم مبالغه بر وزن اسم آلت است و مذکر و مؤنث در آن یکسان است.
- ۸** برخی بر این باورند که «جاءِب» به معنای «آورْد» در محاورات به «جاب» تبدیل شده است.
(ماضی: جاب، مضارع: یجیب و امر: جیب) و برخی نیز آن را دگرگون شده «جلب» می‌دانند.

- ۹ جمع سائِح سیاح و سائِحون است. سُواح نیز به کار رفته است.
- ۱۰ شَعْب، یعنی ملت. هرچند ملت عربی است، ولی در عربی «مِلَّة»، یعنی آین. **﴿وَ لَنْ تَرْضِي عَنْكَ الْيَهُودُ وَ لَا النَّصَارَى حَتَّى تَتَّسِعَ مِلَّتَهُمْ﴾** بقره، ۱۲۰
- يهودیان و مسیحیان از تو خشنود نیشوند، مگر اینکه از آین آنها پیروی کنی.
- ۱۱ (+ زائد) (- ناقص) (: تقسیم عَلَى) (× ضرب فی) در کاربرد زبان معمولاً به جای ضرب فی، فی و به جای تقسیم علی، علی به کار می‌رود. طرح نیز به معنای منهاست.
- ۱۲ عنکبوت مؤنث است و گاهی مذکور نیز به کار رفته است. الجمع: عناکبُ و عناکیبُ، المؤنث: عنکبوت و عنکبة و الجمع للمؤنث: عنکبوتات و عناکبُ و عناکیبُ العنكبوت : ذکر العنكبوت، أو جنس العنكبوت. نام فارسی آن تارتک، تتنده، گرتینه و کارتنه است.
- ۱۳ ة در نملة تاء وحدت است. ئَمْ اسم جنس به معنای مورچه و نملة به معنای یک مورچه است.
- ۱۴ **عِندَنِد** ظرف زمان است. إِذْ لازم الإِضافة به جمله است و وقتی که مضاف‌الیه آن حذف می‌شود، تنوین عِوض می‌گیرد.
- ۱۵ در «سألَت الطالباتِ بِتَعْجِبٍ». بتعجب حال است.
- ۱۶ قام بِیک فعل جدید است و در متون قدیم کاربرد نداشته است.
- ۱۷ در جمله «أليس من المناسب كتابة لوحهٍ جداريةٍ مكتوبٍ عليها هذا الحديث» مکتوب نعت سبیی است. صفت سبیی اگر اسم فاعل واقع شود فاعل می‌خواهد و اگر اسم مفعول واقع گردد نائب فاعل می‌خواهد؛ مثال بیشتر:
- قرأتُ مجلَّةً مُمزَّقاً جُلُدُها. قرأتُ كتاباً مُمزَّقاً أوراقه. (سبب به معنای وابستگی است.)
- ۱۸ نعت تابعی است که متبع خود را با بیان صفتی از صفات آن و یا بیان صفتی از صفات متعلق آن کامل کند. همانند «مرأة بِرجلٍ كريم»، «مرأة بِرجلٍ كريم أبُوهُ». نعت به دو قسم تقسیم می‌شود:
- نعت حقیقی: تابعی است که متبع خود را با بیان صفتی از صفات آن کامل کند.
 - نعت سبیی: تابعی است که متبع خود را با بیان صفتی از صفات متعلق آن کامل کند.

۱۹ لَمّا ادات شرط و ظرفیه است. در متون امروزی عِندما و حینما در کنار لَمّا قرار گرفته است.

۲۰ در هُمَن إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ... هُمْ مبتدأ، إِلَهٌ خبر و غَيْرُ صفت است.

۲۱ وزن‌های فَعَول، مِفعَال، مِفعِيل و فَعَالَة در مذَكَّر و مؤَثَّث مشترک‌اند. مانند

عروس و عجوز، مضياف و مقدم، معطير و مسكن (و مِكَّر و مِقَرْ) و علامة.

۲۲ در آیه هُو و لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا هُوَ أَلْفَ نَايِبٌ مِفْعَوْلٌ فِيهِ است.

۲۳ هر چند ترکیب شعبِ ایران نیز درست است، ولی در کتاب درسی ترکیب الشعب الایرانی که بیشتر کاربرد دارد، آمده است.

۲۴ در گویش شامی حرف ث در اثنین، ثلاثة، ثمانیه ت تلفظ می‌شود.

۲۵ زَرَافَة در فارسی زَرَافَه با تشديد خوانده می‌شود، ولی در عربی مشدد نیست.

۲۶ جالب است بدانیم که عامیانه اعداد در کشورهای عرب زبان با فصیح بسیار فرق دارد. این تفاوت حتی از کشوری به کشوری دیگر نیز مشاهده می‌شود.^۱

۲۷ پ در عربی به ب و ف تبدیل شده است؛ مثال:

پیروز ← فیروز ، پیاده ← بَيْدَق ، إِسْپَهَان ← أَصْبَهَان

۲۸ همین که حضرت موسی علیه السلام به رسالت الهی مأمور شد، چهار چیز را از خداوند خواست:

- سعَهُ صدر. «رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي»

- شرایط آماده. «وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي»

- بیان روان. «وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي»

- داشتن وزیر. «وَاجْعَلْ لِي وزِيرًاً»

چون حضرت موسی علیه السلام به مسائل متعدد عبادی، سیاسی، انقلابی، اجتماعی، اخلاقی، فردی و جمعی مأمور شده بود و طبعاً پرداختن و توجّه لازم به هر کدام، انسان را از

۱- عدهای مذکور به گویش عراقي (بغداد) هستند: واحد، ثُنَيْنُ، ثَلَاثَة، أَرْبَعَة، خَمْسَة، سِتَّة، سَبْعَة، ثَمَانَة، عَشَرَه، دَعَشْ، إِلْتَسَعَشْ، ثَلَطَّعَشْ، أَرْبَطَعَشْ، خُمْضَطَّعَشْ، ضَطَّعَشْ، سُبْطَعَشْ، إِلْمَنْطَعَشْ، عَشْرِينْ ... ۱۰۰ میهه ۲۰۰ میتین ۱۰۰۰ لَفْ. یازده در عربستان «إِحْدَعَشْ» و در سوریه «إِيْدَعَشْ» خوانده می‌شود.

سایر امور غافل می‌سازد؛ لذا سعه صدر در رسیدن به همه این موارد کاملاً ضرورت دارد.

سعه صدر، هم برای خود انسان لازم است، هم برای انجام مسئولیت و کلمه «لی» رمز آن است که دریافت وحی، نیاز به ظرفیت بزرگ دارد؛ چنان‌که در سوره انشراح در مورد پیامبر ﷺ آمده است: ﴿أَلِمْ نَشَرَحْ لَكَ صُدُرُكَ ... إِنْ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾ آیات ۲۵ تا ۲۸ سوره طه برای رفع لکنت زبان و به هنگام آغاز سخنرانی برای تقویت اعتماد به نفس خوانده می‌شود.

۲۹ در «مئه تقسیم علی خمسهٔ یساوی عشرين» تقسیم تأویل به مشتق مُقسّم و صفت برای مئة و یساوی خبر است.

۳۰ هن در حدیث «سبعُ يجري للعبد أجرهن» به محدود مذوق برمی‌گردد. «سبعُ خصالٍ ...»

۳۱ حتی در «إنكم مسؤولون حتى عن البقاع والبهائم» حرف عطف و معطوفش مذوق است. تقدیرش این است: «إنكم مسؤولون عن كل شيء حتى عن البقاع والبهائم».



الدَّرْسُ الثَّالِثُ

اهداف رفتاری: دانشآموز در پایان این درس باید بتواند:

- ١ متن درس را درست بخواند، بفهمد و ترجمه کند.
- ٢ پیام متن را که تفگر در آفرینش خدادست درست درک کند.^۱
- ٣ معنای کلمات جدید این درس را از عربی به فارسی بیان کند.
- ٤ به هنگام ضرورت به آیات و احادیث درس استشهاد کند.
- ٥ فعل‌های ماضی، مضارع، امر، نهی و ... از وزن‌های استفعال، انفعال، افتعال و تفعّل را بشناسد، درست معنا کند و تشخیص دهد.
- ٦ در رشته علوم انسانی چند معنای مشهور باب‌های ثلثی مزید را تشخیص دهد.
- ٧ در رشته علوم انسانی فعل لازم را از متعددی تشخیص دهد.

فرايند آموزش درس

نماهنگ باران ماهی fish raining در اينترنت و نرم افزار «بر فراز آسمان» موجود است. نمایش آن در کلاس در صورت وجود امکانات انگیزه یادگیری درس را افزایش می‌دهد. این متن در نظرخواهی از دانشآموزان مورد پسند گروه آزمایشی شد. هرچند ظاهراً به فرهنگ ایرانی و اسلامی ارتباطی ندارد، باید توجه کرد که یکی از راههای خداشناسی اندیشیدن در آفرینش خدادست و این پدیده نیز جذبیّت خاصی دارد.

۱- پیام درس دربارهٔ صلة رحم، احترام به همسایه و تلاش برای ازین بدن دشمنی بین همسایگان و خویشان است.

هَمَاهُنْگِي در ترجمة متن درس

مَطَرُ السَّمَكِ

هَلْ تُصَدِّقُ أَنْ تَرَى فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ أَسْمَاكًاً تَسَاقَطُ مِنَ السَّمَاءِ؟ إِنَّ نُزُولَ الْمَطَرِ وَالثَّلِجِ مِنَ السَّمَاءِ شَيْءٌ طَبِيعِيٌّ؛

آيا باور می‌کنى که در روزی از روزها ماهی‌هایی را ببینی که از آسمان می‌ریزد؟!
بارش باران و برف از آسمان چیزی طبیعی است.

وَلَكِنْ أَيْمُكِنُ أَنْ نَرَى مَطَرَ السَّمَكِ؟! هَلْ تَظُنُّ أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ الْمَطَرُ حَقِيقَةً وَلَيْسَ فِلْمًا خَيَالِيًّا؟! حَسَنًاً؛ فَانْظُرْ إِلَى هَذِهِ الصُّورِ حَتَّى تُصَدِّقَ.

ولی آیا ممکن است که باران ماهی ببینیم؟! آیا گمان می‌کنى که این باران حقیقت باشد (است) و فیلمی خیالی نیست؟! بسیار خوب؛ به این تصویرها نگاه کن تا باور کنى.

أَنْظُرْ بِدِقَّةٍ؛ أَنْتَ تُشَاهِدُ سُقُوطَ الْأَسْمَاكِ مِنَ السَّمَاءِ؛ كَأَنَّ السَّمَاءَ تُمْطِرُ أَسْمَاكًاً. يُسَمِّي النَّاسُ هَذِهِ الظَّاهِرَةَ الطَّبِيعِيَّةَ «مَطَرَ السَّمَكِ». حَيَّرَتْ هَذِهِ الظَّاهِرَةُ النَّاسَ سَنَوَاتٍ طَوِيلَةً فَمَا وَجَدُوا لَهَا جَوَابًا. يَحْدُثُ «مَطَرُ السَّمَكِ» سَنَوِيًّا في جُمْهُورِيَّةِ الْهُنْدُورَاسِ في أَمْرِيَكا الْوُسْطَى.

به دقّت نگاه کن؛ افتادن ماهی‌ها را از آسمان می‌بینی؛ گویی از آسمان ماهی‌ها می‌بارند. مردم این پدیده طبیعی را باران ماهی می‌نامند. این پدیده مردم را سال‌های طولانی حیران کرده است و پاسخی برایش نیافته‌اند. باران ماهی هر سال (سالانه) در آمریکای مرکزی رخ می‌دهد.

تَحَدُّثُ هَذِهِ الظَّاهِرَةُ مَرَتَّيْنِ في السَّنَةِ أَحِيَانًا. فَيُلَاحِظُ النَّاسُ غَيْمَةً سَوْدَاءَ عَظِيمَةً وَرَعدًا وَبَرَقًا وَرِياحًا قَوِيَّةً وَمَطَرًا شَدِيدًا لِمُدْدَةٍ سَاعَتَيْنِ أَوْ أَكْثَرَ ثُمَّ تُصِّبُّ الْأَرْضُ مَفْروشَةً بِالْأَسْمَاكِ، فَيَأْخُذُهَا النَّاسُ لِطَبِيخَهَا وَتَنَوِّلُهَا.

این پدیده احیاناً دو بار در سال روی می‌دهد و مردم ابر سیاه بزرگی و رعد و برق و بادهای قوی و باران شدیدی را به مدت دو ساعت، یا بیشتر ملاحظه می‌کنند سپس

زمین پوشیده از ماهی‌ها می‌شود و مردم آنها را برای پختن و خوردن آنها می‌برند. (بر می‌دارند)

حاوَلَ الْعُلَمَاءُ مَعْرِفَةً سِرْ تِلْكَ الظَّاهِرَةِ الْعَجِيَّةِ؛ فَأَرْسَلُوا فَرِيقًا لِزِيَارَةِ الْمَكَانِ وَالتَّعْرِفِ عَلَى الْأَسْمَاكِ الَّتِي تَسَاقِطُ عَلَى الْأَرْضِ بَعْدَ هَذِهِ الْأَمْطَارِ الشَّدِيدَةِ. دانشمندان برای شناخت راز این پدیده شگفت تلاش کردند و برای دیدن مکان و آگاهی یافتن از ماهی‌هایی که پس از این باران‌های شدید بر زمین می‌افتدند گروهی را فرستادند.

فَوَجَدُوا أَنَّ جَمِيعَ الْأَسْمَاكِ الْمُنْتَشِرَةَ عَلَى الْأَرْضِ بِحَجْمٍ وَاحِدٍ وَنَوْعٍ وَاحِدٍ، وَلِكِنَّ الْعَرِيبَ فِي الْأَمْرِ أَنَّ الْأَسْمَاكَ لَيْسَتْ مُتَعَلِّقَةً بِالْمَيَاهِ الْمُجَاوِرَةِ بَلْ بِمَيَاهِ الْمُحِيطِ الْأَطْلَسِيِّ الَّذِي يَيْعُدُ مَسَافَةً مِائَتَيْ كِيلُومُترٍ عَنْ مَحَلِّ سُقُوطِ الْأَسْمَاكِ. و دریافتند که همه ماهی‌های پخش شده روی زمین از یک اندازه و یک گونه هستند، ولی شگفت این است که ماهی‌ها متعلق به آب‌های مجاور نیستند؛ بلکه متعلق به آب‌های اقیانوس اطلس هستند که مسافت دویست کیلومتر از محل افتادن ماهی‌ها دورند.

ما هُوَ سَبَبُ تَشْكِيلِ هَذِهِ الظَّاهِرَةِ؟! يَحْدُثُ إِعْصَارٌ شَدِيدٌ فَيَسْحَبُ الْأَسْمَاكَ إِلَى السَّماءِ بِقَوْةٍ وَيَأْخُذُهَا إِلَى مَكَانٍ بَعِيدٍ وَعِنْدَمَا يَفْقَدُ سُرْعَتَهُ تَسَاقِطُ عَلَى الْأَرْضِ. دلیل تشکیل این پدیده چیست؟ گرباد شدیدی رخ می‌دهد و ماهی‌ها را با قدرت به سوی آسمان می‌کشد و به جای دوری می‌برد و هنگامی که سرعتش را از دست می‌دهد بر زمین می‌افتدند.

يَحْتَفِلُ النَّاسُ فِي الْهُنْدُورَاسِ بِهَذَا الْيَوْمِ سَنَوِيًّا وَيُسَمُّونَهُ «مِهْرَاجَانَ مَطَرِ السَّمَكِ». مردم در هندوراس هر سال این پدیده را جشن می‌گیرند و آن را جشنواره باران ماهی می‌نامند.

فَوَأَنْزَلَ مِنَ السَّماءِ ماءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الشَّمَراتِ رِزْقًا لَكُمْ هُوَ الْبَقَرَةُ، ۲۲ و از آسمان آبی را فروفرستاد و به کمک آن از ثمره‌ها روزی برایتان خارج ساخت.

اعلموا

دانش آموز در دوره اول متوجه با فعلهای ماضی، مضارع، امر، نهی، نفی، مستقبل و معادل ماضی استمراری در قالب فعلهای ثالثی مجرد صحیح و سالم آشنا شده، گاهی نیز با فعلهای معتل، مهموز و مضاعف و نیز ثالثی مزید روبه رو شده است. اکنون در درس سوم و چهارم اختصاصاً با فعلهای ثالثی مزید آشنا می شود. دانش آموز رشته های غیر علوم و معارف اسلامی و علوم انسانی نیازی به حفظ اصطلاحات ندارد؛ زیرا عربی درس اختصاصی او نیست. صرفاً یک درس عمومی است. نیازی نیست او مجرد را از مزید تشخیص دهد. دانستن اینکه **یَخْرُجُونَ** مجرد است و **يُخْرُجُ** مزید وقت کلاس را می گیرد و معلم باید برای تفهیم این قاعده و قواعد شبیه آن بیشتر وقت کلاس را صرف کند و زمانی برای مهارت های زبانی خواندن، شنیدن و سخن گفتن نمی ماند؛ دانستن این نکات لازم است ولی با توجه به وقت محدود کلاس بهتر است وقت دبیر برای معنای کلمات صرف شود. دانش آموز بتواند معنای **يَسْتَغْفِرُ** را یاد بگیرد. بداند که **يَسْتَغْفِرُ** شبیه **يَغْفِرُ** است و تنها حروفی بیشتر از آن دارد. بتواند در فعلهایی مانند **خَرَجْتُمْ**، **إِسْتَخْرَجْتُمْ**، **تَخَرَّجْتُمْ**، **أَخْرَجْتُمْ** شناسه «تم» را تشخیص دهد و بداند که «تم» به معنای «ید» در فارسی است. حتی در **قُلْتُمْ**، **غَبْتُمْ**، **مَهْتُمْ**، **أَرْدْتُمْ**، **إِشْتَرَيْتُمْ**، **تَلَوْتُمْ** و ... نیز توقع می رود که همین مهارت را به دست بیاورد. وقتی که فراگیر خوب بفهمد خوب یاد خواهد گرفت و حتی بآنکه هدف کتاب باشد به مهارت ساختن هم خواهد رسید. تبدیل صیغه و ساخت فعل در سایه روان خوانی و ترجمه خود به خود حاصل می گردد. اما در کتاب درسی جزء اهداف آموزشی نیست.

دلیل اینکه چهار باب افعال، استفعال، و تفعّل مقدّم شده، سادگی یادگیری این ابواب به خاطر مفتوح بودن حرف مضارع در آن است؛ مثلاً باب «استفعال» برای دانش آموزان در مقایسه با باب إفعال بسیار ساده تر است. لذا در درس سوم از باب های ساده تر شروع شده است تا وقتی که قاعده جدید را خوب متوجه شدند، باب های دشوار مطرح شوند.

در رشته علوم انسانی علاوه بر مقاهیم مشترک معنای مشهور باب های ثالثی مزید نیز توضیح داده شده است. واقعیت این است که معانی باب ها حتی برای دانش آموز

علوم انسانی نیز آن طور که تصوّر می‌شود، سودمند نیست؛ مثلاً برای دانستن معنای **إِحْتَقَرَ**، **إِسْتَحْجَرَ**، **أَفْلَحَ** و **أَسْرَعَ** نهایتاً باید سراغ لغت‌نامه رفت و دانستن معنای ابواب کارگشا نیست. **إِسْتَحْجَرَ** معنای درخواست ندارد.

إِسْتَحْجَرَ: مانند سنگ شد.

إِسْتَحْجَرَ الرَّجُلُ : آن مرد برای خود حجره ساخت.

إِسْتَحْجَرَ عَلَيْهِ : بر او سرخت شد.

أَعْرَضَ : دوری کرد امّا **عَرَضَ** : عرضه کرد. یعنی **عَرَضَ** متعددی و **أَعْرَضَ** لازم است. در **تَغَافُلٍ** و **تَجَاهُلٍ** اشتراک نیست.

حوارات

در بخش حوار، **گفت‌وگویی** در اداره گذرنامه در فرودگاه آموزش داده شده است. امتیاز بزرگ این مکالمه کاربردی بودن آن است. هرکس که به زیارت مکّه مکرّمه و مدینه منوره مشرف شده است، می‌داند که موضوع حوار کاملاً جالب و واقعی است. دانش‌آموز نخواهد پرسید چنین **گفت‌وگویی** چه کاربردی دارد؟ عبارت‌های متن مهم هستند و هرکس که عربی خوانده است باید چنین پرسش و پاسخ‌هایی را مسلط باشد.

تمرین‌ها

تمرین اول (در هر دو کتاب) : هدف تقویت درک مطلب است. حال نوبت این است که فرآگیر بتواند خود را بیازماید. از آنجا که یکی از مهارت‌های چهارگانه زبانی سخن گفتن است؛ این تمرین در این زمینه به دانش‌آموز کمک می‌کند.

در این قسمت نباید سخت‌گیری کرد؛ زیرا ساختن جمله از اهداف اصلی کتاب نیست. بنابراین، سؤال به صورت تعیین درست و نادرست است. دانش‌آموز به سادگی به این تمرین پاسخ می‌دهد. برای اینکه او از آموختن لذت ببرد، سؤال ساده طراحی شده است.

تمرین دوم (در عربی علوم انسانی تمرین سوم) : هدف تقویت آموخته‌های پیشین دانش‌آموز در دوره اول متوسطه و تلفیق آن با آموخته‌های نوین است. باید مراقب بود که این توهّم برای دانش‌آموز پیش نیاید که تصوّر کند ضمیر و فعل لازم و ملزم

هم هستند؛ مثلاً هم ذهبا را درست بداند و ذهبا را نادرست بداند، چون فعل ذهبا
بی نیاز از ضمیر است.
در اینجا تذکر معلم لازم است.

تمرین سوم زبان قرآن (در عربی علوم انسانی تمرین چهارم): حال نوبت این است که مهم‌ترین هدف یادگیری درس عربی به منصه ظهور برسد. دانش‌آموز آموخته‌هایش را در چند آیه و یک حدیث می‌آزماید.

تصویر سنگ قبر بانو دکتر آنه ماری شیمل^۱ اسلامپژوه، خاورشناس و مولوی‌شناس آلمانی

۱- خانم پروفسور «آنه ماری شیمل» پژوهشگر و نویسنده توانای آلمانی را سال‌هاست که در سراسر جهان به عنوان یک اسلام‌شناس و ایران‌شناس برجسته می‌شناسند. ده‌ها کتاب و صد‌ها مقاله، غرہ تالash‌های این بانوی شرق‌شناس است. به موزات قلم توانای او، بیان شیوا و جناب و نیز موجب دعوت پی‌درپی و سفرهای فراوان خانم «شیمل» به نقاط مختلف جهان برای ایراد سخنرانی در محافل علمی و دانشگاهی بوده است.

«آنه ماری شیمل» در سال ۱۹۲۹ در شهر «ارفورت» در شرق آلمان به دنیا آمد. او بانزده ساله بود که به فرازگیری زبان عربی پرداخت. شیمل در شانزده سالگی دوره دبیرستان را به پایان رساند و در دانشگاه برلین به تحصیل زبان و ادبیات عرب و اسلام‌شناسی پرداخت و در سال ۱۹۴۱ با اخذ درجه دکترا، دانش‌آموخته شد.

خانم «شیمل» سپس به عنوان متوجه و بعد به عنوان استاد رشته علوم اسلامی به استخدام دانشگاه «ماربورگ» در آمد. او در سال ۱۹۵۴ به دعوت دانشگاه آنکارا به ترکیه رفت و در این دانشگاه به تدریس ادبیات کلاسیک ترک پرداخت. در سال ۱۹۶۱ کرسی استادی در رشته‌های عرب‌شناسی و اسلام‌شناسی در دانشگاه بن آلمان به او واگذار شد. خانم «شیمل» از سال ۱۹۶۷ در دانشگاه هاروارد آمریکا نیز به تدریس پرداخت. او هم‌زمان با فعالیت متناوب در این دو دانشگاه در بسیاری از سایر دانشگاه‌های جهان نیز به عنوان استاد می‌همه‌مان فعالیت می‌کرد.

وی که یکی از پژوهشگران بزرگ در علوم و عرفان اسلامی در جهان غرب به شمار می‌آید، افزون بر کتاب‌های متعددی که در این زمینه تألیف کرده، آثار بسیاری از شعر، عارفان و فیلسوفان مشرق زمین را به زبان آلمانی ترجمه کرده است.

در سال ۱۹۹۵ جایزه صلح ناشران آلمان که یکی از معتبرترین جوایز فرهنگی این کشور محسوب می‌شود به وی اعطا شد. بسیاری از دانشگاه‌های معتربر جهان از جمله دانشگاه‌های سند در هندوستان، اسلام آباد، پیشاور، اوسپلا سوئی، قونیه و تهران به وی دکترای افتخاری اعطای کرده‌اند. در اسلام آباد پاکستان حتی یک خیابان به نام وی نام‌گذاری شده است. خانم پروفسور «شیمل» علاوه بر زبان‌های عربی، ترکی، فارسی، سندی و پشتو، با زبان‌های انگلیسی، فرانسه و سوئدی به خوبی آشنا بود.

وی در مصاحبه‌ای در برنامه دوم تلویزیون آلمان گفت: متناسبانه در آلمان اطلاعات ناقص و اغلب نادرستی در مورد اسلام، ایران و انقلاب اسلامی وجود دارد و متقابلاً در ایران نیز تقریباً هیچ‌گونه اطلاع قابل ملاحظه‌ای در مورد آلمان وجود ندارد.

شیمل در یکی از مصاحبه‌هایش اشاره‌ای به ادعیه اسلامی داشت و گفت: همواره دعاها، احادیث و اخبار اسلامی را از اصل عربی آن می‌خوانم و به ترجمه‌ای مراجعه نمی‌کنم. بخشی کوچک از کتاب مبارک صحیفه سجادیه را به آلمانی ترجمه و منتشر کرده‌ام، نزدیک به هفت سال پیش دعای رؤیت هلال ماه مبارک رمضان و دعای وداع با آن ماه را ترجمه می‌کرم و مادرم در بیمارستان بستری بود و به او سر می‌زدم، پس از آنکه او به خواب می‌رفت در گوش‌های از آن اتفاق به پاکنویس کردن ترجمه‌ها مشغول می‌شدم. اتفاق مادرم دو تخفی بود. در تخت دیکر خانگی بسیار فاضله بستری بود که کاتولیکی مؤمن، راسخ العقیده و متعصب بود. وقتی فهمید که من دعاها اسلامی را ترجمه می‌کنم، دلگیر شد که مگر در مسیحیت و در کتب مقدسه خودمان کمبودی داریم که تو به ادیة اسلامی روی آوردي؟! وقتی کتابم چاپ شد یک نسخه برای او فرستادم. یک ماه بعد او به من تلفن زد و گفت: صمیمانه از اهدای این کتاب متشکرم؛ زیرا هر روز به جای دعا آن را می‌خوانم.

وی در یکی از مصاحبه‌هایش در مورد مسلمانان ترک گفت:

وقتی من جلوی یک مسجد آیه‌های قرآن را می‌خوانم، ترکها شگفت‌زده از من می‌پرسند، شما می‌توانید این را بخوانید؟!

پروفسور «آنه ماری شیمل» طی دوران طولانی فعالیت علمی و فرهنگی خود بیش از هفتاد کتاب تألیف و ترجمه کرده است.

منبع: پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه

آراسته به حدیث حضرت علی ؓ تأثیر روانی بسیاری بر دانش آموز دارد. شایسته است دبیر دست کم یک دقیقه درباره این بزرگ بانو برای دانش آموزان صحبت کند.

عبارة إنكم مسؤولون حتى عن البقاء والبهائم در كلاس پرسیده شود كه منظور چيست.
هدف از این سخن حکیمانه حضرت علی ؓ این است که دانش آموز بداند چه مسئولیتی در برابر محیط زیست دارد.

تمرین چهارم زبان قرآن (معادل تمرین پنجم انسانی): هدف این تمرین تقویت مهارت واژه‌شناسی است.

طرح تمرین پنجم دشوار، اما حل آن برای دانش آموز آسان و لذت‌بخش است.

تمرین پنجم زبان قرآن (معادل تمرین ششم انسانی): هدف این تمرین نیز باز هم تقویت مهارت واژه‌شناسی است.

تلاش شده است تمرین متضاد و متزادف هرجای کتاب که امکان داشت طراحی شود.
تمرین هفتم تا نهم (در هر دو کتاب): نه تنها در این درس، بلکه در همه جای کتاب تمرین فعل تکرار شده است و در کتاب‌های دو سال آینده نیز این تکرار و تمرین بر انواع فعل انجام خواهد شد.

یادگیری فعل بسیار مهم است. مهم‌ترین قاعده در آموزش عربی آموزش انواع فعل است.

تمرین دهم عربی زبان قرآن (در عربی علوم انسانی تمرین دوم): هدف تقویت مهارت شناخت فعل است. دانش آموز باید بتواند در دو گزینه ارائه شده قدرت تشخیص غلط را از درست داشته باشد. دلیل اینکه دو گزینه ارائه شده این است که مسابقه‌ای در کار نیست. هدف آموزش است و در آموزش دانش آموز همچون فرزند ماست که می‌خواهد بیاموزد. در ارزشیابی نباید به سبک آزمون سراسری سؤال طرح کرد. کارشناسان و صاحب‌نظران بسیاری این شیوه طرح سؤال آزمون سراسری را رد کرده‌اند. این سبک طرح سؤال در آزمون سراسری از سر ناچاری است و چون شیوه بهتری ارائه نشده است؛ لذا این سبک ادامه دارد و از نظر علمی شیوه‌ای مورد تأیید نیست.

أَنْوَارُ الْقُرْآنِ

در هر هشت درس کتاب عربی زبان قرآن این بخش وجود دارد. دانش آموز آموخته هایش را در قرآن محک می زند. این بخش از درسی به درس دیگر در قالبی جدید طراحی شده است. هدف فقط معنای همان کلماتی است که در کتاب درسی با آن مواجه شده است.

به عبارت دیگر معنای کلماتی که تاکنون در کتاب با آن رو به رو نشده است از اهداف آموزشی کتاب نیست و مورد ارزشیابی قرار نخواهد گرفت. پیشتر اشاره شد که حل این تمرين در منزل انجام خواهد شد و در صورتی که دبیر تشخیص دهد که از نظر زمان مشکلی ندارد بهتر است که در کلاس حل شود. این بخش در کتاب عربی علوم انسانی وجود ندارد.

البحث العلمي

هدف یافتن داستان های قرآنی به زبان عربی و ترجمه آنها به فارسی است. از آنجا که دانش آموز با برخی داستان های قرآنی آشناست، ترجمه آنها برایش ساده تر است. این کار می تواند به صورت گروهی انجام شود. طبیعی است که کاری وقت گیر است و نیاز به زمان ندارد و باید خارج از وقت کلاس انجام و در کلاس گزارش داده شود. پیشنهاد می شود یک وبلاگ برای این منظور به اسم مدرسه و برای ثبت فعالیت های دانش آموزان ساخته شود.

ارزشیابی

هرچه در دروس قبل، درباره شیوه های ارزشیابی نوشته شد در این درس نیز مصدق دارد.

متن درس را می توان با استفاده از کتاب گویا و نماهنگ های موجود در اینترنت در مورد این پدیده طبیعی در کلاس درس اجرا کرد.

وسایل کمک آموزشی

در این درس نیز همچنان استفاده از کتاب گویا، نرم افزار، پاورپوینت، اینفوگراف، نماهنگ آموزشی، اعلان و اسلاید توصیه می شود.

دانش افزایی برای دبیر (نه دانش آموز)

۱ ٰ ثُلْجُ بِهِ دُوْ مَعْنَى بَرْفٌ وَّ يَخٌ أَسْتَ.

۲ ٰ مِهْرَجَانٌ مَعْرَبٌ مِهْرَگَانٌ يَادَاوَرٌ جَشْنٌ بَزْرَگٌ اِيرَانِيَانٌ باِسْتَانٌ بِهِ هَنَگَامٌ مَهْرٌ أَسْتَ.

از آن واژه مُهَرَّجٌ بِهِ معنای دلچک سیرک نیز ساخته شده است.

مهرجان به معنای جشنواره (فستیوال) است. جمع آن مهرجانات و همراه با احتفالات به کار می رود.

۳ ٰ كَلْمَةٌ ثُلَاثَى خَلَافٌ قِيَاسٌ بِهِ كَارٌ رَفْتَهُ وَ دَرِ اَصْلٌ بَايِدٌ ثُلَاثَى مَى بُودَ.

۴ ٰ شَرَفٌ يَعْنِي مَشْرَفٌ فَرَمُودِيٌّ، اِفْتَخَارٌ دَادِيٌّ وَ تَشَرَّفٌ يَعْنِي مَشْرَفٌ شَدِيٌّ؛ مَثَلًاً بِهِ مَكْرَمَهٌ مَشْرَفٌ شَدِمٌ؛ تَشَرَّفٌ بِزِيَارَةِ مَكَّةَ الْمُكَرَّمَةِ.

۵ ٰ بِطَاقَةٌ جَمْعٌ بِطَاقَاتٍ وَ بَطَائِقٍ، يَعْنِي كَارٌتٌ، بَلِيتٌ، بِرْجَسْبٌ، بَرْگَهٌ. بِطاقة بَرِيدِيَّةٌ: كَارٌتٌ پِسْتَالٌ، بِطاقة تَهْوِينِيَّةٌ: كَارٌتٌ خَوارِبَارٌ، بِطاقة تَهْنِئَةٌ: كَارٌتٌ تَبِرِيكٌ، بِطاقة الدُّخُولٌ: كَارٌتٌ وَرَوْدٌ، بِطاقة المُغَادَرَةٌ: كَارٌتٌ خَروجٌ، بِطاقة الدَّعْوَةٌ: كَارٌتٌ دُعْوَتٌ، بِطاقة الزِّيَارَةٌ: كَارٌتٌ وَيِزِيتٌ، بِطاقة الثَّوِّبٌ: نَرَخٌ فَرُوشٌ جَامِهٌ كَهْ در گوشه آن یادداشت کنند، بِطاقة الْهُوَيَّةٌ كَارٌتٌ شَناصِيَّيٌّ، بِطاقة الاشتراك في المكتبة: كَارٌتٌ عضويت کتابخانه. این واژه آرامی است.

۶ ٰ مَعْمُولاً سُورَةٌ مَمْتَحَنَةٌ رَأَهُ كَسْرٌ حَتَّى تَلْفُظٌ مَى كَنَنْدَ، وَلَى بِهِ فَتْحٌ درست است. به آیه دهم از این سوره دقّت کنید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ فَامْتَحِنُوهُنَّ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ﴾
با توجّه به فعل اِمْتَحِنُوهُنَّ ممتحنة درست است.

۷ ٰ تَحَدَّثُ هَذِهِ الظَّاهِرَةُ فِي السَّنَةِ مَرَّتَيْنِ أَحِيَانًاً. در اینجا مرّتین نایب مفعول مطلق میّن للعدد است.

۸ اینکه گفته شد «فعل لازم» یعنی «لَزِمَ فاعله و لایحتاج إلى المفعول» و «متعدّی» یعنی «يتعدّي إلى المفعول». در دستور زبان فارسی لازم را ناگذر و متعدّی را گذرا نامیده‌اند.

۹ در ﴿وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ﴾ رسول لفظاً مجرور و محلّاً منصوب است.

۱۰ کلمه الله در اصل ال+اله بوده و همزه به خاطر کثرت استعمال حذف شده است.

درباره ریشه واژه الله چند نظر وجود دارد:

برخی گفته‌اند الله از الله گرفته شده است. عرب در روزگار جاهلیّت خدا را می‌شناخته است، اما برایش شریک قائل می‌شده و چند الله داشته است و الإله یعنی آن خدای بزرگ و برتر از سایر خدایان.

گروهی دیگر بر این باورند که این کلمه از «وله» گرفته شده و الله بر وزن فعال به معنای مفعول است؛ مانند کتاب که به معنای مکتوب است.

و اگر از «وله» گرفته شده باشد، وله یعنی سرگشتگی و الله یعنی سرگشته (حیران) یا شیداست و از این رو، خدا را الله گفته‌اند که خرد در برابر او سرگشته و شیدا می‌شود. سبیویه از دانشمندان صرف و نحو از طرفداران این نظر است که ریشه واژه الله «وله» است. مولوی در مثنوی نظر او را بیان کرده و می‌گوید:

معنى الله گفت آن سبیویه يولهون في الخواچ هم لدیه
گفت الهنا في حوانجنا إليك و التمسناها وجدناها لدیك

ترجمه: سبیویه درباره معنای الله گفت: الله کسی است که مردم در نیازهای خود شیداوار به سوی او می‌روند. گفت ای خدای ما در نیازهایمان به سوی تو روی می‌آوریم و از تو می‌خواهیم و آنها را نزد تو می‌یابیم.

شاید هم الله و وله دو گویش از یک زبان باشند؛ یعنی در آغاز وله بوده سپس آن را به صورت الله استعمال کرده‌اند؛ و وقتی آن را به صورت الله تلفظ نمودند معنای پرستش

هم یافته؛ بنابراین، معنای الله چنین می‌شود: آن ذاتی که همه موجودات ناگاهانه شیدای او هستند و او تنها وجودی است که شایستگی پرستش دارد.

برخی بر این باورند که در فارسی واژه‌ای معادل کلمه الله نداریم و هیچ واژه‌ای رساننده قام معنای الله نیست؛ زیرا اگر به جای الله «خدا» بگذاریم رسا نخواهد بود؛ زیرا چون خدا مخفف «خودآی» است و اگر خداوند به کار رود باز رسا نخواهد بود؛ زیرا خداوند یعنی صاحب. اما چنین نیست؛ در هر زبانی برای معادل الله واژه‌های زیبایی وجود دارد که از جنبه‌هایی بر زبان‌های دیگر برتری دارد. در فارسی نیز اهورامزدا، ایزد، یزدان، کردگار، خدا، خداوند، پروردگار واژگانی زیبایند. ولهان یعنی شیدا، عاشق

۱۱ ترجمه فارسی «أَخَدَ» می‌شود: گرفت، بُرد، برداشت آغاز کرد و ...

أَخَذْتُ هَدِيَّةً: هدیه‌ای گرفتم، **خُذْنِي مَعَكَ:** مرا با خودت ببر، **أَخَدَ الْحَقِيقَةَ:** چمدان را برداشت، **أَخَدَ يَكْتُبُ:** آغاز به نوشتن کرد، **أَخَدَ عَلَيْهِ:** او را سرزنش کرد، **الْأَخْدُ وَ الرَّدُ:** گفت و شنود، **أَخَدَهُ النَّوْمُ:** خواب بر او چیره شد، **أَخَدَ الْقُلُوبَ:** دلها را ربود، **أَخَدَ مَجْرَاهُ:** در راه عادی خود رفت، **أَخَدَ رَأْيَهُ:** با او مشورت کرد، **أَخَدَ مِنْ شَارِبِهِ:** از سبیلش چید، **أَخَدَ بِدَنْبِهِ:** او را به گناهی که مرتکب شده بود کیفر داد.

ترجمه فارسی **أَخَدَ** به جمله داده شده بستگی دارد؛ مثال بیشتر:

أَخَدَ الْخُوفُ مِنْهُ مَأْخُذًا: ترس، او را فراگرفت.

أَخَدَتْ فِيهِ الْخَمْرُ: می‌در او اثر کرد.

أَخَدَ عَلَيْهِ طَرِيقَهُ: او را بر کاری که کرده بود نکوهش نمود.

أَخَدَهُ بِالشَّدَّةِ: به سختی با او رفتار کرد.

أَخَدَهُ بِالْحُسْنِي: به نیکی با او رفتار کرد.

أَخَدَ بِيَدِهِ او بِنَاصِرِهِ: او را یاری کرد.

أَخَدَ أَخْدَهُ وَ بِإِخْدِهِ: از روش و خوی او پیروی کرد.

أَخَدَهُ عَلَى حِينَ غُرْرَهِ: ناگهان بر او وارد شد یا ناگهان او را گرفت.

أَخَدَ عَلَى نَفْسِهِ: با خود عهد بست.

أَخَذَهُ عَلَى عَاتِقِهِ : مسؤولیت را بر عهده گرفت.

أَخَذَ عَلَى يَدِهِ : از کاری که می خواست انجام دهد او را بازداشت.

أَخَذَ عَنْهُ : از او نقل قول کرد، از او آموخت؛ «أَخَذَ عَنْ كُتُبِ الْأَوَّلِينَ»: از کتابهای قدیمی نقل کرد؛ «أَخَذَ عَنْهُ الْجَرَّ وَ الْهَنْدَسَةَ»: از او علم جر و هندسه آموخت.

أَخَذَ بِخاطِرِهِ: با او همدردی کرد، به او تسليت گفت، او را تسلی داد.

أَخَذَ (أَوْ أَمْسَكَ) بِخَنَاقَهِ: يقه‌اش را گرفت (چسبید)

أَخَذَ بِشَدَّةٍ: شدیداً برخورد کرد، برخورد خشن کرد، با خشونت برخورد کرد، شدیداً مؤاخذه کرد.

أَخَذَ بِالثَّارِ: انتقام گرفت.

أَخَذَ جَانِبَا مِنْ: بخشی از ... را به خود اختصاص داد (به عهده گرفت).

أَخَذَ جَانِبَا مِنْ: بخشی از ... را به خود اختصاص داد ، قسمتی از ... را به انحصار خود درآورد.

أَخَذَ حَذْرَهِ: احتیاط کرد، مواظبت کرد، هشیار شد، مراقبت کرد، دست به عصا راه رفت، محتاطانه حرکت (عمل) کرد.

أَخَذَ حَذْرَهِ: هوشیار شد، حواسش را جمع کرد، احتیاط کرد، دقت کرد، مراقبت (احتیاط) کرد، مواظبت (احتیاط) کرد.

أَخَذَ بِالحَسْبَانِ: به حساب آورد، مراعات کرد، مدنظر قرار داد، رعایت نمود، منظور داشت، توجّه کرد، در نظر گرفت، جدّی گرفت.

أَخَذَ بِالحَسْنِيِّ: مهربانی کرد ، ملاطفت کرد ، خوشرویی کرد ، نرمی کرد ، برخورد نیکو کرد.

أَخَذَ حِيطَتَهِ: احتیاط کرد، دست به عصا شد، دقت کرد، مواظب شد (مواظبت کرد)، مراقب شد (مراقبت کرد).

أَخَذَ عَلَى عَاتِقِهِ: به عهده گرفت، پذیرفت، بردوش کشید، به گردن گرفت، گردن نهاد .

أَخَذَ عَلَمًا بِهِ: آگاه شد از، مطلع شد از، را ملاحظه کرد، پی برد به.

أَخَذَ عَلَى عَهْدَتِهِ: به عهده گرفت، متعهد شد، تعهد نمود، ملتزم شد، بر دوش گرفت.

أَخَذَ عِينَاتِ: نمونه برداری کرد ، نمونه گیری کرد ، الگو گرفت (قرار داد).

أخذ علی (حین) غرة: غافلگیر کرد.
 أخذ گرهینه: به گروگان گرفت، گروگان گرفت.
 أخذ بالنصيحة: پند گرفت، اندرز گرفت، نصیحت را گوش کرد، حرف را قبول کرد، درس
 گرفت (پند شنید).
 أخذ بذفة الحكم: زمام امور (حكومة) را در دست گرفت، بر مسند قدرت نشست،
 قدرت را به دست گرفت، به حکومت (قدرت) رسید.
 معانی مشهور باب‌های ثلثی مزید برای معلم نه برای دانشآموز: (استثنای در معانی
 وجود دارد).

باب إفعال (أَفْعَلٌ يُفْعِلُ إِفْعَالٌ)

١ متعدّى كردن فعل لازم (تعديه):

مثال: ضحاكَ علٰيْ؛ على خندید. ← أَضْحَاكَ علٰيْ حُسَيْنًا؛ على حسین را خنداند.
 قرآن: هُإِنَّهُ هُوَ أَضْحَكَ وَ أَبْكَىٰ؛ اوست که خندانید و گریانید.

٢ مفعول را دارای صفتی یافتن (وجдан الصفة):

مثال: أَعْظَمْتُ اللَّهَ؛ خدا را با عظمت یافتم.

قرآن: هُلْ قَلَمًا رَأَيْنَهُ أَكْبَرَنَهُ؟؛ وقتی او را دیدند بزرگ یافتند.

٣ فاعل دارای ماده فعل شود یا مفعول را دارای ماده فعل کنیم: (واجدیت)

مثال: أُورَقَ الشَّجَرُ؛ درخت دارای برگ شد.

قرآن: هُفَاقِبَرُهُ؟؛ در قبرش نهاد.

أَئْمَرَ؛ میوه دار شد.

٤ داخل شدن فاعل در زمان، مکان یا عدد:

أَعْرَقَ سَعِيدً؛ سعید وارد عراق شد.

قرآن: هُفَاصَبَحَ مِنَ الْخَاسِرِينَ؟؛ داخل صبح شد در حالی که از زیانکاران بود.

٥ نسبت فعل به غیر فاعل:

مثال: أَكَسَدَ الْكَاسِبُونَ؛ کاسبها بازارشان کسداد شد.

٦ رسیدن به وقت:

مثال: أَحَصَدَ الرَّزْعُ؛ هنگام درو کشت رسید.

٧ مبدأ فعل را از فاعل یا مفعول برطرف کردن (سلب):

مثال: أَفْرَغْتُ حَمِيدًا؛ بیمناکی حمید را برطرف کردم.

٨ ضد معنای ثلاثی مجرد:

مثال: تَرَبَ حَامِدٌ؛ حامد خاکنشین (تهیdest) شد.

أَتْرَبَ حَامِدٌ؛ مال در دست حامد چون خاک شد (ثرومند شد).

الإِمَامُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الْدُّنْيَا تُخْلِقُ الْأَبْدَانَ؛ همانا جهان پیکرها را فرسایش می‌دهد.

قرآن: هُوَ أَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا؛

وَ امَّا مُنْحَرِفِينَ بِرَأْيِ دُوزَخِ هَيْزِمَ خَوَاهَنْدَ بُودَ.

هُوَ أَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ؛

دادگری را گسترش دهید که خدا دادگستان را دوست می‌دارد.

باب تفعیل (فعَل - يُفْعَلُ تَفعیل «تفعال» - تَفعِلَة - فَعَال - فِعال فِعال»)

١ متعددی کردن فعل لازم (تعدیه):

قرآن: هُنَزِّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابُ؛ بر تو کتاب را فرود آورد.

٢ دلالت بر زیادی فعل یا فاعل یا مفعول (تکثیر)

قرآن: هُنَغَّلَقَتِ الْأَبْوَابُ؛ درهای زیادی را بست.

٣ مبالغه (تفاوتش با تکثیر این است که در تکثیر بیشتر کمیت و در مبالغه بیشتر کیفیت مدد نظر است).

مثال: صَرَحْتُ الْحَقَّ؛ حق را کاملاً آشکار کردم.

قرآن: هُنَقْدُ صَدَقْتَ الرُّؤْيَا؛ آنچه در رؤیا دیدی کاملاً تصدیق کردی. (مأموریت را کاملاً به انجام رساندی)

٤ تدریج:

قرآن: هُنَإِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ؛ ما این قرآن را به تدریج نازل کردیم.

٥ نسبت دادن ماده فعل به مفعول (نسبت):

قرآن: هُوَ مَنْ يُعَظِّمُ حُرْمَاتِ اللَّهِ؛ و هرکس حرمت یافتگان خدا را بزرگ بدارد.

۶ ضد معنای باب افعال:

قرآن: ﴿إِنَّا نَخَافُ أَنْ يَفْرُطَ عَلَيْنَا﴾؛ بیم داریم در آزارمان زیاده روی کند.
هم لا یُفَرِّطُونَ؛ آنها کوتاهی نمی‌کنند.

مصدر باب تفعیل در وزن‌های دیگری هم به کار می‌رود، این کلمات نیز مصدر باب تفعیل‌اند: تَكْرَار / تَجْرِيْبَة / سَلَام / كِذَاب / كِذَاب
باب مُفاعَلَة (فَاعَلَ - يُفَاعِلُ - مُفَاعَلَة)

۱ مشارکت (معنای غالب باب مفاعلة است.)

درحالی که هر دو طرف هم فاعل‌اند و هم مفعول، اماً آغازکننده به صورت فاعل و دیگری به صورت مفعول آورده می‌شود: کاتِبٌ ناصِرٌ مَحْمُودًا؛ ناصر و محمود با یکدیگر نامه‌نگاری کردند.

قرآن: ﴿فَسَاهَمَ فَكَانَ مِنَ الْمُدْحَضِينَ﴾ (صفات، ۱۴۱)؛
پس قرعه انداختند و او از مغلوبین شد.

۲ تکثیر

ءاجِرَكَ اللَّهُ؛ خداوند پاداش بسیار به تو دهد.

۳ تعدیه (متعددی کردن فعل لازم)

بعد: دورشد ← باعَدَ: دور کرد

قرآن: ﴿وَلِكُنْ بَعْدَتْ عَلَيْهِم﴾؛ ولی به نظرشان دور آمد.
ربَّنَا بَاعِدْ بَيْنَ أَسْفَارِنَا؛ پروردگار مابین سفرهای ما فاصله زیاد قرار بده.
همان معنی ثلاثی مجرّد

ممولاً هرگاه در باب مفاعله، فعلی به خدای تعالی نسبت داده شود در معنای چهارم است.

قرآن: ﴿قَاتَلُهُمُ اللَّهُ﴾، ﴿يُخَادِعُونَ اللَّهَ﴾
باب تفعُّل (تَفَعَّلَ - يَتَفَعَّلُ - تَفَعُّل)

۱ مطاوعه (قبول اثر فعل) باب تفعُّل برای پذیرش اثر باب تفعیل به کار می‌رود:

عَلِمْتُ هَاشِمًا فَتَعَلَّمَ؛ بَهْ هَاشِمْ يَادْ دَادْ مُسْ يَادْ گُرْفَتْ.

قرآن: ﴿قَتَلَّقَىٰ إِدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ الْتَوَابُ الْرَّحِيمُ﴾؛ (بقره / ۳۷)؛ و آدم از پروردگار خود سخنانی فرا گرفت و خدا او را بخشید زیرا وی توبه پذیر و مهربان است.

﴿هُرَبَّنَا تَقْبَلَ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ أَسْمَيْعُ الْعَالِيمُ﴾؛ (بقره / ۱۲۷)؛

پروردگار، از ما بپذیر زیرا تو شنواي دانا هستن.

۲ تکلف: خود را به رنج انداختن (فاعل می خواهد چيزی غیر واقعی را به زحمت به خود منسوب کند).

قرآن: ﴿وَمَا أَنَا مِنْ الْمُتَكَلِّفِينَ﴾؛ (ص / ۸۶)؛ و من از آنها نیستم که چيزی را که ندارند به خود می بندند.

۳ تدریج

قرآن: ﴿قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ يَتَسَلَّلُونَ مِنْكُمْ﴾؛ (نور / ۶۳)؛

خدا از شما کسانی را که نهانی در می روند می شناسد (تسلل آن است که کسی خود را از جایی آرام آرام بیرون کشد طوری که نخواهد کسی پی ببرد).

قرآن: ﴿يَتَجَرَّعُهُ﴾؛ (ابراهیم / ۱۷)؛ به زحمت، جرعه جرعه آن را سر می کشد.

۴ تجنب؛ (اجتناب فاعل از ماده فعل)

تائّم قاسِم؛ قاسم از گناه دوری کرد.

۵ تلبیس؛ (فاعل چيزی را که فعل از آن مشتق شده بپوشد)

تَقْمَصَ جَوَادٌ؛ جواد پیراهن پوشید.

۶ صیرورت؛ (به حالتی در آمدن)

تَسَلَّمَ هِشَامٌ؛ هشام مسلمان شد.

باب تفافع (تفافع - یتفافع - تفافع)

۱ مشارکت:

قرآن: ﴿تَعَاوَنُوا عَلَىٰ أَلْبَرٍ وَالْتَّقْوَىٰ﴾؛ (مائده / ۲)؛

یکدیگر را در کار نیک و پرهیزگاری یاری کنید.

۱ تظاهر:

تمارض کاظم؛ کاظم خودش را به بیماری زد.

قرآن: ﴿إِنَّا قَاتَلْنَا إِلَيْهِ الْأَرْضَ﴾ (توبه / ۳۸):

به زمین سنجینی می‌کنید. (خودتان را ناتوان جلوه می‌دهید).

۲ مطاوعه (پذیرش اثر فعل):

باعدُ متصوراً فَتَبَاعَدَ؛ منصور را دور کردم پس دور شد.

۳ تدریج:

تراید المطر؛ باران به تدریج بسیار شد.

هرگاه فاء الفعل در باب‌های تفعّل و تفاعل یکی از دوازده حرف (ت، ث، ج، د، ذ، ز، س، ش، ص، ض، ط، ظ) باشد، جایز است حرف «ت» این دو باب را هم جنس فاء الفعل کرده در آن ادغام کنیم. برای پرهیز از ابتدا به ساکن از یک همزة وصل کمک می‌گیریم.

تشاقل ← تشقّل ← تشقّل ← اِثْقَل ← اِثْقَل

تضاربون ← تضاربون

﴿تَنَزَّلَ الْمَلَائِكَةُ وَ الرُّوحُ﴾ فعل تنزل در اصل تنزل بوده است.

باب افعال (افتّعل - یفتّعل - افتّعال)

۴ مطاوعه (اثرپذیری)

جمعتَ النَّاسَ فَاجْتَمَعُوا؛ مردم را گرد آوردم و آنان گرد هم آمدند.

قرآن: ﴿وَ قِيلَ لِلنَّاسِ هَلْ أَنْتُمْ مُجْتَمِعونَ﴾ (شعراء، ۳۹): و به مردم گفتند آیا شما

گرد هم می‌آید؟

۵ تلاش و مبالغه:

إِكْتَسَبْتُ الْمَالَ؛ با کوشش فراوان مال به دست آوردم.

قرآن: ﴿لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا أُكْتَسَبْتُ﴾ (بقره، ۲۸۶):

نیکی‌های هر شخصی به سود خود او و بدی‌هایش نیز به زیان خودش است.

۶ اتخاذ (فراهم آوردن ماده فعل)

إِحْبَيْتُ الْخَبْرَ؛ نان را پختم.

٤ طلب:

إِعْتَدْرُتْ مَاجِدًا؛ از ماجد پوزش خواستم.
 قرآن: هُلَا تَعْتَذِرُوْا قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانُكُمْ (توبه، ٦٦):
 پوزش نخواهید؛ زیرا پس از ایمانتان کافر شدید.

٥ معنای ثلثی مجرّد:

إِجْتَدَبْتُ قَمِصَ أَخِي؛ پیراهن برادرم را کشیدم.

٦ مشارکت:

إِحْتَصَمَ جَعْفُرُ وَ سَجَادُ؛ جعفر و سجاد با هم دشمنی کردند.

قرآن: هُهَدَانِ حَصَمَانِ أَحْتَصَمُوا فِي رَبِّهِمْ (حج، ١٩):
 اینها دو دشمنند که در مورد پروردگارشان با یکدیگر دشمنی کردند.

تفاوت مشارکت در باب مفاعله با باب‌های تفاعل و افتعال این است که در باب مفاعله شروع کننده، اعراب فاعلی می‌گیرد و دیگری حالت مفعولی، ولی در باب تفاعل و افتعال هر دو به صورت فاعل می‌آیند.

در باب افتعال در حالت‌های زیر حروف تبدیل می‌شوند:

- اگر فاء‌الفعل (و) یا (ی) باشد به (ت) تبدیل سپس در (ت) باب افتعال ادغام می‌شوند؛ مثل **إِتْحَادِ استثنائِ** در مورد **أَخَدَ** هم این حالت رخ می‌دهد: **إِتْخَاذ**
- اگر فاء‌الفعل (ص، ض، ط، ظ) باشد، (ت) در باب تبدیل به (ط) می‌شود؛ مثال: **إِضْطَرَابِ، إِضْطِرَارِ وَ إِضْطِهَادِ**

قرآن: هُوَأَصْطَرَ لِعِبَادَتِهِ (مریم، ٦٥): در عبادتش بردبار باش.

- اگر فاء‌الفعل (د، ذ، ز) باشد (ت) در باب تبدیل به (د) می‌شود و جایز است که (د) و (ذ) را هم در هم ادغام کیم:

زَجَرَ - إِزْتَجَرَ - ازْدَجَرَ
ذَكَرَ - اذْتَكَرَ - اذَدَكَرَ

قرآن: هُوَقَالُوا مَجْنُونٌ وَأَزْدُجَرٌ (قمر، ٩): و گفتند جن زده و زیان دیده است.

قرآن: ﴿وَأَذْكُرْ بَعْدَ أُمَّةٍ﴾ (يوسف، ۴۵)؛ و پس از مذکور به یاد آورد.

- هرگاه عین الفعل فعلی در این باب یکی از ۱۲ حرف (ت، ث، ج، د، ز، س، ش، ص، ض، ط، ظ) باشد، جایز است حرف (ت) این دو باب را هم جنس عین الفعل کرده در آن ادغام کنیم، سپس فاء الفعل را مفتوح یا مكسور کنیم و چون از همزه باب بی‌نیاز می‌شویم آن را حذف می‌کنیم.

حَصَمٌ - إِحْتَصَمٌ - إِحْصَاصٌ - إِحْصَمٌ - حَصَمٌ - يَحْصُمُ

قرآن: ﴿وَ هُمْ يَحْصُمُونَ﴾ (يس، ۴۹)؛ در حالی که سرگرم دشمنی باشند.

باب انفعال (إِنْفَعَلٌ - يَنْفَعِلُ - إِنْفَعَالٌ)

تنها معنای این باب مطاوعه (اثرپذیری) است:

گسرتُ الْعَظَمَ فَانْكَسَرَ، استخوان را شکستم پس شکسته شد.

قرآن: ﴿فَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنِ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَخْرَ فَانْفَاقَ﴾ (شعراء، ۶۳)؛

به موسی وحی کردیم که عصایت را به دریا بزن، پس بشکافت.

باب افعال (إِفْعَلٌ - يَفْعُلُ - إِفْعَالٌ)

۱ داخل شدن فعل در ماده فعل:

إِسْوَدُ اللَّيْلُ؛ شب وارد سیاهی شد.

قرآن: ﴿ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًا وَهُوَ كَظِيمٌ﴾ (زخرف، ۱۷)؛

رویش از بسیاری خشم و ناراحتی سیاه می‌شود.

۲ مبالغه:

إِبْيَاضُ الثَّوْبُ؛ لباس بسیار سفید شد.

قرآن: ﴿يَوْمَ تَبَيَّضُ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُ وُجُوهٌ﴾ (آل عمران، ۱۰۶)؛

روزی که چهره‌هایی سفید و چهره‌هایی سیاه می‌شود.

باب استفعال (اسْتَفَعَلٌ - يَسْتَفْعِلُ - إِسْتِفَعَالٌ)

۱ طلب (معنای غالب این باب است).

قرآن: ﴿وَإِنِ اسْتَنَصْرُوكُمْ فِي الدِّينِ﴾ (انفال، ۷۷)؛

اگر از شما در راه دین یاری بخواهند شما باید یاریشان کنید.

۲ مفعول را دارای صفتی یافتن:

إِسْتَكْرَمْتُ حَاتِمًا؛ حاتم را بخشندۀ یافتم.

قرآن: هُوَ نُرِيدُ أَنْ مُّنَّ عَلَى الَّذِينَ أَسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ (قصص، ۵)؛
و می خواهیم که بر آنان که در زمین ناتوان نگاه داشته شدند، مُنَّ نهیم.

۳ قرار دادن مادّه فعل برای مفعول:

إِسْتَخْلَفْتُ زَكَرِيَا؛ زکریا را جانشین خود کردم.

قرآن: هُوَ يَسْتَخْلِفُ رَبِّي قَوْمًا غَيْرَ كُمْ (هود، ۵۷)؛
پروردگارم قومی غیر شما جانشین می کند.

۴ تحوّل: (فاعل از حالتی به حالتی دیگر درآید که مادّه فعل بر آن دلالت می کند):

إِسْتَحْجَرَ الطِّينُ؛ گل سنگ شد.

قرآن: هُوَ فَأَسْتَخْلَطَ فَأَسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ (فتح، ۲۹)؛
[آن جوانه‌ها] ستبر می شود و راست بر پای خود می ایستد.

۵ مطاوعه (اثر پذیری):

أَحَقَمْتُهُ فَاسْتَحَكَمْ؛ آن را محکم کردم پس محکم شد.

از ذکر معانی باب‌های افعیال، افعیعال، افعیوال چون پرکاربرد نیست صرف نظر شد.

الدَّرْسُ الرَّابِعُ

اهداف رفتاری: دانش آموز در پایان این درس باید بتواند:

- ١ متن درس را درست قرائت و ترجمه کند.
- ٢ پیام متن را درک کند.
- ٣ معنای کلمات جدید این درس را از عربی به فارسی بیان کند.
- ٤ به هنگام ضرورت، به آیات و حکم درس استشهاد کند.
- ٥ فعلهای ماضی، مضارع، امر، نهی، نفی، مستقبل و معادل ماضی استمراري از بابهای تفاعل، تفعیل، مفاعله و إفعال را درست ترجمه کند و در جمله جایگاه درست آنها را تشخیص دهد.

فرايند آموزش

متن درس چهارم دعوت به هم زیستی مساملت آمیز میان مذاهب و قومیت هاست. در بسیاری از کشورها از جمله ایران قومیت ها و گاهی مذاهب مختلفی زندگی می کنند. بزرگان دین و کشور همیشه همگان را دعوت به همبستگی می کنند. در ایران قومیت های بسیاری هستند؛ مانند فارس، ترک، کرد، لر، لک، بختیاری، عرب، ترکمن، بلوج، تات، تالشی، تبری، گیلک، سیستانی، ارمنی، افغان، گرجی، قرقاک، آسوری و ...

هماهنگی در ترجمه متن درس

آلْتَعَيْشُ السَّلْمِيُّ

لَقَدْ كَانَتْ رِسَالَةُ الْإِسْلَامِ عَلَى مَرْءُ الْعُصُورِ قَائِمَةً عَلَى أَسَاسِ الْمُنْطَقِ وَ اجْتِنَابِ الْإِسَاءَةِ؛ رسالت اسلام در گذر زمان بر پایه منطق و دوری کردن از بیادبی استوار است. (بوده است) فُصِّلَتْ، ٣٤؛ فَإِنَّ اللَّهَ يَقُولُ: هُوَ لَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَ لَا السَّيِّئَةُ إِدْفَعْ بِالْتَّيْ

هی اَحْسَنُ فِإِذَا الَّذِي بَيَّنَكَ وَبَيَّنَهُ عَدَاوَةً كَأَنَّهُ وَلِيٌ حَمِيمٌ^{۱۷۴} زیرا خداوند می فرماید: نیکی و بدی برابر نیستند با شیوه‌ای که بهتر است [بدی] را دفع کن، آنگاه کسی که میان تو و او دشمنی است، گویی دوستی یکدل می گردد.

إِنَّ الْقُرْآنَ يَأْمُرُ الْمُسْلِمِينَ أَلَا يَسْبُوا مَعْبُودَاتِ الْمُشْرِكِينَ وَالْكُفَّارِ فَهُوَ يَقُولُ: ﴿وَ لَا تَسْبُوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسْبُوا اللَّهَ...﴾^{۱۷۵} الأَنْعَام، ۱۰۸؛ قطعاً قرآن به مسلمانان دستور می دهد که بت های (خدایان) مشرکان و کافران را دشنام ندهند و می فرماید: و آنها می دهد که جز خدا فرا می خوانند دشنام ندهید که خدا را دشنام خواهند داد. آللَّا إِنَّ الْإِسْلَامَ يَحْتَرِمُ الْأَدِيَانَ الْإِلَهِيَّةَ؛ ﴿فُلْ يا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ أَلَا نَعْبُدُ إِلَّا اللَّهُ وَ لَا نُشْرِكُ بِهِ﴾^{۱۷۶} آل عمران، ۶۴؛ اسلام به دین های الهی احترام می گذارد؛ بگو: «ای اهل کتاب، بباید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم که: جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم».

يُؤَكِّدُ الْقُرْآنُ عَلَى حُرْيَّةِ الْعِقِيدَةِ: ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ﴾^{۱۷۷} البقرة، ۲۵۶؛ لا يجوز الإصرار على نقاط الخلاف و على العدوان، لأنَّه لا ينتفع به أحد؛ و على كُلِّ النَّاسِ أَنْ يَتَعَايشُوا مع بعضهم تعائشًا سَلْمِيًّا، مع احْتِفاظِ كُلِّ مِنْهُمْ بِعَقَائِدِهِ؛ لأنَّه ﴿لَا يُكُلُّ حِزْبٌ بِمَا لَدِيهِمْ فَرِحُونَ﴾^{۱۷۸} الرّوم، ۳۲؛

قرآن بر آزادی عقیده تأکید می کند: (هیچ اجباری در دین نیست). اصرار بر نقاط اختلاف و دشمنی جایز نیست؛ زیرا کسی از آن سود نمی برد و بر همه مردم لازم است (همه مردم باید) که با حفظ عقاید خودشان با یکدیگر هم زیستی مساملت آمیز داشته باشند؛ زیرا (هر حزبی به آنچه دارد دلشاد است).

الْبِلَادُ إِلَسْلَامِيَّةُ مَجْمُوعَةٌ مِنَ الشُّعُوبِ الْكَثِيرَةِ، تَخْلِيفٌ فِي لُغَاتِهَا وَ أَلْوَانِهَا. قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَ أُنْثَى وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَ قَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَنْقَاصُكُمْ﴾^{۱۷۹} الحجرات، ۱۳؛

سرزمین های اسلامی مجموعه‌ای از ملت های بسیار است که در زبان و رنگ فرق می کند. خدای تعالی (بلند مرتبه) فرموده است: ای مردم، ما شما را از مردی و زنی

آفریدیم و شما را ملت‌ها و قبیله‌ها گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید. بی‌گمان گرامی‌ترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست.

فَقَدْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): «يَا أَيُّهَا النَّاسُ، أَلَا إِنَّ رَبَّكُمْ وَاحِدٌ وَ إِنَّ أَبَّاكُمْ وَاحِدٌ؛ أَلَا لَفَضْلٍ لِعَرَبِيٍّ عَلَى عَجَمِيٍّ، وَ لَا لِعَجَمِيٍّ عَلَى عَرَبِيٍّ وَ لَا لِأَسْوَادَ عَلَى أَحْمَرَ وَ لَا لِأَحْمَرَ عَلَى أَسْوَادَ إِلَّا بِالْتَّقْوَى».

فرستاده خدا (ص) فرموده است: ای مردم، آگاه باشید قطعاً پروردگارتان یکی و پدرتان یکی است؛ آگاه باشید عرب بر غیر عرب و نه غیر عرب بر عرب و نه سیاه بر سرخ و نه سرخ بر سیاه هیچ برتری‌ای ندارد.

يَأَمْرُنَا الْقُرْآنُ بِالْوَحْدَةِ. هُوَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا... هُوَ آلِ عِمَرَانَ، ۱۰۳؛
قرآن به ما دستور به همبستگی می‌دهد. (و به ریسمان خدا چنگ بزنید و پراکنده نشوید).
يَتَجَلَّ اتْحَادُ الْأَمَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ فِي صُورٍ كَثِيرَةٍ، مِنْهَا اجْتِمَاعُ الْمُسْلِمِينَ فِي مَكَانٍ وَاحِدٍ فِي
الْحَجَّ. الْمُسْلِمُونَ خُمْسُ سُكَّانِ الْعَالَمِ، يَعِيشُونَ فِي مِسَاخَةٍ وَاسِعَةٍ مِنَ الْأَرْضِ مِنَ الصِّينِ
إِلَى الْمُحِيطِ الْأَطْلَاسِيِّ.

همبستگی امت اسلامی در شکل‌های بسیاری جلوه‌گر می‌شود، از آن جمله گردهمایی مسلمانان در جای واحد در حج. مسلمانان یک پنجم ساکنان جهان‌اند و در مساحتی گسترده از زمین از چین تا اقیانوس اطلس زندگی می‌کنند.

قَالَ الْإِمَامُ الْخُمَينِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ: ... إِذَا قَالَ أَحَدٌ كَلَامًا يُفَرِّقُ الْمُسْلِمِينَ، فَاعْلَمُوا أَنَّهُ
جَاهِلٌ أَوْ عَالِمٌ يُحَاوِلُ بَثَّ الْخَلَافِ بَيْنَ صُوفُ الْمُسْلِمِينَ.

امام خمینی (ره) فرموده‌اند: ... هرگاه کسی سخنی گفت که باعث تفرقه مسلمانان شود، بدانید که یا نادان است یا دانایی است که تلاش می‌کند بین صفوف مسلمانان اختلاف بگستراند.

وَ قَالَ قَائِدُنَا آيُهُ اللَّهِ الْخَامِنِيُّ: مَنْ رَأَى مِنْكُمْ أَحَدًا يَدْعُو إِلَى التَّفْرِقَةِ، فَهُوَ عَمِيلُ الْعَدُوِّ.
و رهبرمان آیت‌الله خامنه‌ای فرموده‌اند: هرکس از شما کسی را دید که به تفرقه فرا می‌خواند، مزدور دشمن است.

درگ مطلب

هدف این است که دانشآموز خودش را بیازماید. خوب است که دانشآموزان به صورت گروهی این پنج جمله را حل کنند، آنگاه از هر گروه یکی داوطلب شود و پاسخ را با دلیل ذکر کند. بهترین دلیل ترجمه عبارت است.

اعلموا

قواعد درس چهارم ادامه درس سوم است. در درس سوم، سه باب ساده‌تر انفعال، افتعال، استفعال در کنار تفعّل تدریس شد و در این درس وزن‌های إفعال، تفعیل، مفاعة و تفاعل تدریس می‌شوند. تجربه نشان می‌دهد که دانشآموزان در یادگیری سه باب انفعال، افتعال و استفعال راحت‌تر هستند و یادگیری دو باب إفعال و تفعیل مشکل‌تر است. به ویژه امر باب إفعال که همزه‌اش مفتوح است. نه تنها در این درس، بلکه در هر هشت درس کتاب تمريناتی تحت عنوان *اختِرْ نَفْسَكَ* برای تثبیت آموخته‌های این قسمت از کتاب طرّاحی شده است.

مانند درس سوم در این درس نیز در کتاب عربی علوم انسانی معنای مشهور چند باب ذکر شده است. باید دانست که واقعاً دانستن معنای مشهور باب‌ها آن طور که باید و شاید کمکی به معنای فعل‌ها نمی‌کند.

حوارات

متن حوار درس چهارم مانند سایر گفت‌وگوهای دروس هشتگانه کاربردی است. گفت‌وگو در سالن بازرگانی گمرک فرودگاه یک متن سودمند است. این گفت‌وگوها در سفرها معمولاً پیش می‌آید. کسی که متنی را برای مکالمه حفظ می‌کند دوست دارد متن کاربردی را حفظ کند. فرضًا متنی که راجع به آشپزی است هرچند جذاب است، ولی در سفر مگر در حالی استثنائی کاربرد ندارد.

تمرین‌ها

تمرین اول: هدف تقویت توانایی دانشآموز در درک مطلب است. این تمرین در کتاب درسی به صورت‌های گوناگونی طراحی شده است.

در اینجا دانشآموز عبارت‌ها را می‌خواند و ترجمه می‌کند و پاسخ هر یک را در میان واژگان جدید درس چهارم جست‌وجو می‌کند. این کار می‌تواند بخشی از نمره شفاهی او را تشکیل دهد.

تمرین دوم و سوم در هر دو کتاب: هدف تقویت مهارت واژه‌شناسی و کاربرد آن است. طراحی تمرین دوم در امتحان دشوار، ولی تمرین سوم ساده است.

تمرین چهارم در هر دو کتاب: هدف، تقویت مهارت خواندن و ترجمه است. هر پنج عبارت به لحاظ علمی جالب‌اند و دانشآموزان از خواندن آنها لذت می‌برند. هرچند این پنج عبارت با متون دینی و ادبی ارتباط ندارند، ولی در ایجاد علاقه تأثیرگذارند.

تمرین پنجم: این تمرین در دروس قبل نیز تکرار شده است. هدف تلفیق آموخته‌های دانشآموز در زمینه ضمایر و افعال است.

تمرین ششم و هفتم: هدف پیوند بین درس عربی با قرآن و حدیث است. آنچه را دانشآموز تاکنون در لغت و قواعد آموخته است در قالب چند آیه و حدیث باید مشاهده کند. در ضمن ترجمه نوع فعل‌ها را باید بتواند تشخیص دهد. منظور از نوع فعل ماضی، مضارع، امر و نهی، نفی، مستقبل، معادل ماضی استمراری است. باید توجه داشته باشیم که اصطلاح ماضی استمراری در صرف و نحو عربی رایج نیست. این اصطلاح برای فهم بهتر زبان عربی در کتاب درسی وضع شده است.

تمرین هشتم، نهم (و دهم در زبان قرآن): هدف، تقویت مهارت شناخت فعل است. این مهارت در همه کتاب‌های هفتم تا دهم تمرین شده است و در دو کتاب یازدهم ودوازدهم نیز مرتبًّا تکرار خواهد شد؛ زیرا ارزش یادگیری فعل برای یادگیری زبان عربی بسیار بالاست.

أَنوارُ الْقُرآنِ

هدف از این بخش در کتاب مشترک «عربی زبان قرآن» ارتباط درس عربی زبان قرآن با آیات قرآن است. معلم می‌تواند از دانش‌آموزان بخواهد این بخش را با صدای خوش تلاوت کنند. پیشتر اشاره شد که حل این تمرین به عنوان کار در منزل است. هدف ایجاد ارتباط با قرآن است. در هر حال چه این تمرین در کلاس حل شود و چه در منزل در امتحانات از آن سؤال طرح می‌شود. حل تمرین در کلاس وقتگیر نیست. با این حال، دبیر در این کار مختار است. می‌تواند حل این تمرین را به عنوان تمرین و فعالیت منزل در نظر بگیرد.

الْبَحْثُ الْعَلْمِيُّ

تحقیق در هر سه پایه هفتم، هشتم و نهم مطابق با توانایی دانش‌آموز و واقعیات موجود تنظیم شده است. برای اینکه دانش‌آموز بداند در زمینه قرآن و حدیث نرم‌افزارهای خوبی تهیه شده است و شیوه کار کردن با آنها را بیاموزد این تمرین، تلنگر خوبی است تا معلم به آن مناسبت وارد این بحث شود.

می‌توان این بخش را با استفاده از نرم افزارهای قرآنی، اینترنت یا کتاب **المُعجمُ الْمُفَهَّرُ** انجام داد. خوب است دانش‌آموزان با نرم افزارهای قرآنی، سایت‌های قرآنی و کتاب **المُعجمُ الْمُفَهَّرُ** آشنا شوند و نحوه استفاده از آنها را بیاموزند. اجرای این بخش در کلاس در صورت داشتن وقت از زیباترین بخش‌های کتاب است. مدارسی که ساعت اضافه دارند می‌توانند در این زمینه‌ها کار کنند. چنین کارهایی کلاس درس را فعال و شاداب می‌کند.

اَرْزِشِيَابِي

در مورد ارزشیابی از این درس، آنچه را در دروس قبلی نوشته شد، در این درس نیز می‌توان اجرا کرد. بهترین کار تمرین شفاهی است. دانش‌آموزان را پای تخته آورد و از آنان خواست تا پاسخ دهند؛ مثلاً می‌پرسیم مضارع این فعل‌ها چیست؟ إِنْهَدَمَ، إِشْتَرَكَ، تَقَدَّمَ، تَفَاخَرَ، إِسْتَخَدَمَ و ... البته در ارزشیابی کتبی میان نوبت و پایان نوبت اول و دوم این طور سؤال داده نمی‌شود. این صرفاً یک تمرین برای یادگیری بهتر است.

وسائل کمک آموزشی

هرچه در دروس پیشین در بارهٔ وسائل کمک آموزشی گفته شد در اینجا نیز مصادق دارد.

دانش افزایی برای دبیر (نه برای دانش‌آموز)

۱ یستوی از باب افعال و مصدر آن استوای است که در فارسی به نادرست به استووا تبدیل شده است.

۲ عجم در زبان‌های فارسی، هندی، اردو، پشتو، بلوجی، ترکی و ... معنای ایرانی و زبان فارسی می‌دهد، اما در زبان عربی امروزه بیشتر به معنای غیرعرب به کار می‌رود. امروزه برخی قوم‌گرایان به صورت توهین آمیز عجمی خطاب به ایرانیان به کار می‌برند. احتمال دارد عجم از واژه «آلجم» گرفته شده باشد؛ «جم» نام پادشاه ایرانی است.

لغتشناسان کهن مانند فیروزآبادی در القاموس‌المحيط و ابن‌منصور در لسان‌العرب و فخر رازی و ابی‌الفتح موصلى بر این باورند که ریشه واژه عجم (ع ج م) به معنای غیر واضح و مبهم است و غیرعربی را گویند که عربی را به خوبی صحبت نمی‌کند. الزمخشری می‌نویسد که اعجمی یعنی ناروشن صحبت کننده ولی عجمی یعنی فارس یا ایرانی.

در آیه شرife

﴿وَ عَبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنَاءً﴾ (آل‌قرآن، ۶۳)
چرا «هوناء» که «حال» است، با صاحب حال «واو» مطابقت ندارد؟
پاسخ: هون اسم جامد است و احتیاج به مطابقت با صاحب حال ندارد.

در آیه شرife

﴿إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبُنَ السَّيِّئَاتِ﴾ (هود، ۱۱۴)
چرا فعل به صورت مفرد مؤنث برای غیر عاقل نیامده است؟
پاسخ: دو وجه درست است. الحسنات از کارهای ارزشمند است با آن مانند ذوق‌الشعور

برخورد شده است؛ معمولاً در زبان عربی با جمع غیر عاقل مانند مفرد مؤنث برخورد می‌شود؛ «أيام معدودة» در قرآن به شکل «أيام معدودات» نیز آمده است.

٥ تَطْمَئِنُ در آیه شریفه

﴿إِلَّا يَذِكُرُ اللَّهِ تَطْمَئِنُ الْقُلُوبُ﴾ (آلرَّعْد، ۲۸)
از باب إفعال است. (اطمأن، يطمئن و اطمئنان)

٦ گما در آیه شریفه

﴿أَحْسِنْ گَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ﴾ (آلقصص، ۷۷)

جار و مجرور و متعلق به مصدر محوذ است. (أَحْسِنْ إِحْسَانًا گَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ)

٧ آمن در آیه شریفه

﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السَّوْءَ﴾ (آلنَّمَل، ۶۲)
آهنگ دعا و ندا می‌خوانند.

٨ نَدَمَ و أَنْدَمَ هر دو در زبان عربی کاربرد دارند. هرچند نَدَمَ در لغت‌نامه نیامده است؛ چون باب إفعال و تفعیل قیاسی‌اند.

الدَّرْسُ الْخَامِسُ

اهداف رفتاری: دانشآموز در پایان این بخش باید بتواند:

- ١ متن درس را درست بخواند و ترجمه کند.
- ٢ پیام متن را درک کند.^۱
- ٣ معنای واژگان جدید این درس را از عربی به فارسی ذکر کند.
- ٤ به هنگام ضرورت به آیات و احادیث درس استشهاد کند.
- ٥ جمله اسمیه و فعلیه را در مثالهای ساده از هم تشخیص دهد.
- ٦ فعل، فاعل و مفعول^۲ را در جمله تشخیص دهد.
- ٧ مبتدا و خبر را در جمله تشخیص دهد.
- ٨ بتواند در جمله‌ای که گاهی (مبتدا و خبر) و نیز (فاعل و مفعول)، صفت یا مضاف
الیه می‌گیرند و خودشان موصوف و مضاف می‌شوند این اجزاء را از هم تشخیص دهد.
- ٩ در عباراتی مانند **هُلَّا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ** ^۳آل‌تور، ۲۲ فعل **أَنْ يَغْفِرَ** را درست
معنا کند. (فقط فعل سوم شخص مفرد یا در اصطلاح مفرد مذکور غایب)

فرایند آموزش

متن درس درباره آفریده‌های خداوند است. دانشآموزان به این نوع متون علاقه‌مندند و چنین متن‌هایی آنها را دوستدار درس عربی می‌کند. برای یادگیری کلمات قرآن، حدیث و دعا یکی از شیوه‌ها آوردن چنین متونی است.

۱- پیام متن درس درباره تفکر در آفریده‌های خداوند است.

هماهنگی در ترجمه متن درس

﴿هَذَا خَلْقُ اللَّهِ الْعَمَانُ، ۱۱﴾؛ این آفرینش خداست.

الْغَوَاصُونَ الَّذِينَ ذَهَبُوا إِلَى أَعْمَاقِ الْمُحِيطِ لَيَلَّا، شَاهَدُوا مِئَاتِ الْمَصَابِيحِ الْكَهْرَبَائِيةِ ذَاتَ الْأَلوَانِ مُتَعَدِّدَةِ الْتِي يَبْعِثُ ضَوْءُهَا مِنَ الْأَسْمَاكِ الْمُضِيَّةِ، وَ تُحَوِّلُ ظَلَامَ الْبَحْرِ إِلَى نَهَارٍ مُضِيِّعٍ يَسْتَطِيعُ فِيهِ الْغَوَاصُونَ الْتِقَاطَ صُورٍ فِي أَضْوَاءِ هَذِهِ الْأَسْمَاكِ.

غُواصانی که شبانه به اعماق (زرفای) اقیانوس رفته‌اند، صدها چراغ برقی دارای رنگ‌های متعدد را دیده‌اند که نورشان از ماهی‌های درخششده فرستاده می‌شود. (تاپیده می‌شود). و تاریکی دریا را به روز روشن تبدیل می‌کنند که غُواصان در آن می‌توانند در نور این ماهی‌ها عکس بگیرند.

إِنْتَشَفَ الْعُلَمَاءُ أَنَّ هَذِهِ الْأَضْوَاءَ تَبَعِثُ مِنْ نَوْعٍ مِنَ الْبَكْتِيرِيَا الْمُضِيَّةِ الَّتِي تَعِيشُ تَحْتَ عُيُونِ تِلْكَ الْأَسْمَاكِ. هَلْ يُمْكِنُ أَنْ يَسْتَفِيدَ الْبَشَرُ يَوْمًا مِنْ تِلْكَ الْمُعْجِزَةِ الْبَحْرِيَّةِ، وَ يَسْتَعِينَ بِالْبَكْتِيرِيَا الْمُضِيَّةِ لِإِنَارَةِ الْمُدُنِ؟ رُبَّمَا يَسْتَطِيعُ ذَلِكَ، لِأَنَّهُ «مَنْ طَلَبَ شَيْئًا وَ جَدَ وَجَدَ». دانشمندان کشف کرده‌اند که این روشانی‌ها از گونه‌ای باکتری درخشانی که زیر چشممان این (آن) ماهی‌ها زندگی می‌کنند ارسال می‌شود. آیا ممکن است که روزی بشر از این (آن) معجزه دریایی استفاده کند و بتواند برای روشن کردن شهرها از باکتری درخshan یاری بجوید؟ شاید بتواند این (آن) کار را انجام دهد؛ زیرا هرکس چیزی بخواهد و تلاش کند می‌یابد.

إِنَّ لِسَانَ الْقِطْ سِلَاحٌ طَبِّيٌّ دَائِمٌ، لِأَنَّهُ مَمْلُوءٌ بِعُدُدٍ تُفْرِزُ سَائِلًا مُطَهِّرًا، فَيُلْعَقُ الْقِطْ جُرْحَهُ عِدَّةَ مَرَاتٍ حَتَّى يَلْتَئِمَ.

بی‌گمان زبان گربه سلاح پزشکی همیشگی است؛ زیرا پر از غدد‌هایی است که مایعی پاک‌کننده ترشح می‌کند، در نتیجه گربه زخمش را چند بار می‌لیسد تا بهبود یابد. (التيام یابد) إِنَّ بَعْضَ الطَّيْرِ وَ الْحَيَوانَاتِ تَعْرِفُ بِغَرِيرَتِهَا الْأَعْشَابِ الْطَّبِّيَّةِ وَ تَعْلَمُ كَيْفَ تَسْتَعِمُ الْعُشَبَ الْمُنَاسِبَ لِلْوِقَايَةِ مِنَ الْأَمْرَاضِ الْمُخْتَلِفَةِ؛ وَ قَدْ دَلَّتْ هَذِهِ الْحَيَوانَاتُ الْإِنْسَانَ عَلَى الْخَوَاصِ الْطَّبِّيَّةِ لِكَثِيرٍ مِنَ النَّبَاتَاتِ الْبَرِّيَّةِ وَ غَيْرِهَا.

بی‌گمان برخی پرندگان و جانوران با غریزه خود گیاهان دارویی را می‌شناسند و می‌دانند چگونه گیاه مناسب برای پیشگیری از بیماری‌های گوناگون به کار ببرند؛ این جانوران انسان را برای خاصیت‌های پزشکی بسیاری از گیاهان خشکی و غیره راهنمایی کرده‌اند.

إِنَّ أَغْلَبَ الْحَيَوانَاتِ إِضَافَةً إِلَى امْتِلَاكِهَا لِلْلُغَةِ خَاصَّةٍ بِهَا، تَمْلُكُ لُغَةً عَامَّةً تَسْتَطِعُ مِنْ خِلَالِهَا أَنْ تَتَفَاهَّمَ مَعَ بَعْضِهَا، فَلِلْعُرَابِ صَوْتٌ يُحَدِّرُ بِهِ بَقِيَّةَ الْحَيَوانَاتِ حَتَّى تَبْتَعِدَ سَرِيعًا عَنْ مِنْطَقَةِ الْخَطَرِ، فَهُوَ بِمَنْزَلَةِ جَاسُوسٍ مِنْ جَوَاسِيسِ الْغَابَةِ.

بی‌گمان بیشتر جانوران افزوں برداشت زبان ویژه خود زبانی عمومی دارند که با آن می‌توانند [سخن] یکدیگر را بفهمند، کلاع صدایی دارد که با آن به بقیه جانوران هشدار می‌دهد تا زود (سریع) از منطقه خطر دور شوند، او به مانند جاسوسی از جاسوسان جنگل است.

لِلْبَطِّ خِزانَاتُ طَبَيعِيَّةٌ بِالْقُرْبِ مِنْ أَذْنَابِهَا تَحْتَوِي زَيْنًا خاصًا يَنْتَشِرُ عَلَى أَجْسادِهَا فَلَا تَتَأثَّرُ بِالْمَاءِ. اردک‌ها نزدیک دم‌هایشان انبارهای طبیعی دارند که حاوی روغنی ویژه است که روی بدن‌شان پخش می‌شود و تحت تأثیر آب قرار نمی‌گیرند.

تَسْتَطِيعُ الْحِرَباءُ أَنْ تُدِيرَ عَيْنَيْهَا فِي اِتْجَاهَاتٍ مُخْتَلِفَةٍ دُونَ أَنْ تُحَرِّكَ رَأْسَهَا وَ هِيَ تَسْتَطِيعُ أَنْ تَرَى فِي اِتْجَاهَيْنِ فِي وَقْتٍ وَاحِدٍ.

آفتاپ‌پرست می‌تواند بی‌آنکه سرش را تکان بدهد چشمانش را در جهت‌های مختلف بچرخاند و می‌تواند در یک زمان در دو جهت ببیند.

لَا تَتَحَرَّكُ عَيْنُ الْبُومَةِ، فَلِإِنَّهَا ثَابِتَةٌ، وَ لَكِنَّهَا تُعَوِّضُ هَذَا النَّقَصَ بِتَحْرِيكِ رَأْسِهَا فِي كُلِّ نَاحِيَّةٍ وَ تَسْتَطِيعُ أَنْ تُدِيرَ رَأْسَهَا دَائِرَةً كَامِلَةً دُونَ أَنْ تُحَرِّكَ جِسْمَهَا.

چشم جعد حرکت نمی‌کند، چشم‌ها ثابت‌اند، ولی این نقص را با حرکت دادن سرش در هر ناحیه‌ای جبران می‌کند و می‌تواند که بی‌آنکه بدنش را حرکت دهد سرش را یک دایره کامل بچرخاند.

درک مطلب

سعی شده است تا درک مطلب‌ها از درسی به درسی دیگر تنوع داشته باشند. این بخش از مهم‌ترین اهداف هر زبانی هستند.

اعلموا

هدف قواعد درس پنجم آشنایی با جمله فعلیه و اسمیه است. هدف شناخت اجزای هر دو جمله است؛ یعنی فعل، فاعل، مفعول به، مبتدا و خبر. قبلًا در پایه نهم با صفت و مضاف‌الیه نیز آشنا شده‌اند؛ اماً بدانیم که تمرینی برای تشخیص مضاف و مضاف‌الیه و موصوف و صفت نداشتند. در زبان عربی به لحاظ تقدیم و تأخیر ترکیب اضافی و وصفی مانند هم هستند.

در انگلیسی ترکیب وصفی برعکس فارسی است؛ مثال:

پسر خوشحال؛ الولد المسرور؛ boy happy

ترکیب اضافی در عربی و فارسی نیز همانندی بسیار دارد؛ در حالی که در انگلیسی با اینکه با زبان فارسی هم خانواده است و هر دو از زبان‌های هند و اروپایی‌اند چنین نیست؛ مثال:

پنجره اتاق ؛ نافذة الغرفة ؛ room's window/ the window of the room

خانه مریم ؛ بیت مریم ؛ Mary's home

نتیجه اینکه نباید این مبحث را برای دانش‌آموز دشوار نشان داد.

از طرفی در کتاب عربی دهم ترجمه از فارسی به عربی نداریم و هدف فهم متن است؛ لذا دبیر نگران مسائلی مانند تطابق موصوف و صفت و ویژگی‌های مضاف نباشد. وقتی که دانش‌آموز اینها را خوب بفهمد؛ می‌تواند به مهارت سخن گفتن برسد؛ چه هدف کتاب باشد چه نباشد. مقدمه ساختن فهمیدن است.

اماً بدانیم ساختن در آموزش متوجه دوم هدف نیست. دانش‌آموز علاقه‌مند به رشته زبان و ادبیات عربی بقیه مطالب را در دانشگاه بخواند.

اعراب گذاری کلمات نیز هدف نیست. در کتاب حرکت گذاری کامل است. دانش آموز باید درست بخواند و با خواندن درست متن ویژگی های زبانی را کشف کند. طی خواندن متون و عبارات این شناخت به دست می آید. برخی بر این باورند که دانستن این مطالب لازم است. تیم تألیف نیز این مدعما را قبول دارد.

دانش آموز علاقه مند با رفتن به دانشگاه باید با تمام این ظرفات های زبانی آشنا شود. بین آموزش عربی به یک ایرانی و به یک عرب ساکن کشور عربی فرق بسیاری هست. نیاز دانش آموز ایرانی فارسی زبان با نیاز دانش آموز عرب ساکن کشور عربی فرق دارد. دانش آموز ایرانی بیشتر به صرف نیاز دارد و دانش آموز عرب هم صرف و هم نحو را باید بداند و البته نحو برایش مهمتر است. از طرفی دانش آموز دانشجوی رشته زبان و ادبیات عرب نیست و این مطلب باید همواره مد نظر ما باشد.

فن الترجمة

باید توجه کرد که هدف این قسمت از کتاب، تدریس مبحث مضارع منصوب نیست. از آنجاکه مضارع منصوب در بسیاری از جاهای کتاب به کار رفته و فعلی پرکاربرد است که از آوردن آن گریزی نیست؛ بنابراین، مضارع منصوب در حد یک صیغه معادل سوم شخص مفرد در فارسی در کتاب مطرح شده است.

هدف فقط شناخت آن و دانستن معنای آن در جمله است.

هدف این نیست که چنین سؤالی در امتحان طرح شود.

از فعل یَذَهَبُ مضارع منصوب بسازید.

این سؤال مطلوب است:

کدام فعل مضارع منصوب است؟ یَذَهَبُ، أَنْ يَذَهَبَ، لَا تَذَهَبُ

حوالات

گفت و گو با راننده در طول سفر یکی از موضوعات اصلی است. موضوع مکالمه این درس در فضای یک وسیله نقلیه عمومی صورت می گیرد.

از طرفی هدف ثانویه درس آشنا شدن دانشآموز با سلمان فارسی سلام الله عليه صحابی جلیل القدر پیامبر اسلام ﷺ و آثار تاریخی شکوهمند ایران در نزدیکی بغداد است.^۱

تمرین‌ها

دانشآموز همه تمرین‌های هشت درس کتاب را قرائت و پاسخ می‌دهد. پیشنهاد می‌شود دبیر یک لیست داشته باشد و هر بار که دانشآموزی تمرینی را می‌خواند و پاسخ می‌دهد در آن علامت بزند تا مبادا حل تمرینات توسعه چند نفر صورت بگیرد و برخی فعال نباشند. می‌توان تمرینات ساده‌تر را بر عهده دانشآموزان کم‌توان نهاد.

تمرین اول (در هر دو کتاب): هدف تقویت توانایی دانشآموز در کاربرد واژگان و نیز درک مطلب است. این تمرین در کتاب درسی متنوع طراحی شده است. در اینجا دانشآموز جمله را می‌خواند و ترجمه می‌کند سپس به دنبال کلمه‌ای می‌گردد که در واژه‌نامه آغازین درس آمده است. از فراگیر می‌خواهیم هر جمله را بخواند و ترجمه کند. این کار نمره شفاهی او را تشکیل می‌دهد.

۱- گفته شده سلمان دهقانزاده‌ای ایرانی و زرتشتی بود به نام روزبه بود و در نوجوانی مسیحی شد و به شاگردی روحانیون مسیحی درآمد. به حجاز آمد؛ به دست قبیله بنی کلب اسیر و به بردگی گرفته و به مردی از بنی گریظه فروخته شد و همراه او به مدینه آمد. در مدینه پیامبر اکرم ﷺ را دید و به او ایمان آورد. پیامبر ﷺ او را از خواجه‌اش خرید، آزاد کرد و سلمان نامید. سلمان در دوران زندگی پیامبر ﷺ از یاران بزرگ و مورد علاقه ایشان بود تا جایی که پیامبر ﷺ درباره‌اش فرمود: سلمان می‌أهل البیت. او در غزوه‌های پیامبر ﷺ حضور داشت و ماجراهای پیشنهاد و برای کنند خندق در نبرد احزاب که به شکست مشرکان انجامید، مشهور است. وی پس از درگذشت پیامبر ﷺ در شمار یاران حضرت علی علیه السلام قرار گرفت. با جریان سقیفه مخالف بود، ولی پس از انتخاب خلیفه اول و دوم با آنان همکاری کرد. در زمان حکومت خلیفه دوم، حاکم مدائن شد. با این حال نزیل می‌بافت و از دسترنج خودش روزی می‌خورد. سلمان فارسی، پس از عمری طولانی در سال ۳۶ هجری در شهر مدائن رحلت کرد. مدفن وی در مدائن به سلمان پاک مشهور است.

طاق کسری یا آیوان مدائن برجسته‌ترین یادگار روزگار ساسانی، در تیسفون در عراق است. این اثر باستانی در ۳۷ کیلومتری جنوب بغداد در کناره خاوری رود دجله است. طاق کسری نزدیک آرامگاه سلمان فارسی است.

طاق کسری شاید در زمان شاپور یکم در نیمة دوم سده سوم ساخته شده باشد. این بنا برای نمایش شکوه ایران ساخته شده، تا توافقنامه و دارایی ایران را نمایش دهد، سفیران ملت‌های دیگر را حیران سازد. آیوان، آن چنان‌که اینک می‌بینیم تنها یک شکاف حیرت‌انگیز نبود، در اصل آن را یک پرده سنگین زربفت می‌پوشاند که ارتفاع زیاد و فضای نقش‌های گوناگونش گویای ثروت فراوان بود. منصور خلیفه عباسی نخستین کسی بود که کوشید تا آن را ویران کند، ولی در این کار ناکام ماند. وی از صالح آن برای ساختمان‌های شهر جدید بغداد استفاده کرد و به دلیل اینکه حمل مصالح به بغداد از ارزش خود مصالح بیشتر شد از ادامه ویران سازی آن خودداری کرد.

تمرين دوم زبان قرآن (تمرين سوم انساني): هدف واژه‌شناسي است. از مشابه اين تمرين در امتحان می‌توان استفاده کرد. تمرين خوبی برای یافتن ارتباط بین واژگان است. در طراحي اين سؤال در امتحان باید توجه داشت که مبادا مدد نظر ما گزينه‌اي باشد و دانش‌آموز طور ديگر فکر کند؛ مثلاً به اين چهار کلمه توجه کنيد:

(تفاخيه، رُمان، عنب، غراب) پاسخ غراب است؛ چون سه کلمه ديگر ميوه‌اند. پاسخ تفاخيه نيز می‌تواند باشد؛ چون سه کلمه ديگر مذکورند و تفاخيه از نظر دانش‌آموز مؤنث است. (والد، أمّ، أخ ، رَجُل) پاسخ رجل است؛ چون والد، أمّ و أخ اعضای خانواده‌اند و رجل غریبه است. پاسخ می‌تواند أمّ باشد؛ چون سه کلمه ديگر مؤنث‌اند و رجل مذکور است. تمرين دوم انساني: هدف تقويت مهارت ترجمه با استفاده از کلمات و ساختارهای خوانده شده است.

تمرين سوم زبان قرآن (تمرين چهارم انساني): هدف نخست تشخيص جمله اسميه و فعليه از همديگر است. هدف دوم تشخيص نقش و حالت فاعل، مفعول، مبتدا، خبر و مضاف‌اليه است. در كتاب‌های درسي پيشين اصطلاح المحل الإعرابي به کار نرفته بود. منظور از المحل الإعرابي نقش کلمات است؛ مثلاً در جمله السكوت ذهب و الكلام فضة. در كتاب مشترك عربى زيان قرآن (ويژه رشته‌های کارданش، فنی و حرفة‌ای و رياضي-فيزيك و علوم تجربى) فقط کافي است که دانش‌آموز بگويد السكوت مبتداست و نيازي نیست بگويد السكوت مبتدا و مرفوع به ضمه است. وقتی که دانش‌آموز خوب بخواند و بفهمد و ترجمه کند خودبه خود با اعراب کلمات نيز آشنا می‌شود و اگر کنجکاو و علاقه‌مند به يادگيري اينها باشد، اعراب کلمات را خواهد آموخت. در كتاب درسي همه متون کاملاً اعراب‌گذاري شده است تا فراگير طى خواندن متون و عبارات با اعراب کلمات آشنا شود.

تمرين چهارم زبان قرآن (تمرين پنجم انساني): تشخيص کلمات متضاد و متزادف از زبياترین تمرينات در زمينه مهارت واژه‌شناسي است.

تمرين پنجم زبان قرآن (تمرين ششم علوم انساني): هدف تقويت مهارت کاربرد واژگان است. تصاویر موجود در صفحه زبيائي خاصی به کتاب مي‌دهند و موجب علاقه‌مندي به کتاب درسي مي‌گردد. دانش‌آموز هم‌زمان با حل تمرين عبارت‌ها را به فارسي ترجمه می‌کند.

تمرین ششم و دهم (از هر دو کتاب): هدف تمرین ششم تمرین بر فعلهایی است که معادل سوم شخص مفرد فارسی آنها در عربی بیش از سه حرف است. از قواعد این درس فاصله گرفته‌ایم؛ اما نباید تمرین آن به فراموشی سپرده شود. مشابه این تمرین در جای جای کتاب درسی دهم و نیز کتاب‌های سال بعد خواهد آمد. ارزش مبحث فعل از سایر مباحث در قواعد عربی بالاتر است.

تمرین هفتم، هشتم (از هر دو کتاب) و نهم و دهم علوم انسانی: هدف تمرین برای یافتن نقش کلمات (فاعل، مفعول، مبتدا و خبر) است. یافتن نقش کلمات در فهم متن و عبارت تأثیرگذار است. دبیر می‌تواند در صورت داشتن وقت از دانش‌آموزان بخواهد که عبارت‌ها را ترجمه کنند. عبارات گزینش شده آیات قرآن و احادیث اند. هدف از این کار ایجاد ارتباط با هدف اصلی آموزش عربی است.

روش‌های ارزشیابی و وسایل کمک آموزشی

شیوه‌ها و ابزار در این درس با درس قبلی یکسان است.

أنوار القرآن

أنوار القرآن : آیات برگزیده از معروف‌ترین و کاربردی‌ترین آیات قرآن و دربرگیرنده واژگانی‌اند که دانش‌آموز تاکنون در کتاب‌های عربی مشاهده کرده است. از این آیات می‌توان به عنوان شاهد مثال استفاده کرد. اجرای این تمرین به عنوان کار در منزل است و اگر دبیر تشخیص دهد که وقت کافی دارد و می‌تواند در کلاس پاسخ دهد اختیار آن را دارد. این تذکر برای تمام بخش‌های کتاب درسی تحت این عنوان است. تدریس این بخش در کلاس در صورت داشتن وقت است. این تمرین برای کار در منزل طرّاحی شده است.

البحث العلمي

۱۸۳

هدف از این بخش پیشتر اشاره شد. دریاچه زریبار از نقاط گردشگری و جذب ایران است.^۱

دانش افزایی برای دبیر (نه برای دانش آموز)

۱ گربه به عربی چند معادل دارد: قِطْ، هِرْ، سِنُور، بَسْ و ... در گویش عراق بِزُونَة گفته می‌شود.

۲ یسید به عربی می‌شود: لَعِقَ، لَجِسَ و لَطِعَ.

۳ دشمنی به عربی چند معادل دارد؛ از آن جمله: عَدَاوَة، عُدْوَان، خُصُومَة، شَنَآن و ...

۴ نَدَم و نَدَامَة هر دو به معنای پشیمانی هستند.

۵ در ﴿لَا أَمْلَكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَ لَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ﴾ «ما» مستثناست و مستثننا منه هر دو کلمه نفعاً و ضرراً هستند.

۶ در ﴿لَا يَكْلُفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾ وُسْعَ مفعول دوم است.

۱- تالاب آب شیرین زریبار در سه کیلومتری غرب مریوان، در استان کردستان و از جاهای دیدنی و گردشگری این استان است. آب آن شیرین است و از شماری چشمگیر کف‌جوش و بارش تأمین می‌شود. در بیشتر زمستان‌ها سطح دریاچه بیخ می‌بندد. طول دریاچه حدود پنج کیلومتر و عرض آن حدود ۱/۶ کیلومتر است. وسعت تالاب به دلیل تغییرات حجم آبی در فصول مختلف متغیر و حداقل عمق آن ۵/۵ متر است.

این تالاب بزرگ‌ترین و زیباترین دریاچه آب شیرین باختیر ایران و یکی از منحصر به‌فردترین دریاچه‌های آب شیرین در جهان به شمار می‌رود. این دریاچه صد و دومین اثر طبیعی است که توسط سازمان میراث فرهنگی در ۲۰ بهمن ۱۳۸۹ در فهرست میراث طبیعی ایران قرار گرفت.

الدَّرْسُ السَّادِسُ

- اهداف رفتاری:** دانشآموز در پایان این بخش باید بتواند:
- ١ متن درس را درست بخواند، درست بفهمد و درست ترجمه کند.
 - ٢ پیام درس را درک کند.
 - ٣ به هنگام ضرورت به حکمت‌های درس استشهاد کند.
 - ٤ معنای کلمات جدید این درس را از عربی به فارسی بیان کند.
 - ٥ فعل مجهول را در جمله بشناسد و درست ترجمه کند.
 - ٦ موصوف و صفت را در جمله درست تشخیص دهد.
 - ٧ صفت مؤخر را در جمله تشخیص دهد و درست ترجمه کند.^۱

فرايند آموزش

درس ششم در کتاب تخصصی رشته علوم انسانی و کتاب مشترک عربی زبان قرآن متفاوت است.

متن درس ششم از کتاب مشترک عربی زبان قرآن (۱) یکی از داستان‌های قرآن است. داستان‌های قرآن از زیبایی خاصی برخوردارند. داستان ذوالقرنین با توجه به اینکه پادشاهی عادل بوده و بر بخش بزرگی از دنیا کهنه فرمانروایی کرده مهم است. در زمان دور پادشاهی درستکار به نام ذوالقرنین زندگی می‌کرد. نام او سه بار در قرآن آمده است. خداوند به او قدرت زیادی داده بود.

۱- منظور از صفت مؤخر صفتی است که پس از مضارف و مضارف‌الیه آمده است؛ مانند الصالحین در «السلام على عبد الله الصالحین» و العزيز در «يا أخي العزيز».

بر اساس قرآن ذوالقرنین سه لشکرکشی مهم داشت:
نخست به باخته سپس به خاور و سرانجام منطقه‌ای که در آن یک تنگه کوهستانی بود.

ذوالقرنین کشوری بزرگ ایجاد کرد. سپس با سپاهیانش به سوی مغرب حرکت کرد.
مردم کشورهای دیگر وقتی عدالت او را دیدند، شیفتۀ او شدند و از او خواستند تا فرمانروای آنها باشد.

ذوالقرنین آن قدر رفت تا به چشمۀ‌ای گل‌آلود رسید که هنگام غروب به نظر می‌رسید خورشید در آن غروب می‌کند. کنار برکه، مردمی ستمگر زندگی می‌کردند. خداوند به ذوالقرنین وحی کرد و گفت یا با آنها جنگ کن، یا طرح دوستی بریز و هدایتشان کن.
ذوالقرنین راه دوم را برگزید. مدتی در آنجا ماند، کم‌کم مردم به کارهای شایسته عادت کردند. سرانجام ذوالقرنین و لشکرش به سوی شرق رفتند. در این مسیر هم کشورهای زیادی فرمانبر او شدند. روزی به جایی رسید که در آنجا نیز مردم بی‌تمدنی زندگی می‌کردند. ذوالقرنین آنها را نیز به پرستش خداوند دعوت کرد. مدتی کنارشان ماند و راه زندگی کردن را به آنان آموخت. اکنون دیگر نوبت شمال بود. ذوالقرنین راه شمال را در پیش گرفت و به سرزمینی رسید که دو طرفش کوههای بلندی بود. وقتی مردم آنجا شکوه لشکرش را دیدند، نزد وی آمدند و گفتند: ای پادشاه بزرگ، پشت این کوه‌ها دو قبیله وحشی به نام یاجوج و مأجوج زندگی می‌کنند. آنها هر چند ماه یک بار از شکاف کوه می‌گذرند. به سرزمین ما حمله می‌کنند و همه چیز را غارت می‌کنند.

سپس به ذوالقرنین گفتند: از تو خواهش می‌کنیم سر راه آنها سدّ بزرگی بسازید تا نتوانند به این طرف کوه بیایند. ما نیز به تو کمک می‌کنیم. آنان برای ذوالقرنین هدیه‌های بسیاری آورندند. ذوالقرنین گفت: آنچه پروردگارم به من داده از کمک‌های مالی شما بهتر است. مرا با نیروی انسانی یاری کنید. مردم خوشحال شدند. ذوالقرنین دستور داد تا مقدار زیادی آهن و مس گرد آورندند و آنگاه پاره‌های آهن را در شکاف کوه ریختند. در سوی دیگر کوه‌های بزرگی برای آب کردن مس‌ها ساختند. روی آهن‌ها

زغال زیادی ریختند. مردم زغال آوردن و روی آهن‌ها ریختند. همه چیز که آماده شد، زغال‌ها را آتش زدند گرمای آتش پاره‌های آهن را نرم کرد. بدین‌سان سدی بزرگ در برابر یأجوج و مأجوج ساخته شد تا نتوانند از شکاف کوه بگذرند.

درباره تطابق شخصیت ذوالقرینین اختلاف نظر وجود دارد. مراجعه به تفاسیر قرآن پیشنهاد می‌شود.

قرن در عربی به معنای شاخ و ذوالقرینین به معنای دارای دو شاخ است.

ذوالقرینین یکی از شخصیت‌های قرآن و کتاب مقدس است.

برخی بر این باورند که این نامگذاری به دلیل آن است که او به شرق و غرب جهان رسید. دارندهٔ شرق و غرب بود که عرب از آن تعبیر َقَرْنِي الشَّمْسِ (دوشاخ آفتاب) می‌کند.

داستان ذوالقرینین در قرآن در سورهٔ کهف آمده است. در کتاب خصال روایتی از امام صادق ع هست که می‌فرمایند: شاهان روی زمین چهار تن بودند دو نفر مؤمن معتقد که عبارت‌اند از سلیمان و ذوالقرینین و دو تن کافر که عبارت‌اند از نمرود و بُخت النَّصر. شماری از مردم مکه و مدینه که بیشتر اهل کتاب بودند از این داستان خبر داشته‌اند و این نکته از متن چند آیه با جمله «پسالونک عن ذي القرنيين» و «قلنا يا ذا القرنيين» و «قالوا يا ذا القرنيين» به خوبی آشکار می‌شود، این داستان پیش از اسلام مطرح بوده است، ولی برخی از مردم به دلیل کسب آگاهی بیشتر، یا برای امتحان پیامبر اسلام صلوات الله عليه و آله و سلم درباره‌اش از وی پرسیده‌اند.

(یهودیان چنین پرسش‌هایی را دربارهٔ ماجرای خضر پیامبر صلوات الله عليه و آله و سلم و اصحاب کهف نیز پرسیده‌اند).

در تطابق شخصیت ذوالقرینین به این افراد اشاره شده است: کورش هخامنشی، فریدون، اسکندر مقدونی، یکی از شاهان حمیر در یمن مانند مصعب بن عبدالله و ...، یکی از فرعون‌های مصر و ...

علّامه طباطبائی در تفسیر المیزان، پس از بررسی نظریه ابوالکلام آزاد وزیر پیشین فرهنگ

هند که اثبات می‌کند کورش هخامنشی، همان ذوالقرنین قرآن است، می‌نویسد: «هر چند بعضی از موارد گفته شده خالی از اعتراض نیست، لکن از هر گفتار دیگری انطباقش با آیات قرآنی روشن‌تر و قابل قبول‌تر است». آیت الله مکارم شیرازی نیز می‌نویسد: «درست است که در این نظریه نیز نقطه‌های ابهامی وجود دارد، ولی فعلًاً می‌توان از آن به عنوان بهترین نظر درباره تطبیق ذوالقرنین بر رجال معروف تاریخی نام برد».

همانگی در ترجمة متن درس ششم عربی زبان قرآن (۱)

ذوالقرنین

كَانَ فِي قَدِيمِ الْزَّمَانِ مَلِكٌ عَادِلٌ مَوْحَدٌ يُسَمَّى بِذِي الْقَرْنَيْنِ قَدْ أَعْطَاهُ اللَّهُ الْقُوَّةَ وَالْعَظَمَةَ؛ كَانَ ذَوَالْقَرْنَيْنِ يَحْكُمُ مَنَاطِقَ وَاسِعَةً مِنَ الْأَرْضِ شَرْقاً وَ غَرباً وَ شَمَالاً. ذُكْرُ اسْمُهُ وَ أَعْمَالُهُ الصَّالِحَةُ بِعِدَّةِ آيَاتٍ فِي الْقُرْآنِ.

در گذشته پادشاهی دادگر و یکتاپرست بود که ذوالقرنین نامیده می‌شد و خداوند به او نیرو و شکوه داده بود. ذوالقرنین بر مناطق گسترده‌ای از زمین در شرق و غرب و شمال حکومت می‌کرد. نام او و کارهای شایسته‌اش در چند آیه قرآن ذکر شده است. لَمَّا اسْتَقَرَتِ الْأَوْضَاعُ لِذِي الْقَرْنَيْنِ فِي بِلَادِهِ، سَارَ بِجُيُوشِهِ الْعَظِيمَةِ نَحْوَ الْمَنَاطِقِ الْغَرْبِيَّةِ مِنَ الْأَرْضِ يَدْعُو النَّاسَ إِلَى التَّوْحِيدِ وَ مُحَارَبَةِ الظُّلْمِ وَ الْفَسَادِ.

وقتی اوضاع برای ذوالقرنین در کشورش استقرار یافت، با ارتش‌های بزرگش به سوی مناطق غربی زمین رفت درحالی که مردم را به توحید و جنگ با ستم و تباہی فرا می‌خواند.

فَكَانَ النَّاسُ يُرِحُّبُونَ بِهِ فِي مَسِيرِهِ بِسَبَبِ عَدَالِتِهِ، وَ يَطْلُبُونَ مِنْهُ أَنْ يَحْكُمَ وَ يُدْبِرَ شُؤُونَهُمْ، حَتَّى وَصَلَ إِلَى مَنَاطِقَ فِيهَا مُسْتَقْعَدُ مِيَاهُهَا ذَاتُ رَائِحَةٍ گَرِيَّهٍ. و مردم به دلیل دادگری‌اش در راهش به او خوش‌آمد می‌گفتند و از وی می‌خواستند که بر ایشان فرمانروایی کند و کارهایشان را اداره کند، تا اینکه به مناطقی رسید که در آن تالاب‌هایی بود که آب‌هایش دارای بوی بدی بود.

وَ وَجَدَ قُرْبَ هَذِهِ الْمُسْتَنْقَعَاتِ قَوْمًا مِنْهُمْ فَاسِدُونَ وَ مِنْهُمْ صَالِحُونَ، فَخَاطَبَهُ اللَّهُ فِي شَأْنِهِمْ وَ خَيْرُهُ فِي مُحَارَبَةِ الْمُشْرِكِينَ الْفَاسِدِينَ مِنْهُمْ أَوْ إِصْلَاحِهِمْ وَ هِدَايَتِهِمْ.

و نزدیک این تالاب‌ها مردمانی را یافت که بخشی از آنها تباہکار و بخشی درستکار بودند، و خداوند ایشان را در مورد کارشان خطاب کرد و او را در جنگ با مشرکان تباہکارشان، یا اصلاح و هدایتشان اختیار داد.

فَخَاتَارَ ذَوَالْقَرْنَيْنِ هِدَايَتَهُمْ وَ دَعْوَتَهُمْ إِلَى التَّوْحِيدِ وَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ. فَحَكَمَهُمْ بِالْعَدْلَةِ وَ أَصْلَحَ الْفَاسِدِينَ مِنْهُمْ وَ دَبَرَ شُؤُونَهُمْ. ثُمَّ سَارَ بِجُيُوشِهِ نَحْوَ الشَّرْقِ. فَأَطَاعَهُ كَثِيرٌ مِنَ الْأَمْمِ وَ اسْتَقْبَلُوهُ لِعَدْلَتِهِ وَ هَبَيْتِهِ.

و ذوالقرنین هدایت و دعوت آنها به توحید و ایمان به خدا را برگزید. پس با دادگری بر آنان فرمانروایی کرد و تباہکارانشان را اصلاح کرد و کارهایشان را سامان بخشدید. سپس با ارتش‌هایش به سوی شرق رفت و بسیاری از امتهای از او پیروی کردند و به خاطر دادگری و هبیتش به پیشواز وی رفتند.

حَتَّىٰ وَصَلَ إِلَىٰ قَوْمٍ غَيْرِ مُتَمَدِّنِينَ يَعِيشُونَ عِيشَةً بِدَائِيَّةً، فَدَعَاهُمْ لِلْإِيمَانِ بِاللَّهِ وَ حَكَمَهُمْ حَتَّىٰ هَدَاهُمْ إِلَى الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ وَ أَصْلَحَ حَيَاتَهُمْ وَ عَلَمَهُمْ كَيْفَ يَعِيشُونَ. تا اینکه به قومی غیر متمن دن رسید که بدوي زندگی می‌کردند و آنها را به ایمان به خدا دعوت کرد و بر آنان حکومت کرد تا به راه راست هدایت و زندگی‌شان را اصلاح کرد و به آنها آموخت چگونه زندگی کنند.

وَ بَعْدَ ذَلِكَ سَارَ نَحْوَ الشَّمَالِ، حَتَّىٰ وَصَلَ إِلَىٰ قَوْمٍ يَسْكُنُونَ قُرْبَ مَضِيقٍ بَيْنَ جَبَلَيْنِ مُرْتَفَعَيْنِ، فَرَأَىٰ هُؤُلَاءِ الْقَوْمُ عَظِيمَةً جَيِشَهُ وَ أَعْمَالَهُ الصَّالِحةَ فَأَغْتَنَمُوا الْفُرْصَةَ مِنْ وُصُولِهِ لِكَنْهُمْ كَانُوا فِي عَذَابٍ شَدِيدٍ مِنْ قَبِيلَتِهِنَّ وَ حَشِيَّتِهِنَّ تَسْكُنَانِ وَرَاءَ تِلَكَ الْجِبَالِ.

و پس از آن به سوی شمال رفت تا به مردمانی رسید که نزدیک تنگ‌های میان دو کوه زندگی می‌کردند، آن مردمان بزرگی ارتش و کارهای شایسته‌اش را دیدند و با رسیدن او فرصت را غنیمت شمردند؛ ولی آنها از دو قبیله وحشی که پشت آن کوه‌ها زندگی می‌کردند در عذاب شدیدی بودند.

فَقَالَا لَهُ: إِنَّ رِجَالَ هَاتِئِنِ الْقَبَيلَتَيْنِ مُفْسِدُونَ يَهْجُمُونَ عَلَيْنَا بَيْنَ الْحَيْنِ وَ الْآخِرِ مِنْ هَذَا

الْمَضِيقِ؛ فَيُخَرِّبُونَ بُيُوتَنَا وَ يَنْهَيُونَ أَمْوَالَنَا، وَ هاتَانِ الْقَبِيلَاتِ هُمَا يَأْجُوجُ وَ مَأْجُوجُ.

پس به او گفتند: مردان این دو قبیله تباها کارند؛ هر از چندی از این تنگه به ما حمله و خانه هایمان را ویران و دارایی مان را غارت می کنند. این دو قبیله یأجوج و مأجوج اند.

لِذَا طَلَبُوا مِنْهُ الْمُسَاعَدَةَ وَ قَالُوا لَهُ: نَرْجُو مِنْكَ إِغْلَاقَ هَذَا الْمَضِيقِ بِسَدٍ عَظِيمٍ، حَتَّى لا یَسْتَطِعَ الْعَدُوُّ أَنْ یَهُجُمَ عَلَيْنَا مِنْهُ؛ وَ نَحْنُ نُسَاعِدُكَ فِي عَمَلِكَ هَذَا.

بنابراین، از او کمک خواستند و به وی گفتند: از تو خواهش می کنیم این تنگه را به کمک سدی بزرگ بیندی تا دشمن نتواند که از آن به ما حمله کند و ما در این کارت به تو کمک می کنیم.

بَعْدَ ذَلِكَ جَاءُوا لَهُ بِهَدَايَا كَثِيرَةٍ، فَرَفَضَهَا ذُوالْقَرْبَنِينَ وَ قَالَ: عَطَاءُ اللَّهِ خَيْرٌ مِنْ عَطَاءِ غَيْرِهِ، وَ أَطْلُبُ مِنْكُمْ أَنْ تُسَاعِدُونِي فِي بَنَاءِ هَذَا السَّدِّ. فَرَحَ النَّاسُ لِذَلِكَ كَثِيرًا.

پس از آن هدیه های بسیاری برایش آوردند و ذوالقرنین آنها را نپذیرفت و گفت: بخشش خدا از بخشش دیگری بهتر است و از شما درخواست می کنم که در ساختن این سد به من کمک کنید. مردم از این کار خوشحال شدند.

أَمْرَهُمْ ذُوالْقَرْبَنِينَ بِأَنْ یَأْتُوا بِالْحَدِيدِ وَ النُّحَاسِ، فَوَضَعُهُ فِي ذَلِكَ الْمَضِيقِ وَ أَشْعَلُوا النَّارَ حَتَّى ذَابَ النُّحَاسُ وَ دَخَلَ بَيْنَ الْحَدِيدِ، فَأَصْبَحَ سَدًا قَوِيًّا أَمَامَ هَاتَيْنِ الْقَبِيلَتَيْنِ.

ذوالقرنین به آنها دستور داد تا آهن و مس بیاورند و در آن تنگه گذاشت و آتش روشن کردند تا مس ذوب شد و میان آهن رفت و سدی قوی مقابل این دو قبیله شد.

فَشَكَرَ الْقَوْمُ الْمَلِكَ الصَّالِحَ عَلَى عَمَلِهِ هَذَا، وَ تَحَلَّصُوا مِنْ قَبِيلَتِي یَأْجُوجَ وَ مَأْجُوجَ وَ شَكَرَ ذُوالْقَرْبَنِينَ رَبَّهُ عَلَى تَجَاهِهِ فِي فُتوحَاتِهِ.

و مردمان از پادشاه درستکار به خاطر این کارش سپاسگزاری کردند و از دو قبیله یأجوج و مأجوج رها شدند و ذوالقرنین از پروردگارش به خاطر پیروزی در کشورگشایی اش سپاسگزاری کرد.

نَفَهُمْ مِنْ هَذِهِ الْقِصَّةِ أَنَّ الْحُكَّامَ الصَّالِحِينَ الْعَادِلِينَ مَحْبُوبُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَ عِنْدَ النَّاسِ.

از این داستان می فهمیم که فرمانروایان درستکار دادگر نزد خدا و مردم دوست داشتنی هستند.

اعلموا

هدف قواعد درس ششم آموزش شناخت و ترجمه فعل مجهول در جملات عربی است. **الفِعلُ الْمَجْهُولُ فَاعِلُهُ**، یعنی فعلی که فاعلش مجهول است. لفظ **فَاعِلُهُ** بنابر اختصار حذف شده است؛ مانند **الصَّفَةُ الْمُشَبَّهَةُ بِاسْمِ الْفَاعِلِ** که «**باسم الفاعل**» حذف شده است.

نام دیگر این فعل الفعل **المبنيٌ للمجهول** است که نیازی به ذکر نام آن در تدریس نیست. از آنجا که در زبان فارسی نیز اصطلاح فعل مجهول به کار می‌رود؛ لذا اصطلاح **الفِعلُ الْمَجْهُولُ** بهتر از الفعل **المبنيٌ للمجهول** است.

هدف این است که دانش آموز فعل مجهول را در عبارت تشخیص دهد و درست ترجمه کند.

تذکر مهم: در تمرین‌های کتاب خواسته شده است که فعل‌های گوناگون از جمله فعل مجهول به تنها ی ترجمه شود. این صرفاً یک تمرین است و در ارزشیابی میان نوبت و پایانی باید در جمله باشد.

نیازی به ذکر اصطلاحات نایب فاعل و انواع آن در کتاب عربی غیر رشتہ علوم انسانی و علوم و معارف اسلامی نیست؛ اما در دو رشتہ علوم انسانی و علوم و معارف اسلامی آموزش و ارزشیابی این اصطلاحات از اهداف کتاب است.

در جدول موجود در بخش «اعلموا» حرکت فاء الفعل و عین الفعل با قرمز نمایش داده شده است تا کار معلم در تدریس و کار دانش آموز در یادگیری راحت‌تر شود و نوشته‌های کتاب نیز طولانی نشود. به یاد داشته باشیم که اغلب دانش آموز درس را یاد می‌گیرد، ولی با گذشت زمان فراموش می‌کند؛ لذا تکرار و تمرین است که موجب ثبتیت آموخته‌ها می‌شود. مشکل اصلی در یادگیری بر سر تفهیم مطالب نیست.

تذکر بسیار مهم: به یاد داشته باشیم که در مبحث اعراب کلمات مبني مانند کتاب‌های گذشته عمل نکنیم؛ مثلاً در اعراب هُوَ سعیدُ. این طور عمل کنیم. هُوَ مبتدأ و مبني است. نیازی نیست که گفته شود هو مبتدأ و محلًا مرفوع است.

فن الترجمة

دانش آموز در درس هفتم کتاب عربی پایه نهم با مبحث ترکیب وصفی و اضافی آشنایی مختصری پیدا کرده است. هدف از این آشنایی صرفاً توانایی فهم و ترجمه ترکیب‌هایی مانند *أختي الكبيرة، أخي الأصغر، خاتمها الذهبية، مزرعتنا الجميلة و عملك الصالح* بود. توجه داشته باشیم که ترکیب وصفی و اضافی در دو زبان فارسی بسیار شبیه‌هم‌اند. در فارسی گفته می‌شود، پنجره خانه و در عربی، نافذة البيت؛ در فارسی گفته می‌شود: پنجره زیبا و در عربی: *النافذة الجميلة*.

پس تقدیم و تأخیر وجود ندارد؛ اما در فارسی گفته می‌شود پنجره زیبای خانه و در عربی نافذة البيت الجميلة. هدف این درس تفهم همین مطلب است که دانش آموز تشخیص دهد الجميلة صفت برای نافذة است. در ارزشیابی و آزمون سراسری و مسابقات علمی طرح سؤال باید در جمله باشد.

طبیعی است که از آنجا که هنوز دانش آموزان با مطابقت موصوف و صفت و ویژگی‌های مضاف و مضاف‌الیه آشنا نشده‌اند، لذا طرح سؤال باید با توجه به آموخته‌های آنان باشد. هدف آموزش تطابق موصوف و صفت از نظر جنس، عدد، معرفه و نکره بودن و اعراب نیست. هرچند خود به خود این اتفاق می‌افتد و در خلال قرائت جمله‌ها دانش آموز پی‌می‌برد که تطابقی وجود دارد، اما آموزش مطابقت موصوف و صفت از اهداف آموزشی نیست.

همچنین آموزش اینکه مضاف ال و تنوین و نون مثلّ و جمع نمی‌گیرد و مضاف‌الیه مجرور است از اهداف کتاب نیست.

برای فهم ترکیب وصفی و اضافی ابتدا باید دانش آموزان را به آموخته‌هایشان در ادبیات فارسی ارجاع داد.

برای تشخیص ترکیب وصفی از ترکیب اضافی باید به نوع کلمات هر ترکیب توجه داشت.

ترکیب اسم + اسم یک «ترکیب اضافی» و ترکیب اسم + صفت «ترکیب وصفی» است.

شیوه اصلی تشخیص ترکیب وصفی از اضافی تشخیص نوع کلمات ترکیب (از نظر اسم یا صفت بودن) است؛ اما معمولاً شیوه‌های زیر برای تفهیم دانش آموز به کار برده می‌شوند.

با افزودن چیزهایی می‌توان ترکیب وصفی را شناخت.

- ۱ افزودن «تر» یا «ترین» به آخر ترکیب؛ مثال : پسرِ زرنگ، پسر زرنگ تر
- ۲ افزودن فعل ربطی به آخر ترکیب‌ها؛ مثال : پسرْ زرنگ است. پسرْ زرنگ بود.
- ۳ افزودن «ی» یا «بسیار» بین دو کلمه؛ مثال : پسری زرنگ، پسری بسیار زرنگ
اگر با افزودن موارد فوق ترکیب‌ها از نظر معنا صحیح باشند، نوع ترکیب وصفی و در غیر این صورت، اضافی است.

نکته: برای تشخیص اسم و صفت، بیشترین مشکل دانش آموزان در شناخت اسم معنی است، یعنی اسمی که وجود ظاهری ندارد و وجودش وابسته به چیزی دیگر است؛ مثل هوش.

حوالات

گفت‌وگو با مسئول پذیرش هتل از موضوعات پرکاربرد در آموزش مکالمه است و در این درس به این موضوع پرداخته شده است.

تمرین‌ها

تمرین اول: هدف تقویت توانایی دانش آموز در کاربرد واژگان و درک مطلب است. از فراگیر می‌خواهیم هر جمله را بخواند و ترجمه کند. این کار نمره شفاهی او را تشکیل می‌دهد. در این تمرین فراگیر در پی یافتن پاسخ در واژگان درس بر می‌آید. او باید بتواند معنای جملات را بفهمد تا بتواند کلمه مرتبط با معنای آنها را در واژه‌نامه آغازین درس بیابد.

تمرین دوم: هدف تقویت مهارت شناخت فعل است. تذکر مهم اینکه نباید در

امتحانات معنای فعل را به تنها ی و بیرون از جمله خواست. این بخش از کتاب صرفاً به منظور تقویت آموخته هاست. درجه دشواری این تمرين بالاست.

تمرين سوم: هدف تقویت مهارت زبانی خواندن، واژه شناسی و ترجمه است. در همه تمرينات کتاب درست خواندن و درست ترجمه کردن مدد نظر است.

تمرين چهارم تا هفتم: هدف تشخیص انواع فعل است. هرچند تبدیل و ساخت های مختلف فعل مطلوب ما نیست؛ اما توانایی تشخیص و ترجمة درست فعل مدد نظر است. تشخیص نوع فعل و ترجمة درست آن به تدریج موجب می شود تا دانش آموز بتواند فعل نیز بسازد. شیوه درست آموزش نیز همین است که ابتدا باید بتواند درست بشنود و درست بخواند، سپس درست بفهمد و درست ترجمه کند، آنگاه بآنکه معلم از او ساختن را بخواهد ساختن نیز حاصل می شود.

تمرين هشتم: هدف این تمرين نیز مانند چهار تمرين پیشین تقویت مهارت تشخیص انواع فعل است. این تمرين مانند تمرين سوم از آيات قرآن گلچین شده است؛ زیرا یک هدف مهم آموزش عربی فهم قرآن است.

أنواع القرآن

آيات برگزیده از معروف ترین و کاربردی ترین آيات قرآن و در برگیرنده واژگانی اند که دانش آموز تاکنون در کتاب های عربی مشاهده کرده است. از این آيات می توان به عنوان شاهد مثال استفاده کرد.

اجرای این تمرين به عنوان کار در منزل است و اگر دبیر تشخیص دهد که وقت کافی دارد و می تواند در کلاس انجام دهد اختیار آن را دارد.

این تذکر برای تمام بخش های کتاب درسی تحت این عنوان است.

البحث العلمي: هدف تقویت فعالیت های پژوهشی در دانش آموزان است.

یافتن آیه، حدیث، بیت یا سخنی نغز و دلنشیں درباره نعمت های خداوند است. به یاد داشته باشیم درس عربی با همه دروس دیگر فرق اساسی دارد.

زبان این درس فارسی نیست؛ لذا نمی‌توان در بخش پژوهش توقع داشت همانند سایر دروس عمل شود.

حتّی درس عربی با انگلیسی نیز متفاوت است؛ چون در درس عربی هدف اصلی فهم متن است.

ارزشیابی و وسایل کمک آموزشی: می‌توان در این مورد پاورپوینت یا نماهنگ‌های کوتاهی تهیّه کرد و متن درس را به کمک آنها بهتر آموزش داد. می‌توان برای آموزش قواعد از شیوهٔ نمایشی بهره گرفت.

برای مثال، معلم به نوشته‌ای روی تخته اشاره می‌کند و می‌گوید: چون من نمی‌دانم چه کسی این را نوشته است می‌گوییم «**گُتَّبَ عَلَى اللَّوْحِ**». بعد می‌پرسد چه کسی نوشته است و وقتی مطلع شد برای مثال، می‌گوید «**كَتَبَ نَاصِرٌ عَلَى اللَّوْحِ**». می‌توان دانش‌آموزان را پای تخته آورد و از آنها ترجمهٔ فعل خواست.

مثلًاً معنای این فعل‌ها خواسته شود:

كتَبَ، كُتِّبَ، يَكْتُبُ، يُكَتِّبُ، غَسَلَ، غُسِّلَ، يَغْسِلُ، يُغَسِّلُ و ...

ارزشیابی و وسایل کمک آموزشی این درس همانند دروس قبلی است. روش کار یکی است.

دانش افزایی برای دبیر (نه برای دانش‌آموز)

۱ معادل فعل «داد» به عربی می‌شود: **أَعْطَى**، **آتَى**، **سَلَّمَ**; مثال:

گذرنامه‌ام را به او دادم. **أَعْطَيْتُ أَوْ سَلَّمْتُ** جوازی **إِلَيْهِ**.

۲ **يأجوج و مأجوج** نام دو قبیلهٔ وحشی مغول، در اصل چیزی شبیه «یاگوگ و ماگوگ»، «یاهونگ و ماهونگ» یا «یاگوک و ماگوک» بوده است. زاد و ولد قبایل مغول در گذشته بسیار بود و مغلان، دنیا را طی چند مرحله در تاریخ به خاک و خون کشیدند.

۳ فعل مجهول در محاورات روزمره عربی و گویش‌های محلی بر وزن انفعال، ینفعل بسیار آمده است؛ مثال: انقتل: کشته شد، انغلق: بسته شد، انفتح: باز شد، انظلم: ستم شد، انکتب: نوشته شد، انطیخ: پخته شد، انشرب: نوشیده شد و ... جالب اینکه در زبان فارسی گفتاری نیز فعل مجهول مانند فارسی نوشتاری نیست.

۴ ابل به معنای شتران و جمع آن آبال است. این کلمه مفرد از جنس خودش ندارد.
۵ رُزْ به معنای برنج همان الأَرْزُ و برگرفته از یونانی است. در گویش عراقي تِمَنْ گفته می‌شود.

۶ در آیه شرife زیر:
 ﴿إِذْ قَالَ لَأَيْهِ وَ قَوْمَهُ مَا هَذِهِ التِّمَاثِيلُ﴾
 إِذْ رَا مِنْ تَوْاْنَ مَفْعُولٍ بِهِ بِرَأْيِ فَعْلِ مَحْذُوفِ أَذْكُرُ دَانَسْتَ.
 حين قال لأبيه وقومه: ما هذه الأصنام التي صنعتموها، ثم أقمتم على عبادتها ملازمین لها؟

۷ در آیه شرife زیر:
 ﴿جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ﴾
 الْبَيْتُ الْحَرَامُ بَدْلٌ اَزْ الْكَعْبَةِ وَ قِيَامًا مَفْعُولٍ بِهِ دَوْمٌ اَسْتَ.
 ۸ «یوم لك و یوم عليك» در «الدھر یومان یوم لك و یوم عليك» بدل تفصیل از یومان هستند.



الدَّرْسُ السَّادِسُ

درس ششم عربی تخصصی رشته ادبیات و علوم انسانی (۱)

اهداف رفتاری: دانش آموز در پایان این بخش باید بتواند:

- ١ متن درس را درست بخواند، درست بفهمد و درست ترجمه کند.
- ٢ پیام درس را درک کند.
- ٣ به هنگام ضرورت به حکمت‌های درس استشهاد کند.
- ٤ معنای کلمات جدید این درس را از عربی به فارسی بیان کند.
- ٥ معنای اعراب (نقش و حالت کلمه^۱) را درست تشخیص دهد.
- ٦ کلمات معرف و مبني را در حد آموزش کتاب از هم تشخیص دهد. (بیان نوع بناء لازم نیست).

٧ چهار حالت رفع، نصب، جر و جزم کلمات و علامت‌های آنها را در حد آموخته‌های کتاب بشناسد.

- ٨ نقش و اعراب فاعل، مفعول، مبتدا و خبر و مضارف^۲‌الیه را درست تشخیص دهد.
- ٩ در بیان اعراب کلمات مبني نقش آنها را بیان کند. (مثال: فاعل و مبني)
- ١٠ در اعراب صفت تشخیص دهد که تابع موصوفش است.

فرایند آموزش

تمام درس ششم در کتاب «عربی تخصصی رشته ادبیات و علوم انسانی» و کتاب مشترک «عربی زبان قرآن» متفاوت است.

^۱ – نقش و حالت = المثلج الإعرابي

متن درس ششم از کتاب «عربی تخصصی ادبیات و علوم انسانی» درباره جاذبه‌های جهانگردی در ایران است. از هر استان یکی از جاذبه‌هاییش ذکر شده است. جاذبه‌های تاریخی برخی استان‌ها مانند فارس و کرمانشاه بسیار است و برخی استان‌ها کمتر اهمیت دارند. جاذبه‌های گردشگری طبیعی در برخی استان‌ها مانند مازندران، گلستان و گیلان معروف و در برخی استان‌ها مانند ایلام و لرستان با وجود زیبایی بسیار کمتر شهرت دارد.

از آنجا که هدف این بود که از هر استانی یک مورد جاذبه گردشگری ذکر شود؛ لذا چند سطری متن طولانی‌تر شده است. حذف چند سطر متن را کوتاه می‌کرد، اماً موجب رنجش دانش‌آموزانی می‌شد که در این استان‌ها زندگی می‌کنند.

در تصویر متن درس این اماکن آمده است:

مشهد، کوه دماوند، شاه چراغ، حافظیه و سعدیه در شیراز، پاسارگاد، کتبیه بیستون، قلعه فلک الافلاک خرم‌آباد، قلعه والی ایلام، آرامگاه ابن سینا در همدان، آثارهای شوشتر، بادگیرهای یزد

هماهنگی در ترجمة متن درس ششم عربی زبان قرآن رشته ادبیات و

علوم انسانی (۱)

الْمَعَالِمُ الْخَلَابَةُ: آثار جذب

إِنَّ إِيْرَانَ مِنَ الدُّولِ الْجَمِيلَةِ فِي الْعَالَمِ وَ الْمَشْهُورَةِ بِالْكَثِيرِ مِنَ الْمَنَاطِقِ الْخَلَابَةِ وَ الْمَعَالِمِ التَّارِيْخِيَّةِ وَ التَّقَافِيَّةِ؛ وَ فِيهَا صِناعَاتٌ يَدَوِيَّةٌ تَجَذِّبُ السَّائِحِينَ مِنْ كُلِّ الْعَالَمِ. ایران از کشورهای زیبای جهان و مشهور به بسیاری از مناطق جذب و آثار تاریخی و فرهنگی است و در آن صنایع دستی وجود دارد که گردشگران را از همه جهان جذب می‌کند. شهیدت ایران فی السَّنَوَاتِ الْأَخِيرَةِ نُمُواً مَلَحوظًا فِي السِّيَاحَةِ، فَهِيَ تَسْتَطِعُ أَنْ تَحْصُلَ مِنَ السِّيَاحَةِ عَلَى ثَرَوَةٍ عَظِيمَةٍ بَعْدَ النَّفْطِ. يَرَى بَعْضُ السَّائِحِينَ إِيْرَانَ بَلَدًا مُمْتَازًا لِِقْضَاءِ الْعُطُلَاتِ.

ایران در سال‌های اخیر رشد قابل ملاحظه‌ای را در گردشگری شاهد بوده است. ایران می‌تواند از گردشگری ثروت عظیمی را پس از نفت به دست بیاورد. برخی گردشگران، ایران را سرزمینی عالی برای گذراندن تعطیلات می‌بینند.

قامَتْ مُنَظَّمَةُ الْيُونِسْكُو بِتَسْجِيلِ مُدْنٍ وَ مَنَاطِقَ تَقَافِيَةً وَ تَارِيْخِيَّةً إِيرَانِيَّةً فِي قَائِمَةِ التِّرَاثِ الْعَالَمِيِّ؛ لِأَنَّهَا تَجِذِبُ كَثِيرًا مِنَ السَّائِحِينَ إِلَيْهَا.

سازمان یونسکو به ثبت شهرها و مناطق فرهنگی و تاریخی ایران در لیست میراث جهانی اقدام کرده است؛ زیرا ایران بسیاری از گردشگران را به سوی خود جذب می‌کند.
مِنَ الْأَثَارِ وَ الْمَعَالِمِ التَّارِيْخِيَّةِ فِي إِيرَانِ:
از آثار و نشانه‌های تاریخی ایران:

آثار برسپولیس و مقبرتا حافظ و سعدی فارس، (آثار پرسپولیس و دو آرامگاه حافظ و سعدی در استان فارس) و طاق بستان و گنبد بیستون در محوطه کرمانشاه، (و طاق بستان و گنبد بیستون در استان کرمانشاه) و مرقد امام الرضا علیه السلام و مرقد الفردوسی فی مشهد، (و مرقد امام رضا علیه السلام و فردوسی در مشهد) و مرقد امام رضا علیه السلام بدمیانه قم، (و مرقد بانو معصومه علیه السلام در شهر قم) و قلعه «فلک الافلاک» فی خرم‌آباد، (و قلعه فلک الافلاک در خرم‌آباد) و قلعه الولی و غابات البلوط فی ایلام (و قلعه والی و جنگلهای بلوط در ایلام) و حمام گنجعلی خان فی محوطه کرمان المشهور بانتاج الفستق و السجاد، (و حمام گنجعلی خان در استان کرمان مشهور به تولید پسته و قالی) و شلالات شوستر و مقبره النبي دانیال علیه السلام فی خوزستان، (و آثارهای شوستر و آرامگاه دانیال پیامبر علیه السلام در خوزستان) و مرقد ابن سینا العالم المشهور فی العالم، و گهف علی صدر و هو من أطول الكهوف المائية فی العالم فی همدان، (و مرقد ابن سینا دانشمند نامدار در جهان و غار علی صدر از بزرگترین غارهای آبی جهان در همدان) و عمارت‌الآتشی فی اصفهان و قد سجلتها منظمة اليونسكو الدولية فی قائمة التراث العالمي، (و ساختمانهای تاریخی در اصفهان که سازمان جهانی یونسکو آن را در لیست میراث جهانی ثبت کرده است). أما المحافظات

الشَّمَالِيَّةُ التَّلَاثُ عَلَى شَاطِئِ بَحْرِ قَزْوِينِ (Caspian) فَرَائِعَةُ بِمَنَاظِرِهَا الْجَمِيلَةِ، فَهِيَ مُنَاسِبَةٌ لِلْبِطَاقَاتِ الْبَرِيدِيَّةِ، وَ كَانَهَا قِطْعَةٌ مِنَ الْجَنَّةِ. (اًمَّا اسْتَانَاهَا شَمَالِيَّ سَهْكَانَهُ بِرَسَاحَلِ دَرِيَّاهُ مَازِنَدَرَانَ بِهِ خَاطِرُ چَشْمِ اَنْدَازَهَا زَيَّايشَانَ جَالِبِ اَنْدَ). آنَهَا مُنَاسِبَةٌ بِرَأْيِيَّ بَرَادَتِ پَسْتَالَهَا وَ گَوَيِّ تَكَهَّاهِي اَزْ بَهْشَتِ اَنْدَ).

لِابْدِ مِنْ تَأْلِيفِ كِتَابٍ عَظِيمٍ لِإِحْصَاءِ مَنَاطِقِ الْجَذِيبِ السِّيَاحِيِّ فِي إِيرَانَ، نَذْكُرُ قَسْمًا آخَرَ مِنْهَا: بِرَأْيِيَّ بَرَشْمَرَدَنَ مَنَاطِقَ دَارَاهِيِّ جَاذِبَهُ گَرْدَشَگَرِيَّ درِيَّانَ نَاكَزِيرَ بِهِ نَوْشَتَنَ كَتابِيَّ بَزَرَگَ هَسْتِيمَ، بِخَشِّ دِيَگَرِيَّ اَزْ آنَهَا رَا ذَكَرَ مِنْ كَنِيمَ:

يَزَدَ وَ حَلَوَيَّاهَا وَ مَنَاطِقُهَا الصَّحَراوِيَّةُ، (يَزَدَ وَ شِيرِينِيجَاتَ وَ مَنَاطِقَ صَحرَاهِيِّ اَشَّ) وَ تَبرِيزَ وَ سَوقُهَا الْمَشْهُورُ بِأَنَّهُ أَكْبَرُ سَوقٍ مُسَقَّفٍ فِي الْعَالَمِ، فِيهِ مَكَانٌ وَاسِعٌ لِبَيْعِ السَّجَاجِيدِ وَ الدَّهَبِ. (تَبرِيزَ وَ بازارِ مشْهُورِشُ كَهِ بَزَرَگَ تَرِينَ بازارِ سَقْفَ دَارِ جَهَانَ اَسْتَ وَ درَ آنَ جَايِيَ وَسِيعَ بِرَاهِيِّ فَروْشِ فَرْشَ وَ طَلاَ وَجُودَ دَارَدَ). وَ مَدِينَهُ قَائِنَ بَلْدُ الدَّهَبِ الْأَحْمَرِ الرَّزْعَفَرَانِ، (وَ شَهَرِ قَائِنِ شَهَرِ طَلَايِ سَرَخِ زَعْفَرَانِ) وَ غَابَهُ حَرَاءِ فِي جَزِيرَهِ قِيمَهُ، (وَ جَنَّلِ حَرَّاً درِ جَزِيرَهِ قِيمَهُ وَ الشَّاطِئِ الصَّخْرِيِّ لِمِينَاهِ شَاهَهَارِ، (وَ سَاحَلِ صَخْرَاهِيِّ بَنَدرِ چَاهِ بَهَهَارِ) وَ گَهْفُ سَهْولَانِ فِي مَهَابَادَ، وَ بُحَيْرَهُ زَرِيَّيَّارِ فِي مَريَوانَ، وَ قَبَهُ سُلطَانِيَّهُ فِي زَنجَانَ، وَ مُتَحَفُّ التُّرَاثِ الرِّيفِيِّ قُرْبَ رَشتَ، وَ بُرجُ مِيلَادِ فِي طَهَرَانَ، (وَ غَارِ سَهْولَانِ درِ مَهَابَادَ، درِيَّاچَهُ زَرِيَّيَّارِ درِ مَريَوانَ، گَنْبَدِ سُلطَانِيَّهُ درِ زَنجَانَ، مَوزَهُ روْسَتَاهِيِّ نَزَديَكِ رَشتَ وَ بُرجُ مِيلَادِ درِ طَهَرَانَ) وَ الْأَنَهَارُ وَ الشَّلَالُوُاتُ وَ الْغَابَاتُ وَ الْعُيُونُ فِي يَاسِوجَ وَ شَهَرِ گَرْدَ، (وَ رُودَهَا، آبِشَارَهَا، جَنَّلَهَا وَ چَشمَهَا درِ يَاسِوجَ وَ شَهَرِ گَرْدَ)، وَ الطَّرِيقُ السِّيَاحِيُّ بَيْنَ مَدِينَتَيِّ أَسَالِمَ وَ خَلَخَالَ، (وَ رَاهِ گَرْدَشَگَرِيِّ مِيَانَ دُو شَهَرِ اَسَالِمَ وَ خَلَخَالَ) وَ حَدِيقَهُ بِشَ مَدِينَتَيِّ بُجَنُورَدَ، (وَ جَنَّلَ بِشَ قَارَداشَ^۱ درِ شَهَرِ بُجَنُورَدَ) وَ غَابَهُ أَبَرِ (السَّحَابَ) فِي شَاهَرَوَدَ، وَ سَوقُ أَراكَ، وَ قَلَعَهُ الْمَوْتَ، وَ مُتَحَفُّ دِلَوَارِيِّ فِي بُوشِهَرَ وَ آلَافُ الْمَنَاطِقِ الْأُخْرَى.

۱- بِشَ قَارَداشَ بِهِ تَرَكَ بِهِ معَنَى پِنْجِ بَرَادَرِ اَسْتَ.

(و جنگل ابر در شاهرود، بازار اراک، قلعه الموت، موزه دلواری در بوشهر و هزاران منطقه دیگر).

فَتَنُوعٌ مَعَالِمٍ إِيْرَانٌ وَاسْتِقْرَارُ الْوَضْعِ الْأَمْنِيِّ فِيهَا يُشَجِّعُ السَّائِحِينَ إِلَى السَّفَرِ إِلَيْهَا لِرُؤْيَاةِ جَمَالِ آثارِهَا وَ طَبِيعَتِهَا الْخَلَابَةِ.

(تنوع آثار ایران و استقرار وضعیت ایمن، گردشگران را به سفر به ایران برای دیدن زیبایی آثار و طبیعت جذابش تشویق می کند).

اعلموا

در عربی زبان قرآن رشته ادبیات و علوم انسانی مغرب و مبني و انواع چهارگانه اعراب نیز تدریس شده است که در کتاب مشترک عربی زبان قرآن (۱) نیست. در مبحث بناء لازم نیست که دانش آموز نوع بناء را در کلماتی مانند ذهبی، یذهبی، لا، فی و علی ذکر کند.

تطابق موصوف و صفت از اهداف این کتاب نیست.

تذکر بسیار مهم؛ به یاد داشته باشیم که در مبحث اعراب کلمات مبني مانند کتاب های گذشته عمل نکنیم؛ مثلاً در اعراب هو سعید. این طور عمل کنیم: هو مبتدا و مبني است. نیازی نیست که گفته شود هو مبتدا و محلًا مرفوع است.

حوالات

گفت و گو در داروخانه موضوعی پرکاربرد در آموزش مکالمه است و در این درس به این موضوع پرداخته شده است. در این بخش نام چند داروی مهم ذکر شده است.

تمرین‌ها

تمرین اول: هدف تقویت توانایی دانش آموز در کاربرد واژگان و درک مطلب است. از فرآگیر می خواهیم هر جمله را بخواند و ترجمه کند. این کار نمره شفاهی او را تشکیل می دهد. در این تمرین فرآگیر در پی یافتن پاسخ در واژگان درس برمی آید. او باید بتواند معنای جملات را بفهمد تا بتواند کلمه مرتبط با معنای آنها را در واژه نامه آغازین درس بیابد. این تمرین مهارت واژه شناسی فرآگیر را تقویت می کند.

تمرین دوم و چهارم: هدف تقویت مهارت شناخت فعل است. تذکر مهم اینکه نباید در امتحانات معنای فعل را به تنها ی و بیرون از جمله خواست. این بخش از کتاب صرفاً به منظور تقویت آموخته‌های است. درجهٔ دشواری این تمرین بالاست.

در تمرین چهارم هدف تشخیص انواع فعل است. هرچند تبدیل و ساختن ساختهای مختلف فعل مطلوب ما نیست؛ اما توانایی تشخیص و ترجمهٔ درست فعل مدد نظر است. تشخیص نوع فعل و ترجمهٔ درست آن به تدریج موجب می‌شود تا دانش‌آموز بتواند فعل نیز بسازد. شیوهٔ درست آموزش نیز همین است که ابتدا باید بتواند درست بشنود و درست بخواند، سپس درست بفهمد و درست ترجمه کند، آنگاه بی‌آنکه معلم از او ساختن را بخواهد ساختن نیز حاصل می‌شود.

تمرین سوم: هدف تقویت مهارت زبانی خواندن، واژه‌شناسی و ترجمه است. در همهٔ تمرینات کتاب درست خواندن و درست ترجمه کردن مدد نظر است. از این تمرین در نگاشت پرسش‌های امتحانی می‌توان بهره برد.

تمرین پنجم: هدف این تمرین، تشخیص اعراب درست کلمات است. باید توجه داشت که چنین سؤالی طرح نشود: رأينا (دو گردشگر را) من أمريكا الوسطى في المتحف. فراگیر فقط باید بتواند اعراب درست را بشناسد و تشخیص دهد. سؤال نیز در امتحان دو گزینه‌ای طرح می‌شود. مسئلهٔ آزمون سراسری یک مسابقه است و نباید آموزش ساده در مدرسهٔ فدای آزمون سراسری شود. برخی از دبیران به بهانهٔ آزمون سراسری سوالات امتحانی را پر از معماً می‌کنند.

اینان به پندار خود در حال خدمت هستند، ولی در اصل بدی می‌کنند؛ زیرا دانش‌آموز را از درس عربی بیزار می‌کنند. وقت دو ساعت در هفته برای تدریس این کتاب است، نه برای کار اضافه بر سازمان آن هم کاری مانند آزمون سراسری که شرایطی مجزاً برای تدریس می‌طلبند.

تمرین ششم: این تمرین یادآور درس اول عربی هفتم است. هرچند در آن کتاب تدریس شده است، ولی اگر تکرار و تمرین نباشد، از حافظهٔ پاک خواهد شد.

تمرین هفتم: هدف شناخت صیغه‌های فعل هاست.

تمرین هشتم: هدف شناخت کلمات معرب و مبني است. تشخیص نوع بناء از اهداف نیست؛ مثلاً در *إِشَهْدُوا* لازم نیست دانشآموز بگوید مبني بر حذف نون است. در *يَجِدُّنْ* ذکر اینکه مبني بر سکون است از اهداف آموزشی نیست.

تمرین نهم: علاوه بر تقویت مهارت خوانش و ترجمه تشخیص *إعراب* کلمات نیز هدف است. از آنجا که دانشآموز هنوز در آغاز راه است؛ لذا کلماتی که با ساختار آموزش داده شده مطابقت دارد رنگی شده است تا مشکل و چالش آموزشی ایجاد نشود. نمی‌توان توقع داشت که دانشآموز آغاز راه همانند دانشجوی رشته زبان و ادبیات عرب *إعراب* کلمات را بگوید.

البحث العلمي

هدف تقویت فعالیتهای پژوهشی در دانشآموزان است. در بسیاری از مناطق ایران جاذبه‌های گردشگری و تاریخی وجود دارد که گاهی اهالی همان استان نیز بی خبرند. موضوع پژوهش در صورت داشتن وقت موضوع جالبی است. به یاد داشته باشیم درس عربی با همه دروس دیگر فرق اساسی دارد. زبان این درس فارسی نیست؛ لذا نمی‌توان در بخش پژوهش توقع داشت همانند سایر دروس عمل شود. حتی درس عربی با انگلیسی نیز متفاوت است چون در درس عربی هدف اصلی فهم متن است.

ارزشیابی و وسائل کمک آموزشی

می‌توان در این مورد پاورپوینت یا نماهنگ‌های کوتاهی تهییه کرد و متن درس را به کمک آنها بهتر آموزش داد.

ارزشیابی و وسائل کمک آموزشی این درس همانند دروس قبلی است. روش کار یکی است.

دانش‌افزایی برای دبیر (نه برای دانشآموز)

- معالم: نشانه‌ها، علائم، آثار [باستانی]، بقایا / معالم عامه؛ خطوط کلی، سیمای کلی
- معلم جمع معالم، علامت را؛ «*خَفِيَّةٌ مَعَالِمُ الطَّرِيقِ*»؛ نشان راه گم شده است

«مَعْلُومُ الشيء»؛ جای چیزی. محدّد المعالم؛ مشخص، آشکار، دارای چارچوب روشن معالم الجريمة؛ آثار جنایت / عُدوان محدّد المعالم؛ تجاوز آشکار، تجاوز صريح - قضاء از جمله کلماتی است که معانی گوناگون دارد:

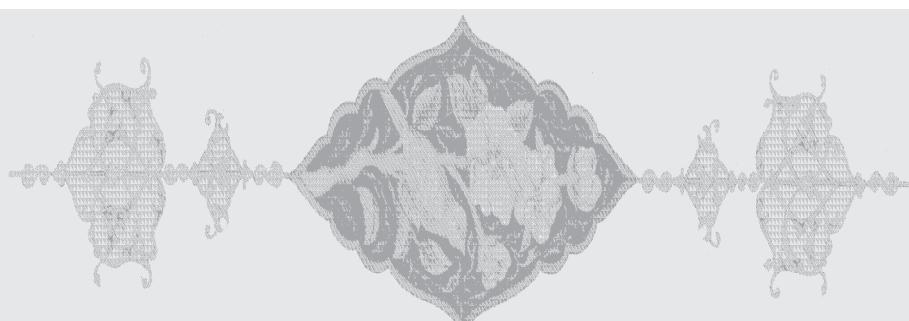
شهرستان، قضاؤت، نابود کردن، انجام دادن، تکمیل، از بین بردن، اجرای عدالت، صادر کردن حکم، حکم، تحمیل کردن، اجابت کردن، پاسخ مثبت دادن به نیاز، پرداخت کردن (دین ، وام و ...)، رأی دادگاه

در اصطلاح برخی کشورها یکی از تقسیمات اداری شهرستان‌هاست که تابع استانداری می‌باشد به معنای فرمانداری.

- بلوط در عربی گستناءة و بَلْوَط گفته می‌شود.
- دریای مازندران در عربی و نیز در بیشتر کشورهای مسلمان دریای قزوین و در غرب دریای کاسپین گفته می‌شود. نام قزوین معرب کاسپین است. کاسپین یادآور نام دو گروه از ایرانیان باستان کاسی‌ها و پین‌هاست. تبدیل کاف به قاف در زبان فارسی تحت تأثیر عربی رایج است؛ مثال:
- کوهستان: فُهستان، کومه: قُم، کرماشان (کرمانشاه): قِرماسان و قَرمَسین، ابرکوه: ابرقو، گند: قند، کارمان یا کهرمان: قهرمان، کندک: خندق و ...
- بَرِيد در عربی برگرفته از نام فارسی بُرید است.

گفته شده است که دم اسبان را می‌بریدند تا تندتر بدوند و بُریده به بَرِيد تبدیل شده است.

بعید نیست واژه POST در انگلیسی نیز همان پوست باشد؛ زیرا بنیانگذار صنعت پست در جهان ایرانیان دوره هخامنشی بودند.



الدَّرْسُ السَّابِعُ مِنْ كِتَابِ «الْعَرَبِيَّةُ لُغَةُ الْقُرْآنِ»
وَ الدَّرْسُ الثَّامِنُ مِنْ كِتَابِ «الْعَرَبِيَّةُ لِلْعُلُومِ الْإِنْسَانِيَّةِ»

درس هفتم کتاب مشترک عربی زبان قرآن (۱) و درس هشتم عربی زبان قرآن رشته ادبیات و علوم انسانی (۱)

اهداف رفتاری: دانشآموز در پایان این درس باید بتواند:

- ۱ متن درس را درست بخواند، درست بفهمد و درست ترجمه کند.
- ۲ پیام آموزشی درس را درک کند.^۱
- ۳ به هنگام ضرورت به حکمت‌های درس استشهاد کند.
- ۴ معنای کلمات جدید این درس را از عربی به فارسی بیان کند.
- ۵ معانی حروف جر را بشناسد.
- ۶ جار و مجرور را در متن و عبارت تشخیص دهد.
- ۷ در کتاب عربی رشته علوم انسانی (نه عربی مشترک) علامت جر را در اسم مجرور به جر تشخیص دهد.
- ۸ نون و قایه را تشخیص دهد و فعل‌هایی را که نون و قایه دارند درست ترجمه کند.

فرایند آموزش

متن درس متنی جذاب است که موجب علاقه‌مندی دانشآموز به یادگیری عربی می‌گردد. تفگر در آفریده‌های خداوند توصیه بزرگان دین است. متن درس هفتم درباره دلفین است. دانشآموز با خواندن این متن در آفریده‌های خداوند می‌اندیشد. خواندن چنین متن‌هایی برای دانشآموزان بسیار جذاب است. در پایان حدیثی از پیامبر اسلام ﷺ زینت‌بخش متن درس شده است. این حدیث درباره دریا و در پیوند با موضوع درس است.

۱- پیام درس درباره تفگر در عجائب آفریده‌های خداوند است.

همانگی در ترجمه متن درس

فِي مَنْ فِي الْبَحَارِ عَجَابُهُ: ای آنکه شگفتی هایش در دریاست.

يُشَاهِدُ أَعْصَاءُ الْأُسْرَةِ فِلَمَا رَأَيْعَا عَنِ الدُّلْفِينِ الَّذِي أَنْقَدَ إِنْسَانًا مِنَ الْعَرَقِ، وَأَوْصَلَهُ إِلَى الشَّاطِئِ.

اعضای خانواده فیلمی جالب را درباره دلفینی که انسانی را از غرق شدن نجات داده و به ساحل رسانده است، می بینند.

حَامِدُ: لَا أَصَدِّقُ؛ هَذَا أَمْرٌ عَجِيبٌ. يُحَيِّرُنِي جِدًّا.

حامد: باور نمی کنم؛ این چیزی شگفت انگیز است. خیلی مرا به حیرت می اندازد.

الْأَبُ: يَا وَلَدِي، لَيْسَ عَجِيبًا؛ لِأَنَّ الدُّلْفِينَ صَدِيقُ الْإِنْسَانِ فِي الْبَحَارِ.

پدر: ای پسرم، عجیب نیست؛ زیرا دلفین دوست انسان در دریاهاست.

صَادِقُ: تَصْدِيقُهُ صَعْبٌ! يَا أَبِي، عَرَفْنَا عَلَى هَذَا الصَّدِيقِ.

صادق: ای پدرم، باور کردنی سخت است، ما را با این دوست آشنا کن.

الْأَبُ: لَهُ ذَاكِرَةٌ قَوِيَّةٌ، وَسَمْعُهُ يَفْوَقُ سَمْعَ الْإِنْسَانِ عَشْرَ مَرَّاتٍ، وَوزْنُهُ يَلْبُغُ ضِعْفَيِ
وزنِ انسان تقریباً، وَهُوَ مِنَ الْحَيَوانَاتِ الْلَّبُونَةِ الَّتِي تُرْضُعُ صغارها.

پدر: حافظه ای قوی دارد و شنواهی اش ۵۰ بار بر شنواهی انسان برتری دارد و وزنش تقریباً دو برابر وزن انسان است و از جانداران پستانداری است که به بچه هایش شیر می دهد.

نُورَا: إِنَّهُ حَيَّانٌ ذَكِيٌّ يُحِبُّ مُسَاعَدَةَ الْإِنْسَانِ! أَلَيْسَ كَذِلِكَ؟

نورا: او جانداری باهوش است که کمک به انسان را دوست دارد! آیا این طور نیست؟

الْأَبُ: نَعَمْ؛ بِالثَّاكِيدِ، تَسْتَطِعُ الدَّلَافِينُ أَنْ تُرْشِدَنَا إِلَى مَكَانٍ سُقُوطِ طَائِرٍ أَوْ مَكَانٍ غَرَقَ سَفِينَةٍ.

پدر: بله؛ البته، دلفین ها می توانند ما را به جای سقوط هوایی مایی، یا جای غرق شدن کشتی ای راهنمایی کنند.

الْأَمْمُ: تُؤَدِّي الدَّلَافِينُ دَوْرًا مُهِمًا فِي الْحَرَبِ وَ السَّلْمِ، وَ تَكْشِفُ مَا تَحْتَ الْمَاءِ مِنْ عَجَابٍ وَ أَسْرَارٍ، وَ تُسَاعِدُ الْإِنْسَانَ عَلَى اكْتِشافِ أَمَاكِنِ تَجْمُعِ الْأَسْمَاكِ.

مادر: دلفین‌ها نقش مهمی در جنگ و صلح ایفا می‌کنند و آنچه را زیر آب است از شگفتی‌ها و رازها کشف می‌کنند و به انسان در یافتن جاهای گرد هم آمدن ماهیان کمک می‌کنند.

صادق: رَأَيْتُ الدَّلَافِينَ تُؤَدِّي حَرَكَاتٍ جَمَاعِيَّةً؛ فَهُلْ تَتَكَلَّمُ مَعَّاً؟

صادق: دلفین‌ها را دیده‌ام که حرکت‌های گروهی انجام می‌دهند، آیا با هم سخن می‌گویند؟

الْأَمْ: نَعَمْ؛ قَرَأْتُ فِي مَوْسُوَةٍ عِلْمِيَّةٍ أَنَّ الْعُلَمَاءَ يُؤَكِّدُونَ أَنَّهَا تَسْتَطِيعُ أَنْ تَتَكَلَّمَ بِاسْتِخْدَامِ أَصْوَاتٍ مُعَيَّنَةٍ، وَ أَنَّهَا تُعْنِي گَالْطَّيُورِ، وَ تَبَكِي گَالْأَطْفَالِ، وَ تَصْفُرُ وَ تَضَحَّكُ گَالْإِنْسَانِ.

مادر: بله؛ در دانشنامه‌ای علمی خواندم که دانشمندان تأکید می‌کنند که او می‌تواند با به کار گرفتن صداهایی مشخص سخن بگوید و مانند کودکان گریه کند و مانند انسان سوت بزند و بخندد.

نورا: هَلْ لِلَّدَلَافِينِ أَعْدَاءُ؟

نورا: آیا دلفین‌ها دشمن دارند؟

الْأَمْ: بِالْتَّأْكِيدِ، تَحْسَبُ الدَّلَافِينُ سَمَّاكَ الْقِرْشِ عَدُوًا لَهَا، فَإِذَا وَقَعَ نَظَرُهُمْ عَلَى سَمَّاكَ الْقِرْشِ، تَتَجَمَّعُ بِسُرْعَةٍ حَوْلَهَا، وَ تَضَرِّبُهَا بِأَنْوَفِهَا الْحَادَّةِ وَ تَقْتُلُهَا.

پدر: البته، دلفین‌ها کوسه‌ماهی را دشمن خودشان به شمار می‌آورند و هرگاه نگاهشان به کوسه‌ماهی بیفتند، به سرعت دورش جمع می‌شوند و آن را با بینی‌های تیزشان می‌زنند و می‌گشنند.

نورا: وَ هَلْ يُحِبُّ الدُّلُفِينُ إِلِّيْسَانَ حَقًا؟

نورا: و آیا به راستی دلفین انسان را دوست دارد؟

الْأَمْ: نَعَمْ؛ تَعَالَى نَقْرَأُ هَذَا الْخَبَرَ فِي الْإِنْتِرْنِتِ: ... سَحَبَ تَيَارُ الْمَاءِ رَجْلًا إِلَى الْأَعْمَاقِ بِشِدَّةٍ، وَ بَعْدَ نَجَاتِهِ قَالَ الرَّجُلُ: رَفَعَنِي شَيْءٌ بَغْتَةً إِلَى الْأَعْلَى بِقُوَّةٍ، ثُمَّ أَخَذَنِي إِلَى الشَّاطِئِ وَ لَمَّا عَرَمْتُ أَنَّ أَشْكَرَ مُنْقِذِيِّي، مَا وَجَدْتُ أَحَدًا، وَ لِكِنِّي رَأَيْتُ دُلْفِينًا كَبِيرًا يَقْفِرُ

قربی فی الماءِ بَرَحٍ

پدر: بله؛ بیا این خبر را در اینترنت بخوانیم: ... جریان آب مردی را به شدت به اعماق کشید و آن مرد پس از نجاتش گفت: ناگهان چیزی مرا با زور به بالا برد سپس مرا به ساحل برد و وقتی که تصمیم گرفتم که از نجات دهنده‌ام سپاسگزاری کنم کسی را نیافتم، ولی دلفین بزرگی را نزدیکم دیدم که با شادمانی در آب می‌جهید.

الْأَمْ: إِنَّ الْبَحْرَ وَ الْأَسْمَاكَ نِعْمَةٌ عَظِيمَةٌ مِنَ اللَّهِ.

مادر: بی‌گمان دریا و ماهی‌ها نعمتی بزرگ از خداوندند.

قالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ : الَّتَّهُرُ فِي ثَلَاثَةِ أَشْيَاءِ عِبَادَةٌ: الَّتَّهُرُ فِي الْمُصَحَّفِ وَ الَّتَّهُرُ فِي وَجْهِ الْوَالِدَيْنِ وَ الَّتَّهُرُ فِي الْبَحْرِ.

فرستاده خداوند فرموده است:

نگاه کردن به سه چیز عبادت است: نگاه کردن به قرآن، به چهره پدر و مادر و به دریا. در انتهای هر یک از متون کتاب عربی دهم درک مطلبی تنظیم شده تا دانشآموز آموخته‌های خود را در خلال این تمرین بیازماید.

اعلموا

هدف آموزش معنای حروف جرّ و تشخیص جارّ و مجرور در متن و عبارت است. در کتاب مشترک عربی زبان قرآن و حتّی عربی زبان قرآن رشتۀ ادبیات و علوم انسانی نهادن اعراب جر هدف نیست. در کتاب مشترک عربی زبان قرآن (۱) لازم نیست دانشآموز بیاموزد اعراب صحیح اسم‌های پس از حرف جر چیست.

دانشآموز علاقه‌مند در دانشگاه و در رشتۀ زبان و ادبیات عرب ادامه تحصیل خواهد داد و این ظرایف را خواهد آموخت و عقل حکم می‌کند چنین دانشآموزی در رشتۀ علوم و معارف اسلامی یا ادبیات و علوم انسانی ادامه تحصیل دهد. اما در عربی رشتۀ ادبیات و علوم انسانی لازم است که دانشآموز بتواند علائم جر را بشناسد و در پاسخ به چنین سؤالاتی بتواند درست پاسخ دهد:

صَعْ فِي الْقَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً.

- الْعَرَبِيَّةُ مِنَ الْلُّغَاتِ الرَّسْمِيَّةِ فِي الْأَمْمَ الْمُتَّحِدَةِ.

مُنَظَّمةٌ	مُنَظَّمةٌ	
اللَّهِ	اللَّهُ	- أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ.
هَجْرٌ	هَجْرٌ	- إِنِّي رَأَيْتُ دَهْرًا مِنْ كِ الْقِيَامَةِ.
الشَّجَرُ	الشَّجَرِ	- الْعَالَمُ بِلَا عَمَلٍ كَ بِلَا ثَمَرٍ.
نِصْفَانِ	نِصْفَيْنِ	- سَعِيدٌ قَسْمَ الْمَزَرَعَةِ إِلَى
الْمُسْلِمِينَ	الْمُسْلِمِينَ	- رُبْعُ سُكَّانِ الْعَالَمِ مِنْ

تَرْجِيمُ الْآيَتَيْنِ وَ الْأَحَادِيثِ، ثُمَّ صَعْ خَطًّا تَحْتَ الْجَارِ وَ الْمَجْرُورِ، وَ اذْكُرْ عَلَامَةَ الْجَرِّ.

١ هُوَ أَدْخَلَنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ ﴿النَّمَل﴾ ١٩

٢ هُوَ انْصَرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿آلِ عِمَرَانَ﴾ ١٤٧

٣ أَدْبُ الْمَرْءِ حَيْرٌ مِنْ ذَهَبِهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

حرروف جر، معانی بسیاری دارند. در این کتاب فقط معانی مشهور و پرکاربرد آموزش داده شده است.

در مبحث نون و قایه نیز هدف فقط تقویت توانایی ترجمه صحیح فعلهایی است که نون و قایه دارد. نون و قایه در کتاب درسی فقط به فعل وصل شده است و مثالی از نون و قایه در کلماتی مانند عنی و مینی نیامده است. از طرح سوالاتی که از دانش آموز می خواهد نون و قایه را در جای صحیح به کار ببرد خودداری شود؛ مثال:

تَعْرِفُ+ي = ... إِسْأَلُ+ي = ...

سؤال باید این گونه باشد: ترجمه کنید. أَنْتَ تَعْرِفُنِي؟، إِسْأَلْنِي مَا تُرِيدُ.

در تمرینات کتاب چند فعل به تنهایی آمده است؛ در امتحان این گونه سؤال طرح نشود. همه کلمات باید در دل جمله باشند. تمرینات کتاب صرفاً برای تقویت مهارت شناخت فعل این گونه به کار رفته اند.

علائم جر (-، -، ي در يَن وَيَن) در رشته ادبیات و علوم انسانی آموزش داده می‌شود؛ اما نیازی به ذکر اصطلاحات اعراب اصلی و فرعی نیست. طرح چنین سؤالی نیز مطابق اهداف نیست.

ترجمه کلمه داخل پرانتر را بنویسید. سَلْمَتُ عَلَى (معلمان مرد).

الحوالات

متن مکالمه درس هفتم گفت و گو با مدیر داخلی هتل، یعنی مسئول خدمات است. مسافر مدت طولانی را در اتاق به سر می‌برد و باید با اصطلاحات و چند جمله کوتاه کاربردی در این مورد آشنا شود.

تمرین‌ها

حل تمرینات در کل کتاب بر عهده دانشآموز است و معلم نقش مصحح و راهنمایی دارد. دانشآموز می‌خواند و ترجمه می‌کند و معلم اصلاح می‌کند و نمره شفاهی روحانی نیز در دفتر معلم درج می‌شود. معلم برخی از تمرین‌های نیازمند توضیح را قدری بیشتر توضیح می‌دهد.

تمرین اول (در هر دو کتاب): هدف تقویت توانایی دانشآموز در درک مطلب است. از فراگیر می‌خواهیم جمله‌ها را بخواند و ترجمه کند. و درستی یا نادرستی هر کدام را بر اساس حقیقت معلوم کند.

معلم بر قرائت و ترجمه دانشآموز نظارت می‌کند.

درک مطلب در یادگیری هر زبانی نقشی مهم را ایفا می‌کند.

تمرین دوم (در هر دو کتاب): هدف تقویت مهارت واژه‌شناسی است. بهتر است مشابه این تمرین، در امتحانات طراحی شود.

تمرین سوم و پنجم (در عربی زبان قرآن): هدف تقویت مهارت واژه‌شناسی با تکیه بر فعل است.

تمرین سوم (در عربی علوم انسانی): هدف تقویت مهارت واژه‌شناسی با تکیه بر یادگیری کلمات مترادف و متضاد است.

تمرین چهارم (در عربی مشترک): هدف شناخت و تشخیص جار و مجرور در جمله است. گزینش آیات و احادیث برای این است که فراگیر بداند یک دلیل اصلی یادگیری زبان عربی فهم بهتر قرآن و متون دینی است.

تمرین چهارم (در علوم انسانی): هدف تقویت توانایی ترجمه انواع فعل است.

تمرین پنجم (در علوم انسانی): هدف تقویت توانایی تشخیص جار و مجرور و نیز علامت جر (-، ـ، ي در ين و يين) است. نیازی به ذکر اصطلاحات اعراب اصلی و فرعی نیست.

تمرین ششم و هفتم (در عربی مشترک): هدف تقویت مهارت واژه‌شناسی است و در دروس قبل، درباره اهمیت آن گفته شد.

تمرین ششم (در عربی علوم انسانی): هدف تقویت مهارت واژه‌شناسی با تکیه بر انواع فعل است.

از طرح چنین سؤالاتی در امتحانات و مسابقات خودداری شود.
در امتحان کلمات در جمله قرار داده میشوند.

تمرین هشتم (در عربی مشترک) یا تمرین هفتم (در عربی علوم انسانی): هدف تقویت اندوخته واژگانی دانشآموز است. از آنجا که ترجمه از فارسی به عربی از اهداف کتاب نیست؛ لذا ۲۳ پاسخ روبه‌روی دانشآموز قرار دارد. دانشآموزان حل جدول رمزدار را دوست دارند. رمز جدول «الدهر يومن يومن لك و يوم عليك» این روایت از حضرت علی علیه السلام است.

در این تمرین کلماتی که به هر دلیل کمتر تکرار شده است جا داده شده‌اند.
تمرین نهم و دهم (در عربی مشترک): آیات قرآن و سخنان حکیمانه از پیامبر اسلام علیه السلام و حضرت علی علیه السلام زینت‌بخش این دو تمرین است.

سعی شده است جملات در عین حال که از نظر ساختاری دقیقاً مطابق با اهداف

آموزشی کتاب هستند از نظر مفهومی به روز و قابل فهم برای دانش آموز باشد. در تمرین نهم هدف تعیین نقش کلمات رنگی است. دانش آموز رشته غیر انسانی و معارف در «ذکر الله شفاء القلوب» کافی است بگوید القلوب مضائق‌الیه است و نیازی نیست بگوید مضائق‌الیه و مجرور به کسره است.

تمرین هشتم (در عربی علوم انسانی): هدف قرائت صحیح و ترجمه احادیث است. همچنین باید فراگیر اعراب کلمات رنگی را ذکر کند؛ مثلاً در بیان اعراب ذکر در ذکر الله شفاء القلوب. همین که بگوید ذکر مبتدا و مرفوع به ضمه است کفايت می‌کند. اما نباید تشکیل یا اعراب‌گذاری را از دانش آموزان خواست.

چنین مهارتی در دانشگاه به دانشجویان رشته زبان و ادبیات عرب و مترجمی زبان عربی آموزش داده خواهد شد.

تمرین نهم (در عربی علوم انسانی): هدف این تمرین همان هدف مطرح شده در تمرین هشتم است. فقط تنوعی در طرح سؤال صورت گرفته است.

أَنْوَارُ الْقُرْآنِ

به توضیحات دروس قبل مراجعه شود.

ارزشیابی

روش نمایشی شیوه‌ای مناسب برای آموزش ساختار این درس است. چند دانش آموز عهده‌دار نقشی ارائه شده در درس می‌شوند. می‌توان از روش رادیویی و یا نمایشی هر کدام به اختیار خود استفاده کرد.

در روش رادیویی نیازی به هیچ تدارکاتی نیست و تنها شنیدن صدای بازیگران کافی است. در روش نمایشی بینندگان شاهد اجرای زنده متن درس خواهند بود و طبیعی است که تدارکاتی باید تهیه شود.

دانش افزایی برای دبیر (نه برای دانش آموز)

- ۱ معادل نجات داد به عربی: **أنقذَ، أَنْجَى، نَجَّى، خَلَصَ، إِسْتَنْقَدَ** و ...
- ۲ شاطئ از ریشه «ش ط ء» است.
شطاءً (شطاً و شطواً): کنار دریا راه رفت، در ساحل راهپیمایی کرد.
- ۳ شطاءً: جمع أَشْطَاءٍ: برگ کشت، شاخه تازه نخل مِنَ الشَّجَرِ؛ آنچه که اطراف ریشه درخت روید.
- ۴ ضعف: جمع أَضْعَافٍ يعني دو برابر. ضعفة: او را ناتوان کرد، او را ناتوان شمرد، آن را دو برابر کرد.
- ۵ ضعف: جمع أَضْعَافٍ: «ضَعْفُ الشَّيْءِ»؛ دو برابر هر چیزی یا مانند آن.
- ۶ أَدَّى، يعني دست به ... زد، را انجام داد، اقدام به ... کرد، را عملی کرد ، را تمام کرد (انجام داد). أَدَّى إِلَى: منجر شد به. أَدَّى مُهِمَّةً: مأموریتی را انجام داد. أَدَّى إِلَى العُنْفِ؛ به خشونت گرایید. أَدَّى إِلَى إِجْرَاءِ تَحْقِيقٍ: منجر به انجام یک تحقیقات شد، منتھی به یک رسیدگی شد.
- ۷ كلمه «دور» در درس هفتم به معنای «نقش» است و علاوه بر آن به این معانی نیز به کار می‌رود: تأثیر، نوبت، وظیفه، بار (دفعه)، مدت، دوره، مرحله و ... بالدُورِ به نوبت، دور الوسيط: نقش میانجی، دور حاسم: نقش حساس، دور فاعل: نقش مؤثر
- ۸ سُبحَانَ اللَّهِ (سبحان): مفعول مطلق منصوب بالفتحة و هو مضارف. اللَّهُ لفظ الجلالة، مضارف الیه مجرور بالكسره
- ۹ دِمَشْقَ تَلْفُظُ عَرَبِيٍّ و دِمَشْقَ تَلْفُظُ فَارَسِيٍّ آن است.
- ۱۰ شَرْشَفَ به معنای ملافه ریشه فارسی دارد. شرف از چادرش گرفته شده است. چادرش بیانی چادری که شب هنگام استفاده می‌شود. در گویش عراقي چرچف گفته می‌شود.
- ۱۱ اِتَّصَلَ بِهِ، يعني به او زنگ زد و در گویش عراقي خابَرَهُ و در حجازی دَقَّ عَلَيْهِ به کار می‌رود.

الدَّرْسُ السَّابِعُ

درس هفتم عربی تخصصی علوم انسانی (۱)

اهداف رفتاری: دانش آموز در پایان این بخش باید بتواند:

- ۱ متن درس را درست بخواند، درست بفهمد و درست ترجمه کند.
- ۲ پیام درس را درک کند.
- ۳ به هنگام ضرورت به حکمت های درس استشهاد کند.
- ۴ معنای کلمات جدید این درس را از عربی به فارسی بیان کند.
- ۵ فعل مجهول را در جمله بشناسد و درست ترجمه کند.
- ۶ نایب فاعل و اعراب آن را درست تشخیص دهد.
- ۷ انواع فاعل و نایب فاعل را بشناسد.
- ۸ موصوف و صفت را در جمله درست تشخیص دهد.
- ۹ صفت مؤخر را در جمله تشخیص دهد و درست ترجمه کند.^۱

فرایند آموزش

نفت از مهم‌ترین منابع درآمد ایران است. دانستن اطلاعات علمی در این باره برای دانش آموز سودمند خواهد بود. همانند سفرهای که جز غذای اصلی خوردنی‌های متنوع دیگری نیز بر سر آن است، متن این درس تنوعی جذاب خواهد بود.

۱- منظور از صفت مؤخر صفتی است که پس از مضاف و مضاف‌الیه آمده است؛ مانند الصالحين در «السلام على عبد الله الصالحين» و العزيز در «يا أخي العزيز».

ه‌ماهنگی در ترجمة متن درس هفتم عربی تخصصی علوم انسانی (۱)

هُوَ أَنْشَأْكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَ اسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا هُوَ هُدٌ / ۶۱
او شما را از زمین پدید آورد و خواستار آباد کردنش از شما شد.

صناعةُ النَّفطِ: صنعت نفت

كيفَ نَحْصُلُ عَلَى النَّفطِ؟ يَسْتَخْرُجُ الْإِنْسَانُ النَّفطَ مِنْ بَاطِنِ الْأَرْضِ؛ وَ هَذَا الِاسْتِخْرَاجُ
في بعضِ الأَوْقَاتِ يَسْتَغْرِقُ وَقْتًا طَويلاً، لِأَنَّ الْحَفْرَ يَكُونُ في طَبَقَاتِ الصُّخُورِ.
چگونه نفت را به دست می آوریم؟ انسان نفت را از درون زمین استخراج می کند و
گاهی این استخراج وقت بسیاری میگیرد؛ زیرا حفر در طبقات صخره هاست.
في إيران ثرواتٌ كثيرةٌ في باطن الأرض؛ بلادنا غنيةٌ بالنفطِ والغازِ وهي تصدرُ قِسْماً
منهما إلى البلدان الصناعية.

در ایران ثروت‌های بسیاری درون زمین وجود دارد. کشور ما سرشار از نفت و گاز
است و بخشی از آنها را به کشورهای صنعتی صادر می‌کند.
عَرَفَ الْإِنْسَانُ النَّفطَ مِنْ قَدِيمِ الزَّمَانِ وَ كَانَ يَجْمَعُهُ مِنْ سَطْحِ الْأَرْضِ وَ يَسْتَفِيدُ مِنْهُ
گوقد و لِمُعَالَجَةِ الْأَمْرَاضِ الْجِلْدِيَّةِ.

انسان نفت را از دیرباز شناخته است و آن را از سطح زمین جمع می‌کرد و به عنوان
سوخت و برای درمان بیماری‌های پوستی از آن استفاده می‌کرد.
يَحْفِرُ الْإِنْسَانُ بِئْرًا وَ يَصْبِعُ أَنْبُوبًا فِيهَا. يَصْعُدُ النَّفطُ بِوَاسِطةِ الْأَنْبُوبِ. يُفْتَحُ وَ يُغْلَقُ
الأَنْبُوبُ بِمَفَاتِيحٍ.

انسان چاهی را حفر می‌کند و در آن لوله‌ای می‌گذارد. نفت به وسیله لوله بالا
می‌رود. لوله با کلیدهایی باز و بسته می‌شود.
نَقْلُ النَّفطِ عَبْرَ الْأَنَابِيبِ أَقْلُ خَطَرًا وَ نَفَقَةً مِنْ نَقْلِهِ عَبْرَ نَاقِلاتِ النَّفطِ؛ وَ لِتَسْهِيلِ
نقلِ النفطِ بِواسِطةِ الأنابيبِ عبرَ المُنْحَدَرَاتِ تُسْتَخَدِمُ أَجِهزَةٌ تَقْلِيلِ الضَّغْطِ حَتَّى تَبْقَى
الأنابيب سالمةً.

انتقال نفت از راه لوله‌ها کم خطرتر و کم هزینه‌تر از انتقال آن از راه نفت‌کش‌هاست و برای آسان‌سازی انتقال نفت به وسیله لوله‌ها از سرازیری‌ها دستگاه‌های کاوش فشار استفاده می‌شود تا لوله‌ها سالم بمانند.

لِإِيَّارَنْ تَجَارِبُ كَثِيرَةٌ فِي صِنَاعَةِ نَقْلِ النَّفْطِ عَبْرَ الْأَنَابِيبِ وَ هِيَ مِنْ أَكْبَرِ الدُّولِ الْمُصَدِّرَةِ لِلنَّفْطِ وَ أَنْجَحُهَا فِي مَدْخُوطِ الْأَنَابِيبِ وَ صِيَانَتِهَا مِنْ أَمَاكِينِ الْإِنْتَاجِ إِلَى أَمَاكِينِ الْإِسْتِهلاَكِ. ایران تجربه‌های بسیاری در صنعت انتقال نفت از راه لوله دارد و از بزرگ‌ترین کشورهای صادرکننده نفت و موفق‌ترین آنها در کشیدن خطوط لوله و نگهداری آنها از مکان‌های تولید تا مکان‌های مصرف است.

عَلَى امْتِدَادِ الْأَنَابِيبِ تَوَجُّدُ أَعِمَدةٌ اِتِّصالاتٌ كَمَحَاطَاتٍ إِنْذَارٍ، وَ لَوْحَاتٌ تَحْذِيرِيَّةٌ بِاللَّوْنِ الْأَصْفَرِ تُحَذِّرُ الْمُواطِنِيْنَ مِنْ حَرْقِ الْأَرْضِ لِبِنَاءِ عِمَارَةٍ أَوْ لِلِّزْرَاعَةِ؛ وَ تَجْبُ عَلَى كُلُّ مُواطِنٍ صِيَانَةُ هَذِهِ الْأَنَابِيبِ وَ الِاتِّصالُ بِالشَّرِكَةِ عِنْدَ مُشَاهَدَةِ الْخَطَرِ.

در امتداد لوله‌ها دکل‌های مخباراتی به عنوان ایستگاه‌های هشدار وجود دارند و تابلوهای هشدار به رنگ زرد هم‌میهنان را از کندن زمین برای ساخت ساختمان یا کشاورزی بر حذر می‌دارد و بر هر هم‌میهنه واجب است که از این لوله‌ها نگهداری کند و هنگام دیدن خطر با شرکت [خطوط لوله و مخبارات شرکت نفت] تماس بگیرد. نَحْصُلُ مِنَ النَّفْطِ عَلَى مُشَتَّقَاتٍ كَثِيرَةٍ كَالْبِنْزِينَ وَ الزَّيْوَتِ؛ وَ لِلنَّفْطِ اسْتِعْمَالٌ آخَرُ فِي الصِّنَاعَةِ، فَيُصْنَعُ مِنْهُ الْمَطَاطُ وَ الْعُطُورُ وَ الْأَدْوِيَّةُ وَ مُبِيدَاتُ الْحَسَرَاتِ، وَ موَادُ التَّجمِيلِ وَ مَعْجُونُ الْأَسْنَانِ وَ السَّمَادُ الْكِيمِيَاوِيُّ وَ غَيْرُهَا.

از نفت فراورده‌های بسیاری مانند بنزین و روغن به دست می‌آوریم و نفت در صنعت استفاده دیگری دارد، از آن پلاستیک، عطر، دارو، حشره‌کش، مواد آرایشی، خمیردندان، کود شیمیایی و غیره ساخته می‌شود.

كَيْفَ يُنْقَلُ النَّفْطُ وَ إِلَى أَيْنَ؟ يُنْقَلُ النَّفْطُ مِنَ الْأَبَارِ أَوِ الْمَوَانِئِ إِلَى الْمَصَافِي عَبْرَ الْأَنَابِيبِ. نفت چگونه و به کجا انتقال داده می‌شود؟ نفت از چاه‌ها یا بندرهای پالایشگاه‌ها از راه لوله‌ها منتقل می‌شود.

ئُمَّ تَنْقُلُ التَّاقِلَاتِ مُشْتَقَاتِ النَّفْطِ مِنَ الْمَصَافِي إِلَى مَحَطَّاتِ الْوَقْدِ فِي الْبِلَادِ.
سپس نفت کش‌ها مشتقات نفت را از پالایشگاه‌ها به ایستگاه‌های سوخت در کشور
انتقال می‌دهند.

اعلموا

هدف قواعد درس هفتم عربی علوم انسانی آموزش شناخت و ترجمه فعل مجهول در جملات عربی است. **الفِعْلُ الْمَجْهُولُ فَاعِلٌ** یعنی فعلی که فاعلش مجهول است. لفظ **فَاعِلٌ** بنابر اختصار حذف شده است؛ مانند **الصَّفَةُ الْمُشَبَّهَةُ بِاسْمِ الْفَاعِلِ** که **«باسم الفاعل»** حذف شده است.

نام دیگر این فعل الفعل **المبني للجهول** است که نیازی به ذکر نام آن در تدریس نیست. از آنجا که در زبان فارسی نیز اصطلاح فعل مجهول به کار می‌رود؛ لذا اصطلاح **الفِعْلُ الْمَجْهُولُ** بهتر از الفعل **المبني للجهول** است.

هدف این است که دانشآموز فعل مجهول را در عبارت تشخیص دهد و درست ترجمه کند.

تذکر مهم: در تمرین‌های کتاب، خواسته شده است که فعل‌های گوناگون از جمله فعل مجهول به تنها‌ی ترجمه شود. این موضوع صرفاً یک تمرین است و در ارزشیابی میان نوبت و پایانی باید در جمله باشد.

نیازی به ذکر اصطلاحات نایب فاعل و انواع آن در کتاب عربی غیر رشته علوم انسانی و علوم و معارف اسلامی نیست. اما در دو رشته ادبیات و علوم انسانی و علوم و معارف اسلامی آموزش و ارزشیابی این اصطلاحات از اهداف کتاب است.

در جدول موجود در بخش «اعلموا» حرکت فاء الفعل و عین الفعل با قرمز نمایش داده شده است تا کار معلم در تدریس و کار دانشآموز در یادگیری راحت‌تر شود و نوشته‌های کتاب نیز طولانی نشود.

به یاد داشته باشیم که اغلب دانشآموز درس را یاد می‌گیرد، ولی با گذشت زمان فراموش می‌کند؛ لذا تکرار و تمرین است که موجب ثبیت آموخته‌ها می‌شود. مشکل اصلی در یادگیری بر سر تفهیم مطالب نیست.

تذکر بسیار مهم: به یاد داشته باشیم که در مبحث اعراب کلمات مبنی، مانند کتاب‌های گذشته عمل نکنیم؛ مثلاً در اعراب هُوَ سعیدُ. این طور عمل کنیم. هُوَ مبتداً و مبنی است. نیازی نیست که گفته شود هُوَ مبتداً و محلًاً مرفوع است.

دانستن ضمیر مستتر کمکی به فهم زبان نمی‌کند. در واقع وجود این نوع فاعل از نظر منطق لازم نبوده است و به همین دلیل مذکور نیست. در جملات أذهب إلى بيتي. و إذهب إلى بيتك. اگر وجود فاعل لازم بود ذکر می‌شد و گفتن اینکه فاعل ضمیر مستتر أنا و أنت است، ارزشی در فهم زبان ندارند. از دبیران گرامی درخواست داریم به همین اندازه بسنده کنند که در جمله أذهب إلى بيتي. فاعل ضمیر مستتر است و به ذکر اینکه فاعل ضمیر مستتر أنا است نیازی نیست؛ برای مثال، در جمله «ما جاءَ إلَّا أنا» اگر بخواهیم بگوییم فاعل ضمیر مستتر هو است، غیر منطقی می‌باشد.

فن الترجمة

دانشآموز در درس هفتم کتاب عربی پایه نهم با مبحث ترکیب وصفی و اضافی آشنایی مختصری پیدا کرده است. هدف از این آشنایی صرفاً توانایی فهم و ترجمه ترکیب‌هایی مانند أختي الكبيرة، أخي الأصغر، خاتمُها الْدَّهَبِيُّ، مَرَّعَتُنا الْجَمِيلَةُ وَ عَمَلُك الصالح بود.

توجه داشته باشیم که ترکیب وصفی و اضافی در دو زبان فارسی بسیار شبیه هم هستند. در فارسی گفته می‌شود پنجره خانه و در عربی نافذةُ البيت؛ در فارسی گفته می‌شود «پنجره زیبا» و در عربی «النافذةُ الجميلةُ» پس تقدم و تأخیر وجود ندارد؛ اما در فارسی گفته می‌شود «پنجره زیبای خانه» و در عربی «نافذةُ البيتِ الجميلةُ» هدف این درس تفهیم همین مطلب است که دانشآموز تشخیص دهد «الجميلةُ» صفت

برای «نافذه» است. در ارزشیابی و آزمون سراسری و مسابقات علمی طرح سؤال باید در جمله باشد. طبیعی است که از آنجا که هنوز دانشآموزان با مطابقت موصوف و صفت و ویژگی‌های مضاف و مضاف‌الیه آشنا نشده‌اند، لذا طرح سؤال باید با توجه به آموخته‌های آنان باشد. هدف آموزش تطابق موصوف و صفت از نظر جنس، عدد، معرفه و نکره بودن و اعراب نیست. هرچند خود به خود این اتفاق می‌افتد و در خلال قرائت جمله‌ها دانشآموز پی می‌برد که تطابقی وجود دارد، اما آموزش مطابقت موصوف و صفت از اهداف آموزشی نیست. همچنین آموزش اینکه مضاف ال و تنوین و نون مثنی و جمع نمی‌گیرد و مضاف‌الیه مجرور است از اهداف کتاب نیست.

برای فهم ترکیب وصفی و اضافی ابتدا باید دانشآموزان را به آموخته‌هایشان در ادبیات فارسی ارجاع داد.

برای تشخیص ترکیب وصفی از ترکیب اضافی باید به نوع کلمات هر ترکیب توجه داشت.

ترکیب اسم + اسم یک «ترکیب اضافی» و ترکیب اسم + صفت «ترکیب وصفی» است. شیوه اصلی تشخیص ترکیب وصفی از اضافی تشخیص نوع کلمات ترکیب (از نظر اسم یا صفت بودن) است؛ اما معمولاً شیوه‌های زیر برای تفهیم دانشآموز به کار برده می‌شوند. با افزودن چیزهایی می‌توان ترکیب وصفی را شناخت.

- ۱ افزودن «تر» یا «ترین» به آخر ترکیب؛ مثال: پسر زرنگ، پسر زرنگ تر
- ۲ افزودن فعل ربطی به آخر ترکیب‌ها؛ مثال: پسر زرنگ است. پسر زرنگ بود.
- ۳ افزودن «ی» یا «بسیار» بین دو کلمه؛ مثال: پسری زرنگ، پسری بسیار زرنگ اگر با افزودن موارد فوق ترکیب‌ها از نظر معنا صحیح باشند، نوع ترکیب وصفی و در غیر این صورت اضافی است.

نکته: برای تشخیص اسم و صفت، بیشترین مشکل دانشآموزان در شناخت اسم معنی است، یعنی اسمی که وجود ظاهری ندارد و وجودش وابسته به چیزی دیگر است؛ مثل هوش.

حوارات

گفت و گو با مسئول پذیرش هتل از موضوعات پرکاربرد در آموزش مکالمه است و در این درس به این موضوع پرداخته شده است.

در متن مکالمه عدد مئتان و عشرون به کار رفته است.

هدف توسعه آموزش عدد نیست. همین یک مثال، کافی است که دانشآموز بداند عدهای صد به بالا نیز ساده است و همین که تا صد را می‌داند، نشانگر دانستن بقیه اعداد است.

تمرین‌ها

تمرین اول: هدف تقویت توانایی دانشآموز در کاربرد واژگان و درک مطلب است. از فراگیر می‌خواهیم هر جمله را بخواند و ترجمه کند. این کار نمره شفاهی او را تشکیل می‌دهد. در این تمرین فراگیر در پی یافتن پاسخ در واژگان درس بر می‌آید. او باید بتواند معنای جملات را بفهمد تا بتواند کلمه مرتبط با معنای آنها را در واژه‌نامه آغازین درس بیابد.

تمرین دوم: هدف تقویت مهارت شناخت فعل است. تذکر مهم اینکه نباید در امتحانات معنای فعل را به تنها ی و بیرون از جمله خواست. این بخش از کتاب صرفًا به منظور تقویت آموخته‌هاست. درجه دشواری این تمرین بالاست.

تمرین سوم: هدف تقویت مهارت زبانی خواندن، واژه‌شناسی و ترجمه است. در همه تمرینات کتاب درست خواندن و درست ترجمه کردن مدد نظر است. طرح این سؤال در امتحانات توصیه می‌شود.

تمرین چهارم، پنجم، هشتم، نهم و دهم: هدف تشخیص انواع فعل است؛ هرچند توانایی تشخیص و ترجمه درست فعل هم مدد نظر است. تشخیص نوع فعل و ترجمه درست آن به تدریج موجب می‌شود تا دانشآموز بتواند فعل نیز بسازد. شیوه درست آموزش نیز همین است که ابتدا باید بتواند درست بشنود و درست بخواند، سپس درست بفهمد

و درست ترجمه کند، آنگاه بی‌آنکه معلم از او ساختن را بخواهد ساختن نیز حاصل می‌شود. به خاطر ارزش بالای یادگیری فعل مدام مشابه این تمرینات در کتاب تکرار می‌شود. این تکرار در دو سال آینده نیز ادامه خواهد یافت.

البحث العلمي

هدف تقویت فعالیت‌های پژوهشی در دانش‌آموزان است. یافتن آیه، حدیث، بیت یا سخنی نغز و دلنشین درباره نعمت‌های خداوند است. به یاد داشته باشیم درس عربی با همه دروس دیگر، فرق اساسی دارد. زبان این درس فارسی نیست؛ لذا نمی‌توان در بخش پژوهش توقع داشت همانند سایر دروس عمل شود. حتی درس عربی با انگلیسی نیز متفاوت است چون در درس عربی هدف اصلی فهم متن است. حجم پژوهش چندان مدد نظر نیست. شاید چند سطر پژوهش از چند صفحه بالاتر باشد. اجرای این بخش در کلاس در صورت داشتن فرصت زمانی است.

ارزشیابی و وسائل کمک آموزشی

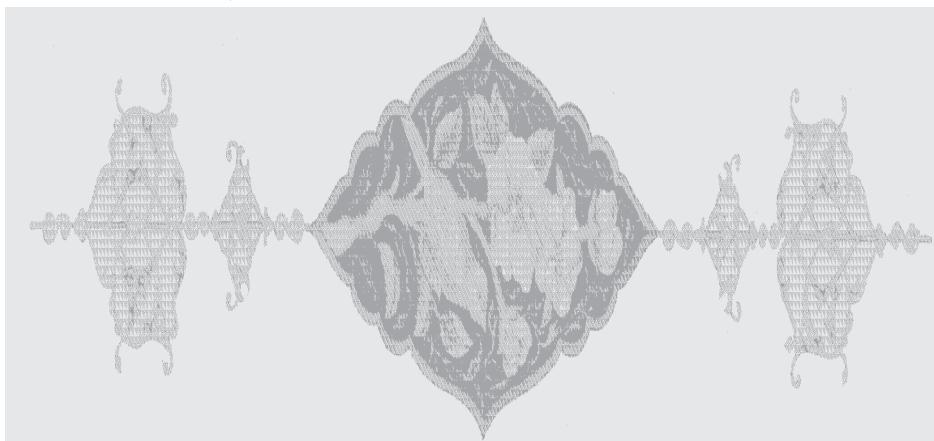
می‌توان در این مورد پاورپوینت یا نماهنگ‌های کوتاهی تهیه کرد و متن درس را به کمک آنها بهتر آموزش داد. می‌توان برای آموزش قواعد از شیوهٔ نمایشی بهره گرفت. برای مثال، معلم به نوشته‌ای روی تخته اشاره می‌کند و می‌گوید چون من نمی‌دانم چه کسی این را نوشته است می‌گوییم «**کِتَبَ عَلَى اللَّوْحِ**». بعد می‌پرسد چه کسی نوشته است و وقتی مطلع شد برای نمونه، می‌گوید «**كَتَبَ نَاصِرٌ عَلَى اللَّوْحِ**». می‌توان دانش‌آموزان را پایی تخته آورد و از آنها ترجمة فعل خواست؛ مثلاً معنای این فعل‌ها خواسته شود:

كَتَبَ، كُتَبَ، يَكْتُبُ، يُكَتَّبُ، غَسَلَ، غُسِلَ، يَغْسِلُ، يُغَسِّلُ و ...

ارزشیابی و وسائل کمک آموزشی این درس همانند دروس قبلی است. روش کار یکی است.

دانش افزایی برای دبیر (نه برای دانش آموز)

- ۱ فعل مجھول در محاورات روزمره عربی و گوییش‌های محلی بر وزن انفعل، ینفعل بسیار آمده است؛ مثال: انتقل (انکتل)؛ کشته شد، انغلق؛ بسته شد، افتح؛ باز شد، انظم؛ ستم شد، انكتب؛ نوشته شد، انطبع؛ پخته شد، انشرب؛ نوشیده شد، انسمع؛ شنیده شد، اخرب؛ خراب شد، انصعن؛ ساخته شد، انجرح؛ زخمی شد و ...
- ۲ إِيل به معنای شتران و جمع آن آبال است. این کلمه مفرد از جنس خودش ندارد.
- ۳ رُزْ به معنای برنج همان الأَرْزُ و برگرفته از یونانی است. در گویش عراقي تِمَّنْ گفته می‌شود.
- ۴ نَفْط و نَفْط هر دو درست هستند. نفت واژه‌ای فارسی است که وارد عربی شده است. در اوستا نپته آمده است.
- ۵ معادل روغن در عربی عبارت است از: زَيْت، دُهْن و سَمَنْ
- ۶ معنای کلمه «انتقال» در فارسی و عربی فرق دارد. در فارسی معنای متعددی و در عربی معنای لازم دارد.
- ۷ آبار جمع بئر است. آبار در اصل أبئار و خلاف قاعده، آبار گفته شده است. در گویش عربی حجازی أبیار می‌گویند.



الدَّرْسُ الثَّامِنُ

درس هشتم عربی زبان قرآن (۱)

اهداف رفتاری: دانشآموز در پایان این درس باید بتواند:

- ۱ متن درس را درست بخواند، درست بفهمد و درست ترجمه کند.
- ۲ پیام درس را درک کند.^۱
- ۳ معنای کلمات جدید این درس را از عربی به فارسی بیان کند.
- ۴ به هنگام ضرورت به حکمت‌های درس استشهاد کند.
- ۵ اسم فاعل، اسم مفعول و اسم مبالغه را در متن و عبارت تشخیص دهد و درست ترجمه کند.

فرایند آموزش

متن درس درباره ملمعات ادب فارسی است. نقش این درس در تبیین یکی از اهداف اصلی آموزش عربی در ایران بسیار ارزشمند است. دانشآموز با خواندن ملمعات شیخ اجل سعدی و لسان الغیب حافظ پی‌می‌برد که زبان و ادبیات فارسی با زبان و ادبیات عربی پیوندی ژرف دارد. هدف این درس، در اصل این است که فraigier متوجه ارتباط میان دو زبان فارسی و عربی شود. مطابق اصل ۱۶ قانون اساسی یکی از اهداف آموزش عربی کمک به فهم بهتر زبان و ادبیات فارسی است.

دو اثر هنری به کار رفته در درس «نقاشی خط» نام دارند.

پس از پایان متن درس، به روای دروس پیشین درک مطلب طراحی شده است که باید درستی، یا نادرستی هر عبارت با توجه به متن درس طراحی شود.

۱- پیام متن اوّل و دوم درس دوستی و عشق به محبوب و ارزش آن است.

صناعة التلميــع في الأدب الفــارــسي

إِنَّ الْلُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ لُغَةُ الْقُرْآنِ وَالْأَحَادِيثِ وَالْأَدْعِيَّةِ فَقَدْ اسْتَفَادَ مِنْهَا الشُّعَرَاءُ الْإِيرَانِيُّونَ وَأَنْشَدَ بَعْضُهُمْ أَبْيَاتًا مَمْزُوِّجَةً بِالْعَرَبِيَّةِ سَمَوْهَا بِالْمُلْمَعِ؛ لِكَثِيرٍ مِنَ الشُّعَرَاءِ الْإِيرَانِيِّينَ مُلْمَعَاتٍ، مِنْهُمْ حَافِظُ الشِّيرازِيُّ وَسَعْدِيُ الشِّيرازِيُّ وَجَلَالُ الدِّينِ الرُّومِيُّ الْمَعْرُوفُ بِالْمَوْلَوِيُّ.

آرایه تلمیــع در ادبیــات فــارــســی

زبان عربی زبان قرآن، احادیث و دعاهاست که شاعران ایرانی از آن استفاده کرده‌اند و برخی از آنان ابیاتی آمیخته به عربی سروده‌اند که آن را ملمع نامیده‌اند؛ بسیاری از شاعران ایرانی ملمعات دارند، از آن جمله حافظ شیرازی، سعدی شیرازی و جلال‌الدین رومی معروف به مولوی.

مُلْمَعُ حَافِظِ الشِّيرازِيِّ لِسَانِ الْعَيْنِ

إِنِّي رَأَيْتُ دَهْرًا مِنْ هَجْرِ الْقِيَامَه
... من روزگار را از دوری تو همچون قیامت دیدم. یا ...
دَارَمْ مِنْ از فِرَاقِشْ در دیده صد علامَه
... آیا این اشکهای چشمم برای ما نشانه نیست؟

مَنْ جَرَّبَ الْمُجَرَّبَ حَلَّتِ بِهِ النَّدَامَه
... هر چند کازمودم از وی نبود سودم
فِي بُعْدِهَا عَذَابٌ فِي قُرْبِهَا السَّلَامَه
... پرسیدم از طبیبی احوالِ دوست گفتا

وَاللَّهِ مَا رَأَيْنَا حُبًّا بِلَا مَلَامَه
... در دوری‌اش عذاب و در نزدیکی‌اش سلامت هست.

حَتَّى يَذُوقَ مِنْهُ كَأسًا مِنَ الْكَرَامَه
گفتم ملامت آید گر گرد دوست گردم
... به خدا عشقی را بدون سرزنش ندیده‌ایم
حافظ چو طالب آمد جامی به جان شیرین
... تا جامی از بزرگواری را از آن بچشد.

مُلْمَعُ سَعْدِيُ الشِّيرازِي

سَلِ الْمَصَانِعَ رَكْبًا تَهِيمُ فِي الْفَلَوَاتِ تو قدر آب چه دانی که در کنارِ فُراتِ
از آب‌انبارها درباره سوارانی که در بیابان‌ها تشنه‌اند پرس ... (المصانع آب‌انبارهایی بودند که مزه
گوارایی نداشتند، ولی برای تشنگان بیابان نعمتی بزرگ بوده است).

شَبِّمْ بِهِ رُؤْيَ تُرْوَزْسْتُ وَ دِيدَهَامْ بِهِ تُرْوَشِنْ وَ إِنْ هَجَرَتْ سَوَاءً عَشَيَّتِي وَ غَدَاتِي
... وَ اَكْرَ [از من] جَدَاهِي گَزِينِي (جدا شوی) شب و روزم برابر می‌شود.

مَضِ الْزَّمَانُ وَ قَلْبِي يَقُولُ إِنَّكَ آتِي اَكْرَ چه دیر بماندم امید بر نگرفتم
... زمان گذشت و دلم می‌گوید قطعاً تو می‌آیی.

اَكْرَ گَلِي بِهِ حَقِيقَتِ عَجَيْنِ آبِ حَيَاةِ
وَ قَدْ تُفَتَّشُ عَيْنُ الْحَيَاةِ فِي الظُّلُمَاتِ من آدمی به جمالت نه دیدم و نه شنیدم
شَبَانْ تِيرَه امیدم به صبح روی تو باشد
... و گاهی چشمۀ زندگی در تاریکی‌ها جست‌وجو می‌شود.

فَكَمْ تُمَرِّرُ عَيْشِي وَ أَنْتَ حَامِلُ شَهْدِ جواب تلخ بدیع است از آن دهان نباتی
چه بسیار زندگی ام را تلخ می‌کنی در حالی که حامل عسل هستی! ...

وَجَدْتَ رَائِحَةَ الْوُدُّ إِنْ شَمَمْتُ رُفَاتِي نه پنج روزه عمرست عشق روی تو ما را
... اگر خاک قبرم (استخوان پوسیده‌ام) را ببوبی، بوی عشق را می‌یابی.

وَصَفْتُ كُلَّ مَلِيْحٍ كَمَا تُحِبُّ وَ تَرْضِي محمد تو چه گویم که ماورای صفاتی
هر بامکی را همان‌گونه که دوست داری و می‌پسندی وصف کردم. ...

أَخَافِ مِنْكَ وَ أَرْجُو وَ أَسْتَغْيِثُ وَ أَدْنُو که هم کمند بلایی و هم کلید نجاتی
از تو می‌ترسم و به تو امید دارم و از تو کمک می‌خواهم و به تو نزدیک می‌شوم. ...

أَحَبَّتِي هَجَرَونِي كَمَا تَشَاءُ عُدَاتِي ز چشم دوست فتادم به کامه دل دشمن
... یارانم از من جدایی گزیدند همان‌طور که دشمنانم می‌خواهند.

فِرَاقِ نَامَهُ سَعْدِي عَجَبَ كَه در تو نگیرد وَ إِنْ شَكَوْتُ إِلَى الطَّيْرِ نُحْنَ فِي الْوُكَنَاتِ
... و اگر به پرندگان شکایت برم در لانه‌هایشان با صدای بلند بگریند و شیون کنند.

اعلموا

۲۲۵

هدف قواعد این درس آشنایی با اسم فاعل و اسم مفعول به دو شکل ناظر، منظور و مُنتظر، مُنتظر است. اصطلاحات ثلاشی مجرّد و مزید در رشته‌های غیر انسانی و معارف نیاز به ذکر ندارد. طرح این قواعد از آنجاکه در زبان فارسی بسیار کاربرد دارد ارزش فراوانی دارد. ساختن این مشتقات مدد نظر نیست. فقط شناختن آنها و درست معنا کردن هدف است. در زبان فارسی این سه مشتق پربسامد هستند؛ لذا آموزش آن چندان دشوار نیست.

الجوارات

خرید سیم‌کارت در سفرهای زیارتی نیاز بسیاری از زائران است. این مکالمه نحوه صحیح گفت‌وگو را آموزش می‌دهد.

تمرین‌ها

تمرین اول: هدف این تمرین، تقویت توانایی درک مطلب است. از فرآگیر می‌خواهیم هر جمله را بخواند و ترجمه کند. حل همه تمرینات بر عهده دانش‌آموز است و معلم فقط نظارت می‌کند. هدف تقویت مهارت خواندن و ترجمه است. دانش‌آموز باید با توجه به متن درس درستی، یا نادرستی عبارت‌ها را معلوم کند.

طراحی این تمرین عمداً ساده صورت گرفته است، شایسته است در امتحان نیز این تسهیل صورت بگیرد.

تمرین دوم تا پنجم: هدف تقویت مهارت واژه‌شناسی است. تمرین سوم افزون بر جنبه واژه‌شناسی ناظر به قواعد درس نیز می‌باشد.

در تمرین پنجم هر جمله علاوه بر اینکه خوانده می‌شود، خواهی نخواهی باید ترجمه نیز شود، هرچند در صورت سؤال ترجمه خواسته نشده است؛ برای اینکه دانش‌آموز بتواند هر کلمه را در جای خالی مناسب قرار دهد، ناگزیر است که معنای عبارت را درک کند. طرح سؤال از این تمرین در امتحانات نیز مناسب است.

تمرین ششم: هدف تثبیت آموخته‌های درس در زمینه قواعد است. گزینش احادیث نشانگر هدف اصلی آموزش عربی در ایران است. سخنان برگزیده می‌تواند در باور و نگرش دانشآموز تغییر حاصل کند.

تمرین هفتم، هشتم و دهم: هدف تقویت قدرت ترجمه انواع فعل است. این تمرینات برای تقویت شناخت و ترجمه فعل طراحی شده است. در امتحان لازم است که ترجمه فعل در داخل جمله خواسته شود. مشابه این تمرینات در کتاب بسیار تکرار شده است و این یکی از امتیازات حُسن تأليف کتاب است. ارزش یادگیری فعل در هر زبانی از جمله عربی بسیار بالاست و در حقیقت مهم‌ترین مبحث در آموزش هر زبانی فعل است.

تمرین نهم: هدف تشخیص نقش کلمات است؛ مثلاً در آیه

﴿لَا يَعْلَمُ مَنِ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا اللَّهُ﴾

کافی است دانشآموز پاسخ دهد کلمه «من» فاعل است و نیازی نیست بگوید فاعل و محلًا مرفوع است.

یا در مورد کلمه «الغیب» کافی است بگوید مفعول است و ذکر اینکه مفعول به و منصوب به فتحه است از اهداف کتاب‌های غیر انسانی و معارف نیست.

أَنوارُ الْقُرآنِ، اِرْزِشِيَابِيٍّ وَ وَسَائِيلِ كَمَكِ آمُوزشِيٍّ

توصیه‌هایی که در دروس پیشین نوشته شد در این درس نیز مصدق دارد.

الْبَحْثُ الْعَلْمِيٌّ

موضوع پژوهش درس هشتم آرایه ادبی تلمیح است.

الْمُعَجَمُ

قام واژگان سه سال گذشته در کنار واژگان پایه دهم در انتهای کتاب ذکر شده است. از آنجا که نقش اصلی ترجمه متون و عبارات بر عهده دانشآموز است، بنابراین،

لغت‌نامهٔ پایان کتاب کامل است تا از این نظر مشکلی برای دانش‌آموز پیش نیاید. نظر به اهمیت فعل در یادگیری هر زبانی تمام فعل‌ها با رنگ قرمز متمایز شده‌اند. این بخش از کتاب برای تدریس نیست.

دانش‌افزایی برای دبیر (نه برای دانش‌آموز)

۱ تلمیع در لغت، یعنی درخشنان کردن. مُلمَع یا تلمیع یا دوزبانگی یکی از آرایه‌های ادبی در علم بدیع است. مُلمَع در اصل به معنای اسب و جز آن است که پوست بدنش دارای لکه‌ها و خال‌هایی غیر از رنگ اصلی باشد.

تلمیع آن است که یک شعر یا سروده در دو زبان یا گاه بیشتر سروده شده باشد. به شعری که به این روش سروده شده باشد شعر مُلمَع گفته می‌شود.

روش سخنوران در بهره‌گیری از این آرایه ادبی این است که پاره‌ای یا بیتی از شعر را به زبانی دیگر می‌سرایند. در ادبیات فارسی این زبان دیگر، بیشتر عربی بوده است. نمونه‌ای از این آرایه با بیش از دو زبان، «سه‌گانه‌های» سعدی است که در آنها بیتی به عربی، بیتی به فارسی و بیتی دیگر به گویش بومی شیرازی سروده شده است.

۲ رَكْب: جمع أَرْكُب و رُكْبُ: شترسواران یا اسب‌سواران، این واژه اسم جمع است و گفته‌اند جمع است.

۳ «قَدْ» حرف است که اختصاص به فعل داده می‌شود به شرط اینکه فعل متصرف، خبری و مثبت و خالی از عامل جزم و نصب باشد. این حرف از فعل جدا نمی‌شود، مگر با قسم که میان آن و فعل فاصله می‌افتد و مضمون آن را تأکید می‌کند. عبارت «قَدْ لَا يَفْعَلُ»: صحیح نیست، صحیح آن «رُبَّمَا لَا يَفْعَلُ»، یا «لَنْ يَفْعَلَ» است؛ گاهی «قَدْ» با فعل مضارع معنای توقع دارد؛ مانند: «قَدْ يَقُولُ الْغَائِبُ الْيَوْمَ» و نیز به معنای تقلیل می‌آید؛ مانند: «قَدْ يَصُدُّ الْكَذُوبُ»؛ یعنی دروغگو کمتر راست می‌گوید و گاهی به معنای تحقیق با فعل ماضی می‌آید؛ مانند: «قَدْ افْلَحَ مَنِ اتَّقَى اللَّهَ» و گاهی برای وصل گذشته به حال می‌آید؛ مانند: «قَدْ قَامَ قُلَانُ» و گاهی معنای بسیار را با فعل مضارع می‌دهد؛ مانند: «قَدْ أَشْهَدُ

الْغَارَةُ الشَّعْوَاءُ تَحْمِلُنِي»؛ يعنى چه بسیار حمله‌های سخت را می‌بینم.

پاسخ پرسش‌های دبیران

مواردی درباره جواز مذکور و مؤنث آمدن فعل

١ كقولك: قام رجال، وقامت رجال. و جاءت الفواطم، و جاء الفواطم ...
و الأفضل التذکیر مع المذكر، و التأنيث مع المؤنث، إلا أن يفصل بينهما بفواصل فحينئذ يكون التأنيث أفضل.

٢ أن يكون الفاعل مؤنثاً حقيقةً مفصولاً بينه، و بين فعله بفواصل، غير (إلا)؛ كقولك:
حضرت المجلس امرأة، و حضر المجلس امرأة ... و التأنيث أصح. فإن كان الفاصل (إلا)، وجب تذکیر الفعل؛ كقولك: ما قام إلا فاطمة.

٣ أن يكون الفاعل مؤنثاً مجازياً ظاهراً. أي: ليس بضمير؛ كقولك:
طاعت الشمس، و طلع الشمس ... و التأنيث أصح.

٤ أن يكون الفاعل مؤنثاً ظاهراً، والفعل (نعم)، أو (بئس)، أو (ساء) التي للذم؛ كقولك:
نعمت هند، و نعم هند. وبئست هند، و بئس هند. و ساءت هند، و ساء هند .. و
التذکیر في ذلك كله أجود.

٥ أن يكون الفاعل ضميراً منفصلاً ممؤنث؛ كقولك: إنما قام هي، و إنما قامت هي. و
الأحسن ترك التأنيث.

٦ أن يكون الفاعل مذكراً مجموعاً بالألف والتاء؛ كقولك:
قام الطلعات، و قامت الطلعات ... و التذکیر أحسن.

٧ أن يكون الفاعل ضميراً يعود إلى جمع تكسير مذكر عاقل؛ كقولك: الرجال جاؤوا، و
الرجال جاءت .. و التذکیر بضمير الجمع العاقل أصح.

٨ أن يكون الفاعل ملحقاً بجمع المذكر السالم؛ كقولك:
قام بنو فلان، و قامت بنو فلان. و من الثاني قوله تعالى:
﴿قَالَ آمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي آمَنْتُ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ﴾ يونس، ٩٠

أن يكون الفاعل اسم جنس جمعيًّ، أو اسم جمع. فالأول كقولك: قال، و قالت العرب، أو الروم، أو الفُرس، أو التُرك. وأورق الشجر، و أورقت الشجر ...
و الثاني كقولك: جاء، و جاءت النسوة، أو النساء، أو القوم، أو الرهط، أو الإبل.
و على الثاني جاء قوله تعالى:

﴿وَ قَالَ نِسْوَةٌ فِي الْمَدِينَةِ﴾ يوسف، ٣٠ ...

فإن تقدم الفاعل على الفعل، وجب تأنيث الفعل؛ كما في قوله تعالى:
﴿مَا بِالنِّسْوَةِ اللَّاتِي قَطْعَنَ أَيْدِيهِنَ﴾ يوسف، ٥٠

نقد و بررسی نحو سنتی و نحو جدید

پیچیدگی‌های نحو و آرای گوناگون نحویان از نخستین سده‌های انتشار زبان عربی، آموزش نحو را با دشواری‌هایی رو به رو ساخته است؛ به همین دلیل، بسیاری از صاحب‌نظران با طرّاحی الگوهای نو و تألیف آثار نوین، تلاش کرده‌اند مشکلات آن را برطرف کنند، یکی از این آثار، کتاب «احیاء النحو» است که در سال ۱۹۳۷ به دست ابراهیم مصطفی در مصر نوشته شد. با انتشار کتاب در آغاز جنبالی به پا ساخت و مورد نقد موافقان و مخالفان قرار گرفت. در سال ۱۹۳۸ وزارت فرهنگ مصر به مشاورت طه حسین و گروهی از زبان‌شناسان انجمنی تشکیل داد تا آسان‌سازی نحو و آرای ابراهیم مصطفی مورد بررسی قرار گیرد، پس از اینکه انجمن، آرای ابراهیم مصطفی یعنی کتاب احیاء النحو را تصدیق نمود، وزارت در صدد تعمیم و توزیع آن در بین کشورهای عربی برآمد تا در این باره از نظر علمای نحوی آن دیار آگاه گردد. دولت عراق، نقد و بررسی این طرح را به شیخ محمد جواد جزائری سپرد، ولی گرایش‌های حوزوی جزائری به نحو قدیم، موجب شد تا طرح جدید را تماماً به دیده عیب و نقص بنگرد و به دلائل مختلف در برابر هریک از بندهای آن جواب ردی ارائه کند و در نتیجه نحو قدیم را بر نحو جدید ترجیح دهد.

در حال حاضر بسیاری از بزرگان صرف و نحو در جهان اسلام خواستار آسان‌سازی و اصلاح در ارائه مباحث دستور زبان عربی شده‌اند.

چهل حدیث با ترجمه شعری از حضرت علی

علی السلام

برای کار در کلاس (تمرین روان‌خوانی و ترجمه احادیث و پیوند با ادبیات فارسی)

۱ قالَ عَلَيْهِ عَلَيْهِ أَحْسِنْ إِلَى الْمُسِيَّ تَسْدَهُ. (تَسْدَهُ)

هر که بد کرد با خود کرد	تو نکویی کن و از آن بگذر
نیکویی کن به بد کننده خویش	کز نکویی شوی بر او مهم‌تر

۲ وَ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ أَدْبُ الْمَرءِ خَيْرٌ مِنْ ذَهَبِهِ.

ادب آموز و مال را بگذار	زینت مرد باشد از ادب‌ش
نzd ارباب دین و دانش هست	ادب مرد بهتر از ذهب‌ش

۳ وَ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ إِخْوَانُ هَذَا الزَّمَانِ جَوَاسِيسُ الْعَيُوبِ.

دوست مشمار آن جماعت را	که به تو یار و آشنا باشند.
دوستان و برادران زمان	جمله جاسوس عیوب‌ها باشند.

۴ وَ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ بَشْرٌ تَفْسَكٌ بِالظَّفَرِ بَعْدِ الصَّبْرِ.

در همه کار صبر باید کرد	که بود صبر از همه بهتر
مزده ۵۵ نفس خویش را آخر	که پس از صبر می‌رسی به ظفر

۵ وَ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ تَوْكِلٌ عَلَى اللَّهِ يَكْفِيكَ.

تکیه بر کار روزگار مکن	تا نسازد ز عمر بیزارت
رو توگل به حضرت حق کن	تا کفایت کند همه کارت

٦ وَ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ تَأكِيدُ الْمُوَدَّةُ فِي الْحُرْمَةِ.

تا بدارند جمله حرمت تو
تا مؤگد شود محبت تو
با همه مردان به حرمت باش
حرمت دوست رانگه می‌دار

٧ وَ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ ثَبَاتُ الْمَلْكِ بِالْعَدْلِ.

هست وابسته ذات ملک به عدل
بود آری ثبات ملک به عدل
ملک اگر باید عدالت کن
ملک ویران شود ز بی‌عدلی

٨ وَ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ ثَوابُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ مِنْ نَعِيمِ الدُّنْيَا.

باید گر ثواب روز جزا
بهتر از جمله نعمت دنیا
در جهان کار آخرت می‌کن
زان که باشد ثواب آن دنیی

٩ وَ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ جَمَالُ الْمَرءِ فِي الْجِلْمِ.

کارها را مدار بر حلب است
زینت و زیب مرد در حلب است
بردباري خوش است مردم را
خواری آمد نتیجه سبکی

١٠ وَ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ جَلِيلُ السَّوْءِ شَيْطَانٌ.

بهره ور شو ز صحبت نیکان
که بود همنشین بد شیطان
در جهان همنشین نیک طلب
دور از همنشین بد می‌باش

١١ وَ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ حَلْبُ الرِّجَالِ الْأَدْبِ.

از لباس ادب مشو عریان
که ادب هست زیور مردان
به حلی ادب محلی شو
سرور اولیا چنین فرمود

۱۲ وَ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ حُرْمَ الْوَفَاءُ عَلَىٰ مَنْ لَا أَصْلَ لَهُ.

در وفا اصل را بسی دخل است
بشنو این را که دارد اصل تمام
هر که بد اصل و بد نهاد بود
هست بر وی وفای اصل حرام

۱۳ وَ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ خَفِ اللَّهُ تَأْمَنْ مِنْ غَيْرِهِ.

هر که او از خدای می ترسد
می ترسد ز کافر و مؤمن
از خداوند ذو الجلال بترس
تا از غیر خدا شوی ایمن

۱۴ وَ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ خَيْرُ الْأَصْحَابِ مَنْ يَذْكُرُ عَلَى الْخَيْرِ.

بر از دوستان بی ایمان
که تو را می برنند جانب دیر
بهترین مصاحبان آن است
که دلالت کند تو را بر خیر

۱۵ وَ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ خَالِفٌ نَفْسَكَ تَسْتَرِجُ.

تابع نفس هر که شد به یقین
می کشد در جهان بسی محنت
کار جز بر خلاف نفس مکن
تا بیایی فراغت و راحت

۱۶ وَ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ خَلِيلُ الْمَرءِ دَلِيلُ عَقْلِهِ.

خرد و عقل هر کسی به جهان
شود از دوستار او معلوم
یار نیکو گزین که می گردد
عقل هر کس زیار او معلوم

۱۷ وَ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ دَوَاءُ الْقَلْبِ الرِّضَا بِالْقَضَاءِ.

هر که دارد ز دهر درد دلی
چاره اش صبر و انقیاد و رضاست
سخن مرتضی علی این است
درد دل را دوا، رضا به قضاست

وَ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ ذَرْ دَارِ مَنْ جَفَاكَ تَخْجِيلًا.

کز جفا نیست جز جفا حاصل
تا شود از جفای خویش خجل

تا توانی به کس جفا نکنی
با جفا کار خود مدارا کن

وَ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ ذَرْ وَاحِدُ كَثِيرٌ، وَ الْأَلْفُ طَاعَةٍ قَلِيلٌ.

طاعت کردگار مغتنم است
طاعت ارشادش هزار کم است

تا توانی دلا به طاعت کوش
یک گنه مرد را بود بسیار

وَ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ رَؤْيَةُ الْحَبِيبِ جَلَاءُ الْعَيْنِ.

موجب ضعف و بی جلایی چشم
دیدن دوست روشنایی چشم

چون ز نادیدن رخ یار است
از رخش دیده بر مدار که هست

وَ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ تَبَهُّ الْعِلْمِ أَعْلَى الرُّتُبِ.

که به تعریف می نیاید راست
گفت بالاترین مرتبه هاست

صاحب علم راست مرتبه ای
رتبه علم را شه مردان

وَ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ زِيَارَةُ الْحَبِيبِ إِطْرَاءُ الْمَحَبَّةِ.

هر که او قدر دوستان داند
دوستی را زیاده گرداند

پرستش دوستان کند همه وقت
رفتن دوستان به دیدن دوست

وَ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ زِينَةُ الْبَاطِنِ خَيْرٌ مِنْ زِينَةِ الظَّاهِرِ.

ظاهر خود چه می کنی طاهر
بهتر از زیب و زینت ظاهر

باطن خویش را مزین ساز
زینت باطن از سر تحقیق

۲۴

وَ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ سِيرَةُ الْمَرْءَ تُبَيَّنُ عَنْ سَرِيرَتِهِ.

آنچه در باطن کسی مخفیست
زود ظاهر شود ز سیرت او
چون خبر می‌دهد به قول امیر
سیرت مرد از سیرت او

۲۵

وَ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ شَرْطُ الْأَلْفَةِ تَرْكُ الْكُلْفَةِ.

گر تو را میل الفت است به کس
تابعش باش تا شود الفت
بگذر از کلفت گذشته که هست
شرط الفت گذشتن از کلفت

۲۶

وَ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ صُمْتُ الْجَاهِلِ سِرْتُهُ.

جاھلان را خموش باید بود
تا نگردد عیوبشان ظاهر
خامشی در زمانه جاھل را
پوشش عیب او شود آخر

۲۷

وَ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ صَاحِبُ الْأَخْيَارِ، تَأْمَنْ مِنَ الْأَشْرَارِ.

هر که خواهد در امان باشد
نيکوان را کند مُصاحب و یار
با کسان نکو مصاحب شو
تا شوی ایمن از همه اشرار

۲۸

وَ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ ضِيَاءُ الْقَلْبِ مِنْ أَكْلِ الْحَالَلِ.

گر تو روشندي حرام مخور
باشد از خوردن حرام، وبال
دائمًا لقمة حلال طلب
هست روشندي ز اكل حلال

۲۹

وَ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ طَالَ عُمُرُ مَنْ قَصْرَ تَعْبُهُ.

در زمانه چه عمر خواهد داشت؟
بر دل آن را که صد علم باشد
عمر آن کس دراز خواهد بود
که و رانج و غصه کم باشد

٣٠ وَ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ طَاعَةُ الْعَدُوِّ هَلَاكٌ.

حال او در جهان چه سان باشد
بى تکلّف هلاک جان باشد

هر که فرمان خصم خویش برد
آدمى را اطاعت دشمن

٣١ وَ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ ظِلْ عُمْرِ الظَّالِمِ قَصِيرٌ.

ور بَوَدْ خَوْدَ بَهْ جَاهِ ظَلَّ اللَّهِ
پایه عمر ظالمان کوتاه

ظِلْ ظَالِمٍ بَسِيْرٍ نَخَواهَدْ بَودْ
سَايِه اش را مکن پناه که هست

٣٢ وَ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ عُسْرُ الْمَرءِ مَقْدِمَةُ الْيُسْرِ.

رفع خواهد شد آن پریشانی
بعد دشواری است آسانی

هر که را حال او پریشان است
مرد را در جهان پر غم و درد

٣٣ وَ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ عَذَرَكَ مَنْ دَلَّكَ عَلَى الْإِسَاءَةِ.

گر تو مرد بهوش و با خردی
که دلالت همی کند به بدی

از فریب کسان مشو غافل
می فریبد تو را یقین آن کس

٣٤ وَ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ فِطْنَةُ الْمَرءِ يَدْلُلُ عَلَى أَصْلِهِ.

هست گویا قصور در قصرش
شاهد است و دلیل بر اصلش

هرکه را نیست طبع و ذات و خرد
مرد را زیرکی و خوش طبعی

٣٥ وَ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ قَوْلُ الْمَرءِ يُخِرِّ عَمَّا فِي قَلْبِهِ.

از بد و نیک آنچه حاصل اوست
هست مُخبر از آنچه در دل اوست

می توان فهم کرد در انسان
زان که قول وحدیث هر مردی

٣٦ وَ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ لَيْنُ الْكَلَامِ قَيْدُ الْقُلُوبِ.

تا نمایی به چشم مردم خوب
سخن نرم هست قید قلوب

تا توانی سخن درشت مگو
سخن نرم گو با مردم

٣٧ وَ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ نَوْرٌ قَبْرَكَ بِالصَّلَاةِ فِي الظُّلُمِ.

از گناهان خویشتن یاد آر
به نماز و نیاز در شب تار

تا به کی خفته‌ای؟ شبی برخیز
قبر خود را ز نور روشن ساز

٣٨ وَ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ وَيْلٌ لِمَنْ سَاءَ خُلُقُهُ وَ قَبْحَ خَلُقُهُ.

ز آتش آن جهان کند دورت
بدی خُلق و زشتی صورت

خلق نیکو و خلقت نیکو
وای آن کس که در جهان بودش

٣٩ وَ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ هَيَاهَاتٌ مِنْ نَصِيحَةِ الْعَدُوِّ.

بشنو این نکته را به وجه حسن
دور باش از نصیحت دشمن

نیکخواهی نیاید از اعدا
دشمنت گر نصیحتی بکند

٤٠ وَ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ يَأْتِيَكَ مَا قَدْرُ لَكَ.

که نگیرد تو را به تقصیرت
آنچه حق کرده است تقدیرت

کرم و لطف حضرت حق بین
به تو خواهد رسید آخر کار

معرفی منابع تخصصی زبان و ادبیات عربی

۱- آموزش زبان عربی

ردیف	نام کتاب	نویسنده	ناشر	سال چاپ
۱	تعلیم اللّغة العاميّة	حبيب تقواي	مشعر - قم	۱۳۹۳
۲	دانشنامه نام‌ها و واژه‌ها	عادل اشکبوس	مدرسه (برهان) در دست چاپ	۱۳۹۵
۳	آموزش زبان عربی از راه بازی و سرگرمی	قاسم کریمی	مدرسه (برهان)	۱۳۸۰
۴	مثل‌های رایج در زبان عربی	هادی صاحبی	مدرسه (برهان)	۱۳۸۱
۵	مضامین مشترک در فارسی و عربی	سید محمد دامادی	دانشگاه تهران	۱۳۷۹
۶	اللغة العربية الحديثة	محمد داعل آذرشب	سمت	۱۳۷۶
۷	الفوائد (دانستنی‌های عربی)	عادل اشکبوس	مؤسسة توسيعه روستایی	۱۳۸۷
۸	الأيام	طه حسين	دار المعارف مصر	
۹	قرائت مطبوعات و استفاده از رادیو و تلویزیون	حامد صدقی	پیام نور	
۱۰	روزنامه و مجلات	رضا ناظمیان	پیام نور	۱۳۸۶
۱۱	المصطلحات المتداولة في الصحافة العربية	محمد رضا عزيزی پور	سمت	۱۳۸۲
۱۲	كتابه الرسائل باللغة العربية و فن التلخيص	سید فضل الله میرقادری	سمت	۱۳۸۵

۲- صرف و نحو

ردیف	نام کتاب	نویسنده	ناشر	سال چاپ
۱	النحو الوافي (۴ جلد)	عباس حسن	دار المعارف مصر	۱۹۱۶
۲	صرف و نحو کاربردی	ابذر عباچی	زوار	۱۳۸۷
۳	صرف و نحو مصور	عادل اشکبوس	مشعر - قم	۱۳۹۱
۴	ترجمه و توضیح الفیه	ابذر عباچی و علی چراغی	پایا	۱۳۷۶
۵	اعداد در زبان عربی	عادل اشکبوس	مدرسه (برهان)	۱۳۸۱
۶	صحيح و معتل	عادل اشکبوس	مدرسه (برهان)	۱۳۸۱
۷	اعراب و بناء	حبیب تقواوی	مدرسه (برهان)	۱۳۸۲
۸	مدّگر و مؤتّث	مهدی ستاریان	مدرسه (برهان)	۱۳۸۴
۹	ضمیر و کاربرد آن	مهرعلی کاظمی نیا	مدرسه (برهان)	۱۳۸۷
۱۰	أنواع مفاعيل	فریبا صادقی مرشد	مدرسه (برهان)	۱۳۸۹
۱۱	حال و تمیز	هادی اخلاقی	مدرسه (برهان)	۱۳۹۱
۱۲	مبادئ العربية (۴ جلد)	رشید شرتوفی	اساطیر	۱۳۷۱
۱۳	جامع الدروس العربية	مصطفی غلائینی	ناصرخسرو	۱۳۶۲
۱۴	الجديد في الصرف والنحو	سید ابراهیم دیباچی	سمت	۱۳۷۷
۱۵	القواعد الأساسية	سید احمد هاشمی	هجرت	۱۳۷۰
۱۶	النحو الواضح	على الجارم و ...	الهام تهران	۱۳۷۷
۱۷	دروس دار العلوم العربية	سعید نجفی اسداللهی	گلشن	۱۳۷۱
۱۸	تحفه احمدیه شرح الفیه	احمد بهمنیار	مرتضوی تهران	۱۳۷۲
۱۹	الجدول في إعراب قرآن و صرفه و بيانه	محمود صافی	مدین قم	۱۳۶۸
۲۰	اعراب القرآن الكريم	محی الدین درویش	کمال الملک	۱۴۲۸
۲۱	آموزش زبان عربی	آذرتاش آذرنوش	مركز نشر دانشگاهی	۱۳۷۶

۱۳۷۱	آستان قدس رضوی	سید محمد رادمنش	نحو برای دانشجو	۲۲
۱۳۵۸	محمدی تهران	رضا روزبه و سیدکاظم موسوی	عربی آسان (۳ جلد)	۲۳
۱۳۶۴	ناصرخسرو	محمد محی الدین عبدالحمید	شرح ابن عقیل (۲ جلد)	۲۴
۱۳۸۴	اخلاق قم	سید هاشم حسینی تهرانی	علوم العربیة	۲۵
۱۳۸۳	فیروزآبادی قم	محمد محی الدین عبدالحمید	قطر الندى و بل الصدى ابن هشام	۲۶
۱۳۸۵	دانشگاه تهران	علی اکبر شهابی	اصول صرف و نحو	۲۷
۱۹۹۱	دار العلم للملائين / استقلال	امیل بدیع یعقوب	موسوعة الصرف و النحو و الإعراب	۲۸
۱۳۷۷	دانشگاه امام خمینی قزوین	متجم عبدالعلی آل بویه لنگرودی	معجم قواعد اللغة العربية ، انطوان دحداح	۲۹
۱۳۸۶	تمامیں - قم	محمد رضا رضوانی خراسانی	اعراب قرآن کریم	۳۰
۱۳۷۰	مکتبة القیام - قم	عبدالغنى الدقر	معجم النحو	۳۱
۱۳۸۹	هخامنش - کرج	علی جان بزرگی	صرف و نحو	۳۲
۱۳۷۵	رهنمای اندیشه	صفاپاخش شیرزاد	آموزش عربی آسان	۳۳
۱۳۸۰	مدرسه(برهان)	عیسی متّقی زاده	راهنمای تجزیه و ترکیب	۳۴
۱۳۸۷	دانشگاه فردوسی	سید حسین سیدی	رویکرد زبان‌شناختی به نحو عربی	۳۵
۲۰۰۷	مکتبة لبنان ناشرون	جورج متّی عبد المسيح	معجم تصریف الأفعال العربیة	۳۶
	دارالکوخ للطباعة والنشر	ابن هشام الانصاری صاحب کتاب مغنى الليبب	شرح شذور الذهب في معرفة کلام العرب	۳۷
۱۳۹۵	انتشارات نظری	مینا جیگاره	شرحی مختصر بر صرف و نحو منظوم (سید حسین کهنموبی)	۳۸
۱۳۹۵	انتشارات نظری	فاضل صاح سارایی ترجمه: مینا جیگاره و زهرا فرید	الگوهای ساختاری و معانی آنها در زبان قرآن	۳۹
۱۳۹۵	انتشارات نظری	فاضل صاح سارایی ترجمه: مینا جیگاره	تفاوت‌های معنایی در نحو کاربردی	۴۰

٣- لغت نامه

ردیف	نام کتاب	نویسنده	ناشر	سال چاپ
١	المنجد في اللغة والأعلام	لويس معلوف	اسماعيليان	
٢	فرهنگ فارسي، عربى	عادل اشكوبوس و صالح عامري	مدرسه(برهان)	١٣٨٩
٣	فرهنگ معاصر عربى، فارسى	آذراتاش آذرنوش	نى	١٣٨١
٤	فرهنگ لاروس عربى، فارسى	سيّد حميد طبیبيان	اميركبير	١٣٦٣
٥	المعجم الوسيط عربى، عربى	ابراهيم مصطفى و ...	المكتبة الإسلامية	٢٠٠٢
٦	الوجيز للمترجم عربى، فارسى و بالعكس	محمد حيدري	تبليغات اسلامي قم	١٣٧١
٧	فرهنگ بزرگ جامع نوين ترجمه المنجد	احمد سياح	اسلام	
٨	فرهنگ فرزان فارسى، عربى	سيّد حميد طبیبيان	فرزان	١٣٧٨
٩	فرهنگ اصطلاحات معاصر	نجفقلی میرزاي	فرهنگ معاصر	
١٠	القاموس الشامل فارسى، عربى	محمد حسن بوذرجمهر	نوفل لبنان	٢٠٠٢
١١	فرهنگ اصطلاحات روز	غفاراني و شيرازي	اميركبير	١٣٦٤
١٢	القاموس المبسط	سهيل سماحة	مكتبة سمير	٢٠٠٧
١٣	المصطلحات المتداولة في الصحافة العربية	محمد رضا عزيزى پور	سمت	١٣٩٠
١٤	فرهنگ دانش آموزی عربى به فارسى	اباذر عباچى و على چراغى	استادى	
١٥	فرهنگ معاصر عربى فارسى	عبدالنبي قيم	فرهنگ معاصر	١٣٨٤
١٦	فرهنگ فارسى عربى	عنایت الله فاتحى نژاد	فرهنگ معاصر	
١٧	فرهنگ نوين ترجمه القاموس العصرى	إلياس أنطوان إلياس بااهتمام سيد مصطفى طباطبائي	اسلاميه	١٣٧٠
١٨	فرهنگ امثال و تعبير عربى فارسى	رضا ناظميان	فرهنگ معاصر	١٣٩٣

۴- مکالمه

ردیف	نام کتاب	نویسنده	ناشر	سال چاپ
۱	الجوارات (۴ جلد)	عادل اشکبوس، علی چراغی و ...	مشعر - قم	۱۳۸۸
۲	المختبر (۱)	عادل اشکبوس، حبیب تقواوی و سید مهدی حسینی کمال آبادی	مشعر - قم	۱۳۹۳
۳	المدخل إلى تعلم اللغة العربية (۴ جلد)	محمد و علی حیدری	دفتر تبلیغات اسلامی، قم	۱۳۷۱
۴	مکالمه و محاضرة	ابراهیم فتح الله	دانشگاه پیام نور	۱۳۸۳
۵	صدی الحياة	مسعود فکری و ...	کانون زبان ایران	۱۳۸۴
۶	گفت و گو	ناصر علی عبدالله	مجمع علمی فرهنگی مجد	۱۳۸۳
۷	تعلیم اللغة العربية	حوزه علمیه قم	پیک فرهنگ	۱۳۸۴
۸	گفت و شنود عربی	سعید شیبانی	پایا	۱۳۸۴
۹	همراه شما در عراق	شاکر عامری و ...	شادرنگ	۱۳۸۶
۱۰	العربية للناشئين ۱۲ جلد	محمود اسماعیل صینی و ...	مدین	۱۳۷۰
۱۱	مکالمه عربی ویژه سفرهای زیارتی	یحیی معروف	مشعر - قم	۱۳۸۷

۵- بлагت

ردیف	نام کتاب	نویسنده	ناشر	سال چاپ
۱	علوم البلاغة	اباذر عباچی	سمت	۱۳۷۷
۲	علم البيان	اباذر عباچی	سخن	۱۳۹۱
۳	گلچینی از جلوه‌های جمال در قرآن	علی چراغی	نسل نواندیش / برادری	۱۳۹۳
۴	جواهر البلاغة	سید احمد هاشمی		۱۳۶۵
۵	معالم البلاغة	محمد خلیل رجایی	دانشگاه شیراز	۱۳۷۲
۶	مختصر المعانی	سعد الدین تفتازانی	دار الفکر قم	۱۳۷۰
۷	اسرار البلاغة	عبدالقاهر جرجانی	دانشگاه تهران	۱۳۷۰
۸	تهذیب البلاغة	عبدالهادی الفضلی	المجمع العلمی الاسلامی	۱۳۶۴
۹	بداية البلاغة	سید ابراهیم دییاجی	سمت	۱۳۶۷
۱۰	معانی و بیان	جلیل تجلیل	مرکز نشر دانشگاهی	۱۳۷۴
۱۱	مختصر المعانی	صدر الدین تفتازانی	دارالفکر ایران قم	۱۳۸۸

۶- تاريخ ادبیات

ردیف	نام کتاب	نویسنده	ناشر	سال چاپ
۱	تاریخ الأدب العربي	حنا الفاخوري	توس	
۲	الوجيز في تاريخ الأدب العربي	أبوالفضل رضائي و على ضيغمى	جهاد دانشگاهی	

۷- متون

ردیف	نام کتاب	نویسنده	ناشر	سال چاپ
۱	المجاني الحديثة	الأب شيخو	ذوى القربى، قم	
۲	شذرات من النصوص العربية ۴ جلد	نادر نظام طهراني	دانشگاه علامه طباطبایی	۱۳۸۱
۳	ترجمه و شرح گزیده المجاني الحديثة	على اکبر نورسیده و على ضيغمى	فقهی. مشهد	۱۳۹۲
۴	ترجمه اشعار المجاني الحديثة	سیدمحمد موسوی بفروی	دانشگاه سمنان	۱۳۹۱

۸- فن ترجمه

ردیف	نام کتاب	نویسنده	ناشر	سال چاپ
۱	فن ترجمه	یحیی معروف	سمت	۱۳۸۱
۲	آین ترجمه	منصوره زرکوب	مان اصفهان	
۳	آموزش ترجمه عربی	حمیدرضا حیدری	فاطمی	۱۳۸۷
۴	فن ترجمه	رضا ناظمیان	دانشگاه پیام نور	۱۳۸۰
۵	ورشة التعریب	عدنان طهماسبی، علانقیزاده	دانشگاه تهران	۱۳۹۰
۶	درآمدی بر مبانی ترجمه فارسی به عربی و عربی به فارسی	عنایت الله فاتحی نژاد، سیدبابک فرزانه مؤسسه فرهنگی انتشاراتی آیه		۱۳۸۰

طرح پشت جلد

تصویر مرقد صحابی بزرگ اسلام سلمان فارسی سلام اللہ علیہ و طاق کسرا زینت‌بخش پشت جلد کتاب درسی شده است.

مقام سلمان فارسی آن قدر بالاست که پیامبر اسلام ﷺ درباره ایشان فرمودند: سلمان مناً أهل البيت.

زادگاهش روستای جی در اصفهان و بنابر روایاتی، رامهرمُز بوده است. مرقد سلمان فارسی سلام اللہ علیہ نزدیک طاق کسراست.

سلمان فارسی پیش از تشرّف به اسلام از رترشتی، روزیه نام داشت. از صحابه ایرانی مشهور پیامبر اسلام ﷺ بود که حضرت محمد ﷺ او را از اهل بیت و سلمان محمدی خواند. او سال‌ها در پی حقیقت به سرزمین‌های گوناگون سفر کرد و در همین سفرها در سرزمینی به برگی درآمد و سپس با کمک حضرت محمد ﷺ آزاد شد. سلمان فارسی حکیمی که خرد و دانش‌های ایرانیان و مسیحیان را می‌دانست از مشاوران حضرت محمد ﷺ، از جمله طراح اصلی حفر خندق در جنگ خندق بود. در زمان حکومت خلیفه دوم و در سال‌های پایانی زندگی خود استاندار مدائین شد. با این حال، زنبیل می‌بافت و از دسترنج خویش روزی می‌خورد. سلمان فارسی، پس از عمری طولانی در سال ۳۶ هجری در شهر مدائین درگذشت. آرامگاه وی در مدائین به بقعه سلمان پاک مشهور است.

سلمان روی کفن خود این شعر را نوشته بود:

وفدت على الكريم بغیر زادٍ	من الحسنات و القلب السليم
و حمل الزادِ أبْجَح كُل شيءٍ	إذا كان الوفود على الكريم

و بی‌هیچ توشه‌ای از نیکی‌ها و قلب سلیم بر [خدای] کریم در آمد.

و توشه‌آوردن زشت‌ترین کار است هنگامی که بر کریم وارد شوی.

تصویر دوم طاق کسرا در نزدیکی مرقد سلمان است. طاق کسرا از آثار تاریخی ایران باستان است. بُحْرُّی شاعر نامدار سوری معروف به ستایش تمدن ایرانیان است. قصيدة معروف او می‌تواند در تغییر نگرش افراد در تصویر عرب از ایران تأثیرگذار باشد.

طاق کسری یا ایوان مدائین برجسته‌ترین یادگار ایران باستان روزگار ساسانیان، در تیسفون واقع در عراق کنونی است. این اثر باستانی در ۳۷ کیلومتری جنوب بغداد در کناره خاوری رود دجله است. طاق کسرا همچنین نزدیک به آرامگاه سلمان فارسی است.

این ویرانه که احتمالاً در زمان شاپور یکم در نیمة دوم سده سوم ساخته شده، نمونه‌ای از ایوان ساسانی است. ایوان آن قطر ۲۵ متر، بلندی ۳۰ متر و عمق نزدیک به ۵۰ متر دارد.

این بنا برای نمایش شکوه و توانمندی ایران ساخته شد تا سفیران ملت‌های دیگر را شیفته کند و به بیگانه هشدار دهد که این زنجیره توان شکستن هر پیکارجویی را دارد. ایوان، تنها یک شکاف حیرت‌انگیز نبود، در اصل آن را یک پرده سنگین زربفت می‌پوشاند که بلندای بسیار و فضای نقش‌های گوناگونش گویای دارایی فراوان بود.

ابو جعفر منصور خلیفه عباسی نخستین کسی بود که کوشید تا آن را ویران کند، ولی در این کار ناکام ماند. ولی از مصالح آن برای بناهای شهر جدید بغداد بهره برد؛ اما از آنجا که در نظر وی حمل مصالح به بغداد از ارزش خود مصالح بیشتر شد از ادامه ویران‌سازی آن خودداری کرد.

ایوان مدائن یا طاق کسری دستمایه سروده‌های فراوانی در ادبیات پارسی به طور عمده با مضمون عبرت است که مشهورترین قصیده از خاقانی شروانی است.

بخشی از قصیده ایوان مدائن خاقانی شروانی:

هان ای دل عبرت بین از دیده عبرت کن هان ایوان مدائن را آئینه عبرت دان

معنای بیت: (آگاه باش، ای دل عبرت بیننده، از آنچه که می‌بینی عبرت‌ها بگیر، ایوان مدائن را آئینه عبرت بدان).

یک ره ز ره دجله منزل به مدائن کن وز دیده دوم دجله بر خاک مدائن ران

خود دجله چنان گرید صد دجله خون گویی کر گرمی خونابش آتش چکد از مژگان

خاقانی ازین درگه، دریوزه عبرت کن تا از در تو زین پس، دریوزه کند خاقان

معنای بیت: (ای خاقانی، از این درگاه عبرت گدایی کن (عبرت بگیر) تا از این پس، بزرگان نیز با دیدن این کاخ به جای مانده عبرت گیرند).

خیام:

آن قصر که با چرخ همی زد پهلو بر درگه آن، شهان نهادندي رو

دیدیم که بر کنگره‌اش فاخته‌ای بنشسته همی گفت که کوکوکو

ملک الشعراي بهار:

عرصه ایوان کسری آشیان بوم شد

تا پس از چندی برون شد یزدگرد شهریار

انوری:

از آسمانه ایوان کسری اندر قدر تو را رفیع‌ترست آستانه درگاه

زمان نیابد جز در عدم تو را بدگوی زمین ندارد جز در شکم تو را بدخواه

